



سلسله نشست‌های
نقش رهبران دینی در
پیشگیری از خشونت
علیه کودکان

نشست سوم

از دواج زودهنگام و اجباری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همایش علمی
نقش رهبران دینی در
پیشگیری از خشونت
علیه کودکان



نشست سوم با موضوع

از دواج زودهنگام و اجباری

تهران / آبان ۱۳۹۳

عنوان کتاب:

همایش علمی نقش رهبران دینی در پیشگیری از خشونت علیه کودکان

نشست سوم با موضوع:

ازدواج زودهنگام و اجباری

دبیر اجرایی



مظفر الوندی

دبیر علمی



دکتر محمد روشن

اردیبهشت ۱۳۹۶

جلد ۵۰۰

سیدجواد مسیبی

سال انتشار:

تیراژ:

صفحه آرای و طراحی:

نشست سوم:

ازدواج زود هنگام و اجباری

همکاران علمی

الف: اساتید دانشگاه

مصطفی اجتهادی / محسن اسماعیلی / حمیدرضا بصیری / شهلا پاکدامن / لیلی پناغی / محسن دهقانی / بهزاد رضوی فرد / محمد روشن / امیرحمزه زینالی / باقر شاملو / کارینه طهماسیان / مهدی طهرانچی / علیرضا عالی پناه / فائزه عظیمزاده / ماهرو غدیری / حسن فدایی / محسن فرمهبینی / فراهانی / سیدعلی کاظمی / محمدعلی مظاهری / حسن مهرپور / محمدمهدی مقدادی / سیدعلیرضا میرکمالی / سیدمسعود نوربخش / یونس یاریجان.

ب: نمایندگان ادیان

آیت الله سیدمحمد موسوی بخنوردی / حجت الاسلام محمدرضا امام / حجت الاسلام حسنعلی علی اکبریان / حجت الاسلام بهمن اکبری / محمود ویسی (اهل سنت) / موبد سهراب هنگامی (زرتشتیان) / موبد مهربان پولادی (زرتشتیان) / همایون سامیح نجف آبادی (کلیمیان) / یونس حمای لاله زار (کلیمیان) / فرزین فرنوشی (کلیمیان) / گرگوریس نرسیسیان (مسیحیان).

ج: سایر همکاران

احسان عباسزاده / انسیه حسینی / فائزه پیمان پاک.

همکاران اجرایی

الف: وزارت دادگستری و مرجع ملی

قاسم جلیلی شانی / سید احمد قائمی / منصور مقاره عابد / مجید اسمعیلی / عیسی بهاری / مریم یوسف صفری / سید جواد مسیبی / رضا صدقی

ب: همکاران دانشگاه شهید بهشتی

محمدرضا سلطانی / بهروز فرهنگی / نورالله فقیهی / مریم فانی / روح الله ابراهیمی / فاطمه میرمحمدی / طیبه نیک کار / علیرضا حیدرپور.

پ: همکاران دفتر یونیسیف

مانلی آقاخان / نازنین عین الیقین / نگین باختری / مختار حسینی.

با تشکر ویژه از پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

محل برگزاری:

هتل سیمرغ



۹ / مقدمه /

۱۱ / بخش اول / افتتاحیه

۱۳ / خیر مقدم و اعلام برنامه

دکتر محمد روشن

۱۷ / بخش دوم / آرایه مقاله و سخنرانی

۱۹ / ازدواج زود هنگام و اجباری

دکتر ماهرو غدیری، مشاور دبیر علمی

۳۱ / ازدواج زود هنگام: پدیده‌ای غیر متعارف؟!

دکتر مصطفی اجتهادی

۵۵ / ازدواج کودکان با تاکید بر پیامدهای سلامت

دکتر لیلی پناغی

۶۹ / ازدواج زود هنگام کودکان؛ چالش و راهکارها

دکتر سید علی کاظمی

۸۵ / رویکرد فقه امامیه و سازوکارهای حمایت از کودکان در ازدواج‌های زود هنگام و اجباری

دکتر سید علیرضا میرکمالی

۱۰۱ / جرم ازدواج با کودک در نظام حقوقی ایران

دکتر فائزه عظیم زاده اردبیلی

۱۱۹ / ازدواج زود هنگام و اجباری از منظر دین یهود

دکتر همایون سامه یح نجف آبادی

دکتر فرزین فرنوشی، عضو کمیته فرهنگی و پژوهشگر دینی انجمن کلیمیان ایران

۱۲۳ / ازدواج زود هنگام و اجباری از منظر دین زرتشت

دکتر مهربان پولادی، انجمن موبدان زرتشتی ایران

۱۲۵ / ازدواج زود هنگام و اجباری از منظر دین مسیحیت

کشیش گریگوریس نرسیسیان، مسئول خلیفه‌گری آرامنه تهران

۱۲۷ / نقش ادیان و عالمان دینی در پیشگیری از خشونت علیه کودکان

دکتر ماهرو غدیری، مشاور دبیر علمی

۱۴۵ / بخش سوم / نقد و بررسی مقالات و سخنرانی‌ها



مقدمه

مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک به عنوان قانونی‌ترین ساختار هماهنگ کننده موضوع کودکان در کشور از زمان تشکیل، به ویژه در سال‌های اخیر، مسائل کودکان را مورد توجه قرار می‌دهد. مرجع بر مباحث مختلف متمرکز شده و دیدگاه‌های گروه‌های مختلف از نهادهای دولتی، غیردولتی و سایر بازیگران عرصه حقوق کودک را استماع می‌کند. البته موضوعات مربوط به کودکان بسیار متنوع و متعدد است و از نظر آماری نیز ۳۰ درصد جمعیت کشور بنا به تعریف کنوانسیون حقوق کودک، کودک محسوب می‌شوند. همواره در گزارش‌های رسمی، گزارش‌های بین‌المللی و داخلی با چالش‌ها و معضلاتی مشابه مواجه بودیم که این موضوعات را دسته‌بندی کردیم. در گزارش‌های اخیر حقوق بشری از جمله گزارش بررسی دوره‌ای جهانی جمهوری اسلامی، در بخش کودکان با قریب به ده موضوع چالش برانگیز روبرو بودیم. هر زمانی که گزارشات بین‌المللی و داخلی در مسائل مرتبط با کودکان مطرح شود، همواره با این ۱۰ چالش همیشگی مرتبط است و باید برای آنها چاره‌ای اندیشید. برخی از این موارد راه‌کارهای قانونی دارد، برخی دیگر مورد ابهام، برخی نیز در حال رفع ابهام هستند و یا نیازمند بحث و بررسی بیشتر است. یکی از برنامه‌های مرجع تمرکز بیشتر بر این موضوعات است. بعضاً وقتی اطلاعات و آماری ارائه یا سؤالاتی طرح می‌شود، با یک خلأ اساسی مواجه هستیم. مسئله مهم این است که مبانی تئوریک را دسته‌بندی نکردیم و در زمان مواجهه با سؤالات متعدد ناچار به اتخاذ موضع انفعالی هستیم.

عنوان نشست، یکی از موضوعات روز مجامع بین‌المللی است. لذا در راستای تبیین موضوع، سلسله نشست‌های حاضر با مشارکت مراکز علمی، دانشگاهی، اندیشمندان و فرهیختگان در رشته‌های مختلف با هدف بررسی دیدگاه‌های مختلف برگزار گردید. خروجی بارش افکار و هم‌اندیشی این جلسات تخصصی در اختیار مسئولین تصمیم‌ساز،

قانون گذار، شورای نگهبان و دیگر دست‌اندرکاران قرار خواهد گرفت تا به یک جمع‌بندی نهایی راجع به این موضوعات برسیم. این استراتژی بخشی از برنامه‌های مستمر شورای هماهنگی مرجع بوده و اعضای شورای هماهنگی در جلسات مختلف مباحث را مطرح می‌کنند و امیدواریم بتوانیم مبانی را در قالب بحث‌های علمی سر و سامان داده و به تدوین نهایی برسیم. در برخی موضوعات شفاف‌سازی و بیان صریح مواضع و اعتقادات ضروری است. در این قسمت نیز نیازمند حمایت و پیگیری اساتید، دانشمندان و اندیشمندان هستیم. برای نیل به این هدف باید فضاهای علمی را گسترش دهیم و صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران با صراحت نظرات و دیدگاه‌های خود را طرح نمایند. علاوه بر تنظیم و جمع‌بندی مبانی تئوریک، از دیگر دغدغه‌های مرجع بحث اطلاعات است. هر روز و هر لحظه اطلاعات مختلفی از وضعیت کودکان، چه از مقامات رسمی و چه از مقامات غیررسمی در کشور منتشر می‌شود. در جایگاه مرجع ملی زمانی که در مقابل سؤالی از قبیل تعداد کودکان خیابانی، تعداد کودکان کار و کودکان بی‌هویت قرار می‌گیریم، عدم دسترسی به آمار موثق و دقیق فرصت ارائه پاسخ مناسب را سلب می‌کند. فقدان آمار صحیح و دقیق منجر به ناتوانی نهادهای متولی در اتخاذ تصمیمات درست می‌شود.

هر از چندگاهی آمارهایی توسط اصحاب رسانه و سایر بخش‌ها ارائه می‌شود و براساس آن، مسئولین تصمیمات غالباً احساسی اتخاذ می‌کنند و نهایتاً هنگام بررسی خروجی با عدم حل مشکل مواجه می‌شویم، در حالیکه فقط از بعد روانی در جامعه تنش به وجود آمده است. از سوی دیگر راه‌اندازی بانک اطلاعاتی، برنامه اصلی مرجع است که اقدامات آن در حال تدوین است. به‌نوعی یک ویکی‌پدیای بومی در کشور است که همه‌ی اطلاعات مربوط به کودکان طبق یک فرمت خاص در فاز اول متمرکز شده و در فاز دوم هم مدیریت حمایت از کودکان از طریق همین سیستم‌های جامع الکترونیکی انجام خواهد شد که امید است تحول مهمی در وضعیت کودکان ایجاد کند. اما امروز اگر مباحثی مطرح می‌شود بر اساس یک سری آمارهای متفرقه است، زیرا اطلاعات موثق نداریم و مسلماً فقدان اطلاعات، باعث عدم اثربخشی تصمیم‌گیری و اقدامات می‌شود.

مظفر الوندی

دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک

بخش اول.....

افتتاحیه

شامل:

– خیر مقدم و اعلام برنامه
دکتر محمد روشن / دبیر علمی نشست



خیر مقدم و اعلام برنامه

دکتر محمد روشن / دبیر علمی و سرپرست پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

همانطور که مستحضرید عنوان نشست، ازدواج زود هنگام و اجباری است. رابطه‌ی این دو ازدواج اصطلاحاً عموم و خصوص من وجه است. گاهی ازدواج زود هنگام، گاهی اجباری است و گاهی اوقات فاجعه در شکل سوم شکل می‌گیرد که هم زود هنگام و اجباری است. براساس آمار یونیسف در جهان ۷۰۰ میلیون نفر در دوران کودکی و ۲۵۰ میلیون نفر از این رقم زیر سن ۱۵ سالگی ازدواج کردند. اما قانون‌گذار ایرانی با تقنینی در سال ۱۳۱۳ کودکان و نوجوانان کشور را مورد حمایت قرار داده است. براساس فقه و حقوق، طرفین عقد باید قصد و اراده داشته باشند و خالی از اجبار و اضطرار و اکراه باشند؛ علی‌القاعده باید بگوییم بر اساس قواعد و اصول فقهی در اسلام اصولاً نباید عقدی ناشی از اجبار، اضطرار و اکراه منعقد بشود. در صورتیکه اجبار باشد یا به گونه‌ای اراده را زائل کرده باشد، عقد باطل است و اگر اکراهی باشد، عقد غیرنافذ خواهد بود. این امر به عنوان اصولی است که در فقه و حقوق در ایران و در اسلام پذیرفته‌ایم. اما در سال ۱۳۱۳ با تصویب ماده‌ی ۱۰۴۱ قانون مدنی، سن ازدواج به ترتیب برای دختران و پسران ۱۵ و ۱۸ سال تمام شمسی تعیین و بر اساس گواهی دادگاه این سن امکان دارد به ۱۳ و ۱۵ هم کاهش پیدا کند. در واقع آن زمان ازدواج برای افراد کمتر از ۱۳ یا ۱۵ سال ممکن نبود. در همین زمینه علاوه بر جرم انگاری، مقرر گردید در صورت تخطی فرد بین ۶ ماه تا ۲ سال حبس تأدیبی دارد. پس از سال ۱۳۱۳، دقیقاً ۴۰ سال بعد قانون‌گذار ایرانی در سال ۱۳۵۳ با تصویب قانون حمایت از خانواده بر اساس ماده‌ی ۲۳، این سن را به ۱۸ و ۲۰ سال افزایش می‌دهد. جالب

است بعدها عهدنامه‌های بین‌المللی با تأخیر قابل توجهی این سن را به عنوان سن ازدواج شناسایی می‌کنند و صرفاً یک استثناء برای دختران و در آن قانون قائل می‌شود که در صورت مصلحت، صرفاً سن دختران در ۱۵ سالگی، قابلیت کاهش برای ازدواج دارند و برای پسران کمتر از ۲۰ سالگی در سال ۱۳۵۳ هیچ تخفیفی داده نمی‌شود. البته شاید خود این نکته مورد انتقاد قرار بگیرد، آیا بافت سنی و ازدواج‌های بومی و سنتی آن دوره و میزان آمادگی ازدواج می‌تواند به عنوان یک هنجار اجتماعی مطرح شود؟ آیا این هنجارهای اجتماعی می‌تواند آسیب‌زا و مشکل‌زا باشد. در خاطرات مادر بزرگ‌ها و حتی مادران حتماً شنیده‌اید مثلاً شناسنامه‌ی خواهر بزرگتر یا خواهر متوفی که ازدواج کرده‌اند ولی ثبت نشده، به دلیل اینکه امکان ازدواج بوده ولی ثبت آن میسر نبوده و همان جرم انگاری پیشین تکرار شده، به عبارتی بین ۶ ماه تا ۲ سال برای افراد زیر ۱۸ و ۲۰ که اقدام به ازدواج کنند، حبس تأدیبی در نظر گرفته شده بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شورای نگهبان براساس ماهیت حقوقی تلاش می‌کند در صورت وجود مغایرت شرعی، آن را اعلام کند. در سال ۱۳۶۱ ممنوعیت موضوع ماده‌ی ۱۰۴۱ قانون مدنی را غیرشرعی اعلام می‌کند و در این قانون ازدواج قبل از سن بلوغ به شرط مصلحت و به تشخیص ولی قهری موکول می‌شود. افرادی ممکن است اعتقادی به ولایت ولی قهری در نکاح دختر باکره رشیده نداشته باشند و ماده‌ی ۱۰۴۱ قانون مدنی را خلاف قول مشهور بدانند و معتقد به عدم ولایت پدر و جد پدری بر دختر باکره رشیده باشند، در اینجا مشکل مضاعف می‌شود و یک بحث علمی بوجود می‌آید: مصلحت را چه کسی باید تشخیص بدهد؟ خود پدر؟ و گاهی اوقات شما مواجه هستید یا در اغلب اوقات اینگونه ازدواج‌های زودهنگام و اجباری توسط والدین به کودکان تحمیل می‌شود. در این قانون دچار یک دور باطل می‌شویم. اما به عنوان قانون، مرجع صدور آراء قضایی است و تعامل‌های مدنی بر اساس آن هنجارسازی می‌شود و این قانون در سال ۱۳۶۱ تصویب می‌شد. سال ۱۳۸۱ ماده‌ی ۱۰۴۱ قانون مدنی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به شکل فعلی اصلاح می‌شد. گاهی اوقات نسبت به اصلاح و نسخ قوانین بحث انتقادی وجود دارد و در حوزه‌ی خانواده متأسفانه برخی قوانینی ۱۲ بار اصلاح و نسخ شده‌اند. بدیهی است این نسخ‌ها و اصلاحات پیاپی چقدر می‌تواند فی نفسه آسیب بزند. براساس یک قانون مدنی، مدنیت جدیدی را تنظیم می‌کنید، که به یکباره در آینده دچار تغییر و تبدل شده‌است. ماده‌ی

۱۰۴۱ قانون مدنی شاهبیت بحث امروز است. در واقع تاکنون حدود ۵ بار محتوای آن اصلاح شد. مفاد مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر می‌دارد: «عقد و نکاح دختر پیش از رسیدن به ۱۳ سال شمسی و پسر پیش از رسیدن به ۱۵ سال شمسی منوط به اذن ولی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح است.» در واقع این نوع قانون‌گذاری یک گام بسیار مثبت محسوب می‌شود زیرا که تشخیص آن صرفاً در صلاحیت انحصاری ولی نبوده و با تشخیص دادگاه صالح اتفاق می‌افتد. مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۱۳۸۱/۴/۱ این قانون را تصویب کرد و در ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده جدید مصوب ۱۳۹۱ جهت عدم رعایت ماده‌ی ۱۰۴۱ قانون مدنی، حبس تعزیری درجه ۶ مقرر شد. البته در ماده‌ی ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی سابق نیز چنین مقرره‌ای لحاظ شده بود. در واقع در سال ۱۳۱۳ پیشگام و پیشرو بودیم و در سال ۱۳۵۳ به نوع دیگر اقدامات حمایتی انجام دادیم.

با وجود انتقادات به نوع اقدام حمایتی در سال ۵۳، لیکن از نظر محتوا با میثاقین و عهدنامه‌های بین‌المللی منطبق بوده‌است. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی با چنین افت و خیز و نوسان‌هایی مواجه هستیم. با این حال اصلاحیه قانون‌گذار در سال ۸۱ مثبت و قابل دفاع است و می‌تواند پاسخگوی نیازهای امروز باشد. امیدوارم تا پایان جلسه امروز به نتایج خوبی برسیم و بتوانیم از مباحث به عنوان زیر ساخت‌های فکری و نگاه‌های علمی برای تدوین قوانین و مقررات و یا ساماندهی بهتر سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی حامی کودکان بهره بگیریم.

ارایه مقاله و سخنرانی

- از دواج زود هنگام و اجباری
دکتر ماهرو غدیری، مشاور دبیر علمی
- از دواج زود هنگام: پدیده‌ای غیر متعارف؟!
دکتر مصطفی اجتهادی
- از دواج کودکان با تاکید بر پیامدهای سلامت
دکتر لیلی پناغی
- از دواج زود هنگام کودکان؛ چالش و راهکارها
دکتر سید علی کاظمی
- رویکرد فقه امامیه و سازوکارهای حمایت از کودکان
در ازدواج‌های زود هنگام و اجباری
دکتر سید علیرضا میرکمالی
- جرم ازدواج با کودک در نظام حقوقی ایران
دکتر فائزه عظیم زاده اردبیلی
- از دواج زود هنگام و اجباری از منظر دین یهود
دکتر همایون سامه یح نجف آبادی
- از دواج زود هنگام و اجباری از منظر دین زرتشت
دکتر مهربان پولادی، انجمن موبدان زرتشتی ایران
- از دواج زود هنگام و اجباری از منظر دین مسیحیت
کشیش گریگوریس نرسیسیان، مسئول خلیفه‌گری ارامنه تهران
- نقش ادیان و عالمان دینی در پیشگیری از خشونت علیه کودکان
دکتر ماهرو غدیری، مشاور دبیر علمی

ازدواج زودهنگام و اجباری^۱

دکتر ماهر و غدیری، مشاور دبیر علمی

تعاریف

ازدواج پیوندی اجتماعی یا قراردادی قانونی است که بین افراد رابطه خویشاوندی ایجاد می کند و نهادی است که در آن روابط بین دو نفر که رابطه ای عاطفی، صمیمانه و جنسی است، بسته به فرهنگ ها و ویژگی های جمعیت شناختی به طرق مختلف مورد شناسایی قرار می گیرد.

علل یا عوامل ازدواج در زمان ها، جوامع و فرهنگ های مختلف متفاوتند: از جمله ارضای غرایز و نیازهای عاطفی و احساسی، توالد یا تناسلی؛ هرچند در این میان نمی توان نقش انگیزه های مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و گاه سیاسی را در ایجاد چنین پیوندی نادیده گرفت.

ازدواج کودکان ازدواج رسمی یا غیر رسمی است که یک طرف کمتر از ۱۸ سال داشته باشد. البته در برخی از کشورها، ازدواج فرد در زیر سن بلوغ یا سن قانونی برای ازدواج - که معمولا کمتر از ۱۸ سال است آ ازدواج کودک محسوب می شود. این سن هم اکنون در ایران ۱۳ سال می باشد که طبق قانون با شرایطی قابل عدول است. ازدواج اجباری ازدواجی است که بدون رضایت آزاد و معتبر یک یا دو طرف شکل می گیرد و متضمن اجبار جسمی و روانی می باشد.

ازدواج زود هنگام با ازدواج اجباری مرتبط است از این جهت که کودکان توانایی ابراز رضایت آگاهانه را ندارند. آنان به دلیل کم سن و سالی عملا درک درستی از ازدواج و آثار آن نداشته و رضایت آنان نمی تواند معتبر باشد. این ازدواج اغلب مورد حمایت عرف، آداب رسوم محلی می باشد.

ازدواجی که توسط والدین ترتیب داده می شود الزاما به مفهوم ازدواج اجباری نیست.

۱- این متن صرفا برای افزایش اطلاعات عمومی شرکت کنندگان در «نشست های تخصصی نقش رهبران دینی در پیشگیری از خشونت علیه کودکان» درباره ازدواج زودهنگام و اجباری توسط مشاور دبیر علمی نشست خانم دکتر ماهر و غدیری تهیه و تدوین شده است.

در این ازدواج اگرچه والدین نقش اساسی را در تربیات ازدواج ایفا می کنند اما ممکن است اجبار مستقیم یا غیرمستقیمی برای پذیرش این ازدواج نسبت به کودک اعمال نشود. البته باید توجه داشت که اجبار الزاما به مفهوم اجبار مستقیم نیست برای مثال تحت فشار قرار گرفتن دختر با گفتن این که امتناع او از ازدواج با خواستگارش به خانواده آسیب می زند نیز متضمن نوعی اجبار غیر مستقیم است

حمایت از کودک در برابر ازدواج زودهنگام یا اجباری در نظام حقوقی ایران

۱- ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مصوت ۱۳۱۳

۸۰ سال پیش، در سال ۱۳۱۳ یعنی ۳۷ سال قبل از این که جامعه بین المللی کنوانسیون مربوط به رضایت به ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج (مصوب ۱۹۶۲ - ۱۳۴۰ شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد) را به تصویب برساند، قانونگذار ایران ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی را تدوین و تصویب نمود که به موجب آن حداقل سن ازدواج دختران را ۱۵ سال و پسران را ۱۸ سال تعیین کرده بود. اما در شرایط خاصی با ارائه گواهی دادگاه این سن می توانست برای دختران به ۱۳ سالگی و پسران به ۱۵ سالگی کاهش یابد.^۲

ضمانت اجرا / در ماده ۳ اصلاحی قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶ نیز آمده بود: «هر کسی بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ ق.م با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است، مزاجت کند به شش ماه تا دو سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد.

در صورتی که دختر به سن ۱۳ سال تمام نرسیده باشد، لاقبل به دو تا سه سال حبس تادیبی محکوم می شود و در هر مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس به جزای نقدی از دو هزار ریال تا بیست هزار ریال محکوم گردد و اگر در اثر ازدواج برخلاف مقررات فوق واقعه منتهی به نقص یکی از اعضاء یا مرض دایم زن گردد، مجازات زوج از پنج تا ده سال حبس با اعمال شاقه است و اگر منتهی به فوت زن شود، مجازات زوج حبس دایم با اعمال شاقه است.

۲- نکاح انات قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. مع ذلک در مواردی که مصالحی اقتضا کند. با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه، ممکن است استثناء معافیت از شرط سن اعطا شود. ولی در هر حال این معافیت نمی تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.

عاقده و خواستگار و سایر اشخاصی که شرکت در جرم داشته اند نیز به همان مجازات با مجازاتی که برای معاون جرم مقرر است، محکوم می شوند.

۲- ماده ۳۳ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳

ماده ۳۳ این قانون سن ازدواج را برای دختران به ۱۸ سال و برای پسران به ۲۰ سال افزایش داد و با گواهی دادگاه در صورت وجود مصلحت فقط برای دختران به ۱۵ سال کاهش می یافت.^۲

ضمانت اجرا / در ادامه همان ماده آمده است «... زن با مردی که برخلاف مقررات این مورد به مجازات های مقرر در ماده ۳ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم خواهد شد».

ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، اصلاحی ۱۳۶۱

در اصلاحات سال ۶۱ قانون مدنی ماده ۱۰۴۱ که ممنوعیت ازدواج کودکان را اعلام می کرد مغایر شرع تشخیص داده شد و نکاح قبل از بلوغ به شرط رعایت مصلحت توسط ولی طفل جایز شناخته شد. در قانون جدید به اجازه از دادگاه نیازی نبود.^۴

ضمانت اجرا / ماده ۳ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶ نیز با تصویب ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نسخ گردید. به موجب این ماده: «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است. چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده برخلاف مقررات ماده ۱۰۶۱ قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید، به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می گردد.» و برای عاقد و خواستگار و موارد نقص عضو یا فوت ناشی از تزویج بر خلاف مقررات ماده ۱۰۶۱ قانون مدنی، ضمانت اجرایی پیش بینی نشد.

ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۸۱

طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ ق.م.د در سال ۱۳۸۱ نقدیم مجلس شد و نهایتاً بر اساس مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۱ تیر ۱۳۸۱ این ماده به این شکل تغییر یافت: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذان ولی به شرط مصلحت با

۲- ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به سن ۳۰ سال تمام ممنوع است. مع ذلک، در مواردی که مصالحی اقتضا کند، استثنائاً در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد، به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است، معافیت از شرط سن اعطا شود.
۴- عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح میباشد.

تشخیص دادگاه صالح.

ضمانت اجرا / ماده ۶۳۶ قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۵
ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ که مجدداً برای نقص عضو و فوت ناشی از واقعه، ضمانت اجرا پیش بینی شد و همینطور برای ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسؤول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه و عاقد نیز مجازات مقرر شد. به موجب این ماده: هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود. هرگاه ازدواج مذکور به واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنچ و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می شود.

تبصره: هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسؤول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است.
ماده ۵۶ هر سردفتر رسمی که بدون اخذ گواهی ... یا برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی به ثبت ازدواج اقدام کند ... به محرومیت درجه چهار موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به سردفتری محکوم می شود.

حمایت از کودک در برابر ازدواج زودهنگام یا اجباری

در اسناد بین المللی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ در ماده ۱۶ مقرر می دارد مردان و زنان در ازدواج و انحلال آن، از حقوقی برابر برخوردارند و همسران آینده، هر دو، باید به ازدواج رضایت کامل و آزادانه داشته باشند.

عهدنامه مربوط به رضایت با ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج ها، مصوب ۱۹۶۳. ماده دو معاهده دولت های عضو را ملزم می کند که حداقل سن ازدواج را به موجب قانون مشخص نمایند و از این سن حداقلی، تنها بتوان با دلایلی جدی و سخت گیرانه و با توجه به منفعت یا مصلحت زوج، صرفنظر نمود. در مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز توصیه نامه ای در راستای اجرای این عهدنامه تصویب شد که محدودیت سنی حداقلی برای ازدواج را ۱۵ سال قرار دادند.

بند ۲ ماده ۳۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ حق ازدواج را مختص مردان و زنانی می‌داند که به سن ازدواج رسیده‌اند این در حالی است که گرچه علاوه بر میثاق، منشور اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و منشور آمریکایی حقوق بشر، اصطلاح «سن ازدواج» را به کار می‌برند اما در اعلامیه جهانی حقوق بشر از واژه «سن بلوغ» استفاده شده است. «سن بلوغ» هم می‌تواند به «سن بلوغ قانونی» و هم به «سن بلوغ فیزیکی» بازگردد.

کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی / علی‌رغم عدم تعیین سن ازدواج در میثاق، این سن باید به نحوی تعیین شود که زوجین بتوانند رضایت کامل و آزاد خود را به شکلی که در قانون مشخص شده ابراز کنند. این نظر کمیته از رابطه معنادار بین سن ازدواج و رضایت آزاد و کامل برای ازدواج حکایت دارد.

بند ۳ ماده ۱۶ تعهدنامه رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ نیز مقرر می‌دارد: «نامزدی و ازدواج کودک اثر حقوقی ندارد و دولت‌ها باید حداقل سن ازدواج را تعیین کنند و ثبت رسمی ازدواج را الزامی سازند.» کمیته رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان در تفسیر عمومی شماره ۳۱ خود تحت عنوان برابری در ازدواج و روابط خانوادگی پیشنهاد می‌کند سن ازدواج برای مردان و زنان باید ۱۸ سال باشد. طبق همین توصیه نامه عمومی، در اعلامیه برنامه کاری وین که در «کنفرانس جهانی حقوق بشر» در وین از تاریخ ۱۴ تا ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ تصویب شد، از دولت‌ها خواسته شد قوانین و مقررات موجود را اصلاح و سنت‌ها و رویه‌های تبعیض آمیز و مضر برای کودکان دختر را لغو کنند.

این بند از توصیه نامه، مبتنی بر ماده (۲) ۱۶ عهدنامه رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان است که اشعار می‌دارد: «نامزدی و ازدواج کودک هیچ اثر قانونی ندارد و کلیه اقدامات ضروری از جمله وضع قانون برای تعیین حداقل سن ازدواج و اجباری کردن ثبت ازدواج در دفاتر رسمی باید به عمل آید.»

بند ۲ ماده ۱۶ و سایر مواد عهدنامه حقوق کودک ۱۹۸۹ دولت‌های عضو را از تجویز و اعتبار بخشیدن به ازدواج افراد زیر سن قانونی منع می‌کند. در فضای عهدنامه حقوق کودک، «کودک یعنی هر فرد کمتر از ۱۸ سال، مگر این که قانون قابل اجرا برای کودک، سن قانونی را زودتر از آن قرار داده باشد. با توجه به همین تعریف و مواد اعلامیه وین، کمیته مزبور نظر می‌دهد که حداقل سن ازدواج برای مرد و زن باید

۱۸ سالگی باشد.

در سپتامبر ۲۰۱۳ نیز شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه ای ضمن ابراز نگرانی از شیوع ازدواج اجباری، زودهنگام و ازدواج کودکان در سراسر دنیا که مانع زندگی فارغ از خشونت افراد و مانعی جدی برای بهره مندی از آنان از حقوقی نظیر آموزش، استاندارد بالای سلامت از جمله بهداشت جنسی و باروری می شود خواستار پیشگیری و امحای چنین ازدواج هایی که به ویژه دارای آثار نامناسبی بر وضعیت زنان و دختران می باشد شد.

در این قطعنامه آمده است که این ازدواج ها علاوه بر متاثر نمودن وضعیت اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و بهداشتی زنان و دختران مانعی بر سر راه توسعه جامعه در کل و توانمندسازی و سرمایه گذاری در حوزه زنان و دختران و مشارکت معنادار آنان در تصمیماتی است که بر روی آنان تاثیر می گذارد و مانع اصلی در شکستن چرخه عدم برابری جنسیتی، تبعیضی، خشونت و فقر و رشد اقتصادی، توسعه پایدار و حصول اهداف توسعه هزاره می باشد.

حداقل سن ازدواج در کشورهای مختلف

تنها چهار کشور در جامعه بین المللی (عربستان، مالدیو، گامبیا و سودان) حداقل سن ازدواج را مشخص نکرده اند و ایران در بین کشورهای جهان بعد از گینه (۱۳ سال) پایین ترین سن ازدواج برای دختران، یعنی ۱۳ سال را پذیرفته است؛ البته ازدواج دختران کمتر از ۱۳ سال و پسران کمتر از ۱۵ سال با اذن ولی و به شرط مصلحت مولی علیه و با مجوز دادگاه امکان پذیر است.

پایین ترین سن در سایر کشورها نظیر موزامبیک، ماداگاسکار، ونزوئلا و بولیوی، ۱۴ سال است. به نظر می رسد وضعیت ایران تفاوت چندانی با کشورهایی که حداقل سن ازدواج را مشخص نکرده اند ندارد.

آمار ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ سال

۱۳۹۰		۱۳۹۱		۱۳۹۲		سال	
طلاق	ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق	ازدواج	پسر / سن	
۹۶۴	۳۰/۴۰۴	۹۳۳	۲۷/۷۷۶	۹۷۶	۲۲/۷۱۳	-۲۰	دختران ۱۵ تا ۱۹ سال
۷/۷۹۷	۱۰۶/۱۰۸	۸/۲۴۶	۱۴۸/۶۶۷	۸/۸۱۶	۱۲۹/۷۸۰	۲۰-۲۴	
۶/۶۲۷	۷۹/۳۴۴	۶/۹۷۴	۷۷/۱۸۵	۷/۱۱۷۶	۷۱/۶۸۵	۲۵-۲۹	
۱/۲۲۶	۹/۷۸۵	۱/۲۷۶	۹/۷۲۵	۱/۳۳۹	۹/۲۶۳	۳۰-۳۴	
۱۶۵	۱/۲۴۸	۱۶۷	۱/۱۵۳	۱۴۶	۱/۰۵۷	۳۵-۳۹	
۴۹	۳۸۷	۳۲	۳۰۲	۳۵	۲۶۶	۴۰-۴۴	
۱۶	۱۷۷	۱۰	۱۲۱	۲	۹۵	۴۵-۴۹	
۱۴	۹۷	۷	۷۵	۶	۶۰	۵۰-۵۴	
۷	۴۷	۲	۴۴	۱	۲۲	۵۵-۵۹	
۲	۲۷	۴	۲۶	۳	۱۸	۶۰-۶۴	
۱	۲۵	۲	۸	۰	۶	۶۵-۶۹	
۲	۲۸	۲	۱۰	۰	۳	۷۰-۷۴	
۴	۴۷	۱	۱۶	۰	۴	+۷۵	
۱	۲۳	۱	۹	۰	۲	نامشخص	
۱۶/۸۷۵	۲۸۱/۷۴۷	۱۷/۷۲۰	۲۶۵/۱۱۷	۱۸/۵۰۰	۲۳۴/۹۷۴	جمع	
۱۴۲/۸۴۱	۸۷۴/۷۹۲	۱۵۰/۳۲۴	۸۲۹/۹۶۸	۱۵۵/۳۶۹	۷۷۴/۵۱۳	آمار کل کشور	

آمار ازدواج دختران کمتر از ۱۵

۱۳۹۰		۱۳۹۱		۱۳۹۲		سال	
ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق	پسر / سن	
۷/۴۴۰	۱۹۷	۷/۳۱۶	۱۵۱	۶/۹۷۲	۱۶۲	-۲۰	دختران کمتر از ۱۵
۲۳/۶۱۲	۴۹۳	۲۴/۴۳۱	۶۳۳	۲۴/۹۸۴	۶۶۷	۲۰-۲۴	
۷/۶۱۹	۲۳۱	۷/۹۳۲	۲۶۸	۸/۴۹۹	۳۴۰	۲۵-۲۹	
۸۰۴	۲۱	۷۴۲	۲۴	۷۶۰	۲۹	۳۰-۳۴	
۱۸۶	۱۳	۱۴۱	۲	۱۳۲	۵	۳۵-۳۹	
۸۰	۳	۵۰	۰	۵۸	۰	۴۰-۴۴	
۳۶	۲	۲۰	۰	۱۶	۲	۴۵-۴۹	
۱۷	۰	۱۰	۰	۱۰	۰	۵۰-۵۴	
۶	۰	۸	۰	۰	۰	۵۵-۵۹	
۷	۰	۱	۰	۳	۰	۶۰-۶۴	
۴	۰	۲	۰	۱	۰	۶۵-۶۹	
۱۰	۰	۰	۰	۱	۰	۷۰-۷۴	
۵	۰	۳	۰	۰	۰	+۷۵	
۵	۰	۶	۰	۳	۰	نامشخص	
۳۹/۸۳۱	۹۶۱	۴۰/۶۵۳	۱/۰۷۸	۴۱/۴۳۹	۱/۲۰۵	جمع	
۸۷۴/۷۹۲	۱۴۲/۸۴۱	۸۲۹/۹۶۸	۱۵۰/۳۲۴	۷۷۴/۵۱۳	۱۵۵/۳۶۹	آمار کل کشور	

آمار ازدواج پسران کمتر از ۲۰ سال

۱۳۹۰		۱۳۹۱		۱۳۹۲		سال	
ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق	پسر / سن	
۷/۴۴۰	۱۹۷	۷/۳۱۶	۱۵۱	۶/۹۷۲	۱۶۲	-۱۵	پسران کمتر از ۲۰ سال
۳۰/۴۰۴	۹۶۴	۲۷/۷۷۶	۹۹۳	۲۲/۷۱۳	۹۷۶	۱۵-۱۹	
۸/۳۲۹	۳۷۳	۷/۲۱۵	۳۲۴	۵/۵۸۹	۲۵۸	۲۰-۲۴	
۱/۵۳۵	۸۳	۱/۲۱۵	۸۷	۹۳۶	۶۰	۲۵-۲۹	
۳۰۴	۱۵	۲۶۲	۲۷	۲۱۸	۱۲	۳۰-۳۴	
۷۵	۶	۵۷	۲	۲۷	۴	۳۵-۳۹	
۲۴	۴	۱۱	۱	۸	۰	۴۰-۴۴	
۱۳	۱	۴	۰	۲	۰	۴۵-۴۹	
۳	۱	۶	۰	۲	۰	۵۰-۵۴	
۱	۲	۲	۰	۱	۱	۵۵-۵۹	
۳	۱	۰	۰	۰	۰	۶۰-۶۴	
۴	۰	۰	۰	۰	۰	۶۵-۶۹	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷۰-۷۴	
۳	۰	۴	۰	۰	۰	+۷۵	
۶	۰	۱	۰	۰	۲	نامشخص	
۴۸/۱۴۴	۱/۶۴۷	۴۳/۹۰۵	۱/۵۸۵	۱/۴۷۵	۳۶/۴۶۸	جمع	
۸۷۴/۷۹۲	۱۴۲/۸۴۱	۸۲۹/۹۶۸	۱۵۰/۳۲۴	۱۵۵/۳۶۹	۷۷۴/۵۱۳	آمار کل کشور	

- مجموع ازدواج و طلاق دختران و پسران زیر ۲۰ سال در سالهای ۹۰، ۹۱ و ۹۲
- ازدواج دختران کمتر از ۲۰ سال: ۹۰۳/۷۶۱
- کمتر از ۱۵ سال (۱۲۱/۹۲۳ + ۷۸۱/۸۳۸) ۱۵ الی ۱۹ سال
- ازدواج پسران کمتر از ۲۰ سال: ۱۲۸/۵۱۷
- طلاق دختران کمتر از ۲۰ سال: ۵۶/۳۳۹
- کمتر از ۱۵ سال (۳/۲۴۴ + ۵۳/۰۹۵) ۱۵ سال ۱۹ سال
- طلاق پسران کمتر از ۲۰ سال: ۴/۷۰۷
- آمار تفاوت سنی زوجین با بیش از دو برابر، معنادار و قابل توجه است.

در مورد ازدواج اجباری و زودهنگام در دنیا معمولاً آمار دقیقی وجود ندارد.

۱- به دلیل مقاومت قربانیان در برابر صحبت درباره ازدواج های اجباری به خاطر ملاحظات خانوادگی یا فرهنگی.

۲- فقدان گواهی تولد مانع از اثبات ازدواج های زودهنگام می شود.

برخی علل ازدواج زودهنگام و اجباری

عرف، عادت و رسوم محلی (حفظ شرافت خانوادگی،...); انگیزه های مذهبی (مصون ماندن از گناه...); علل فرهنگی (ترس از بی همسر ماندن دختران...); فقر و محرومیت (رهایی از هزینه خوراک، پوشاک و تحصیل کودکان...); اعتیاد (معامله دختر در قبال دریافت پول...); بی سواد، اختلالات روانی پدر / مادر کودک، تک والد بودن کودک، کودک با والد ناتنی.

برخی پیامدهای ازدواج زودهنگام و اجباری

- محروم شدن از تحصیل (افت تحصیلی و سپس ترک تحصیل)
- بار مسئولیت های زندگی مشترک بدون آموزش های اولیه که کودک به دلیل عدم بلوغ روانی درک درستی از آن ندارد
- قرار گرفتن در معرض خشونت خانگی بویژه اگر فاصله سنی آنان با همسرشان زیاد باشد

- مداخلات آسیب زننده خانواده های زوجین

- استثمار توسط شوهر و خانواده شوهر
- بارداری زودهنگام و خطرات آن برای سلامتی مادر و کودک
- احتمال بیشتر ناررس بودن نوزادشان یا مرگ نوزاد آنان در یک ماه اول تولد
- مسئولیت های پدری یا مادری در سنی که خود کودک و نیاز به حمایت دارد
- بزرگسال تلقی شدن و عدم حمایت به عنوان کودک
- سستی بنیان های خانواده و طلاق عاطفی
- عدم توانایی در خروج مناسب از یک رابطه مبتنی بر سوءرفتار
- افسردگی، خودکشی، فرار از خانه، روسپیگری، اعتیاد و...
- طلاق و محرومیت های اجتماعی و اقتصادی حاصل از بی همسری (تبعات طلاق کودکان با بزرگسالان قابل قیاس نیست)
- زنانه شدن فقر و شیوع انحرافات و کجروک های اجتماعی
- وقوع تجربه های بسیار تلخ و احساس قربانی شدن، بی پناهی و بی کسی و سرخوردگی

برخی از سؤالاتی که باید به آنها پاسخ داد

- انگیزه اولیا و سرپرستان قانونی طفل از ازدواج کودک چقدر می تواند بر مصالح کودک منطبق باشد؟
- آیا رضایت کودک با توجه به انگیزه او از ازدواج می تواند معتبر تلقی شود؟
- عموماً انگیزه بزرگسالانی که با کودکان ازدواج می کنند چیست؟
- آیا صرف آمادگی جسمی برای ازدواج، بدون توجه به سایر قابلیت های لازم برای زندگی مشترک، کافی است؟
- آیا ازدواج زودهنگام در هر شرایطی خلاف مصالح عالیله کودک است؟
- کدام مصلحت یا مصالح مشخصی می تواند ازدواج کودکان را توجیه کند؟
- راهکارهای موجود برای حفظ حقوق کودکان در این زمینه چه می باشد؟
- آیا ممنوعیت و ضمانت اجرای قانونی کافی است؟
- با ازدواج های بدون ثبت یا ازدواج موقت کودکان چه باید کرد؟
- چه نهادهایی اعم از دولتی یا غیردولتی، باید برای پیشگیری یا کاهش پیامدهای منفی ایگونه ازدواج ها اقدام کنند؟
- نقش ادیان و رهبران دینی در پیشگیری و مقابله با پیامدهای آن چه می تواند باشد؟

ازدواج زود هنگام: پدیده‌ای غیر متعارف؟!

دکتر مصطفی اجتهادی

چکیده

در جامعه امروز «ازدواج زودهنگام»، پدیده‌ای «نامطلوب»، «غیرطبیعی» یا حتی پدیده‌ای «غیرانسانی» تصور می‌شود؛ زیرا انسان‌ها - همانگونه که کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، مصوبه ۱۹۸۹، تصریح کرده است - در هجده سالگی به سن رشد می‌رسند و پیش از این سن «کودک» تلقی می‌شوند. از این رو ازدواج افرادی که کمتر از هجده سال دارند، ازدواج نابهنگام یا «ازدواج زود هنگام» نامیده شده است. البته لازم به یادآوری است، کنوانسیون حقوق کودک - در جایگاه یک میثاق بین‌المللی - «سن ازدواج» را بر پایه مفروضات و مقتضیات حاکم بر جوامع صنعتی و (بسیار) توسعه یافته، تعریف و تعیین می‌کند و در این نوع جوامع، انسان‌ها «شهروندانی» هستند که برای ورود به بازار کار کشور خود باید در یک فرایند طولانی آموزشی و پرورشی (مهد کودک، پیش دبستان، دبستان، دبیرستان و دانشگاه) تربیت و آماده شوند. زیرا شرط الزامی ورود به این «بازار بزرگ ملی» - که نوید دهنده زندگی بهتر است - داشتن، دست کم، یک «تخصص» (حرفه تخصصی) یا مهارت فنی (مهارت کسب شده در یک شغل خاص) است.

این در حالی است که در کشورهای کمتر توسعه یافته و به ویژه در کشورهای در حال توسعه، ساختار پیشین و از رمق افتاده جامعه سنتی - یعنی ساختار «اقتصاد خانگی»، کارآیی خود را از دست داده و در فرایند فروپاشی قرار گرفته است. در این مرحله که به «مرحله گذار» شهرت دارد، خانواده دیگر یک «نهاد اقتصادی» نیست و این کارکرد مهم خود را از دست داده و به همین دلیل و در عمل نیز به حاشیه جامعه رانده شده است و این در حالی است که بازار بزرگ ملی - که باید «اقتصاد بازار» را پدید آورده و جانشین «اقتصاد خانگی» کند و هنوز نیز به طور کامل و موثر شکل نگرفته است. در این نوع جوامع سازوکارهای بازاری در حال شکل گیری است

که بر زندگی سنتی انسان‌ها تحمیل می‌شوند و نظم آن زندگی را درهم می‌ریزند. از اینرو در این جوامع وقایعی رخ می‌دهند که هنوز قالب و شکل خود را از گذشته و از تاریخ جامعه می‌گیرند (از سنت‌هایی که سن بلوغ را همان بلوغ جسمانی تعیین می‌کنند) اما محتوای این رخدادها را خود افراد یا اعضای جامعه تعیین می‌کنند، زیرا هنوز ساختارهای آینده شکل نگرفته و برپا نشده‌اند. بنابراین در نگاه امروز که برآمده از ساختارهای اقتصاد بازار است، ازدواج زیر هجده سال - که اغلب در جوامع کمتر توسعه یافته یا در حال توسعه رخ می‌دهد - ازدواج زود هنگام تلقی می‌شود. از این رو راهکار مقابله با این مشکل، توسعه بازار ملی در کشورهای مذکور است.

مقدمه

طبق کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، مصوبه ۱۹۸۹ میلادی، سن بلوغ یعنی سنی که دوران کودکی در آن به پایان می‌رسد، سن هجده سالگی است و ازدواج افرادی که زیر هجده سال باشند، از نوع «ازدواج نابهنگام» یا «ازدواج زود هنگام» خواهد بود.

سازمان ثبت احوال کشور آمار ازدواج گروه‌های سنی مختلف را سالانه منتشر می‌کند. این آمار نشان می‌دهد شمار ازدواج‌ها در گروه سنی زیر ۱۸ سال در کشور ما قابل توجه است، به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۱ شمار ازدواج‌های زیر ۱۸ سال بالغ بر ۱۲۰۸۸ ازدواج بود و از این ازدواج‌ها، ۹۸۶۳ ازدواج در گروه سنی کمتر از ۱۵ سال رخ داده‌است. برپایه آمارهای سازمان ثبت احوال کشور ازدواج‌های زیر ۱۸ سال در مناطق روستایی استان‌هایی، چون اصفهان، خراسان، خوزستان، آذربایجان‌ها و نیز حتی در برخی از نقاط شهری استان‌هایی، چون خوزستان و به ویژه استان سیستان و بلوچستان و... بیشتر از جاهای دیگر مشاهده می‌شود.

اگرچه آمار ازدواج‌های زودهنگام در کشورهای همجوار و همسایه ایران بسیار بالاتر است و اگر چه در ایران امروز سن ازدواج پیوسته رو به افزایش است - به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۲ سن ازدواج دختران تا ۲۳ سال و سن ازدواج پسران تا ۲۸ سال افزایش یافته‌است، اما آمار ازدواج زیر ۲۰ سال که ۵ درصد از کل ازدواج‌ها در همین سال را شامل می‌شود، نگرانی‌هایی را در جامعه و در دستگاه‌های قانون‌گذار و اجرایی کشور پدیدآورده‌است. البته دلایل این نگرانی‌ها گوناگونند:

- آماده نبودن کودکان و نوجوانان امروزی برای پذیرش مسئولیت‌های سنگینی است که تشکیل خانواده و زندگی زناشویی پیش روی آنان قرار می‌دهد؛

- کودکان و نوجوانان درک و فهم درستی از زندگی زناشویی، همسراری، فرزندآوری و فرزندپروری ندارند. بنابراین ازدواج آنها نمی‌تواند موفق باشد؛

- خواسته‌ها و آرزوهای کودکان و نوجوانان امروز بیشتر جنبه فردی دارند و در چهارچوب زندگی فردی و تجربه‌های شخصی آنان خلاصه می‌شوند، بنابراین آنها هنوز قادر نیستند این خواسته‌ها و آرزوها را با دیگران تقسیم کنند. به سخنی دیگر، آنها هنوز قادر نیستند دیگری را در دنیای شخصی و خصوصی خود سهیم کنند، همانگونه که آنها توانایی فهم دنیای دیگری را نیز هنوز بدست نیاورده‌اند. زیرا همه تمرکز آنها بر «خود و دنیای درون خود» است؛

- یکی دیگر از نگرانی‌ها، نگرانی جامعه است و آن اینکه برخی از خانواده‌ها به دلیل تنگدستی و فقر مجبور به «واگذاری فرزندانشان» از راه ازدواج می‌شوند؛

- نهادهای حقوقی و قانونگذار نیز نگران آن هستند که ازدواج زودهنگام به کودکان و نوجوانان تحمیل شود و بر این پایه حقوق آنان در جامعه تضییع گردد؛

- و دلایل دیگر...

بدین ترتیب، ازدواج زودهنگام در جوامع امروز - به ویژه در جوامع در حال توسعه امروز به منزله یک معضل یا یک مسئله اجتماعی، «امری غیرمتعارف» تلقی می‌شود و دستگاه‌های قانونگذار و اجرایی در این جوامع، نظارت قانونی را تنها چاره مقابله با این معضل یا مسئله می‌پندارند. این در حالی است که جوامع در حال توسعه امروز «مرحله تحولی» یا «مرحله گذار» از جامعه کشاورزی سنتی به جامعه صنعتی مدرن را می‌پیمایند. در این مرحله ساختارهای (کهن) جامعه کشاورزی سنتی، کارکردهای خود را از دست داده و دیگر در سازماندهی مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این مرحله نقشی تعیین‌کننده و فراگیر ندارند، ضمن اینکه ساختارهای جامعه جدید که جامعه صنعتی مدرن یا به تعبیری دقیق‌تر، «جامعه بازار» نامیده می‌شود، نیز هنوز شکل نگرفته و برپا و استوار نشده‌اند. این مرحله را امیل دورکهایم، «مرحله آنومیک» - یعنی مرحله‌ای که بر مجموعه مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن هیچ ساختار تعریف شده و متعینی حاکم نیست، می‌نامد. اعضای جامعه در این مرحله، در واقع، کنشگرانی «خود رای» و «خود محور» هستند و کم و بیش

- بر پایه «تشخیص فردی خویش» در جامعه «نقش آفرینی» و «رفتار» می‌کنند. این کنشگران در این مرحله که مرحله‌ای «ساختار نیافته» و بنابراین «سازمان نیافته» است، برای ایفای نقشی که برعهده دارند (نقش پدر، نقش مادر، نقش فرزند، نقش معلم، نقش پزشک، نقش تولیدکننده، نقش توزیع‌کننده و...) الگوی رفتاری «از پیش تعریف شده، متعین و فراگیری» در اختیار ندارند، از این رو بر پایه تشخیص و داوری شخصی خود «الگویی» را برمی‌گزینند یا حتی الگویی را خود «خلق» می‌کنند.

این در حالی است که جامعه کشاورزی سنتی و جامعه صنعتی مدرن دو ساختار هستند - دو ساختار متفاوت که شیوه‌های ساماندهی رفتارها و سازماندهی روابط اجتماعی در هر یک از این دو ساختار نیز متفاوت و متمایزند.

هر یک از این دو ساختار «میدان کنش» و به پیروی از آن «میزان آزادی» کنشگران را متناسب با ظرفیت‌های ذاتی آن ساختار تعیین می‌کند و بر این پایه الگوهای رفتاری از پیش تعریف شده و متعینی را برای ساماندهی رفتارهای کنشگران و در نتیجه برای سازماندهی روابط اجتماعی میان آنان، پیش‌بینی کرده و در نظر می‌گیرد. به سخی دیگر این دو ساختار، در واقع، دو شیوه ساماندهی رفتارها و سازماندهی روابط اجتماعی در جامعه انسانی هستند: شیوه نخست که برآمده از ساختار جامعه کشاورزی سنتی است، «شیوه ساماندهی و سازماندهی سنتی» نامیده می‌شود. در این ساختار «خانواده» واحد بنیادین جامعه است و به همین دلیل نیز مهمترین «سازوکار» ساماندهی رفتارها و سازماندهی روابط اجتماعی به شمار می‌آید؛ اما در جامعه صنعتی مدرن، «بازار بزرگ ملی» در کانون جامعه قرار دارد و دو سازوکار مهم و کلیدی این بازار، یعنی سازوکار عرضه و تقاضا و سازوکار رقابت، ساماندهی رفتارها و سازماندهی روابط اجتماعی را انجام می‌دهند و این شیوه، «شیوه ساماندهی و سازماندهی مدرن» نامیده می‌شود.

اما مرحله گذار، مرحله ایست که در آن شیوه سازماندهی سنتی رفته رفته کارآیی خود را از دست می‌دهد و در ساماندهی رفتارها و سازماندهی روابط اجتماعی ناکارآمد می‌شود. در این مرحله جامعه قادر نیست، بی‌درنگ شیوه سازماندهی مدرن و در

مرحله گذار، مرحله ایست که در آن شیوه سازماندهی سنتی رفته رفته کارآیی خود را از دست می‌دهد و در ساماندهی رفتارها و سازماندهی روابط اجتماعی ناکارآمد می‌شود. در این مرحله جامعه قادر نیست، بی‌درنگ شیوه سازماندهی مدرن و در نتیجه سازوکارهای ساماندهی و سازماندهی بازار را جایگزین شیوه سازماندهی سنتی کند

نتیجه سازوکارهای ساماندهی و سازماندهی بازار را جایگزین شیوه سازماندهی سنتی کند. زیرا این مرحله یک فرایند تاریخی است که در آن شیوه سازماندهی سنتی به تدریج ناکارآمد میشود و کنشگران آرام آرام وارد مرحله‌ای که ساختاریافته نیست یا «مرحله بی‌ساختار» شده و رو در روی یکدیگر قرار می‌گیرند. از این روست که آنها در این مرحله بی‌ساختار، خودمحوری را رویه خود می‌سازند و بدین ترتیب با هنجارشکنی به نابسامانی‌ها و تنش‌ها در جامعه دامن می‌زنند و جامعه را به سوی وضعیت آنومیک (وضعیت بی‌هنجاری) و نوعی «هرج و مرج» سوق می‌دهند. راه برون رفت کنشگران از این وضعیت دست یافتن به «وفاق اجتماعی» است. آنها باید بتوانند در یک فرایند طولانی کنش متقابل اجتماعی به یکدیگر نزدیک و نزدیک‌تر شده و برسر ارزش‌ها، مفاهیم و معانی زندگی جمعی و اجتماعی به وفاق برسند و براین پایه میدان‌های تجربه اندوزی و محدوده‌های میدان کنش و کنش متقابل خود را «تعریف و تعیین» کنند و در ادامه این فرایند، ساختارهای سازماندهی بازار را رفته رفته شکل داده و سپس جایگزین ساختارهای سازماندهی سنتی نمایند. در این فرایند پرفراز و پر نشیب، از یک سو، انسان سنتی باید به انسان مدرن - یعنی به انسانی که «می‌تواند» به عضویت جامعه بازار آینده درآید، ضوابط و قوانین حاکم بر بازار را بپذیرد و از سازوکارهای آن پیروی کند، تبدیل شود و از سوی دیگر، سازوکارهای بازار نیز باید بر پایه وفاق عمومی میان اعضای جامعه به گونه‌ای «عملیاتی» شکل بگیرند و در همه سطوح و مراتب اجتماعی، به قابلیت ساماندهی رفتارهای اعضای جامعه و سازماندهی روابط میان آنها دست یابند.

از این رو ازدواج زودهنگام در مرحله گذار جامعه - از جامعه کشاورزی سنتی به مرحله صنعتی مدرن، ضمن اینکه می‌تواند هنوز یک «پدیده طبیعی» تلقی شود، در عین حال و همزمان نیز می‌تواند «پدیده‌ای غیرمتعارف» نیز پنداشته شود.

سازوکارهای سازماندهی در جامعه کشاورزی

مقدمه ۱

جامعه انسانی یک «سازمان اجتماعی» است که برای پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها پدید آمده و سازمان می‌یابد. این سازمان اجتماعی در فرایند تاریخی - تکاملی خود، مراحل را پشت سر می‌گذارد و در هر مرحله با توجه به میزان

گسترده‌گی و نوع و تنوع نیازها، صورت‌بندی و ساختار سازمانی خاص خود را پدید می‌آورد. در این میان صورت‌بندی جامعه کشاورزی - یکی از این صورت‌بندی‌ها است که با ساختار سازمانی منحصر به فرد خود، مجموعه مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه را بر پایه میزان گسترده‌گی و تنوع نیازهای این مرحله، سازماندهی می‌کند. رویکرد این جامعه (جامعه کشاورزی) به طبیعت، «رویکردی طبیعت‌گرایانه» است و از این رو اقتصاد این جامعه نیز «اقتصاد کشاورزی» یا اقتصادی بر پایه «شیوه تولید کشاورزی» یا به سخنی دقیق‌تر، اقتصادی که بر پایه «شیوه تولید بازآفرینی طبیعت» استوار است، شکل می‌گیرد. در این ساختار همه فرایندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه - بی‌استثنا - از ضرب آهنگ (ریتم) تحولات طبیعی یا تحولات در طبیعت پیروی می‌کنند و به همین دلیل در صورت‌بندی پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این جامعه نیز تحول و دگرگونی رخ نمی‌دهد یا به کندی رخ می‌دهد. ثبات و پایداری پدیده‌ها در این جامعه یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد ساختار سازمانی این جامعه به شمار می‌آید. از این رو جامعه کشاورزی - برپایه آموزه‌های آگوست کنت، بنیادگذار و مؤسس جامعه‌شناسی - جامعه ای است، «ایستا». این بدان معناست در ساختار سازمانی جامعه کشاورزی «تحرك اجتماعی» وجود ندارد یا - دست کم - دامنه تحرك اجتماعی بسیار محدود است. زیرا اعضای جامعه کشاورزی نقشی را که جامعه برعهده آنان می‌گذارد، به گونه‌ای کامل «درونی» می‌کنند و به آن نقش و وظایفی که برای آن نقش تعریف شده‌اند، نیز بسیار پایبند هستند. از این رو در این ساختار «نهاد خانواده» مهمترین و بنیادی‌ترین سازوکار سازماندهی است و برپایه این سازوکار بنیادی، دو سازوکار «طایفه» و «قوم»، سازوکارهای مهم دیگر سازماندهی در این جامعه به شمار می‌آیند.

مقدمه ۲

کوچکترین و ساده‌ترین پدیده اجتماعی، رابطه میان دو انسان یا دو کنشگر اجتماعی است. این رابطه با سازوکار «کنش متقابل» آغاز می‌شود و با همین سازوکار جریان می‌یابد و با همین سازوکار نیز می‌تواند به انجام یا پایان برسد. این رابطه همچنین می‌تواند در فاصله میان آغاز و انجام، فراز و فرودهایی را نیز تجربه کند. اما کاهش دادن این فراز و فرودها می‌تواند به تنش‌ها در این رابطه بیانجامد و نیز حفظ

و تداوم این رابطه نیازمند سازوکارهای دیگری هستند. این سازوکارها در طول تاریخ متفاوت بوده‌اند: هم خونی، نژاد، فرهنگ و سپس قرارداد اجتماعی. سازوکارهای حفظ و تداوم روابط اجتماعی در جامعه کشاورزی، «خانواده»، «طایفه»، «قوم» و «حاکمیت سیاسی» بوده‌اند. در این سازوکارها نقش همخونی و نژاد و فرهنگ برجسته‌تر بوده است.

سازوکار «خانواده»

پدیده اجتماعی خانواده انسانی با یک رابطه سببی میان زن و مرد زاده می‌شود و با روابط نسبی میان والدین و فرزندان تداوم می‌یابد. تکامل یافته‌ترین و کاملترین صورت‌بندی این پدیده اجتماعی، در جامعه کشاورزی ظهور کرده است که «خانواده گسترده» نامیده می‌شود.

از آنجا که اقتصاد جامعه کشاورزی «ساختار خانگی» دارد و به تکامل یافته‌ترین و کاملترین صورت‌بندی این از اعضای جامعه برای تامین معاش زندگی خود باید - بی استثنا - پدیده اجتماعی، در جامعه کشاورزی ظهور کرده است عضو یک خانواده باشد.

این بدان معناست که اعضای این جامعه، پیش از آنکه عضو مستقیم جامعه باشند، باید عضو یک خانواده باشند تا به واسطه عضویت در خانواده، عضویت آنان نخست در «طایفه» و سپس در «قوم» و سرانجام در یک نظام سیاسی حاکم بر اقوام (شاهنشاهی یا امپراطوری) رسمیت بیابد.

این در حالی است که عضویت فرد در جامعه صنعتی را قانون اساسی آن جامعه در چهارچوب و قالب حقوق شهروندی از پیش تعریف و تعیین می‌کند و پذیرش یا عدم پذیرش قانون اساسی و حقوق شهروندی مندرج در آن قانون اساسی را به خود فرد - با ضوابطی قانون اساسی تعیین کرده است، واگذار می‌نماید. در این جامعه خانواده و تبار خانوادگی (شجره) فرد در عضویت او در جامعه و نیز در تعیین جایگاه و پایگاه او در سلسله مراتب اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن جامعه بی تاثیر یا دست‌کم بسیار کم تاثیر است، زیرا در جامعه صنعتی رقابتی و شایسته‌سالار، توانمندی‌ها و قابلیت‌های فردی، عضویت، جایگاه و پایگاه فرد را تعیین می‌کنند.

به همین دلیل خانواده در جامعه صنعتی کارکردهای خود را از دست می‌دهد و در عمل دیگر هیچ کارکرد مهم و تعیین کننده‌ای ندارد. اما در جامعه کشاورزی، خانواده گسترده دارای سه کارکرد بسیار مهم، کلیدی و سرنوشت ساز است. این سه کارکرد به ترتیب عبارتند از:

- کارکرد اقتصادی (معیشتی)،

- کارکرد تربیتی - فرهنگی

- کارکرد سازماندهی

این بدان معناست که خانواده در جامعه کشاورزی یک واحد اقتصادی است که به امر تولید (تولید کالاهای کشاورزی یا صنعتی) یا توزیع (از فروشندگان خرد تا کلان) یا حتی در مواردی به امر پشتیبانی (امور دیوانی یا لشکری یا دینی) اشتغال دارد. هر خانواده در اشتغال خاص خود دارای مهارت است و با آن اشتغال نیز شهرت می‌یابد (کارکرد نخست)؛ فرزندان خانواده برای نگهداشتن این اشتغال در خانواده، مهارت‌های لازم را از پدران و مادران خود می‌آموزند و از این رو ادامه دهنده راه پدران و مادران خود نیز هستند.

بنابراین خانواده باید فرزندان خود (بچه‌ها، نوه‌ها، نتیجه‌ها، نبیره‌ها و ندیده‌ها) را تربیت کند، مهارت‌های حرفه‌ای لازم و نیز قواعد با هم بودن، باهم زیستن، باهم همکاری کردن و پشتیبان یکدیگر بودن را به آنها بیاموزد (کارکرد دوم)؛ اما خانواده گسترده برای تحقق این دو کارکرد، روابط میان اعضای خانواده، از یک سو و روابط میان خود و دیگر خانواده‌ها (بخش‌های دیگر جامعه) را نیز باید بتواند سازماندهی کند (کارکرد سوم).

کارکرد سوم خانواده گسترده - همان گونه که اشاره شد - کارکرد سازماندهی است و دارای دو بعد «سازماندهی درونی» و «سازماندهی بیرونی» است. موضوع بعد سازماندهی درونی کارکرد سوم خانواده، چگونگی سازماندهی روابط میان اعضای خانواده است: در هر خانواده گسترده، سلسله مراتبی از موقعیت‌های اجتماعی، منزلتی و اقتدار وجود دارد.

این سلسله مراتب، جایگاه و پایگاه هر یک از اعضای خانواده را برپایه دو متغیر «سن» (یعنی میزان تجربه و مهارت) و «جنسیت» (یعنی نقشی که برپایه جنسیت تعیین می‌شود) در درون خانواده تعریف و تعیین می‌کند. در خانواده پدرسالار، پدر و

پس از او، دیگر اعضای ذکور خانواده به ترتیب سن در موقعیت‌های اجتماعی ویژه‌ای قرار دارند و منزلت و اقتدار آنها نیز متناسب با این موقعیت‌ها تعریف و تعیین می‌شود. همان گونه در خانواده مدرسالار، منزلت و اقتدار مادر و دیگر زنان خانواده بر پایه سن و موقعیت اجتماعی ویژه آنها و نیز نقشی که آن ساختار برعهده آنان نهاده‌است، تعریف و تعیین می‌گردد. از آنجا که در خانواده گسترده، متغیر سن همانند و گاه هم طراز متغیر جنسیت اهمیت دارد، بنابراین مادر در خانواده گسترده پدرسالار، می‌تواند پس از پدر در جایگاه دوم، نقش آفرین باشد.

از این رو سلسله مراتبی گسترده از پدرجدها و مادرجدها، پدرها و مادرها، فرزندان، نوه‌ها، نتیجه‌ها، نبیره‌ها و ندیده‌ها و... در خانواده گسترده شکل می‌گیرد. در آن جایگاه و موقعیت و بنابر این منزلت و اقتدار هر یک از اعضای خانواده بر حسب

سن و جنسیت او از پیش تعریف و تعیین شده‌است. در هر خانواده گسترده، سلسله اعضای این خانواده با درک جایگاه و موقعیت اجتماعی خود در آن سلسله مراتب و نیز با پذیرش و «درونی» کردن آن جایگاه و موقعیت، رفتار متناسب با آن جایگاه و موقعیت را از خود بروز می‌دهند و براین پایه روابط خود را با دیگر اعضای خانواده که در جایگاه و موقعیت دیگری قرار دارند، تنظیم می‌کنند. بدین ترتیب نهاد خانواده گسترده با تثبیت نقش‌ها و تعیین چهارچوب و ضوابط شکل‌گیری و تداوم روابط اجتماعی در خانواده «نظمی هنجاری» یعنی نظمی که بر پایه هنجارهای درونی خانواده شکل می‌گیرد، را سازماندهی کرده و

پدید می‌آورد. این نظم هنجاری حفظ و تداوم روابط اجتماعی میان اعضای خانواده را در طول زمان و در نسل‌ها تضمین می‌کند.

اما بعد دوم از کارکرد سوم خانواده گسترده - یعنی سازماندهی بیرونی خانواده، تعیین کننده جایگاه، موقعیت و اقتدار خانواده در میان دیگر خانواده‌ها (یا خاندان‌ها) در طایفه است.

سازوکار «طایفه»

طایفه (یا کلان در زبان انگلیسی)، مجموعه‌ای از خانواده‌های گسترده یا خاندان‌ها

است با یکدیگر پیوند خویشاوندی دارند. این خانواده‌ها دارای اصل و نسب یکسانی هستند و شجره آنها معمولاً از یک جد مشترک آغاز می‌شود و روابط میان آنها نیز بر پایه پیوندهای سببی شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد. از این رو میان این خانواده‌ها در واقع، اعضای یک طایفه هستند، «روابط خویشاوندی» برقرار می‌گردد.

البته جایگاه، منزلت و اقتدار خانواده‌ها در طایفه یکسان نیست و خانواده‌ها از نظر جایگاه، منزلت و اقتدار در یک سلسله مراتب قرار می‌گیرند: برخی خانواده‌ها به دلیل نقشی در طایفه ایفا می‌کنند، جایگاه برتری نسبت به دیگر خانواده‌ها دارند و به همان نسبت از منزلت و اقتدار بیشتری نیز برخوردارند. نقش خانواده در سازماندهی، در تامین امنیت و در تامین معیشت، تعیین‌کننده جایگاه آن خانواده در سلسله مراتب خانواده‌ها در طایفه است.

طایفه - همان گونه که اشاره شد - یک سازوکار سازماندهی خاندان‌ها در یک واحد بزرگتر و گسترده‌تر است. این سازوکار خانواده‌های گسترده را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و بر پایه پیوندهای سببی روابط میان این خانواده را که اصل و نسب یکسانی دارند، استحکام بخشیده و واحد بزرگتر و گسترده‌تر «طایفه» را پدید می‌آورد. میزان بزرگی و گستردگی این واحد سازمان‌یافته و نیز حضور خانواده‌های سرشناس و بزرگ (اسم و رسم‌دار) در این واحد سازماندهی، میزان اقتدار و برتری این طایفه را نسبت به طوایف رقیب تعیین می‌کند. از این رو طایفه، در عین حال، یک واحد یا «سازوکار» سیاسی است: رهبر یا رئیس طایفه، از یک سو، سازماندهی روابط میان خانواده‌ها را مدیریت می‌کند و از سوی دیگر، رقابت یا حتی درگیری‌های میان طوایف را سیاست‌گذاری و هدایت می‌نماید. در این میان پیوندهای سببی یا «ازدواج» میان اعضای خانواده‌ها و نیز میان اعضای طوایف، یکی از سازوکارهای کاهش تنش‌ها و ایجاد زمینه آشتی و صلح میان خانواده‌ها، از یک سو و میان طوایف، از سوی دیگر، است.

بدین ترتیب ازدواج «سازوکاری سیاسی» است برای:

- کاهش تنش‌ها و ایجاد زمینه آشتی و صلح در میان خانواده‌ها و در میان طوایف؛
- جلب پشتیبانی خانواده‌ها و طوایف دیگر و از این رو تامین امنیت سیاسی در میان خانواده‌ها و طوایف؛
- گسترش روابط اجتماعی، تقویت شجره‌نامه و ارتقا جایگاه و منزلت اجتماعی

سازوکار «قوم»

«قوم» یکی دیگر از سازوکارهای سازماندهی در جامعه کشاورزی است. این سازوکار طایفه‌های گوناگون را در یک واحد بزرگتر و گسترده‌تر به نام «قوم» به یکدیگر پیوند می‌دهد. طایفه‌ها در قوم، اصل و نسب و شجره جداگانه‌ای دارند، اما از نظر نژادی هم ریشه‌اند، هر چند ممکن است به دلیل مهاجرت‌ها و اسکان در محیط‌های طبیعی گوناگون از هم نژادهای خود فاصله گرفته و تیره‌های قومی متنوعی را پدید آورده باشند. بنابراین قوم‌ها یا هم نژادند یا هم تیره: در گذشته‌های

دور تاریخ، «نژاد» نخستین عامل پیوند دهنده طایفه‌ها

بود، اما این عامل – همان گونه که اشاره شد – به دلیل

مهاجرت‌ها و اسکان طایفه‌ها در محیط‌های طبیعی

گوناگون و همچنین به دلیل ازدواج‌های برون گروهی

گسترده، رفته رفته اهمیت و اعتبار خود را از دست

داد. در این میان تغییر شیوه معیشت و در نتیجه تغییر

سبک زندگی طایفه‌ها نیز باعث شد تا این طایفه‌های

«هم تیره»، از این پس «فرهنگ» را پایه همگرایی و

همبستگی خود در مجموعه‌ای بزرگتر و گسترده‌تر به نام

«قوم» قرار دهند. به سخنی دیگر، قوم در واقع، یک

سازوکار فرهنگی است، طایفه‌های گوناگون را بر پایه

فرهنگ مشترک آنان (شیوه زندگی مشترک و در نتیجه

آن سبک زندگی مشترک، جهان بینی و باورهای مشترک، آداب و رسوم و زبان

مشترک در سرزمینی مشترک و...) فرهنگی که در فرایند تاریخی کنش متقابل میان

آنان آرام آرام شکل گرفته و پدید آمده‌است، در کنار یکدیگر قرار داده و «هویت

مشترک» را بستر همبستگی فرهنگی میان آنان می‌سازد. این بدان معناست که ریشه

همبستگی میان طایفه‌های هم تیره در سطح کلان، فرهنگ مشترک آنان است، ضمن

اینکه هر طایفه‌ای با حفظ و حراست از «خرده فرهنگ» خاص خود، بر تمایز خود از

دیگر طایفه‌ها نیز پافشاری می‌کند. از این رو این پافشاری ریشه بسیاری از تنش‌ها،

ستیزه‌جویی‌ها و کشمکش‌های طایفه‌ای در تاریخ بوده‌است و در این میان «ازدواج‌های

سببی» میان طایفه‌ها یکی از موثرترین سازوکارهای کاهش تنش‌ها، ستیزه جویی‌ها و کشمکش‌ها میان آنان به شمار می‌رفته است.

بنابراین در ساختار سازمانی جامعه کشاورزی، «ازدواج» در هر خاندان، در هر طایفه، در هر قوم یا حتی در میان قوم‌های گوناگون، بیش و پیش از آنکه یک پیوند زناشویی میان زن و مرد، سروسامان گرفتن نسل جوان و تولید نسل بوده باشد، سازوکاری برای کاهش تنش‌ها و کشمکش‌ها، از یک سو و ایجاد و تحکیم پیوندها از سوی دیگر، بوده است. از این رو در این نوع ازدواج «مصلحت» خاندان یا طایفه یا قوم، از «انتخاب» زن یا مرد اهمیت بیشتری داشت و مردان و زنان این «مصلحت» را برخواست و امیال شخصی خود ارجح می‌دانستند و (اغلب) از آن - گاه بی چون و چرا - پیروی می‌کردند.

کارکردهای «ازدواج» در جامعه کشاورزی

ازدواج، «آغاز» و طلاق، «انجام» یک رابطه رسمی و مشروع میان زن و مرد است: زن و مرد رابطه زناشویی رسمی و مشروع خود را با ازدواج آغاز می‌کنند؛ آنها این رابطه را با طلاق نیز به پایان می‌رسانند.

این ساده‌ترین تعریف ازدواج و طلاق است که با واقعیت‌های خانواده هسته‌ای در جامعه صنعتی و مدرن امروز انطباق کامل دارند. در این جامعه، ازدواج و طلاق به حیطة زندگی خصوصی افراد - به ویژه به حیطة زندگی خصوصی دو شهروند (معمولاً دو شهروند زن و مرد) تعلق دارد و از این رو در حاشیه مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه رخ می‌دهد. بنابراین هنگامی که زن و مرد اراده می‌کنند به رابطه زناشویی خود در چهارچوب قوانین جاری جامعه ای که در آن زندگی می‌کنند، رسمیت ببخشند، با یکدیگر ازدواج می‌کنند و این ازدواج را نیز به ثبت می‌رسانند.

این در حالی است که ازدواج در جامعه کشاورزی سنتی در بطن مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه قرار دارد و برای ساماندهی و سازماندهی این مناسبات بکار گرفته می‌شود، ضمن اینکه در این جامعه، طلاق بسیار نكوهیده و ناپسند است - به گونه‌ای که در عصر جامعه کشاورزی در برخی از سرزمین‌ها (در اروپای سده‌های پیش از عصر نوزایی و مدرن) طلاق دادن را حتی فعلی «حرام» می‌پنداشتند. این بدان معناست که در جامعه کشاورزی سنتی، رابطه‌ای که به دلیل و

به بهانه ازدواج، میان یک زن و یک مرد شکل می‌گیرد، نمی‌باید (به سادگی) قطع یا متوقف شود؛ این رابطه - حتی اگر زن و شوهر هم از آن راضی نباشند، «باید» تداوم یابد. زیرا این رابطه در جامعه کشاورزی، به منزله یک رابطه خصوصی میان یک زن و یک مرد تلقی نمی‌شود و جایگاه و اهمیت آن بسیار فراتر و بالاتر از یک «رابطه خصوصی» میان یک زن و مرد و نیز بسیار فراتر و بالاتر از خواسته‌ها و امیال شخصی این دو (زن و مرد) است. در این جامعه، زن و مرد نیز تنها دو انسان «متکی به خود» و «مستقل» (غیر وابسته) نیستند و آنها هویت فردی و شخصی ندارند؛ آنها، در واقع، «نمایندگان» دو واحد اجتماعی: دو خانواده یا دو خاندان، دو طایفه، دو قوم یا حتی دو نظام سیاسی (شاهنشاهی یا امپراطوری) هستند

و این اصل و نسب و شجره آنهاست که هویت آنان را تعیین و تعریف می‌کند. بنابراین در این جامعه ازدواج یک مرد با یک زن، در واقع، به معنای ایجاد رابطه و پیوند میان دو واحد اجتماعی است. از این رو بار معنایی ازدواج در جامعه کشاورزی سنتی، بسیار گسترده‌تر، عمیق‌تر و فراگیرتر بوده‌است:

در این جامعه ازدواج، گاه با هدف گسترش روابط (روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) میان واحدهای اجتماعی؛ گاه به منظور ارتقاء جایگاه و منزلت اجتماعی واحدهای اجتماعی؛ گاه برای کاهش تنش‌ها و برقراری صلح میان واحدهای اجتماعی و گاه نیز به منظور مشروعیت بخشیدن به

در این جامعه، زن و مرد نیز تنها دو انسان «متکی به خود» و «مستقل» (غیر وابسته) نیستند و آنها هویت فردی و شخصی ندارند؛ آنها، در واقع، «نمایندگان» دو واحد اجتماعی: دو خانواده یا دو خاندان، دو طایفه، دو قوم یا حتی دو نظام سیاسی (شاهنشاهی یا امپراطوری) هستند و این اصل و نسب و شجره آنهاست هویت آنان را تعیین و تعریف می‌کند.

فعل یا فعالیت و... انجام می‌شده است. به سخنی دیگر، ازدواج در جامعه کشاورزی سنتی کارکرد سازماندهی ویژه و مهمی داشته و به همین دلیل در کانون مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن جامعه قرار می‌گرفته است. در ادامه این بحث برخی از مثال‌هایی که بیانگر کارکردهای گوناگون ازدواج در جامعه کشاورزی هستند، ارائه میشوند:

الف - ازدواج کردن و تشکیل دادن خانواده، در ایران پیش و پس از اسلام همواره امری بسیار مهم و نیز بسیار «مقدس» بوده‌است و ایرانیان از دیرباز و از کهن‌ترین

روزگاران، ازدواج کردن و تشکیل دادن خانواده و فرزندآوری را مهمترین و نخستین اولویت زندگی خود می‌دانستند.

این باور هم در ایران پس از اسلام و در تعالیم دین مبین اسلام و هم در ایران پیش از اسلام و در آیین دین زرتشت، ریشه‌های بسیار عمیقی دارد. ریشه‌های این باور کهن را حتی در دوره‌های پیش از ظهور زرتشت و آیین او، در میترائیسم و آیین مهر و در اسطوره‌های کهن ایرانی نیز می‌توان جست و جو کرد.

در آیین مهر، ایزدان و ایزدبانوهایی حضور دارند که رفتارهای (یعنی مجموعه کارها، فعالیت‌ها و تلاش‌های) ایرانیان را رهبری می‌کنند. در این میان دو تن از آنها که در ضمن بزرگترین و با اهمیت‌ترین آنها نیز به شمار می‌آیند، ایزدبانوی «اناهیتا» و ایزدبانوی «اشی» هستند:

ایرانیان ایزدبانوی اناهیتا را خدای آب‌ها، پاک‌ها و حاصلخیزی‌ها می‌دانستند. از این رو آنها در سراسر فلات ایران تا سرزمین اسپانیا، معابدی برای ستایش این ایزدبانو برپا کرده بودند؛

در کنار اناهیتا و پس از او، ایزدبانوی «اشی»، بزرگترین و مهمترین خدای ایرانیان در آن دوران بوده است. اشی، الهه باروری و زناشویی است به مومنین «برکت ازدواج» و براین پایه «سعادت» را عطا میکند.

ب - نظام سیاسی در جامعه کشاورزی، «نظام پادشاهی» است. این نظام، طی هزاره‌های گذشته، در قاره‌های بزرگ و کهن آسیا، اروپا و آفریقا، سلسله‌هایی بزرگ و کوچک پدید آورده است؛ سلسله‌هایی که با سربرآوردن و برتری یافتن خاندان یا دودمانی از یک طایفه و از یک قوم شکل می‌گرفتند. حوزه حاکمیت و اقتدار این سلسله‌ها، گاه به دو یا چند طایفه محدود می‌شد و گاه چند یا چندین قوم را در برمی‌گرفت یا حتی بر سرزمین‌های بسیار وسیعی از این کره خاکی سایه می‌افکند. این سلسله‌های پادشاهی، «همگی» خود را به نیای بزرگ خاندان یا دودمان خود منصوب می‌کردند و نام و هویت خود را نیز از آن نیا برمی‌گرفتند. اهمیت یا به سخنی دقیق‌تر کارکرد این انتصاب، پاسداری از هویت و حفظ قدرت سیاسی در خاندان بوده است. از این رو موروثی کردن پادشاهی یا ازدواج درون گروهی (ازدواج در درون خاندان مانند ازدواج دخترعمو و پسرعمو) یا حتی ازدواج با محارم، از جمله راهکارهای حفظ هویت و قدرت سیاسی در خاندان‌ها بوده است.

ج - نظام پادشاهی هخامنشیان که پس از فروپاشی نظام پادشاهی مادها، در سراسر فلات ایران و غرب آسیا تا شمال آفریقا و تا دریای مدیترانه گسترده شده بود، مانند همه نظام‌های پادشاهی، «نظامی خاندانی» یا «نظامی دودمانی» بود.

آریایی‌ها، پس از مهاجرت به فلات ایران، سه قوم بزرگ پارت‌ها، مادها و پارس‌ها را در سه نقطه شمال شرق، غرب و جنوب سرزمین ایران، پدید آوردند. در میان این سه قوم، قوم پارس از هفت طایفه بزرگ تشکیل می‌شد به ترتیب اهمیت و شهرت عبارت بودند از: ۱. پاسارگاد؛ ۲. مارفی و مه اسپه؛ ۳. گرامی؛ ۴. پان‌ثی‌آلی و دروسی ون؛ ۵. داهه؛ ۶. مرد؛ ۷. دربیک و اسه‌گرته. برخی از این طایفه‌ها مانند پاسارگادیان، شهرنشین؛ برخی دیگر مانند گرامیان، روستانشین؛ و دسته سوم مانند داهه‌ها یا مردها دامدار و چادرنشین بودند.

«هخامنش»، نیای بزرگ خاندان هخامنشیان و از بزرگان طایفه «پاسارگاد» بود. او شاه «انشان» (ایالتی در جنوب غربی پارس) بود و برسرزمین «پارس» (ایالتی در شمال شرقی انشان) نیز فرمانروایی می‌کرد. پس از مرگ هخامنش، پسرش «چیش پیش»، جانشین او شد. کوروش دوم یا کوروش بزرگ، «فرزند نبیره» و داریوش اول یا داریوش بزرگ «فرزند ندیده» چیش پیش هستند. چیش پیش، پیش از مرگ خود، حوزه فرمانروایی خود را به دو بخش «انشان» و «پارس» تقسیم کرد و فرمانروایی پارس را به پسر بزرگتر خود «آریارامن» و فرمانروایی انشان را به پسر دوم خود «کوروش اول» سپرد. بدین ترتیب خاندان هخامنش و چیش پیش به دو «خاندان کوروش اول» و «خاندان آریارامن» تبدیل شد.

کوروش اول و فرزندش، کمبوجیه اول، هر دو شاه انشان بودند. اما فرزند کمبوجیه اول، یعنی کوروش دوم یا کوروش بزرگ، دولت بزرگ هخامنشی را برپا کرد. این بدان معناست که دولت بزرگ هخامنشی در خاندان کوروش اول تاسیس شد و این در حالی است که خاندان آریارامن و فرزندانش: ارشام (پسر آریارامن)، ویشتاسب (نوه آریارامن)، شاهان پارس باقی ماندند. براین پایه داریوش اول، پسر ویشتاسب نیز می‌بایست شاه پارس می‌شد اما او توانست سومین پادشاه هخامنشی شود.

پس از مرگ کوروش دوم - سرسلسله دولت هخامنشی، پسر او کمبوجیه دوم جانشین پدر شد. کمبوجیه دوم در سفر مصر از دنیا رفت و در پایتخت دولت تازه تاسیس هخامنشی خلاء قدرت پدید آمد و بردیای دورغین (گوماته مغ) خود را شاه

خواند.

داریوش اول یا داریوش بزرگ و فرزند ویشتاسب، از خاندان آریارامن بود. او نیزه‌دار و سپهسالار کمبوجیه دوم، دومین پادشاه هخامنشی بود و پس از مرگ کمبوجیه دوم، توانست به سرعت طایفه‌ها و اقوام ایرانی را متحد نموده، بر بردیای دروغین غلبه کند و تاج و تخت هخامنشی را نجات دهد. اما از آنجایی که او از خاندان کوروش نبود، طبق آیین پادشاهی نمی‌توانست بر تخت پادشاهی کوروش تکیه زند و خود را شاه بخواند. بنابراین او می‌بایست برای مشروعیت بخشیدن به قدرت و پادشاهی خود، نخست به عضویت خاندان کوروش در می‌آمد و سپس تاجگذاری می‌کرد. از این رو او با آتوسا، دختر کوروش ازدواج کرد و پس از آن خود را جانشین کوروش و کمبوجیه اعلام نمود. داریوش پیش از ازدواج با آتوسا، همسر و فرزندان - به ویژه فرزندان پسر- دیگری هم داشت. اما او جانشین خود را باز طبق آیین پادشاهی می‌بایست از سلاله کوروش بر می‌گزید. از این رو او خشایارشا را جانشین خود اعلام کرد. زیرا خشایارشا فرزند مشترک او و آتوسا، دخت کوروش بود.

د - ایش خاتون، آخرین فرمانروای سرزمین فارس در دوره حاکمیت «اتابکان فارس» بر این سرزمین است. او، دختر اتابک سعد ابن ابوبکر (حک: ۶۵۸ تا ۶۷۵ ه. ق) و ترکان خاتون، دختر براق حاجب، موسس سلسله قراخانیان کرمان (حک: ۶۱۹ تا ۶۳۲ ه. ق) است از سال ۶۶۳ هجری قمری تا هنگام مرگ، یعنی سال ۶۸۵ ه. ق، اتابکی فارس را برعهده داشت.

فرمانروایان یا اتابکان فارس از امرای ترک نژاد فارس بودند و در مجموع ۱۴۳ سال (از ۵۴۳ تا ۶۸۶ ه. ق) بر ولایت فارس فرمان راندند. جد بزرگ این خاندان «سلغر» نام داشت و به همین دلیل اتابکان فارس را «آل سلغر» یا «اتابکان سلغر» یا «سلغریان» نیز نامیدند. اتابکان فارس، سیاستمدارانی با تدبیر و دوراندیش بودند و همواره می‌کوشیدند تا ستیزه‌جویی و جنگ طلبی دشمنان - به ویژه ستیزه‌جویی و جنگ طلبی مغولان را «مدبرانه» دفع کنند. از این رو آنها با پذیرش تابعیت دولت‌های مهاجم (دولت‌های سلجوقی، خوارزم شاهی و ایلخانی مغول)، توانستند هم در دوره حاکمیت دولت سلجوقیان و هم در دوره حاکمیت دولت خوارزمشاهیان و به ویژه به هنگام لشکرکشی‌های مغول‌ها در فلات ایران و غرب آسیا، یکپارچگی ولایت فارس را حفظ کنند و خود تحت حاکمیت آن دولت‌ها، بر فارس فرمان برانند.

پیش از ابش خاتون، سلجوق شاه (حک: ۶۶۱ تا ۶۶۳ ه. ق) بر فارس حکم می‌راند. اما چون او قادر نبود در مقابل حمله‌های هولاکوخان - بنیاد گذار سلسله ایلخانیان مغول در ایران، تاب بیاورد و در ضمن حاکمیت هولاکو را نیز نپذیرفته بود، بنابراین مجبور شد از شیراز بگریزد. سلجوق شاه پنج ماه متواری بود، اما سرانجام در سال ۶۶۳ هجری قمری به دام مغولان افتاد و کشته شد.

پس از سلجوق شاه، ابش خاتون به اتابکی فارس برگزیده شد. اما از آنجا که حفظ و تداوم مقام اتابکی فارس، هنگامی که نفوذ

هولاکوخان و دولت تازه تاسیس او - یعنی دولت ایلخانان مغول، در سرزمین ایران روز به روز افزایش می‌یافت، به سادگی امکان‌پذیر نبود، بنابراین ابش خاتون به خواست هولاکوخان تن داد و به عقد و به ازدواج منگوتیمور، پسر چهارم هولاکو، درآمد و عروس هولاکو شد. هولاکو خان با این ازدواج دیگر نیازی به لشکرکشی نداشت و توانست فارس را به آسانی به متصرفات خود بیفزاید و چون ابش خاتون اکنون عروس او بود، بنابراین او عروسش را از مقام اتابکی فارس برکنار نکرد. از این رو ابش خاتون تا پایان عمر حکمران فارس باقی ماند؛ حتی سال‌هایی که ابش خاتون در اردوگاه مغولان با همسرش، منگوتیمور، زندگی می‌کرد، همچنان حاکم فارس بود و فرمانداری که هولاکوخان او را برگزیده بود، به نیابت از سوی ابش خاتون و به بنام ابش خاتون بر فارس فرمان می‌راند.

ه - «خون بس»، یکی از سنت‌های بسیار کهن

و فراگیر جامعه انسانی است. این سنت، در واقع، یکی از مهمترین و راه گشائترین سازوکارها برای حل اختلاف‌ها و فرونشاندن شعله‌های خشم و ستیزه جویی‌ها و نیز برای پایان دادن به جنگ‌های خونین و خانمان سوز و برقرار کردن صلح و آرامش میان دولت‌ها، قوم‌ها و طایفه‌های متخاصم بوده است.

سنت «خون بس» به شکلهای گوناگون و با نامهای مختلف، پیش از انقلاب صنعتی، در بسیاری از نقاط جهان - به ویژه در آسیا، اروپا و آفریقا، متداول و مرسوم بوده است. این سنت تا چند دهه گذشته در بیشتر نواحی فلات ایران و نیز در کشور ایران - از لرستان و خوزستان گرفته تا بوشهر و بخش‌هایی از استان‌های فارس و سیستان و بلوچستان و تا خراسان و گلستان، رواج داشته و حتی امروز در میان برخی قوم‌ها و طایفه‌های ایرانی - از جمله در میان شماری از قوم‌ها و طایفه‌های خوزستان، هنوز هم کاربست دارد.

طبق سنت خون بس، هنگامی که میان دو دولت یا دو قوم یا دو طایفه دشمنی

و درگیری و جنگ رخ می‌داد و برابری و توازن قوای

طرف‌های درگیر، فرصت و توانایی غلبه یکی بر دیگری

را فراهم نمی‌آورد یا حتی مانع آن می‌شد و این برابری و

توازن قوا نیز سبب طولانی شدن و کهنه شدن دشمنی‌ها،

درگیری‌ها و جنگ‌ها میان آنها می‌گردید، بزرگان و ریش

سفیدان دو طرف متخاصم - گاه با میانجیگری طرف

سوم یا ثالث - از این سنت بهره می‌گرفتند و به دشمنی

و ستیز میان آن دو طرف پایان داده و میان آن دو صلح

و آشتی برقرار می‌کردند. این سنت با «دادن یک دختر و

گرفتن یک پسر» - یا به سخنی دیگر، با ازدواج فرزندان

بزرگان یا رهبران دو طرف درگیری (دختر رهبر یا بزرگ

یک طرف با پسر رهبر یا بزرگ طرف دیگر)، عملیاتی و

اجرائی می‌شد و بدین ترتیب با پدید آمدن و برقرارشدن

رابطه سببی و خویشاوندی میان دولت‌ها، قوم‌ها، طایفه‌ها و دودمان‌ها، دشمنی و

ستیز میان آنان نیز پایان می‌یافت.

این سنت در بسیاری از موارد، سبب می‌شد خاندان یا خانواده‌ای از حقی که شرع

مقدس در قالب «حکم قصاص» بدو داده است، بگذرد و قاتل و ضارب را ببخشد: مسئله

تقسیم آب - به ویژه در مناطق مرکزی ایران، برای مثال، همواره یکی از علل بروز

اختلاف، درگیری، ضرب و شتم یا حتی قتل بوده است. از این رو ازدواج دختر، خواهر

یا دختری از نزدیکان قاتل با پسر یا برادر یا پسر یکی از نزدیکان مقتول می‌توانست به

خون خواهی خانواده مقتول پایان داده و میان دو خانواده آشتی و دوستی برقرار کند. این بدان معناست که ازدواج در جامعه کشاورزی سنتی سازوکاری عملی و اجرایی برای کاهش دشمنی‌ها و تنش‌ها و فرونشاندن درگیری‌ها و جنگ‌ها بوده است.

و - نهاد «ازدواج» نه تنها سازوکاری برای کاهش دشمنی‌ها و تنش‌ها و نیز برای فرونشاندن درگیری‌ها و جنگ‌ها بوده، همچنین سازوکاری برای ایجاد پیوندهای جدید و استحکام بخشیدن به پیوندها و روابط قدیم و همچنین سازوکاری برای گسترش شبکه روابط خویشاوندی در میان خانواده‌ها (خاندان‌ها) و طایفه‌ها و قوم‌ها نیز بوده است. در این میان دو رسم دیرینه در جامعه کشاورزی سنتی سازوکارهای ایجاد و گسترش پیوندها و رابطه‌ها بوده‌اند:

رسم «دستمال بستن»، یکی از کهن‌ترین سازوکارها برای ایجاد پیوندها و رابطه‌های عمیق خویشاوندی میان خانواده‌ها و طایفه‌ها بوده است. طبق این رسم، دو خانواده‌ای که تمایل به ایجاد پیوندی عمیق‌تر و روابطی گسترده‌تر با یکدیگر دارند، فرزندان خود را «وسيله» قرار می‌دهند؛ بدین ترتیب اگر خانواده‌ای پسر بچه‌ای داشته باشد و در خانواده دیگر دختری متولد شود، خانواده پسر بچه برای تبریک قدوم نورسیده به دیدار خانواده «نوزاد دختر» می‌روند و با اجازه خانواده نوزاد و طی مراسمی «دستمالی» (روسری یا شال) را به نیت «دستمال بستن» با خود می‌برند؛ مادر پسر بچه آن دستمال را با اجازه بزرگ خانواده نوزاد به دور سر نوزاد دختر می‌بندد و بدین ترتیب، دو خانواده آغاز پیوند میان آن پسر بچه و نوزاد دختر را که در واقع آغاز پیوند میان دو خانواده است، جشن می‌گیرند و نوزاد دختر را به عنوان همسر آینده آن پسر بچه تعیین می‌کنند. براین پایه هنگامی دختر به سن بلوغ می‌رسد، باید بطور رسمی به عقد و به ازدواج آن پسر که اکنون او نیز بزرگ شده است، درآید. این رسم هنوز هم - کم و بیش - در مناطق خراسان شمالی و به ویژه در افغانستان و پاکستان امروز رواج دارد.

رسم دیگر، «ناف برون» است. طبق این رسم، هنگام تولد یک دختر و پیش از بریدن ناف او، مادر پسر بچه یا یکی از وابستگان خانواده پسر بچه در زمان تولد دختر حضور می‌یابد و ناف دختر را به نیت ازدواج او با آن پسر بچه در آینده می‌برد. بدین ترتیب، هنگامی نوزاد دختر به سن بلوغ می‌رسد، باید به عقد و به ازدواج آن پسر بچه که اکنون او نیز بزرگ شده است، درآید. این رسم در میان بسیاری از اقوام و طوایف

ایرانی متداول بوده است، اما امروز دیگر کاربردی ندارد.

بحث و نتیجه گیری

در جامعه امروز «ازدواج زود هنگام»، پدیده‌ای «نامطلوب»، «غیر طبیعی» یا حتی پدیده‌ای «غیر انسانی» تصور می‌شود. زیرا انسان‌ها - طبق کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، مصوب ۱۹۸۹ - در هجده سالگی به سن بلوغ می‌رسند و پیش از این سن «کودک» تلقی می‌گردند. از این رو ازدواج افرادی که کمتر از هجده سال دارند، ازدواج نابهنگام یا «ازدواج زود هنگام» نامیده شده است. البته اینجا یادآوری این نکته ضروری است که کنوانسیون حقوق کودک - در جایگاه یک میثاق بین‌المللی - «سن ازدواج» را برپایه مفروضات و مقتضیات حاکم بر جوامع صنعتی و (بسیار) توسعه یافته امروز، تعریف و تعیین کرده است و در این نوع جوامع، انسان‌ها «شهروندانی» هستند که برای ورود به بازار کار جامعه خود باید در یک فرایند طولانی آموزشی و پرورشی (مهد کودک، پیش دبستان، دبستان، دبیرستان و دانشگاه) تربیت شوند و به تخصص‌ها و مهارت‌هایی که بازار به آنها نیازمند است و بنابراین متقاضی آنها نیز خواهد بود، مجهز و مسلح گردند. زیرا مجهز و مسلح بودن به، دست کم، یک «تخصص» (حرفه تخصصی) یا مهارت فنی (مهارت کسب شده در یک شغل خاص)، نخستین شرط الزامی و اجتناب ناپذیر برای ورود به «بازار بزرگ ملی» در جوامع توسعه یافته و صنعتی امروز است - بازاری که برپایه همین تخصص‌ها و مهارت‌ها، به شهروندان جامعه نوید «زندگی بهتر» را می‌دهد. بنابراین شهروندان جامعه مدرن و صنعتی نیز برای اینکه بتوانند به زندگی بهتر و رضایت بخش‌تری در جامعه رقابتی امروز دست یابند، باید همه همت و تلاش خود را در راه تحصیل درجات بالاتر علم و فن آوری (تخصص و مهارت) بکار گیرند. این واقعیت اجتناب ناپذیر جامعه امروز باعث شده است که اولویت‌های زندگی اعضای جامعه نیز تغییر کرده و جا به جا شوند: در جامعه امروز تحصیل کردن و کسب درجات علمی، تخصصی و حرفه‌ای عالی در آموزش و پرورش و آموزش عالی و سپس جست و جوی یک فرصت شغلی «مناسب» در بازار بزرگ جامعه، به اولویت نخست نوجوانان و جوانان این جامعه تبدیل شده است و به همین دلیل ازدواج کردن و تشکیل خانواده به ناچار در اولویت‌های دوم یا چندم قرار گرفته اند؛ ضمن اینکه همین جا به جایی در اولویت‌ها، یکی از مهمترین دلایل افزایش سن ازدواج در میان مردان و زنان جامعه امروز نیز به شمار می‌آید.

از سویی دیگر، بازار بزرگ ملی در جامعه صنعتی مدرن امروز، کانون همه رخدادها و تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه است. در این بازار که یک بازار رقابتی است، «فرد» صرف نظر از تبار اجتماعی و شجره نامه‌اش، بر پایه قابلیت‌ها و توانمندی‌های تخصصی خود یا به سخنی دیگر، بر پایه «شایستگی‌های حرفه‌ای» دارد، در رقابت‌ها شرکت می‌کند و به میزان همین قابلیت‌ها و توانمندی‌ها در مجموعه مناسبات اجتماعی یا سیاسی یا اقتصادی یا فرهنگی جامعه نیز می‌تواند نقش آفرینی کرده و اثر گذار باشد.

این بدان معناست که در این جامعه - برخلاف جامعه کشاورزی، خانواده در ساماندهی رفتارها و سازماندهی روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه، دیگر نقشی برعهده ندارد و از این رو و به ناچار به حاشیه جامعه رانده می‌شود. بر این پایه بدیهی است از اهمیت یا حتی ضرورت ازدواج در جامعه امروز نیز کاسته شود؛ زیرا هنگامی که خانواده در حاشیه جامعه قرار می‌گیرد و دیگر قادر نیست، در تعیین سرنوشت‌ها در بازار نقش آفرینی کند، بنابراین طبیعی است اعضای جامعه نیز «ازدواج کردن» و «تشکیل خانواده» را در اولویت نخست تلاش‌ها و فعالیت‌های زندگی خود قرار ندهند - این یکی از علل بسیار مهم «بی‌توجهی» به امر ازدواج و تشکیل خانواده است.

این در حالی است که خانواده در جامعه کشاورزی یک «واحد بنیادین» است و به دلیل کارکردهای سه گانه‌اش: کارکرد اقتصادی، کارکرد تربیتی - فرهنگی و به ویژه به دلیل کارکرد سومش - یعنی کارکرد سازماندهی، در جایگاهی قرار می‌گیرد که قادر باشد، مجموعه رفتارهای اعضای جامعه را سازماندهی کرده و بر این پایه مجموعه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن جامعه را نیز سازماندهی کند.

در این جامعه که به جامعه «جمع‌گرا» شهرت دارد، فرد نقشی در تنظیم روابط خود با دیگران، به ویژه با اعضای خانواده خود ندارد. زیرا خانواده به منزله یک نهاد اجتماعی، نقش‌های اعضای خانواده را از پیش تعریف و تعیین می‌کند و به هر یک از اعضای خانواده نقشی را برپایه جنسیت و سن واگذار می‌نماید و اعضای خانواده نیز طبق آن نقشی که به آنها واگذار شده (هم در درون خانواده و هم در بیرون از خانواده) رفتار می‌کنند. به سخنی دیگر، بر خلاف جامعه صنعتی مدرن که در آن فرد، کنشگر اصلی است، در جامعه کشاورزی سنتی، کنشگر واقعی و اصلی در جامعه، خانواده است

و فرد به پیروی از خانواده تنها از خود «واکنش» نشان می‌دهد. اما در این جامعه، خانواده به دلیل همان سه کارکرد اصلی خود، نسبت به فرد یا عضو جامعه در جایگاهی برتر نیز قرار می‌گیرد. زیرا اعضای جامعه کشاورزی، پیش از آنکه عضو جامعه خودیا به سخنی دیگر، پیش از آنکه عضو نظام پادشاهی حاکم بر جامعه‌اش یا حتی پیش از آنکه عضو قوم خود بوده باشد، در خانواده یا دودمان خود و سپس در طایفه خود «عضویت» دارد. از این رو پایگاه، اعتبار و منزلت اجتماعی او در جامعه و در نظام سیاسی حاکم بر آن، در گرو پایگاه و اعتبار و منزلت اجتماعی خانواده یا دودمان او، نخست در طایفه او و سپس در قوم او و در نهایت در نظام سیاسی حاکم بر آن قوم و طایفه قرار دارد. این بدان معناست در جامعه کشاورزی سنتی، این خانواده است که پایگاه اجتماعی، اعتبار و منزلت اجتماعی فرد یا عضو جامعه را در سلسله مراتب پایگاه‌ها و منزلت‌های اجتماعی جامعه، تعریف و تعیین می‌کند و به همین دلیل «واحد بنیادین» جامعه کشاورزی سنتی نیز به شمار می‌آید.

این خانواده همان گونه که اشاره شد، خانواده گسترده نامیده می‌شود و برپایه شبکه گسترده‌ای از روابط سببی و نسبی میان اعضای خود شکل می‌گیرد: روابط نسبی، شبکه‌ای از پیوندها و همبستگی‌ها و وابستگی‌های خونی و نژادی را میان اعضای خانواده در درون خانواده و در، دست کم، سه نسل پیاپی پدید می‌آورد. این شبکه تامین کننده و تضمین کننده اقتدار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خانواده و نیز حافظ و پاسدار این اقتدار در درون و در بیرون از خانواده و نیز انتقال دهنده آن، به نسل‌های بعدی است.

اما روابط سببی، شبکه‌ای از پیوندها، همبستگی‌ها و وابستگی‌های متقابل حقوقی - سیاسی میان اعضای که پیوندهای سببی با یکدیگر دارند و آنانی که از طریق ازدواج به این اعضا می‌پیوندند، از یک سو و میان یک خانواده و خانواده‌های دیگر، میان طایفه‌ها یا میان قوم‌ها یا حتی میان نظام‌های سیاسی (شاهنشاهی یا امپراطوری یا نظام سلطانی و خلیفه‌ای و...)، از سوی دیگر پدید می‌آورد و زمینه پیوند و اتحاد این مجموعه‌ها را فراهم می‌نماید.

از این رو «ازدواج کردن» و «خانواده تشکیل دادن» در جامعه کشاورزی سنتی، تنها به معنای پیوند زناشویی میان یک مرد و یک زن و در نهایت تشکیل یک خانواده زن و شوهری نیست. چرا که این ازدواج یا پیوند زناشویی، در واقع، بهانه‌ای برای

پدیدآوردن، گسترش دادن و عمق و استحکام بخشیدن به روابط میان اعضای خانواده گسترده، از یک سو و پدید آوردن، گسترش دادن، عمق و نیز استحکام بخشیدن روابط دودمان‌ها، طایفه‌ها، قوم‌ها و نظام‌های سیاسی، از سوی دیگر است.

این در حالی است که انقلاب صنعتی، این ساختار تعریف شده و هدفمند را متزلزل کرده و زمینه فروپاشی قطعی آن را نیز فراهم آورده است. این ساختار در جوامع توسعه یافته بطور کامل از میان رفته و در جوامع در حال توسعه مسیر فروپاشی را طی می‌کند. زیرا در جوامع توسعه یافته «بازار بزرگ ملی» بطور کامل جایگزین ساختار گذشته شده است، درحالی این بازار در جوامع در حال توسعه (در حال حاضر)

رو به گسترش است - هرچند این بازار تا کنون توانسته

روابط نسبی، شبکه‌ای از پیوندها و همبستگی‌ها و وابستگی‌های خونی و نژادی را میان اعضای خانواده در درون خانواده و در، دست کم، سه نسل پیاپی پدید می‌آورد. این شبکه تامین کننده و تضمین کننده اقتدار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خانواده و نیز حافظ و پاسدار این اقتدار در درون و در بیرون از خانواده و نیز انتقال دهنده آن، به نسل های بعدی است.

است، زندگی واقعی انسان‌ها را تغییر داده و در این زندگی - به گونه‌ای فزاینده، نقش آفرینی کند: سازوکارهای سازماندهی این بازار، سازوکار عرضه و تقاضا و نیز سازو کار رقابت - باتوجه به میزان توسعه یافتگی جوامع - تقریباً بر همه مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جوامع در حال توسعه یا حتی جوامع کمتر توسعه یافته، سایه افکنده‌اند - بی‌آنکه توانسته باشند برصورت‌بندی ساختارهای جامعه گذشته به طور کامل فائق آمده باشند. به سخنی دیگر، ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه کشاورزی در جوامع در حال توسعه، کارکردهای خود را از دست داده‌اند، اما صورت‌بندی رفتارهای برآمده از آن ساختارها هنوز - کم و بیش - به قوت خود باقی‌اند.

این بدان معناست که امروز در جوامع در حال توسعه و به ویژه در جوامع کمتر توسعه یافته، هنوز رفتارهایی مشاهده می‌شوند که به ساختار گذشته تعلق دارند، ضمن اینکه این رفتارها در جامعه خود دیگر «کارکردی» ندارند. براین پایه «ازدواج» در جامعه کشاورزی سنتی یک نهاد و یک سازوکار سازماندهی است - از یک سو، سبب کاهش دشمنی‌ها و تنش‌ها و نیز سبب متوقف کردن درگیری و جنگ‌ها می‌شود و از سوی دیگر، پدیدآورنده پیوندها و روابط عمیق خویشاوندی و سرانجام قاعده‌ای

(ملاک و معیاری) برای سازماندهی خانواده‌ها، طایفه‌ها، قوم‌ها و حتی نظام‌های سیاسی و روابط درونی و بیرونی آنها است، در جوامع صنعتی و توسعه‌یافته بی‌آنکه کارکرد خاصی در جامعه داشته باشد، به نوعی «رفتارگزینشی» از سوی اعضای جامعه تبدیل شده‌است و هر عضو برپایه ذهنیت خود «می‌تواند» این رفتار و رفتارهای همانند را از خود بروز دهد یا حتی از بروز آنها صرف‌نظر کند.

از این روست که ازدواج در جامعه کشاورزی سنتی به دلیل ضرورت‌های ساختاری این جامعه با سن بلوغ آغاز می‌شود، در حالی که «فرایند اجتماعی شدن» (آمدگی لازم برای ورود به بازار بزرگ ملی) در جوامع فردگرای صنعتی و مدرن بسیار طولانی است، ضمن اینکه «ازدواج» شرط ورود به این بازار نیز نیست. زیرا در این بازار، موفقیت یا عدم موفقیت فرد در گرو «شایستگی‌های فردی و حرفه‌ای» اوست. از این رو جلوگیری از ازدواج‌های زودهنگام در جوامع در حال توسعه و به ویژه در جوامع کمتر توسعه یافته، تنها از راه «روشنگری» امکان پذیر است. در این میان رهبران دینی سهم بسزایی در ساماندهی زندگی انسان‌ها در این نوع جوامع دارند، می‌توانند و باید پیشگام باشند.

منابع:

- ۱ - آرشیو ابوالقاسم انجوی شیرازی، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، نیاوران، تهران،
- ۲ - اشیپولر، برتولد، تاریخ ایران - در قرون نخستین اسلامی؛ مترجم: جواد فلاطوری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
- ۳ - دایره المعارف زن ایرانی، مصطفی اجتهادی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، ۱۳۸۲.
- ۴ - دایره المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، امیر کبیر، ۱۳۸۳.
- ۵ - رشیدالدین فضل اله، جامع التواریخ - در تاریخ مغول (جلد دوم)؛ تصحیح: بهمن کریمی، چاپ اقبال، ۱۳۶۲.
- ۶ - رضایی، عبدالعظیم (۱۳۸۴)، تاریخ ده هزار ساله ایران، اقبال، تهران.
- ۷ - سایت ثبت احوال کشور
- ۸ - کریستین سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان؛ مترجم: رشید یاسمی، انتشارات ابن سینا، ۱۳۵۱.
- 9 - Altmeyer, M (2004). Narzissmus und Objekt. Ein intersubjektives Verstaendnis der Selbstbezogenheit. Verlag Vandenhoeck & Ruprecht. Goettingen.
- 10 - Cooper, John X. (2004). Modernism and the Culture of Market Society. Cambridge University Press.
- 11 - Durkheim, Emile (1983). Der Selbstmord. Suhrkamp. Frankfurt/M.
- 12 - Fuerstenberg, Friedrich (1995). Soziale Handlungsfelder - Strukturen und Orientierungen. Springer Fachmedien Wiesbaden GmbH.
- 13 - Luhman, Niklas (1984). Soziale Systeme. Suhrkamp Verlag. Frankfurt/M.
- 14 - Schmitt, Ruediger. In Encyclopaedia Iranica. Vol. 5. Persica Press.

ازدواج کودکان با تاکید بر پیامدهای سلامت

دکتر لیلی پناغی

چکیده

به ازدواج رسمی و یا غیر رسمی فرد زیر ۱۸ سال ازدواج کودک می‌گویند. این نوع ازدواج که، با اصطلاحاتی دیگر مانند ازدواج اجباری و ازدواج زود هنگام نیز شناخته می‌شود، اگرچه مختص دختران نیست ولی نسبت به پسران، آنها را بیشتر درگیر می‌سازد. در ایران میزان دقیق ازدواج کودکان شناخته نشده است و بنظر می‌رسد بیش از آنچه در منابع رسمی اعلام می‌شود باشد. علل اصلی ازدواج کودکان شامل فقر، نگرانی خانواده‌ها از رابطه جنسی قبل از ازدواج، هنجارهای مربوط به ازدواج، ازدواج خویشاوندی و سرمایه فرهنگی پایین است. از پیامدهای ازدواج کودکان می‌توان به عوارض دوران بارداری و زایمان، خطر به دنیا آوردن نوزادان با مشکلات سلامتی، فرارگرفتن در معرض خطر ابتلا به ایدز، مشکلات روانی - اجتماعی، خشونت خانگی و ناپایداری زندگی زناشویی اشاره کرد. از آنجایی که این پدیده با مسایل اجتماعی و فرهنگی جامعه آمیختگی عمیقی دارد، برای حل این مسئله باید به تمام ابعاد آن توجه نمود.

کلید واژه: ازدواج کودک، ازدواج زودهنگام، سلامت

مقدمه

تعریفی واحد و جهانی از واژه «کودک» وجود ندارد، به همین ترتیب ازدواج کودک نیز بصورت یکسانی تعریف نشده است. کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، کودک را به عنوان «موجودی انسانی زیر سن ۱۸ سال» تعریف می‌کند مگر آن کودک تحت قوانین ملی، زودتر به عنوان بزرگسال محسوب شود.

برای مثال در ایران براساس موازین شرعی پسران در پایان ۱۵ سالگی و دختران در پایان ۹ سالگی از نظر جنسی بالغ به حساب می‌آیند. طبق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی،

دختران در ۱۳ سالگی و پسران در ۱۵ سالگی به بلوغ رسیده و می‌توانند ازدواج کنند؛ با این حال در سنین پایین‌تر نیز با تشخیص دادگاه، تایید پزشکی قانونی و صدور مجوز «گواهی رشد»، کودک می‌تواند بزرگسال به حساب آمده و ازدواج کند.

مراجع جهانی، به ازدواج رسمی و یا غیر رسمی فرد زیر ۱۸ سال، ازدواج کودک می‌گویند. (یونیسف، ۲۰۰۵) این نوع از ازدواج، با اصطلاحاتی دیگر مانند ازدواج اجباری، ازدواج ترتیب یافته، ازدواج اشتباه و ازدواج زود هنگام نیز شناخته می‌شود. در تعریف ازدواج زودهنگام اگرچه معنای زود، مبهم و نامشخص است اما بر این نکته تاکید می‌شود که دختر به لحاظ جسمی و روحی هنوز برای ازدواج، بارداری و فرزندآوری آماده نیست (ماتور و همکاران، ۲۰۰۳). ازدواج اجباری نیز به عدم رضایت فرد برای ازدواج اشاره می‌کند و اضافه می‌کند گرچه به ظاهر کودک ممکن است به ازدواج تن در دهد اما در واقع قادر به ملاحظه و درک صحیح از ازدواج نیست و تحت فشارهای پیدا و پنهان روان شناختی، جسمی، مالی و اجتماعی قرار دارد. در تعریف ازدواج، به اشتباه ممکن است رضایت کودک به ازدواج بر مبنای اطلاعات نادرست و یا پنهان کردن اطلاعات حیاتی، اخذ شده و آزادی و آگاهی او برای تصمیم‌گیری رعایت نشده است.

شیوع

این نوع از ازدواج، مختص دختران نیست ولی سهم بیشتری به آنان اختصاص دارد. به نظر می‌رسد در سطح جهان، از هر سه دختر یکی قبل از ۱۸ سالگی، و از هر هفت دختر یکی قبل از ۱۵ سالگی ازدواج می‌کند (ماتور و همکاران، ۲۰۰۳).

شدت و گستردگی این پدیده در کشورهای مختلف دنیا متفاوت است و بیشترین میزان آن در غرب آفریقا و بعد به ترتیب در جنوب آسیا، شمال آفریقا، خاورمیانه و آمریکای لاتین است. در جنوب آسیا ۴۸ درصد از زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله قبل از ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند، در آفریقا این آمار به ۴۲ درصد و در آمریکای لاتین به ۲۹ درصد می‌رسد. بطور کلی تخمین زده می‌شود هر سال ۱۴ - ۱۰ میلیون کودک ازدواج می‌کنند (دفتر تحقیقات جمعیت، ۲۰۰۶). ۱۰ کشور با بیشترین آمار ازدواج کودکان عبارتند از: نیجریه ۷۵ درصد، چاد و آفریقای مرکزی ۶۸ درصد، بنگلادش ۶۶ درصد، گینه ۶۳ درصد، موزامبیک ۵۶ درصد، مالی ۵۵ درصد، بورکینافاسو و سودان

جنوبی ۵۲ درصد و ملای ۵۰ درصد (دفتر تحقیقات جمعیت، ۲۰۰۶؛ یونیسف، ۲۰۰۵؛ سازمان ملل، ۲۰۰۰)

اگرچه آمارها از افزایش میانگین سن ازدواج دختران حکایت می‌کنند، این رخداد بیشتر مربوط به دختران خانواده‌های طبقه اقتصادی و اجتماعی بالاتر و مناطق شهری بوده و وضعیت فقرا، طبقات پایین دست و روستاها در ازدواج تفاوت چندانی نداشته است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد این افزایش در میانگین سنی ازدواج، بسیار کند انجام می‌گیرد؛ برای مثال در حالی که ۴۸ درصد از زنان ۴۵ - ۴۹ ساله قبل از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند، این میزان برای زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله ۳۵ درصد است. (دفتر تحقیقات جمعیت، ۲۰۱۱؛ یونیسف، ۲۰۱۰)

در ایران، مطابق با آمار سازمان ثبت احوال کشور طی شش ماه آخر سال ۹۱ و اوایل سال ۹۲، ۴۲۰۰۰ مورد، ازدواج کودکان ۱۴ - ۱۰ ساله و ۳۴۲ هزار مورد ازدواج کودکان زیر ۱۸ سال رخ داده است. نکته قابل توجه، ازدواج کودکان زیر ۱۰ سال با ۷۱۶ مورد است که نسبت به ۳ سال قبل ۲ برابر شده است. نتایج مطالعات صورت گرفته همچنین نشان می‌دهند بیش از ۲۰ درصد دختران (از ۷/۷ درصد در شهر تهران تا ۴۰ درصد در مناطق روستایی سیستان و بلوچستان) قبل از سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند. بر اساس مطالعه یاراحمدی در سال ۱۳۸۴، بطور متوسط ۱۶/۴ درصد افراد مؤنث ۱۵ تا ۱۹ سال کل کشور متأهل بوده‌اند. این رقم برای مناطق روستایی و شهری به ترتیب ۱۹/۶ و ۱۳/۷ درصد است.

با این وجود میزان دقیق ازدواج کودکان در ایران شناخته نشده است و بنظر می‌رسد بیش از آنچه باشد که در منابع رسمی اعلام می‌شود؛ چرا که بسیاری از ازدواج‌های کودکان بصورت موقت انجام شده و زمانی کودک به سن قانونی می‌رسد، تبدیل به ازدواج دائم می‌گردد.

از آنجا که ازدواج موقت بصورت رسمی ثبت نمی‌شود، آمار دقیقی از آن وجود ندارد. علاوه بر این بسیاری از افراد در بین عشایر و در برخی از استان‌ها مانند سیستان و بلوچستان، خود را ملزم به ثبت ازدواج نمی‌دانند و بدین ترتیب میزان قابل توجهی از این نوع ازدواج‌ها ثبت نمی‌شود. (لطفی، ۱۳۸۹)

چهار علت اصلی برای ازدواج کودکان وجود دارد:

۱ - فقر: والدینی خود در فقر به سر می‌برند، به دختر به عنوان بار اقتصادی می‌نگرند و بایستی هزینه‌های مربوط به لباس، غذا و مدرسه او را تامین کنند. از این رو او را به خانه همسر می‌فرستند تا از هزینه‌ها رهایی یابند. از سوی دیگر در بسیاری از مناطق دنیا در قبال ازدواج دختر، خانواده او مبلغی از داماد دریافت می‌کنند. هرچه دختر سن کمتری داشته باشد این مبلغ بیشتر خواهد بود (یونیسف، ۲۰۰۵)

۲ - نگرانی از رابطه جنسی قبل ازدواج: در بسیاری از جوامع خانواده‌ها به دلیل نگرانی از رابطه جنسی قبل از ازدواج و مهمترین پیامدهای آن یعنی از دست دادن بکارت، بارداری و نیز بی‌آبرویی خانواده، دختران خود را در سنین کم وادار به ازدواج می‌کنند. (لطفی، ۱۳۸۹)

۳ - هنجارهای مربوط به سن ازدواج: ازدواج کودکان می‌تواند ناشی از هنجارهای اجتماعی باشد؛ هنجارهایی که در آن انتظار می‌رود دختران در سن پایین ازدواج کنند و به سرعت وارد مرحله فرزندآوری شوند. علاوه بر این، ارزش‌گذاری بالای جامعه برای تاهل و ازدواج و نیز ترس از دست دادن شانس ازدواج در سنین بالاتر، دختران را وادار می‌کند تا خود به ازدواج در سنین پایین رضایت دهند.

۴ - ازدواج خویشاوندی: در بسیاری از نقاطی در جهان، ازدواج کودکان شایع است، ازدواج خویشاوندی هم به عنوان الگوی رایج همسرگزینی محسوب می‌شود. این مناطق شامل بیشتر مناطق شمال آفریقا، آسیای مرکزی و خاورمیانه و آسیای جنوبی می‌شود. (بیتلز، ۱۹۹۴) در ایران شیوع این نوع ازدواج از ۳۸/۶ درصد تا ۷۵ درصد در برخی مناطق روستایی می‌رسد. (سادات، ۱۳۸۲) همچون سایر متغیرهای مرتبط با ازدواج کودکان، باورهای مذهبی و قومی، تسلط ارزش‌های سنتی و پدرسالارانه و نیز ارجحیت خانواده بر فرد، با ازدواج خویشاوندی مرتبط است. (عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵ الف) مطالعات نشان دادند ازدواج خویشاوندی در کودکانی در سنین پایینتر از ۱۹ سالگی تن به ازدواج داده اند، حدود ۵۰ درصد بیشتر از افرادی است پس از ۲۵ سالگی ازدواج کرده‌اند. در سنین بالاتر، با افزایش احتمالی سطح تحصیلات، اشتغال و دایره همسرگزینی فرد، ازدواج ترتیب یافته و با اعمال نظر والدین، کاهش می‌یابد. (عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵)

۵ - سرمایه فرهنگی پایین: نداشتن سواد و نرفتن به مدرسه هم می‌تواند علت

و هم معلول ازدواج کودکان باشد؛ ولی در هر صورت، تعداد سال‌هایی که کودک دختر در مدرسه می‌ماند با سن ازدواج او قویاً همبسته است. علاوه بر این نگرش‌های جنسیتی خانواده‌ها از دختران انتظار ندارند تا به شغل و تحصیلات بالا دست یابند، در کنار فقر که دختران را از تحصیل باز می‌دارد، ازدواج در سنین پایین را، به عنوان تنها گزینه پیش رو پس از ترک مدرسه، به دختران تحمیل می‌کند. (ماتور و همکاران، ۲۰۰۳؛ یونیسف، ۲۰۰۵؛ ۲۰۱۰؛ ۲۰۱۲؛ دفتر تحقیقات جمعیت، ۲۰۰۶؛ ۲۰۱۱)

پیامدهای ازدواج کودکان

پیامدهای این نوع از ازدواج را می‌توان در سه دسته مورد بررسی قرار داد: برای خود این کودکان، کودکانی که به دنیا می‌آورند و نیز اثر کلی بر سلامت خانواده.

* عوارض و مرگ و میر دوران بارداری و زایمان

وقتی ازدواج در سن پایین رخ می‌دهد، به دنبال آن حاملگی هم معمولاً در سن کمتری اتفاق می‌افتد. برای مثال در کشور مالی ۴۵ درصد دختران در سن ۱۸ سالگی بچه‌دار می‌شوند. این آمار در آلمان ۱ درصد و در ایالات متحده آمریکا ۱۰ درصد است. (ماتور و همکاران، ۲۰۰۳) هر ساله در دنیا ۷۰ هزار مرگ مادر، در اثر عوارض مربوط به بارداری و زایمان، در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال و ازدواج زود هنگام رخ می‌دهد (کوندو - آگودلو و همکاران، ۲۰۰۵). دختران کمتر از ۱۵ سال ۵ برابر بیش از دختران بیست ساله احتمال دارد در اثر عوارض زایمان و بارداری بمیرند. (یونیسف، ۲۰۰۷؛ کوندو - آگودلو و همکاران، ۲۰۰۵)

برای مثال در کشور مالی مرگ و میر مادران ۱۷۹ در صد هزار تولد زنده است ولی برای زنان ۲۰ تا ۳۴ سال، این رقم ۳۲ در صد هزار تولد زنده است (ماتور و همکاران، ۲۰۰۳).

در ایران، طبق اطلاعات اداره سلامت مادران وزارت بهداشت تعداد مرگ و میر کل مادران در سال ۲۰۰۳، ۳۳۲ نفر بوده است از این تعداد ۹ نفر زیر ۱۸ سال بودند و در سال ۲۰۱۲ از ۲۷۸ مادر ۳ مورد مرگ مادر زیر ۱۸ سال وجود داشته است.

عوامل مختلفی سبب افزایش مرگ و میر در زنان می شود، می توان به مسمومیت حاملگی، خونریزی، زایمان طول کشیده و مالاریا و ایدز - در مناطقی که ایدز و مالاریا شیوع بیشتری دارد - اشاره کرد. زایمان طول کشیده، نتیجه رشد نارس استخوان های لگن در دختران کم سن است. استخوان های لگن در دختران کم سن، گنجایش کافی را برای جنین ندارد و هنگام زایمان اگرچه سر بچه از کانال زایمانی می تواند عبور کند اما شانه های او در بین استخوان های لگن گیر می کند و در نتیجه آن زایمان طول می کشد. در این حالت بدون سزارین نوزاد معمولاً می میرد و مادر ممکن است در اثر خونریزی و یا عفونت بمیرد. در صورتی که مادر زنده بماند، جنین

مرده (استخوان ها و بافت جنین) از بدن زن خارج می شود ولی ممکن است موجب فیستول شود که یکی از بدترین عوارض زایمان طول کشیده است. هنگامی که زایمان طول می کشد، فشار سر نوزاد به واژن سبب نکروز بافتی شده و به دنبال آن فیستول (مجرا یا راه) بین واژن (محل خروج نوزاد) و مثانه و یا رکتوم (راست روده) را ایجاد می کند و بی اختیاری ادرار و یا مدفوع به دنبال می آورد. به دلیل عدم رشد کافی استخوان های

اگر مادر کمتر از ۱۸ سال داشته باشد، احتمال مرگ کودک او در سال اول زندگی، ۶۰ درصد بیشتر از مادری است بیشتر از ۱۹ سال سن دارد

لگنی و زایمان طول کشیده، زنان در سنین ۱۰ - ۱۵ سالگی تا ۸۸ درصد مستعد خطر این نوع فیستول هستند (یونیسف، ۱۹۹۸).

بی اختیاری ادرار و مدفوع در این زنان سبب تحقیر، کاهش عزت نفس و حتی افسردگی در ایشان می شود. این عارضه با جراحی قابل رفع است در غیر این صورت این عارضه، آنان را تا آخر عمر از یک زندگی طبیعی دور می کند. در کشورهای آفریقایی شیوع بالای مالاریا فالسیپارم در کنار بارداری که - خود سبب ضعف سیستم ایمنی - می شود، سبب مرگ و میر مادران باردار می گردد. (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۶) مالاریا در مادران جوان شدت بیشتری دارد و مقدار پارازیت در خون زنان باردار کمتر از ۱۹ سال بیشتر است (واتانابه و همکاران، ۱۹۹۷).

ازدواج کودکان فقط بر خود این کودکان اثر نمی‌گذارد بلکه بر روی نسل بعدی یعنی کودکانی که از آنان به دنیا می‌آیند نیز موثر است. این دختران ۳۵ درصد بیشتر در خطر به دنیا آوردن نوزادان با وزن کم، نارس و سایر مشکلات سلامتی هستند. (راج و همکاران، ۲۰۱۰) وزن کم این نوزادان و نارسی زمینه ساز مرگ و میر این نوزادان در سال اول تولد است؛ به نحوی مرگ و میر کودکان کمتر از یک سال در مادران کمتر از ۲۰ سال، ۷۳ درصد بیشتر از مادرانی است سن بالای بیست سال دارند. (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۳) همچنین اگر مادر کمتر از ۱۸ سال داشته باشد، احتمال مرگ کودک او در سال اول زندگی، ۶۰ درصد بیشتر از مادری است که بیشتر از ۱۹ سال سن دارد. (راج و همکاران، ۲۰۱۰) مطالعه‌ای در هند نشان داده است رابطه مشخصی بین سن کم مادر و ابتلا به اسهال، سوء تغذیه، کم وزنی، کوتاه قدی و وزن کم هنگام تولد کودک وجود دارد (همان) و البته سوء تغذیه به خودی خود، منشا و تسهیل‌گر سایر امراض در کودکی و مرگ و میر کودکان است.

اگرچه دلایل زیادی برای مرگ و میر این کودکان وجود دارد (ایدز، مالاریا و سایر انواع بیماری‌های منتقله از راه جنسی)، اما آنچه در افزایش مرگ و میر کودکان این مادران اهمیت زیادی دارد، این است این مادران از تحصیلات، قدرت تصمیم‌گیری و مهارت‌های اجتماعی کمتری برخوردارند. آنان به میزان کمتری از خدمات بهداشتی استفاده می‌کنند و کمتر به دنبال این مراقبت‌ها می‌روند و به همین دلیل هم مشاهده می‌شود میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال که دارای مادرانی زیر بیست سال هستند، ۲۸ درصد بالاتر از کودکانی است که مادران بالای بیست سال دارند (بیکگو، ۱۹۹۶).

بیماری‌های منتقله از راه جنسی و ایدز

به خصوص در مناطقی از دنیا شیوع ایدز زیاد است، بسیاری از خانواده‌ها برای جلوگیری از رابطه جنسی قبل ازدواج و نیز محافظت در مقابل ابتلا به ایدز، دختران خود را در سن کم به ازدواج وادار می‌کنند این در حالی است که این دختران در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به ایدز قرار دارند.

تحقیقات در آفریقا نشان داده است دختران در سنین ۱۵ - ۱۹ سالگی، دو تا هشت

برابر نسبت به پسران بیشتر احتمال دارد به ایدز مبتلا شوند. به طور کلی اوج ابتلا به عفونت ایدز در زنان در سنین ۱۵ تا ۲۴ سالگی و در مردان پنج تا ده سال بعد است (لاگا، ۲۰۰۱). در یک رابطه جنسی محافظت نشده زنان دو تا سه برابر بیشتر از مردان به ایدز مبتلا می‌شوند (دفتر ایدز سازمان ملل، ۲۰۰۶).

دلایل متعددی برای ابتلاء بیشتر دختران جوان وجود دارد. از یک سو، این دختران اغلب به صورت قابل ملاحظه‌ای از همسران خود کوچکترند؛ زیرا مردان برای ازدواج می‌بایست مبلغی را به خانواده دختر پرداخت کنند و مجبورند سال‌ها کار کنند تا آن پول را تهیه نمایند. این موضوع سبب افزایش سن مردان و تفاوت سنی قابل توجه آنها با دختران می‌شود. افزایش سن ازدواج در مردان به تعدد تجارب جنسی پیش از ازدواج، بالا رفتن خطر ابتلا به عفونت ایدز در ایشان و در نتیجه، انتقال آلودگی به دختران می‌انجامد. مطالعه‌ای که در کنیا و زامبیا در سال ۲۰۰۴ انجام شده، نشان داد احتمال ابتلا به ایدز در دختران متاهل در سنین ۱۵ تا ۱۹ سالگی ۷۵ درصد بیشتر از دختران هم سن خود که ازدواج نکرده‌اند، می‌باشد. (کلارک، ۲۰۰۴) نتیجه مشابهی در آمریکای لاتین یافت شده است. (کلارک، ۲۰۰۶) مطالعه‌ای در اوگاندا نیز نشان داد هر چقدر تفاوت سنی بین مردان و زنان بیشتر باشد احتمال ابتلا به ایدز افزایش می‌یابد. (کلی، ۲۰۰۶) همچنین این دختران زیر فشار بیشتری برای فرزندآوری هستند بنابراین رابطه جنسی محافظت نشده بیشتری را تجربه می‌کنند. (کلارک، ۲۰۰۴)

نکته قابل توجه دیگر این است که علاوه بر ایدز سایر عفونت‌های منتقله از راه جنسی مانند کلامیدیا، HSV، گنوکوک و.. شیوع بیشتری در این دختران داشته و همزمانی این عفونت‌ها با ایدز ریسک ابتلا به ایدز را افزایش می‌دهد. (فلمینگ و واسرهیت؛ ۱۹۹۹؛ بوو و همکاران، ۲۰۰۱؛ آیورت و همکاران، ۲۰۰۱)

یکی دیگر از دلایلی که شانس ابتلا را بالا می‌برد چند همسری شوهران این دختران است. سن کم و نداشتن تحصیلات کافی، این دختران را از نظر اقتصادی کاملاً به همسر خود وابسته ساخته و قدرت مخالفت با چند همسری شوهران که خود زمینه‌ساز ابتلا به ایدز است - را از آنها سلب می‌نماید. به همین دلایل آنها نمی‌توانند از همسر خود تقاضای یک رابطه ایمن جنسی داشته باشند (دیدهبان حقوق بشر، ۲۰۰۳).

سرطان گردن رحم

سرطان گردن رحم با ابتلا به ویروس پاپیلوما انسانی همراهی دارد و از طریق رابطه جنسی منتقل می‌شود. این پدیده مناطقی از دنیا شیوع زیادی دارد که ازدواج کودکان عامل خطر برجسته برای این نوع سرطان است. همانطور که پیشتر ذکر شد، از شروع رابطه جنسی از سنین پایین، ازدواج با مردانی که فاصله سنی قابل توجهی با دختران داشته و دارای تجارب جنسی متعددی قبل از ازدواج هستند، باعث آلوده شدن دختران به این نوع ویروس می‌شود. در بعضی از مناطق پدیده چند همسری مردان مزید علت می‌شود و سبب می‌گردد زنان در معرض خطر بیشتری قرار بگیرند (سروادا و همکاران، ۲۰۰۱؛ کوهن و همکاران، ۲۰۰۰؛ بایو و همکاران، ۲۰۰۲) و این ویروس در بعضی از مناطق دنیا مانند آفریقا به شکل آندمیک وجود دارد و در نتیجه شیوع سرطان بالاست. برای مثال در کشور مالی شایع‌ترین سرطان در زنان است و شیوعی معادل ۴/۲۴ در صد هزار نفر دارد (بایو و همکاران، ۲۰۰۲).

اثرات روانی - اجتماعی ازدواج کودکان

از دست دادن شبکه اجتماعی و دوستان، محرومیت از دوران کودکی طبیعی و عهده‌دار شدن مسئولیت‌های بزرگسالان، اتفاقی است که معمولاً در ازدواج کودکان رخ می‌دهد. این کودکان معمولاً از خانواده خود دور شده و در بسیاری از موارد با خانواده همسر خود زندگی می‌کنند. از دست دادن حمایت اجتماعی سبب آسیب‌پذیری سلامت روان این گروه شده و آنها را به راحتی در معرض افسردگی، اضطراب و ترس قرار می‌دهد.

خشونت خانگی

دخترانی که زود ازدواج می‌کنند به دلیل سن پایین، تحصیلات کم و فقر، در خانواده همسر خود در وضعیت فرودست قرار می‌گیرند و از خود قدرت چندانی ندارند. آنها حتی در مورد ملاقات با خانواده خود و دوستان، استفاده از وسایل تنظیم خانواده و تصمیم‌های مرتبط با باروری و تعداد فرزندان از قدرت تصمیم‌گیری برخوردار نیستند. (یونیسف، ۲۰۰۵) این بی‌قدرتی موجب می‌شود تا آنها بیشتر مورد خشونت خانگی و

به خصوص خشونت جنسی قرار بگیرند. (جنسون و تونتون، ۲۰۰۳)

این دختران معمولاً نمی‌توانند به خانواده اصلی خود بازگردند چراکه باید مبلغی را که داماد به خانواده آن‌ها پرداخت نموده، بازگردانند. این موضوع سبب باقی ماندن دختران در وضعیت خشونت می‌شود و به نوبه خود، خشونت را تشدید می‌کند. مطالعه‌ای در هندوستان نشان داد دخترانی که قبل از ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند نسبت به دخترانی که در سن بالای ۱۸ ازدواج می‌کنند، دو برابر بیشتر خشونت فیزیکی و سه برابر بیشتر خشونت جنسی را تجربه می‌کنند. (راج و همکاران، ۲۰۱۰؛ ب؛ مرکز بین‌المللی تحقیقات زنان، ۲۰۰۵)

جالب توجه است دخترانی که در سنین کمتر ازدواج می‌کنند خشونت را عادلانه و طبیعی می‌پندارند (یونیسف، ۲۰۰۵؛ جنسون و تورتون، ۲۰۰۳). مطالعه‌ای در کنیا نشان داد ۳۶ درصد دخترانی که قبل از ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند، کتک خوردن زن را توسط همسر امری طبیعی می‌دانند؛ در حالی که این آمار در دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند ۲۰ درصد است؛ البته خشونت اثراتی مخرب بر سلامت روان مانند افسردگی، کاهش عزت‌نفس و حتی اختلال استرس پس از سانحه برجای می‌گذارد (همان).

* اثرات روی سلامت خانواده (چرخه فقر و بیسوادی)

همان‌طور که بیان شد فقر مانع از تحصیلات دختران می‌شود. تحصیلات کمتر نیز موجب عدم اشتغال، قدرت اقتصادی کمتر و فقر بیشتر می‌گردد. بدین ترتیب چرخه‌ای معیوب بین فقر و بیسوادی ایجاد شود. ازدواج در سنین کم، سرعت این چرخه را افزایش داده و اوضاع را وخیم‌تر می‌نماید؛ زیرا دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند احتمال کمتری دارد تحصیلات خود را ادامه دهند (یونیسف، ۲۰۱۱). تحقیقات اهمیت تحصیلات را بخصوص بعد از دوره ابتدایی بر توانمند کردن این زنان، اشتغال و سلامت خود و کودکانشان نشان داده‌اند؛ به عبارت دیگر، تحصیلات زنان پیش‌بینی‌کننده باروری کمتر، بقای بیشتر کودکان، تغذیه بهتر کودکان و خانواده و دسترسی و جستجوی خدمت بهداشتی است.

ناپایداری زندگی زن‌شویی

برخی از مطالعات نشان داده‌اند ازدواج‌های زودهنگام، پایداری ازدواج و رضایت

زناشویی را تهدید می‌کند و یکی از مهمترین پیش‌بینی‌های طلاق است (مشکی ۱۳۹۰؛ صدرالاشرفی، ۱۳۹۱). مقایسه تعداد طلاق‌هایی که ثبت احوال براساس سن مادر اعلام کرده بود با تعداد زنان همسر دار در میان گروه سنی مشخص کرد، بالاترین میزان طلاق در بین زنان همسر دار ۱۰ تا ۱۴ ساله و ۱۵ تا ۱۹ ساله است. بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم طلاق در بین ازدواج‌های زودرس بیشتر است و در سنین بالاتر دستیابی به مهارت‌های مهار خود و کسب دیدگاه‌های واقع‌بینانه باعث می‌شود افراد سطح انتظارهای خود را با واقعیت تطبیق دهند و از زندگی مشترکشان احساس رضایت کنند اما ازدواج در سن پایین و قبل از بلوغ فکری، زوج نوجوان را با انتظارات متفاوت و برآورده نشده روبرو می‌کند و با گذشت چند سال از زندگی مشترک، علاقه و اشتیاق اولیه به همسر را کمرنگ می‌کند.

از استراتژی‌های کلان و موثر

دیگر می‌توان به کاهش فقر اشاره

نمود. در بسیاری از کشورها مانند تایلند، کره و تایوان بهبود وضعیت اقتصادی با افزایش سطح تحصیلات، فرصت‌های شغلی و افزایش خدمات بهداشتی سبب کاهش قابل توجه میزان ازدواج کودکان شده است

پیشگیری

این پدیده با مسایل اجتماعی و فرهنگی جامعه آمیختگی عمیقی دارد؛ بنابراین برای حل این مسئله باید به تمام ابعاد آن توجه نمود. گروه‌های هدف شامل دختران، خانواده، جامعه و سیاست‌گذاران هستند. در حیطه قانون‌گذاری می‌توان به ممنوعیت ازدواج قبل از ۱۸ سالگی اشاره کرد. وجود چنین قانونی بدون در نظر گرفتن مداخلات دیگر کاربرد چندانی ندارد زیرا به راحتی ازدواج بدون ثبت قانونی انجام می‌شود.

از استراتژی‌های کلان و موثر دیگر می‌توان به کاهش فقر اشاره نمود. در بسیاری از کشورها مانند تایلند، کره و تایوان بهبود وضعیت اقتصادی با افزایش سطح تحصیلات، فرصت‌های شغلی و افزایش خدمات بهداشتی سبب کاهش قابل توجه میزان ازدواج کودکان شده است (امین و همکاران، ۱۹۹۸).

یکی از مهمترین عوامل جلوگیری از ازدواج کودکان، افزایش تحصیلات دختران یا به عبارتی دیگر، سیاست نگه داشتن دختران در مدرسه است که به توانمندسازی بیشتر دختران می‌انجامد. برای مثال، تغذیه دختران در مدرسه می‌تواند از هزینه‌های خانواده‌های فقیر بکاهد و در نتیجه تشویقی برای ماندن دختران در مدرسه باشد.

افزایش تحصیلات می‌تواند به ارتقاء سن ازدواج، سن بارداری، افزایش اشتغال و بهبود قدرت تصمیم‌گیری زنان در زمینه‌های مختلف و از جمله باروری منجر شود. استراتژی بعدی می‌تواند حرفه‌آموزی به دختران و ایجاد فرصت‌های شغلی برای آنان باشد به تقویت قدرت آنان در زمینه اقتصادی و کاهش فقر می‌انجامد. دسته بعدی از سیاست‌های پیشگیری که بر آگاه‌سازی تکیه دارند: این سیاست‌ها شامل آگاه‌سازی والدین و خانواده‌ها در زمینه مشکلات مربوط به ازدواج زود هنگام و تغییر نگرش‌های ایشان، آگاه‌سازی رهبران محلی و معتمدین و افراد صاحب نفوذ، آگاه‌سازی دختران در زمینه مضرات ازدواج زودهنگام و از آن مهمتر بارداری قبل از ۱۸ سالگی و آموزش‌های لازم در زمینه تنظیم خانواده و نیز جلوگیری از ایدز می‌شود.

منابع

۱. سادات، م. (۱۳۸۲). نگرش دختران دانش آموز دبیرستانی شیراز نسبت به تاثیر نامطلوب ازدواج‌های خویشاوندی بر سلامت فرزندان. ارمغان دانش، ۸ (۲۹)، ۴۱ - ۳۶.
۲. صدراشرفی، م.، خنکدار طارسی، م.، شمخانی، ا.، و یوسفی افراشته، م. (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی طلاق (علل و عوامل و راهکارهای پیشگیری از آن). فصلنامه مهندسی فرهنگی، ۷۳ و ۷۴، ۲۶ - ۵۳.
۳. عباسی شوازی، م.، و ترابی، ف. (۱۳۸۵ الف). سطح، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران. نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۲ (۱)، ۶۱ - ۸۸.
۴. عباسی شوازی، م.، و ترابی، ف. (۱۳۸۵ ب). تفاوت بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران. فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، ۴ (۱۶)، ۱۴۶ - ۱۱۹.
۵. لطفی، ر. (۱۳۸۹). پیامدهای سلامتی ازدواج زودرس در زنان، زن و بهداشت، ۲، ۷۹ - ۶۷.
۶. مشکئی، م. شاه قاسمی، ز.، دلشاد نوقابی، ع.، و مسلم، ع. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوج مطلقه‌ی شهرستان گناباد در سال‌های ۷۷ و ۷۸. مجله افق دانش، ۱۱۷ (۱)، ۴۴ - ۳۵.
۷. یاراحمدی، ع. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر ازدواج زودهنگام بر ترک تحصیل زنان نوجوان در ایران با رویکرد چند سطحی. مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران. چکیده. شیراز دانشگاه شیراز

8. Amin, S. , Diamon, I. , Naved, R. (1998). Transition to adulthood of female garment - factory workers in Bangladesh. *Studies of Family Planning*, 29, 185200 -

9. Auvet, B. , Ballard, R. , Campbell, C. , Carael, M. , Carton, M. , Gehler, G. , etal. (2001). HIV infection among youth in a South African mining town is associated with herpes simplex virus 2 - seropositivity and sexual behavior. *AIDS*, 15, 88598 -

10. Bayo, S. , Boxch, X. , Sanjose, S. , Munoz, N. , Combita, A. , & Meijer, C. (2002). Risk factors of invasive cervical cancer in Mali. *International Journal of Epidemiology*, 31, 2029 -

11. Bicego, G. (1996). Infant and child mortality. *Demographic and health surveys comparative studies*, no. 20. Calverton (MD): Macro International.

12. Bittles A. H. (1994). The role and significance of consanguinity as a demo

- graphic variable. *Population and Development Review*, 20, 561584 -
13. Buve, A. , Carael, M. , Auvert, B. , Ferry, B. , Robinson, N. , Anagonou, S. , etal. (2001). Multicentre study on factors determining differences in rate of spread of HIV in sub - Saharan Africa: summary and conclusion. *AIDS*, 15, 127-31.
 14. Clark, S. (2004). Early Marriage and HIV Risks in Sub - Saharan Africa. *Studies in Family Planning*, 35 (3), 149 160 -, available from: <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/15511059>.
 15. Clark, S. , Bruce, J. , & Dude, A. (2006). Protecting Young Women from HIV/AIDS: The Case Against Child and Adolescent Marriage. *International Family Planning Perspectives*, 32(2), 79 88 -.
 16. Conde - Agudelo, A. , Belizán, J. M. , Lammers, C. (2005). Maternal - perinatal morbidity and mortality associated with adolescent pregnancy in Latin America: cross - sectional study. *American Journal of Obstetrics & Gynecology*, 192, 3429 -.
 17. Convention on the Rights of the Child, Article 1. (1989). Available from: <http://www.ohchr.org/Documents/ProfessionalInterest/crc.pdf>
 18. Fleming, D. T. , & Wasserheit, J. N. (1999). From epidemiological synergy to public health policy and practice: the contribution of other sexually transmitted diseases to sexual transmission of HIV infection. *Sexually Transmitted Infections*, 75, 317 -.
 19. Human Rights Watch. (2003). Just die quietly: domestic violence and women's vulnerability to HIV in Uganda. New York: The Watch.
 20. International Center for Research on Women (ICRW). (2005). Development Initiative on Supporting Health Adolescents (DISHA) Project. Analysis of quantitative baseline survey data conducted in 2004. ICRW: Washington, D. C.
 21. Jenson, R. , & Thornton, R. (2003). Early female marriage in the developing world. *Gender and Development*, 11(2), 9 19 -.
 22. Kelly, R. J. , Gray, R. H. , Sewankambo, N. K. , Serwadda, D. , Wabwire - Mangen, F. , Wawer, M. J. (2003). Age differences in sexual partners and risk of HIV 1 - infection in rural Uganda. *Journal of Acquired Immune Deficiency Syndromes*, 32, 44651 -.
 23. Khanum, N. (2008). Forced Marriage, Family Cohesion and Community Engagement: National Learning through a Case study of Luton. Luton: Equality in Diversity.
 24. Kuhn, L. , Denny, L. , Pollack, A. , Lorincz, A. , Richart, R. , & Wright, T. (2000). Human papillomavirus DNA testing for cervical cancer screening in lowresource settings. *Journal of the National Cancer Institute*, 92, 81825 -.
 25. Laga, M. , Shartlander, B. , Pisani, E. , Sow, P. , & Carael, M. (2001). To stem HIV in Africa, prevent transmission to young women. *AIDS*, 15, 9314 -.
 26. Mathur, S. , Greene, M. , & Malhotra, A. (2003). Too young to wed: the lives, rights and health of young married girls. Washington: International Center for Research on Women.
 27. Population Reference Bureau. The world's youth. (2006). data sheet [cited 2006 Sep 7]. Washington: The Bureau; 2006. Available from <http://www.prb.org/pdf06/WorldsYouth2006Datashet.pdf>

28. Population Reference Bureau. (2011). Who speaks for me? Ending child marriage. Washington: Population Reference Bureau. Available from: <http://www.prb.org/pdf11/ending-child-marriage.pdf>
29. Raj, A., Saggurti, N., Winter, M., Labonte, A., Decker, M. R., Balaiah, D., & Silverman, J. G. (2010). The effect of maternal child marriage on morbidity and mortality of children under 5 in India. Cross-sectional study of a national representative sample. *British Medical Journal*, 340, b4258.
30. Raj, A., Saggurti, N., Lawrence, D., Balaiah, D., & Silverman, J. G. (2010). Association between adolescent marriage and marital violence among young adult women in India. *International Journal of Gynecology and Obstetrics*, 110(1), 35-9.
31. Serwadda, D., Wawe, M., & Shah, K. (2001). Use of a hybrid capture assay of self-collected swabs in rural Uganda for detection of human papilloma virus. *Journal of Infectious Diseases*, 180, 13169-.
32. UNAIDS, Joint United Nations Programme on HIV and AIDS. (2004). World AIDS Campaign: women, girls, HIV and AIDS [cited 2006 Aug 31]. Available from <http://www.hivinfocus.org/English/docs/GlobalWorldAIDSCampaign2004StrategicOverviewandBackgroundNotes.pdf>.
33. United Nations Children's Fund (UNICEF). (2007). The State of the World's Children: Women and Children, the Double Dividend of Gender. UNICEF: New York.
34. United Nations Children's Fund (UNICEF). (2005). Early marriage: a harmful traditional practice. UNICEF: New York.
35. United Nations Children's Fund (UNICEF). (1998). Fistula in Niamey, Niger. UNICEF: New York.
36. United Nations Children's Fund (UNICEF). (2012). Progress for children. A report card for adolescents. UNICEF: New York.
37. United Nations Children's Fund (UNICEF) (2010). Progress for children. Achieving the millennium development goals with equity. UNICEF: New York.
38. United Nations. (2000). World marriage patterns. New York: United Nations Population Division, Department of Economic and Social Affairs.
39. Watanabe, M., Iwatani, Y., Kaneda, T., Hidaka, Y., Mitsuda, N., Morimoto, Y., et al. (1997). Changes in T, B, and NK lymphocyte subsets during and after normal pregnancy. *American Journal of Reproductive Immunology*, 37, 36877-.
40. World Health Organization. (2003). Early marriage and childbearing: risks and consequences. Towards adulthood: exploring the sexual and reproductive health of adolescents in South Asia [cited 2006 Sep 7]. Geneva: The Organization; 2003. Available from [http://www.who.int/reproductive-health/publications/towards_adulthood/7.pdf#search=world health organization. early marriage and childbearing](http://www.who.int/reproductive-health/publications/towards_adulthood/7.pdf#search=world%20health%20organization%20early%20marriage%20and%20childbearing).
41. World Health Organization. (2004). Malaria and HIV/AIDS interactions and implications and their implications for public health policy [cited 2006 Aug 31]. Geneva: The Organization; 2004. Available from http://www.who.int/malaria/malaria_HIV/Malaria_HIV_interactions_re_port.pdf.

ازدواج زودهنگام کودکان؛ چالش و راهکارها

دکتر سید علی کاظمی

چکیده

یکی از آسیب‌های اجتماعی مهم در حوزه کودکان در جوامع در حال توسعه، ازدواج در سن پایین یا ازدواج زودهنگام است. این ازدواج غالباً اجباری و تحمیلی است؛ بدین جهت در برخی کشورها این نوع ازدواج از مصادیق سوءاستفاده جنسی از کودکان نیز قلمداد می‌شود. عدم توانایی جسمی، روحی و عدم آمادگی آموزشی و تربیت کودکان برای پذیرش مسئولیت‌های همسری و یا پدر و مادری، نه تنها منجر به آسیب‌پذیری و عدم ماندگاری آنان در این نقش‌های اجتماعی گردیده، بلکه باعث محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی حاصل از انگ بی همسری (بیوه یا مطلقه) و همین‌طور آسیب‌های جسمی و روحی به کودک می‌شود. هر چند که ازدواج زودهنگام شامل هر دو جنس پسر و دختر است، ولی دختران بیشترین قربانیان این پدیده به شمار می‌روند. ازدواج کودکان و تعیین حداقل سن ازدواج در کشور ما نیز دچار فراز و فرودهای زیادی شده است و از جهت حقوقی و جامعه‌شناختی مورد انتقادات فراوانی قرار گرفته است.

در این نوشتار بعد از بررسی وضعیت موجود، پیامدهای ازدواج زودهنگام، رویکرد اسناد بین‌المللی مربوط و تحولات نظام قانونگذاری ایران در مورد ازدواج زودهنگام بررسی شده و در نتیجه معلوم می‌گردد که مقررات موجود در این خصوص با استانداردهای بین‌المللی هماهنگ نیست و در پایان پیشنهادهایی جهت اصلاح وضع موجود ارائه شده است.

واژگان کلیدی:

کودک (child)، ازدواج (marriage)، ازدواج کودک (child marriage) ازدواج زودهنگام (early marriage)، سن ازدواج (marriageable age)، ازدواج اجباری (forced marriage)، نامزدی (betrothal).

درآمد

از منظر اسلامی، زوجیت به عنوان قاعده‌ای کلی بر مخلوقات الهی حاکم است و در آیات قرآن بر این موضوع تأکید شده است. به عنوان مثال آیه ۴۹ سوره ذاریات که می‌فرماید: **وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ** و آیه ۳۶ سوره یاسین که می‌فرماید: **سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَ هَمَّجِنِ آيَةَ ۳ سوره رعد که می‌فرماید: وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ، مَبِينِ أَنْ هَسْتَنْدِ كَه گُوبَا كَائِنَاتِ بَايْدِ رُوجِ بَاشَنْدِ وَ دَرِ فَرْدِيْتِ نَقْصَانِ اسْتِ وَ الزَامَا كَائِنَاتِ تَحْتِ هِدَايْتِ تَكْوِينِي الْهِي اَز اَيْنِ سَنْتِ پِيروي مي‌کنند.**

در مورد انسان‌ها این زوجیت به اراده او واگذار شده است. (روشن، ۱۳۶۰: ۷ و ۸) البته این اراده در طول تاریخ به تدریج با مقررات وضع شده از سوی دولت‌ها برای تعیین سن ازدواج و شرایط تشکیل خانواده مقید و محدود شده است، به گونه‌ای که امروزه نمی‌توان از اراده مطلق و آزاد افراد در ازدواج سخن گفت.

مکاتب و اندیشمندان مختلف، تعاریف و تعبیر گوناگونی از ازدواج و تشکیل خانواده ارائه نموده‌اند، در این میان برخی به حداقل کار ویژه ازدواج یعنی جنبه جنسی توجه دارند، به عنوان نمونه گیدنز ازدواج را «یک پیوند جنسی به رسمیت شناخته شده و پسندیده بین دو فرد بزرگسال از نظر اجتماع»

ابن عربی عارف شهیر، نکاح را «نشاء عنصریه» و بزرگترین وصلت توصیف کرده است و آن را مانند توجه الهی به انسان دانسته است تا خود را در آینه وجود وی نظاره کند

تعریف می‌کند و در مقابل برخی دیگر با رویکرد بیشینه گرا، به ابعاد بیشتری از ازدواج توجه کرده و سایر جنبه‌های ازدواج را نیز مورد توجه قرار داده‌اند (ر.ک علمدار، ۱۳۸۶: ۶۵-۶۶) ابن عربی عارف شهیر، نکاح را «نشاء عنصریه» و بزرگترین وصلت توصیف کرده است و آن را مانند توجه الهی به انسان دانسته است تا خود را در آینه وجود وی نظاره کند. (فیض ۱۳۸۴: ۲۱۳) بدیهی است نوع نگرش به ازدواج در موضوع تعیین سن ازدواج نیز تاثیر دارد، چرا که اگر کار ویژه ازدواج را صرفاً به تامین نیازهای جنسی فروکاهیم، تعیین حداقل سن ازدواج را شاید بتوان بر حد بلوغ جنسی استوار ساخت. اما اگر ازدواج را فرآیند هدفمند علاقمندی، کشش روحی و جنسی و به دنبال آن فراهم‌سازی شرایط اقتصادی، اجتماعی، علمی، شغلی، خانوادگی و شخصی بین زن و مرد جهت تشکیل خانواده و ایجاد یک زندگی مشترک توأم با تفاهم، محبت، پویایی،

زاینده‌گی بدانیم، که هم از نظر اخلاقی و هم از نظر حقوقی، الزامات، تعهدات و حقوق و تکالیف متقابلی برای طرفین ایجاد می‌کند، تعیین حداقل سن ازدواج علاوه بر داشتن آمادگی جسمانی و جنسی، مستلزم رشد و تکامل روحی و روانی طرفین است. بنابراین در ازدواج کودکان به معنای «ازدواج رسمی یا غیر رسمی هر دختر و یا پسر زیر ۱۸ سال» تحقق شرایط مذکور، اگر نگوییم امکان پذیر نیست، دشوار و استثنایی است. علاوه بر این از آنجا که فرد زیر ۱۸ سال نمی‌تواند اطلاعات و آمادگی لازم را برای یک انتخاب سرنوشت‌ساز مانند ازدواج داشته باشد، لذا عنصر اراده و رضایت در ازدواج از سوی وی مخدوش است و به این سبب حتی می‌توان ازدواج کودکان را از مصادیق ازدواج اجباری دانست که در آن «رضایت و اراده زوجین یا یکی از آن دو نادیده انگاشته می‌شود و برای برقراری این پیوند، از انواع فشارهای جسمی و روانی استفاده می‌شود».

۱- بررسی وضعیت موجود

طبق آمار ارائه شده از سوی صندوق حمایت از کودکان ملل متحد (یونیسف) تعداد ۷۰۰ میلیون نفر از جمعیت هفت میلیاردی جهان زنانی هستند که ازدواج در سن زیر ۱۸ سال را تجربه کرده‌اند و ۲۵۰ میلیون نفر از این زنان، هنگام ازدواج زیر ۱۵ سال بوده‌اند (<http://www.unicef.org/protection/57929/58008>)

بر اساس یافته‌های سرشماری ۱۳۹۰، جمعیت ایران حدود ۷۶ میلیون و صد هزار نفر است که ایران را در جایگاه هجدهم جهان و دهم آسیا از لحاظ جمعیتی قرار می‌دهد. بالغ بر ۲۱ میلیون خانوار در کشور شمارش شده است که میانگین تعداد اعضای هر خانوار ۳/۵ نفر است.

از این تعداد ۲۳/۴ درصد معادل ۱۷/۵ میلیون نفر زیر پانزده سال دارند. از جهت آمار ازدواج و طلاق در سنین کودکی و تحولات ترکیب سنی در ازدواج‌های ثبت شده آمار ارائه شده توسط سازمان ثبت احوال نشان دهنده آن است که در سال ۱۳۸۴ رقم ازدواج افراد زیر ۱۸ سال ۷۸۷۸۱۸ نفر و در سال ۱۳۹۰ به میزان ۸۷۴۷۹۲ نفر بوده است.

در سال ۱۳۸۹ تعداد ازدواج زیر ۱۸ جمعا ۸۹۱۶۲۷ نفر می‌باشد که ۷۱۶ مورد آن مربوط به افراد زیر ۱۸ سال است و در سال ۱۳۹۰ تعداد ۸۷۴۷۹۲ نفر بوده است که

از این تعداد ۲۲۰ مورد مربوط به کودکان کمتر از ده سال است.
جدول زیر بیانگر نرخ ازدواج کودکان پسر در سالهای ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ است.
آمار ازدواج‌های ثبت شده بر اساس سن زوج به تفکیک گروه سنی ۱۰ تا ۱۸ سال

سن ازدواج	فراوانی ۱۳۸۹	فراوانی ۱۳۹۰
۱۰ - ۱۸	۲۱۶۰۰	۲۴۲۹۶
۱۰ سال	۸	۳۳
۱۱ سال	۱۲	۴۸
۱۲ سال	۲۴	۹۰
۱۳ سال	۵۳	۲۰۱
۱۴ سال	۱۱۸	۳۴۸
۱۵ سال	۷۲۶	۱۲۳۰
۱۶ سال	۱۹۹۴	۲۵۹۵
۱۷ سال	۵۴۸۰	۶۲۷۱
۱۸ سال	۱۲۱۸۵	۱۳۴۸۰

و جدول زیر بیانگر نرخ ازدواج کودکان دختر به تفکیک هر سال از ده سالگی تا ۱۸ سالگی در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۹۰ است.

آمار ازدواج‌های ثبت شده بر اساس سن زوجه به تفکیک گروه سنی ۱۰ تا ۱۸ سال

سن ازدواج	فراوانی ۱۳۸۹	فراوانی ۱۳۹۰
۱۰ - ۱۸	۲۴۰۵۸۹	۲۵۲۴۸۱
۱۰ سال	۹۶	۴۳۴
۱۱ سال	۲۹۳	۷۲۰
۱۲ سال	۱۷۵۶	۲۴۹۰
۱۳ سال	۱۰۵۳۶	۱۲۶۸۵
۱۴ سال	۲۰۲۲۶	۲۳۴۱۱
۱۵ سال	۳۴۳۷۹	۳۸۰۴۹
۱۶ سال	۴۶۷۴۶	۴۸۵۲۲
۱۷ سال	۵۸۰۳۳	۵۹۱۷۴
۱۸ سال	۶۷۵۲۴	۶۶۹۹۶

این آمار صرفاً بیانگر ازدواج‌های قانونی دائم زود هنگام ثبت شده است و شامل

ازدواج‌های موقت و ازدواج‌های ثبت نشده نمی‌شود. ازدواج‌های ثبت نشده شامل دو دسته از کودکان می‌شود. اول گروهی که دارای هویت هستند اما بنا به دلایلی ازدواج آنان ثبت نشده و دوم کودکان بی هویت و نامریی که تاریخ تولد و احوال شخصیه آنان معلوم نیست. این کودکان یا ایرانی هستند و بنا به دلایلی مانند نداشتن سرپرست موثر یا سهل انگاری والدین، ثبت موالید نشده‌اند که در این مورد برخی معتقدند بیش از صدهزار کودک ایرانی فاقد اسناد سجلی و شناسنامه در کشور وجود دارد (یزدانی، فرشید، سایت انجمن حمایت از حقوق کودکان) و یا از اتباع بیگانه هستند که اقامت غیر قانونی در ایران دارند و به تبع والدین دارای اوراق هویتی نمی‌باشند. در این راستا طبق برخی گمانه‌زنی‌ها صرفاً در مورد اتباع بیگانه حدود سه و نیم میلیون نفر افغانی در ایران وجود دارد که فقط حدود ۹۰۰ هزار نفر از آنان کارت آمایش شماره ۹ را دریافت کرده‌اند و سایر این افراد اقامت غیرقانونی دارند. ناگفته پیداست که ازدواج زودرس در تعداد مذکور چه میزان شیوع دارد.

۲- پیامدهای ازدواج کودکان

بر اساس مطالعات انجام شده و مطالعه شواهد تجربی برخی از ناهنجاری‌ها حاصل شده است، پیامدهای ازدواج زودهنگام به شرح زیر است:

۱- آسیب‌های فردی

از این منظر دو دسته آسیب از عوارض منفی ازدواج زودرس است:

۱-۱- آسیب‌های جسمی: از اولین عوارض منفی ازدواج زودهنگام است که بر سلامت جسمی کودکان اثرات بسیار منفی دارد. این موارد در ازدواج زودهنگام با دختر نابالغی که آمادگی جسمی کافی ندارد، به ویژه با مردان بزرگسال پیامدهای منفی بیشتری از نظر سلامتی دارد. کمترین عوارض جسمی برای مادران نوجوان، بارداری زودرس (که در بین دختران ۱۰ - ۱۴ ساله ۵ برابر بیش از زنان در سن ۲۰ تا ۲۴ ساله است) بیماری‌های دستگاه باروری زنان، مرگ و میر ناشی از عدم رعایت بهداشت یا دسترسی به اطلاعات یا امکانات بهداشتی، تولد کودکان نارس و عوارض ناشی از آن، سوء تغذیه کودک و مادر و امکان ابتلا به ایدز است. ازدواج در سنین پایین، از جهت بهداشت باروری، ممکن است خطرات جدی به دنبال داشته باشد. به تایید اسناد

سازمان ملل متحد، هر سال حدود ۱۴ میلیون دختر ۱۵-۱۹ ساله زایمان و حدود ۵ میلیون دیگر سقط جنین نایمن و غیربهداشتی می‌کنند. در برخی کشورها، نیمی از کل جمعیت زنان، اولین زایمان را پیش از رسیدن به سن ۱۸ سالگی انجام می‌دهند. مرگ و میر ناشی از زایمان این گروه سنی ۲ برابر و زنان کمتر از ۱۵ سال ۵ برابر بیشتر از زایمان زنان در دهه ۲۰ سالگی است. در واقع زایمان عامل اصلی مرگ و میر زنان ۱۴-۱۵ ساله در جهان است. در ازای هر زنی که هنگام زایمان جان خود را از دست می‌دهد ۱۵-۳۰ زن زنده می‌مانند اما دچار معلولیت‌های مزمن می‌شوند. همچنین خطر مرگ نوزادانی که مادران آنها کمتر از ۱۹ سال دارند بیشتر است (اودانل، بی تا: ۹۸).

۱-۲- آسیب‌های روحی و روانی: این مورد شامل افسردگی و اختلالات روحی و روانی است که بهداشت روانی کودکان ازدواج کرده را به خطر می‌اندازد. این امر موجب فقدان شبکه ارتباطی محبت آمیز میان زن و شوهر می‌شود. سوءظن، انزوا طلبی و از دست دادن امید به زندگی یا بروز روحیه پرخاشگری و انواع عوارض روحی دیگر نتیجه این نوع ازدواج است (۲۰۰۶، unicef، child marriage)

۲- آسیب‌های خانوادگی

انحطاط اخلاقی، سست شدن بنیان خانواده، فرار از خانه، طلاق، همسر آزاری و همسرکشی، دشواری‌های ناشی از عدم آمادگی روحی - روانی و فکری زوجین برای تربیت فرزندان، وجود فرزندان منحرف، ناسازگاری یا بزهکاری، عدم احراز رشد هر یک از زوجین و ناتوانی در استیفای حقوق مالی، ترک تحصیل زوجین به ویژه دختران و به تبع آن نداشتن منبع درآمد مستقل برای خود و در نتیجه وابستگی بیش از پیش این زنان به شوهران یا مردان دیگر از دیگر نتایج ازدواج زودرس است (کازمی، ۱۳۹۲، ۹۰)

۳- آسیب‌های اجتماعی

مهم‌ترین این آسیب‌ها عبارتند از: جدایی از خانواده و دوستان، از دست دادن آزادی تعامل با همسالان و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و کاهش فرصت‌های آموزشی،

افزایش آمار ازدواج‌های بدون ثبت قانونی، رشد نابهنجاری‌های روانی و اخلاقی در جامعه، تحکیم و شیوع فقر و زنانه شدن بیشتر آن، افزایش آمار طلاق، افزایش جرایم و کجروی‌ها. (برای دیدن نظر مخالف، رک. آیت الهی، ۱۳۷۹)

۳- ازدواج کودکان در اسناد بین‌المللی

ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) ناظر به تشکیل خانواده است. طبق این ماده: «۱- هر زن و مرد بزرگسالی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر زناشویی کرده و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در تمامی امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی می‌باشند. ۲- ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود. ۳- خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود.»

از این ماده در ارتباط با موضوع بحث دو نکته قابل استنباط است: نخست اینکه هر چند ماده صراحتاً سن ازدواج را تعیین نکرده است، اما با آوردن لفظ بزرگسال بدون تعیین مرز بزرگسالی و کودکی، پیش شرط ازدواج را بزرگسال بودن طرفین قرار می‌دهد. دوم آنکه معیار رضایت کامل و آزادانه افراد را به عنوان معیاری جهت تشکیل خانواده قرار می‌دهد. معیاری که در اسناد دیگر مکرراً تکرار شده و بی‌شک در سنین کودک محقق نمی‌شود.

ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) نیز حکم مندرج در ماده ۱۶ اعلامیه را با این عبارات تصریح می‌کند: «۱- خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و حکومت را دارد. ۲- حق نکاح و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمانی که به سن ازدواج می‌رسند به رسمیت شناخته می‌شود. ۳- هیچ نکاحی بدون رضایت آزادانه و کامل طرفین آن منعقد نمی‌شود.»

طبق بند ۴ تفسیر عمومی شماره ۱۹ کمیته حقوق بشر در تفسیر ماده ۲۳ میثاق مصوب ۱۹۹۰ در مورد «خانواده» سن خاصی را برای زنان و یا مردان به عنوان سن ازدواج مشخص نکرده است، اما تعیین چنین سنی باید به گونه‌ای باشد که هر یک از زوجین بتواند رضایت کامل و آزادانه خود را در مورد شکل و شرایط ازدواج که توسط قانون تعیین شده است، ابراز نماید. کمیته حقوق بشر در بندهای ۶ و ۷ این تفسیر

بر ایجاد شرایط برابر در برخورداری از حقوق و مزایا و جلوگیری از تبعیض جنسیت محور تاکید می‌کند.

در بند ۲۳ تفسیر عمومی شماره ۲۸ کمیته حقوق بشر در تفسیر ماده ۳ مصوب ۲۰۰۰ در مورد «برابری حقوق زن و مرد» یکی از مولفه‌هایی که ممکن است مانع تصمیم‌گیری آزادانه زنان شود، تعیین حداقل سن ازدواج ذکر شده است. در این بند کمیته تاکید دارد که دولت باید این سن را بر اساس ضوابط برابر بین زن و مرد تعیین نمایند. این معیارها باید به گونه‌ای باشد که موجب توانایی زنان در اتخاذ تصمیم غیراجباری و مبتنی بر اطلاعات گردد. دومین مولفه مانع تصمیم‌گیری آزاد زنان در

این تفسیر رضایت سرپرست قانونی ذکر شده که بر اساس قانون موضوعه یا عرف، جانشین رضایت دختران شده و مانع انتخاب آزادانه زنان است. طبق بند ۲۳ این تفسیر موضوع دیگری که باعث محدودیت در اعمال حق تصمیم‌گیری آزادانه زنان در مورد ازدواج می‌شود، رویکردهای اجتماعی جهت اعمال فشار بر زنان قربانی تجاوز برای ازدواج است. به ویژه در مواردی که به موجب قانون ازدواج زن با متجاوز باعث زوال یا کاهش مسئولیت کیفری متجاوز می‌شود. این امر در مورد کودکان منجر به کاهش سن ازدواج در اثر تجاوز می‌شود.

در بند ۴ تفسیر عمومی شماره ۱۱ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تحت ماده ۱۴ میثاق با عنوان «برنامه اقدام برای آموزش ابتدایی کودکان» مصوب ۱۹۹۹

کمیته خاطر نشان می‌سازد که برنامه‌های دولت‌های عضو و همچنین کار انجام شده توسط کمیته نشان دهنده آن است که نبود و کمبود فرصت‌های آموزشی برای کودکان ناگزیر منجر به نقض سایر حقوق بشر ایشان خواهد شد و به عنوان مثال از ارتباط بین افزایش ثبت نام دختران در مدارس ابتدایی که منجر به کاهش ازدواج کودکان می‌شود یاد می‌کند (E/C.12.1999.4)

در بند ۲۲ تفسیر عمومی شماره ۱۴ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۲۰۰۰ تحت عنوان «حق بر بالاترین استانداردهای بهداشتی قابل حصول

اولین سند بین‌المللی که

صراحتاً در مورد ازدواج کودکان

موضوع‌گیری کرده است،

کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

(۱۹۷۹) است. طبق بند دو ماده ۱۶

این کنوانسیون: «نامزدی و ازدواج

کودک هیچ اثر قانونی ندارد و

کلیه اقدامات ضروری از جمله

وضع قانون برای تعیین حداقل

سن ازواج و اجباری کردن ثبت

ازدواج در دفاتر رسمی باید به

عمل آید»

در سلامت « با عنوان کودکان و نوجوانان کمیته بر ضرورت به کارگیری ابزارهای مناسب و موثر برای محو رویه‌های سنتی مضر که سلامتی کودکان، به ویژه کودکان درگیر در ازدواج زودهنگام را تحت تاثیر قرار می‌دهد، تاکید می‌کند.

اولین سند بین‌المللی که صراحتاً در مورد ازدواج کودکان موضع‌گیری کرده است، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) است. طبق بند دو ماده ۱۶ این کنوانسیون: «نامزدی و ازدواج کودک هیچ اثر قانونی ندارد و کلیه اقدامات ضروری از جمله وضع قانون برای تعیین حداقل سن ازواج و اجباری کردن ثبت ازدواج در دفاتر رسمی باید به عمل آید». با توجه به تاریخ تصویب این سند که ده سال پیش از کنوانسیون حقوق کودک است، معلوم نیست منظور از کودک در این کنوانسیون چه محدوده سنی است. کمیته رفع تبعیض علیه زنان در بند ۳۷ توصیه عمومی شماره ۲۱ تحت عنوان «برابری در ازدواج و روابط خانوادگی» مصوب ۱۹۹۴، در تفسیر بند ۲ ماده ۱۶ این کنوانسیون بر اساس پیمان‌نامه حقوق کودک صراحتاً حداقل سن ازدواج را چه برای زنان و چه برای مردان ۱۸ سال اعلام کرده است. در نتیجه کمیته تاکید می‌کند افرادی که به بلوغ کامل نرسیده‌اند و یا اهلیت اقدام ندارند نباید ازدواج کنند. در بند ۳۸ این توصیه‌نامه به لزوم برابری سن ازدواج بین دختران و پسران اشاره کرده و رویه برخی کشورها در تفاوت دادن سن ازدواج دختران و پسران را نقد کرده است و از دولت‌های عضو خواستار محو این رویه می‌گردد. در این بند کمیته اختیار اجازه نامزدی یا ازدواج به خانواده را نیز مغایر با کنوانسیون تلقی می‌کند. در بند ۳۹ این سند از دولت‌ها خواسته شده تا امکان ثبت تمامی ازدواج‌هایی که بر اساس قانون، مذهب یا عرف انجام می‌شود را فراهم کنند.

در قسمت اخیر بند ۲۸ در تفسیر ماده ۱۲ با عنوان «زنان و سلامتی» تعیین حداقل سن ازدواج به عنوان مهمترین مولفه برای پیشگیری از بروز آسیب‌های جسمی و روانی نسبت به کودکان قلمداد شده است و در شق «د» بند ۱۶ این توصیه‌نامه تصویب قانون با بازدارندگی موثر در مورد ازدواج دختران کودک را به دولت‌های عضو توصیه می‌کند.

در مهمترین سند بین‌المللی مربوط به کودکان یعنی پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک (۱۹۸۹) صراحتاً به موضوع ازدواج کودکان توجه نشده است اما کمیته حقوق کودک در چند تفسیر عمومی نسبت به ازدواج کودکان واکنش نشان داده است.

کمیته در بند ۹ تفسیر عمومی شماره ۳ مصوب ۲۰۰۳ با عنوان «ایدز/اچ آی وی و حقوق کودک» در تفسیر ماده ۶ پیمان نامه یادآوری می‌کند که ازدواج اجباری یا ازدواج زودهنگام دختران را بیشتر در معرض ابتلا به ایدز/اچ آی وی قرار می‌دهد چرا که این نوع ازدواج غالباً باعث مخدوش شدن حق دسترسی این کودکان به اطلاعات و آموزش می‌شود و موثرترین روش پیشگیری را در این دسته اطلاع رسانی و آگاه سازی، آموزش مهارت‌های زندگی و آرایه مسایل پیشگیرانه به افراد نابالغ اعلام می‌کند. کمیته حقوق کودک همچنین در بند ۵ تفسیر عمومی شماره ۴ مصوب ۲۰۰۳ مربوط به «سلامت و رشد افراد نابالغ در پرتو کنوانسیون حقوق کودک» از دولت‌های عضو خواستار تعیین حداقل سن ازدواج و رضایت جنسی بدون در نظر گرفتن رضایت والدین می‌شود و تأکید می‌کند که این سن باید بین دختر و پسر یکسان باشد. حقوق افراد زیر ۱۸ سال را به عنوان صاحبان حق و با توجه به سن، اهلیت و بلوغ شناسایی و تضمین می‌کند. نوجوانان حق دسترسی به دادگستری و دادرسی عادلانه را داشته باشند و حریم خصوصی آنان حفظ شود. در بندهای ۱۶ و ۲۰ این تفسیر کمیته ابراز نگرانی کرده است که ازدواج و بارداری زودهنگام فاکتورهای مهمی در معضلات سلامت در رابطه با بهداشت جنسی و باروری از جمله ایدز/اچ آی وی قلمداد می‌شوند و حداقل سن قانونی و سن واقعی ازدواج خصوصاً در رابطه با دختران هنوز در بسیاری از کشورها پایین است. نگرانی‌های غیرمرتبط با سلامت نیز عبارتند از این که کودکانی که ازدواج می‌کنند خصوصاً دختران، اغلب مجبور به ترک نظام آموزشی و به حاشیه رانده شدن از فعالیت‌های اجتماعی می‌شوند و از کلیه اقدامات حمایتی مندرج در کنوانسیون محروم می‌گردند. کمیته موكداً به دولت‌های عضو پیشنهاد می‌کند که قوانین و رویه‌های خود را بازنگری و در مواقع لزوم اصلاح کنند و حداقل سن ازدواج را چه با رضایت و چه بی رضایت والدین، ۱۸ سال برای دختران و پسران قرار دهند.

(UN Doc.GC.2003.4)

در بند ۲۷ این تفسیر کمیته در مورد دخترانی که دچار بارداری زودهنگام شده‌اند، کمیته خواستار می‌شود تا دولت‌های عضو امکان دسترسی به سیستم سلامت حساس در مورد حقوق و نیازهای آنان را امکان پذیر کند و دولت‌ها شیوه‌هایی را اتخاذ کنند که مرگ و میر این دختران را به علت خودکشی یا شیوه‌های غیرسالم سقط جنین کاهش دهد و از والدین نوجوان و به ویژه مادران نوجوان حمایت لازم را خصوصاً در

برابر افسردگی و معامله کردن توانایی های خود در قبال توجه از کودکانشان داشته باشد.

۴- ازدواج کودکان در قوانین و مقررات داخلی

نظام حقوقی ایران از ابتدا تاکنون و در مراحل مختلف قانون گذاری، رسیدن به سن خاصی را به عنوان ملاک اهلیت شخص برای نکاح تعیین نموده، به گونه ای که گاهی سن مزبور فراتر از سن بلوغ طبیعی تعیین شده و گاهی همان بلوغ طبیعی دانسته شده است. در این بخش از دو بعد حقوقی و کیفری موضوع مورد توجه قرار می گیرد.

۴-۱- ابعاد حقوقی

برای نخستین بار در نظام حقوقی ایران، در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ آمده بود: «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. مع ذالک در مواردی که مصالحی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه، ممکن است استثنای معافیت از شرط سن اعطا شود. ولی در هر حال این معافیت نمی تواند به اناثی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل شود که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.»

تعیین حداقل سن قانونی برای ازدواج و پیش بینی امکان عدول از آن در عمل موجبات افزایش ازدواج های در سنین کمتر از حداقل سن قانونی را فراهم آورد. تبعات و آثار سوء ناشی از این قانون از جمله افزایش آمار طلاق در میان چنین زوجینی، موجب شد قانونگذار در مقام چاره جویی برآید. نتیجه این امر تصویب ماده ۲۳ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ بود؛ به موجب این ماده: ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام ممنوع است. مع ذلک در مواردی که مصالحی اقتضا کند استثناء در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطا شود. زن یا مردی که بر خلاف مقررات این ماده با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است مزاجت کند حسب مورد به مجازات های مقرر در ماده ۳ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم خواهد شد.

تدوین ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده، با وجود آن که در رفع تبعات ناشی از ازدواج‌های زودهنگام موثر بود، اما این ایراد اساسی را داشت که برای مه‌ار نیازهای جسمی و روانی دختران و پسران جوانی که در فاصله میان سن بلوغ و سن ازدواج بودند تدبیری اندیشیده نشده بود و از این جهت با انتقاد مواجه شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انتقادهای بسیاری مبنی بر مغایرت ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی با موازین شرع مطرح شد. از همین رو در نخستین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۱، به موجب پیش نویس «لایحه راجع به اصلاح بعضی از مواد قانون مدنی» پیشنهاد اصلاح ماده یاد شده تقدیم مجلس و ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی به این شرح اصلاح شد: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است. تبصره: عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است به شرط رعایت مصلحت مولی علیه: و با اصلاح نگارشی تبصره آن در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۷۰ بدین شرح تغییر یافت: «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می‌باشد.»

این ماده به پیروی از نظر مشهور فقهای امامیه، سن بلوغ را به عنوان سن قانونی برای ازدواج، تعیین و امکان تزویج پیش از رسیدن به این سن را نیز به رسمیت شناخته بود و از آغاز تصویب با انتقادات بسیاری مواجه شد. اولاً بلوغ با قابلیت جسمی برای زناشویی تحقق می‌یابد و نشانه‌های مورد اشاره فقها، صرفاً اماره‌ای برای وصول و کشف این واقعیت است. سن بلوغ باید بر مبنای غلبه و با توجه به وضع جسمی و نیز شرایط اقلیمی محیط تعیین شود و جنبه قاعده‌ای برای تمام ادوار تاریخی و اشخاص ندارد. ثانیاً تبصره این ماده، خدشه‌ای اساسی بر ماده است، زیرا به نحوی عام ممنوعیت مقرر در ماده را جایز دانسته و به نوعی حکم آن را تخصیص و بله نسخ نموده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۷۰ - ۷۴)

بر اساس این انتقادات طرح اصلاحی ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی در سال ۱۳۸۱ تقدیم مجلس شد. در مقدمه طرح ارایه شده چنین آمده بود: «... این ماده باعث بروز ناهنجاری‌هایی در امر ازدواج دختران و پسران خصوصاً از جنبه‌های سلامت جسمی و متلاشی شدن کانون خانوادگی بعد از رسیدن به سن بلوغ شده است و اثرات نامطلوبی در تشکیل زندگی خانوادگی باقی گذارده است. این قانون نه تنها در محافل بین‌المللی موجب ایجاد مشکلات عدیده برای نظام جمهوری اسلامی شده، بلکه موجب سوءاستفاده افراد غیر صالح گشته و در واقع اصل اختیار را که در عقد

نکاح از شروط اساسی است، مخدوش می‌نماید و خارج از اختیار و اراده دختران و پسران جوان، آثار زوجیت را بر آنان تحمیل می‌نماید که اثرات سوء آن پس از رشد بر جسم و روان آنان باقی می‌ماند...»

در طرح مزبور سن پیشنهادی برای نکاح چهارده سال تمام شمسی برای دختر و هفده سال برای پسر تعیین شده و ازدواج، کمتر از این سن منوط به تحصیل اجازه از دادگاه شده بود. در نهایت پس از بررسی طرح مزبور، در کمیسیون‌های قضایی و حقوقی و نیز فرهنگی مجلس شورای اسلامی، سن ازدواج برای دختر، ۱۵ سال و برای پسر ۱۸ سال تمام شمسی تعیین شد و به تصویب رسید. شورای نگهبان

این مصوبه را خلاف شرع تشخیص داد. سرانجام با طرح موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام، این مجمع ماده را به این صورت تصویب نمود: «ماده واحده - ماده ۱۰۴۱ قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ و تبصره آن به شرح ذیل اصلاح می‌شود: عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.» (شکری، ۱۳۸۷)

حکم مقرر در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی همواره ممکن است مواردی از ازدواج در سنین پایین را به وجود آورد که زوجین یا یکی از آنها، رشید محسوب نشده و اهلیت استیفای حقوق مالی خود اعم از جهیزیه، نفقه، مهریه، اجرت المثل و .. را نداشته باشد، در چنین مواردی مطالبه این حقوق و طرح این دعاوی باید توسط ولی یا قیم به تناسب مورد و چه بسا بدون رعایت مصلحت و غبطه وی صورت گیرد یا این که شخص در ابتدای نکاح ناگزیر به طرح دعاوی رشد نماید.

در اصلاحیه سال ۱۳۸۱، قانونگذار از اطلاق ماده و تخصیص و بلکه انتفا یا نقض حکم آن در قالب تبصره اجتناب نموده و بدون پرداختن به سن بلوغ و ممنوعیت نکاح پیش از آن، حداقل سن ازدواج را برای دختر ۱۳ سال و برای پسر ۱۵ سال تعیین نموده است. هرچند همچنان اجازه تزویج پیش از حداقل سن ازدواج را از سوی ولی قهری، با تعیین سه شرط مصلحت طفل، اجازه والد و تجویز دادگاه برای آن پیش بینی و حکم مقرر در تبصره سابق را به بیانی دیگر تکرار نمود.

حکم مقرر در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی همواره ممکن است مواردی از ازدواج در سنین پایین را به وجود آورد که زوجین یا یکی از آنها، رشید محسوب نشده و اهلیت

استیفای حقوق مالی خود اعم از جهیزیه، نفقه، مهریه، اجرت المثل و .. را نداشته باشد، در چنین مواردی مطالبه این حقوق و طرح این دعاوی باید توسط ولی یا قیم به تناسب مورد و چه بسا بدون رعایت مصلحت و غبطه وی صورت گیرد یا این که شخص در ابتدای نکاح ناگزیر به طرح دعاوی رشد نماید.

در حال حاضر با وجود عدم دسترسی به آمار محاکم، برای گریز از تبعات ناشی از عدم احراز رشد زوجینی که بر اساس ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی به عقد نکاح یکدیگر در آمده اند، بسیاری از دادرسان، حکم مقرر در این ماده را به صدور حکم رشد تفسیر و در مقام چنین تشخیصی، حکم رشد شخص را نیز صادر می‌کنند؛ بسیاری

از دفاتر رسمی ازدواج و طلاق کشور نیز برای ثبت چنین ازدواج‌هایی، رایحه حکم یاد شده را مطالبه می‌نمایند. بنابراین در نظام حقوقی ایران، مشکلات ناشی از رشید نبودن اشخاص دارای سن کمتر از حداقل سن قانونی برای ازدواج به سهولت مرتفع شده و چنین افرادی در استیفای اموال و حقوق مالی خود و انجام این تعهدات، رشید فرض می‌شوند؛ حال آنکه توسل به چنین رویه ای در بسیاری از موارد نه تنها مفید علم به رشد شخص نیست بلکه ممکن است آثار و تبعات سوء مالی را نیز برای آنان در آینده به همراه داشته باشد.

البته در حال حاضر برخی دیگر از محاکم دادگستری، قید مندرج در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی را مستلزم صدور حکم رشد شخص ندانسته و فقط به صدور اجازه نامه

چنین ازدواج‌هایی اکتفا می‌کنند، این اقدام دادگاه هرچند با فلسفه تقنین ماده یاد شده سازگار است، اما در خصوص رفع مشکلات ناشی از عدم رشد چنین اشخاصی در استیفای اموال و حقوق مالی شان، ناتوان است (شکری، همان).

۴-۲- ابعاد کیفی

در ماده ۳ اصلاحی قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶ ضمانت اجرای کیفی ازدواج کودکان با این عبارت آمده بود: «هر کس بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است، مزاجت کند به شش

ماه تا دو سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد. در صورتی که دختر به سن ۱۳ سال تمام نرسیده باشد، لاقبل به دو تا سه سال حبس تادیبی محکوم می‌شود و در هر مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس به جزای نقدی از دو هزار ریال تا بیست هزار ریال محکوم شود و اگر در اثر ازدواج بر خلاف مقررات فوق‌موقعه منتهی به نقص یکی از اعضا یا مرض دائم زن شود مجازات زوج از پنج تا ده سال حبس با اعمال شاقه است و اگر منتهی به فوت زن شود مجازات زوج حبس دائم با اعمال شاقه است. عاقد و خواستگار و سایر اشخاصی که شرکت در جرم داشته‌اند نیز به همان مجازات یا مجازاتی که برای معاون جرم مقرر است محکوم می‌شوند...».

سیاست جنایی حاکم بر این قانون مقابله با ازدواج کودکان از طریق مجازات زوج است. سیاستی که تاکنون ادامه یافته است.

با تحولاتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در نظام قانونی کشور رخ داد، ماده ۳ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶، نیز با تصویب ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نسخ شد. به موجب این ماده: «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است. چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج کند، به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد». عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری برای موارد نقص عضو یا فوت ناشی از تزویج بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی موجب شد در ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی برای این موارد، چنین ضمانت اجرایی پیش‌بینی شود:

«ماده ۵۰: هرگاه مردی بر خلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. هرگاه ازدواج مذکور به واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود.

تبصره: هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تاثیر مستقیم داشته باشد به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است.»

علاوه بر این، سردفتری که مبادرت به ثبت ازدواج کودکان نماید، وفق ماده ۵۶

قانون مذکور به محرومیت درجه چهار از شغل سردفتری محکوم می‌شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به آنچه مطرح شد، اسناد بین‌المللی مختلف بر تعیین حداقل سن برای ازدواج، رابطه جنسی و نامزدی به شکلی که امکان تصمیم‌گیری آزادانه و کامل برای هر یک از زوجین وجود داشته باشد، تاکید کرده‌اند و حداقل سن ازدواج را ۱۸ سال در نظر گرفته‌اند. در نظام حقوقی کشور ما حداقل سن ازدواج (۱۳ سال برای دختر و ۱۵ سال برای پسر) با واقعیت‌های اجتماعی و استانداردهای بین‌المللی انطباق ندارد و این آمار در سالیان اخیر رو به افزایش است. بعلاوه از آنجایی که بسیاری از ازدواج‌ها بدون ثبت رسمی صورت می‌گیرد، منجر به معضلات حقوقی و اجتماعی می‌شود. صرفاً تعیین راهکارها و ضمانت اجرای حقوقی و کیفری برای نقض مقررات مربوط به حداقل سن ازدواج و نیز عدم ثبت نکاح، بازدارنده نیست. از این رو با توجه به چند بعدی بودن مساله ازدواج زود هنگام راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- فقر یکی از دلایل مهم پدیده ازدواج در سنین کودکی است. لذا دولت موظف است با اتخاذ تدابیر لازم فقر را کاهش دهد.

۲- ضروری است با اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، حداقل سن ازدواج ۱۸ سال تعیین و در موارد استثنا، اولاً حداقل سن تعیین گردد. ثانياً شروط الف) احراز رضایت کامل و آزادانه فرد توسط دادگاه ب) احراز بلوغ جنسی، جسمی و رشد عقلی ج) گذراندن دوره‌های آموزش سبک زندگی، شامل اطلاعات مربوط به ازدواج، زایمان، باروری و پیشگیری و اطلاعات ضروری دیگر، جهت پیشگیری از آسیب‌های احتمالی د) بهره مندی فرد از کلیه حقوق حمایتی در دوران ازدواج درج گردد.

۳- آموزش والدین، فرهنگ‌سازی و هدایت افکار عمومی جهت جلوگیری از ازدواج‌های غیررسمی ضروری است.

۴- افزایش دانش کودکان و توانمندسازی آنان به ویژه دختران امری مهم است. افزایش آموزش‌های غیررسمی دختران، می‌تواند انگیزه والدین را در اجرای قوانین تعیین کننده حداقل سن ازدواج افزایش دهد.

رویکرد فقه امامیه و سازوکارهای حمایت از کودکان در ازدواج‌های زودهنگام و اجباری

دکتر سید علیرضا میرکمالی

چکیده

انتخاب همسر برای کودک صغیر، وی را از طبیعی‌ترین حق مشروع خود به عنوان یکی از شاخه‌های حق تعیین سرنوشت محروم می‌سازد تا آن‌جا که به عقیده‌ی برخی فرض ضرر در ازدواج‌هایی که به دست ولی قهری صورت می‌پذیرد قطعی است و دخالت ولی بیش از آن که جنبه‌ی حمایت‌گرانه داشته باشد شاخه‌ای از اقتدار پدری است و تحدید آن به رعایت مصلحت مولی علیه برای کاستن از خطرات و زیان‌های ناشی از آن است. رویکرد انتقادی برخی از فقیهان معاصر نسبت به تعیین عددی سن بلوغ و مخدوش دانستن مبانی نظریه‌ی مشهور نیز نشانگر دغدغه‌ی آن‌ها نسبت به حقوق کودکان است اتخاذ نظر نسبت به آن بر مسأله‌ی ازدواج صغار هم موثر است. فقه امامیه، در کنار اجازه به ولی برای تزویج کودک صغیر خود اعم از پسر یا دختر، وی را مکلف به رعایت مصلحت و غبطه‌ی کودک نموده‌است. فقها در ضمانت اجرای عدم رعایت مصلحت کودک اختلاف نظر دارند؛ عده‌ای چنین ازدواجی را اساساً باطل دانسته‌اند و حتی اجازه‌ی بعدی کودک را موجب صحت آن نمی‌دانند و دسته‌ای نیز ازدواج برخلاف مصلحت را فضولی دانسته و صحت و بطلان آن را موقوف بر اجازه یا ردّ کودک پس از بلوغ نموده‌اند. هم‌چنین فقه شیعی، در صورت ازدواج دختر قبل از سن بلوغ و بروز افضاء ضمانت اجرای سنگینی قرار داده‌است. بعد از سن بلوغ، ولایت پدر بر پسر ساقط می‌شود ولی در خصوص ولایت پدر بر دختر بالغه‌ی باکره اختلاف نظر شدیدی بین فقها وجود دارد. برخی از فقها قائل به سقوط ولایت ولی پس از بلوغ و استقلال دختر در تصمیم برای ازدواج هستند؛ دسته‌ای از فقیهان قول استمرار ولایت ولی را اتخاذ نموده و اجازه‌ی دختر بالغه‌ی باکره برای ازدواج را منحصرأ در ید ولی قرار داده‌اند؛ نظر فقهی برخی از علمای شیعه نیز بر تشریک ولی و دختر در

امر ازدواج است بدین صورت اجازه‌ی هر کدام به تنهایی برای ازدواج کفایت نمی‌کند و جمع اجازه‌ی ولی و دختر مجتمعاً مجوّز صحت عقد نکاح است. واکاوی این دیدگاه‌ها و مبانی آن‌ها می‌تواند رویکردهای حمایت‌گرانه و پیش‌گیرانه‌ی فقیهان شیعی نسبت به ازدواج‌های اجباری و زود هنگام را ترسیم نماید.

واژگان کلیدی:

فقه شیعه، ازدواج اجباری، ازدواج زود هنگام، کودک، مصلحت، پیشگیری.

مقدمه

پیوند انسان‌ها به منظور تشکیل خانواده امری پر سابقه و متناسب با فطرت بشری، همواره مورد امعان نظر اندیشمندان حوزه‌های مختلف اعم از فلسفه، فقه، حقوق، اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... بوده است. قانون‌گذاران عرفی و شرعی نیز ابعاد مختلف مسأله‌ی ازدواج را مدّ نظر قرار داده و برای موضوعات مرتبط با آن مقررات و احکام متعددی وضع نموده‌اند. یکی از موضوعات مهم در مقوله‌ی ازدواج، سن ازدواج است که قابلیت مطالعات جمعیت‌شناختی، روان‌شناختی، فیزیولوژیکی، اقتصادی، حقوقی و فقهی دارد. دین اسلام به عنوان دینی جامع و پاسخگو به کلیه‌ی نیازهای بشری در تمام امکان و ازمنه، مسأله‌ی ازدواج را مورد تأکید فراوان قرار داده است و به موضوع سن ازدواج هم توجه نموده است. البته در اسلام، سنّ ازدواج به عنوان یک واجب موقت و زمان‌دار مورد حکم قرار نگرفته و سن مشخص و معینی برای ازدواج تعیین نشده است؛ هر چند ترغیب به ازدواج و عدم تاخیر در آن همواره به عنوان امری ممدوح و پسندیده در برخی روایات مأثوره مورد تأکید واقع شده

در اسلام، سنّ ازدواج به عنوان یک واجب موقت و زمان‌دار مورد حکم قرار نگرفته و سن مشخص و معینی برای ازدواج تعیین نشده است؛ هر چند ترغیب به ازدواج و عدم تاخیر در آن همواره به عنوان امری ممدوح و پسندیده در برخی روایات مأثوره مورد تأکید واقع شده (کلینی، ۱۰: ۱۴۲۹/ ۶۰۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/ ۶۱) و سیره‌ی برخی از ائمه (علیهم السلام) نیز بیانگر اهمیت و مطلوبیت این موضوع است. (حر عاملی، بی تا: ۱۷ - ۲۰؛ پیشوایی، ۱۳۸۰: ۷۷؛ عبدوس و محمدی اشتهدادی، ۱۳۷۵: ۲۸/۲ - ۲۹)

تأکید روایات بر ازدواج به محض رسیدن به سن بلوغ و اجازه‌ی شارع مبنی بر حق داشتن ولی در ازدواج فرزند خویش، حتی قبل از سن بلوغ، مسأله‌ی قابل تأملی است

و می‌تواند زمینه‌ساز ازدواج‌های اجباری و زود هنگام باشد. در این مقاله در صدد آنیم با واکاوی مبانی فقهی و اقوال فقیهان این مسأله را به روشنی بررسی نماییم رویکرد فقه امامیه نسبت به موضوع ازدواج اجباری و ازدواج زود هنگام کودکان چیست و چه راهکارهای فقهی برای حمایت از کودکان در قبال ازدواج‌های زود هنگام و اجباری کودکان وجود دارد؟

۱. تبیین مفاهیم

برای تنقیح موضوع، لازم است ابتدا مفاهیم به کار گرفته شده مورد تبیین و توضیح واقع گردند تا پس از ورود به بحث اصلی، ابهام مفهومی وجود نداشته باشد. روشن شدن دقیق حد و مرز مفاهیم، به درک مباحث اصلی کمک شایانی می‌نماید. از این رو در ادامه، مفاهیم کودک و ازدواج اجباری و زود هنگام را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱ - ۱. کودک

از منظر واژه‌شناسی، کودک به طفل، بچه، پسر یا دختر خردسال، صغیر و فرزندی که هنوز به حد بلوغ نرسیده‌است، اطلاق می‌شود. (دهخدا، ۱۳۵۱: ۴۰/ ۳۱۶؛ عمید، ۱۳۸۹: ۸۵۷؛ معین، ۱۳۵۷: ۳/ ۳۱۱۷) کودک در زبان عربی با واژه‌ی «طفل» استعمال می‌گردد به صغیر، کوچک هر چیز، فرزند انسان و حیوان، صبی اعم از مذکر و مؤنث، فرزند و کسی که هنوز بالغ نشده‌است گفته می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/ ۴۰۲؛ ابن اثیر جزری، بی‌تا: ۳/ ۱۳۰؛ جوهری، ۱۴۱۰: ۵/ ۷۵۱؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۵/ ۴۱۱)

برای شناخت اصطلاحی کودک باید بازه‌ی زمانی تلبس فرد به صفت کودکی را بررسی نمود و شروع و پایان آن را تعیین کرد. فقیهان برای شروع کودکی سنّ خاصی را تعیین نکرده‌اند و فقط حمایت‌های کیفری از برخی مراحل شکل‌گیری و تکامل انسان، هم‌چون نطفه، علقه و مضغه صورت گرفته‌است (نجفی، ۱۳۶۷: ۴۳/ ۳۵۶ به بعد). البته با تأمل در برخی آیات قرآن شاید بتوان شروع کودکی و اطلاق لفظ طفل بر آدمی را فهمید. در آیه‌ی ۵ سوره‌ی حج به نوزادی که روح در کالبد وی دمیده شده طفل اطلاق گردیده‌است. آیه‌ی ۶۷ سوره‌ی غافر نیز که زنده متولد شدن طفل

را کاشف از طفل بودن وی از قبل آن و در رحم مادر دانسته‌است مؤید همین تفسیر است. روایات مأثوره نیز، بر این معنا تأکید دارند (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/ ۳۰۸). بنابراین فقه امامیه و به تبع آن حقوق ایران برای طفلی که هنوز به دنیا نیامده است هم حق حیات قائل شده‌اند از این جهت قلمرو کودکی و حمایت از وی گسترده‌تر از کنوانسیون‌های بین‌المللی است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲: ۴۶) به انگیزه‌ی مجاز شمردن سقط جنین، شروع کودکی را از لحظه‌ی تولد معین نموده‌اند.

در خصوص آغاز کودکی برخی بر این باورند به موجب قانون مدنی، شروع کودکی همزمان با تولد فرد است؛ زیرا جنین وجود مستقلی نداشته و جزئی از مادر به حساب می‌آید. به همین خاطر است قانون‌گذار در ماده ۹۵۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌شود مشروط بر اینکه زنده متولد شود» (پیوندی، ۱۳۹۰: ۵۰ - ۵۱). در مقابل، این نظر وجود دارد که از نظر زیستی، جنین وجودی مستقل دارد و موجودی زنده محسوب می‌شود؛ هر چند وجود وی وابسته به مادر است. گرچه ممکن است عرف او را به عنوان کودک نشناسد اما با توجه به اینکه کودک مراحل برای شکل‌گیری و تکامل پشت سر می‌گذارد و دوران زندگی جنینی نیز یکی از آن مراحل است مسامحتاً می‌توان آن را مرحله‌ای از کودکی نامید (همان). پایان کودکی نیز در فقه امامیه و حقوق ایران، با واژه «بلوغ» ارتباط دارد.

مباحث مرتبط با پایان کودکی را در واکاوی فقهی و ذیل بحث سن ازدواج، تفصیلاً بررسی خواهیم کرد.

۱ - ۲. ازدواج اجباری و زودهنگام

حق بر ازدواج با رضایت کامل و آزادانه، از حقوق مورد توجه اسناد حقوق بشری است. بند ۲ ماده‌ی ۱۶ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، بر «رضایت کامل و آزادانه‌ی» طرفین ازدواج تأکید نموده و آن را ضروری دانسته است؛ این حکم مورد تأکید مجدد بند ۳ ماده‌ی ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز قرار گرفته‌است. کنوانسیون «رضایت در ازدواج، حداقل سن و ثبت آن» در ۷ نوامبر ۱۹۶۲ میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده‌است، در ماده‌ی ۱، ازدواج بدون رضایت کامل و غیر آزادانه را نامعتبر و غیرقانونی می‌داند.

ازدواج اجباری، تحمیل وضعیت تأهل بر یک و یا هر دو طرف ازدواج است؛

به‌گونه‌ای که طرف یا طرفین مجبور، بدون رضایت وارد رابطه می‌شوند. پژوهش‌ها حاکی از آن است که سطح سازگاری زناشویی در ازدواج‌های اجباری به طور معناداری پایین‌تر از ازدواج‌های رضایت‌مندانه است. (مظاهری و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۶)

ازدواج زودهنگام، ازدواجی است که یک طرف یا طرفین آن از لحاظ جسمی، عقلی، روانی، سنی یا جنسی، به سطح لازم برای ازدواج نرسیده‌اند. در واقع ازدواج قبل از بلوغ - در معنای کلی اعم از بلوغ جنسی، فکری و اجتماعی - ازدواج زودهنگام به شمار می‌آید البته بیشتر ناظر به ازدواج‌های قبل از بلوغ جسمی و تا حدودی بلوغ فکری است. با این توضیح، مشخص می‌شود بیشترین کسانی که درگیر ازدواج‌های زودهنگام می‌شوند، کودکان هستند.

رابطه‌ی ازدواج اجباری و ازدواج زودهنگام رابطه‌ی عموم و خصوص من‌وجه است؛ یعنی ازدواج اجباری هم در سنین بالا و هم در سنین کم امکان‌پذیر است. در فرض اخیر، یعنی ازدواج در سنین پایین، با ازدواج زودهنگام هم‌پوشانی دارد. از سوی دیگر نیز، امکان دارد ازدواج زودهنگام با رضایت کامل و آزادانه و یا از روی اجبار صورت پذیرد. در فرض اخیر با ازدواج اجباری هم‌پوشانی دارد. آن‌چه در این مقاله در خصوص کودکان مورد بررسی قرار می‌گیرد، ازدواج زودهنگام است و اینکه واقعه‌ی مذکور، در دو حالت رضایت‌مندانه و اجباری چه تأثیری بر کودک دارد؟

۲. واکاوی فقهی ازدواج زودهنگام و اجباری

در مطالعه‌ی فقهی، مبحث ازدواج زودهنگام، ناظر بر سن ازدواج است و موضوع ازدواج اجباری، به جواز تزویج کودک از سوی ولی برمی‌گردد.

۲ - ۱. سن ازدواج

در رابطه با پایان دوره‌ی کودکی و طفولیت، در قرآن سه اصطلاح بلوغ حُلُم، بلوغ نکاح و بلوغ اشد به کار رفته است. بلوغ حُلُم در آیه‌ی ۵۹ سوره‌ی نور مورد اشاره قرار گرفته، به معنای محتلم شدن طفل و خروج منی از وی است؛ در واقع به معنای شروع فعالیت قوای جنسی می‌باشد. بلوغ نکاح در آیه‌ی ۶ سوره‌ی نساء، به معنای رسیدن به حدّ ازدواج است و طبق نظر مفسرین، علاوه بر بلوغ جسمی، توانایی حفظ مال را هم در بر می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/ ۲۷۲) و از آن به «رشد» تعبیر

می‌شود. در مورد بلوغ اشد در آیه‌ی ۶۷ سوره‌ی غافر بیان شده، نظرات مختلفی مطرح گردیده‌است؛ برخی آن را همان بلوغ جنسی پنداشته‌اند (راوندی، ۱۴۰۵: ۲/ ۷۳) و بعضی، آن را به معنای اجتماع عقل و کمال خلق و نیرو و تمییز تفسیر نموده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳/ ۲۳۵). طبق نظر برخی از مفسران، بلوغ اشد وقتی محقق می‌شود که قوای جسمی طفل، اشتداد پیدا کند و کودکی از بین برود و این واقعه، غالباً، در سن هجده سالگی اتفاق می‌افتد و انسان در این سن، غالباً، به اعتدال و استقرار می‌رسد و از کودکی خارج می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/ ۱۴). آنچه از مجموع آیات مذکور به دست می‌آید، این است اولاً، قرآن سنّ خاصی را به عنوان سنّ بلوغ معین نکرده‌است و فقط با ارائه ملاک‌های حلم، حدّ نکاح و اشتداد، بلوغ را به عنوان یک امر واقعی و غیر تعبّدی معرفی نموده‌است. ثانیاً، آیات قرآن، سنّ بلوغ دختران و پسران را تفکیک نکرده و ملاک‌های مذکور را برای هر دو، جاری دانسته‌اند. (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷: ۱/ ۱۶)

پایان کودکی در آثار فقهی با دو اصطلاح «بلوغ» و «رشد» مورد توجه قرار گرفته است. زیرا در برخی احکام، صرف بلوغ جسمانی کفایت نمی‌کند و برای انقضای ایام طفولیت، علاوه بر بلوغ، به رشد هم نیاز است. فقیهان در مسئله بلوغ، از علائم طبیعی و اماره‌ی شرعی سخن به میان آورده‌اند. علائم طبیعی عبارتند از: احتلام در پسران، حیض در دختران و انبات (روییدن موی زهار) در هر دو (طوسی، ۱۳۸۷: ۲/ ۲۸۳؛ حلی، ۱۴۲۱: ۱/ ۴۸۵؛ عاملی، ۱۴۱۰: ۱/ ۲۶۶ و همچنین ۱۴۴/ ۲؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۴/ ۱۴۱). اماره‌ی شرعی نیز سنّ بلوغ است که در این خصوص وحدت نظر وجود ندارد؛ همان‌گونه که روایات متضمن سنّ بلوغ این‌گونه‌اند. در مورد سنّ بلوغ پسران، مشهور فقها پانزده سالگی را ملاک دانسته و حتی برخی، در این رابطه ادعای اجماع کرده‌اند (نجفی، ۱۳۶۷: ۲۶/ ۱۶) که به دلیل نظر مخالف و مدرکی بودن اجماع، فاقد ارزش است. برخی، سن چهارده سالگی (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۸/ ۱۵۴) و برخی دیگر، سنّ سیزده سالگی را به عنوان سنّ بلوغ در نظر گرفته‌اند. (سبزواری، ۱۴۲۳: ۱/ ۵۸۲)

سنّ بلوغ دختران، در نظر مشهور فقهای امامیه، نه سالگی است (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۳/ ۱۸۱). برخی کتب فقهی، در ابواب صوم و خمس، به سنّ ده سال اشاره کرده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۶۶؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸: ۱۳۷). پاره‌ای از فقها، صراحتاً قائل به

تفکیک سنّ بلوغ، حسب تکالیف مختلف شده‌اند (فیض کاشانی، بی تا: ۱/ ۱۴). این آشفتگی، در روایات متضمن سنّ بلوغ هم وجود دارد. روایات ناظر به تعیین سنّ خاص برای بلوغ، به سنین ده، سیزده، چهارده و پانزده، برای پسران (کلینی، ۱۴۲۹: ۷/ ۶۹؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱/ ۴۵؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۶/ ۳۱۱) و سنین هفت، نه، ده و سیزده، برای دختران، اشاره کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷: ۹/ ۱۸۴؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/ ۱۰۳ و همچنین ۱/ ۴۵؛ طوسی، ۱۳۹۰: ۱/ ۴۰۸). علاوه بر این روایات، دو دسته روایات دیگر هم در این رابطه وارد شده‌است. برخی روایات، صراحتاً احتلام یا حیض را پایان کودکی دانسته (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲/ ۱۲۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۸/ ۳۲۲) و این دو اتفاق طبیعی را به عنوان ملاک بلوغ طبیعی معرفی کرده‌اند؛ در حالی که دسته‌ی دیگر، به طور هم‌زمان، به چند نشانه و علامت بلوغ اشاره نموده‌اند. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴/ ۷۰؛ طوسی،

۱۴۰۷: ۷/ ۳۸۳)

طبق نظر برخی از فقهای معاصر، سنّ

مورد اشاره در روایات، موضوعیت ندارد

و یک سنّ خاص نمی‌تواند نشان‌گر

بلوغ برای همه‌ی افراد در تمام نقاط

جغرافیایی باشد. بنابراین، بلوغ امری

طبیعی و عرفی به شمار می‌رود و از

موضوعات شرعی نیست جز از طریق

شارع قابل شناخت نباشد

طبق نظر برخی از فقهای معاصر، سنّ مورد اشاره

در روایات، موضوعیت ندارد و یک سنّ خاص نمی‌تواند

نشان‌گر بلوغ برای همه‌ی افراد در تمام نقاط جغرافیایی

باشد. بنابراین، بلوغ امری طبیعی و عرفی به شمار

می‌رود و از موضوعات شرعی نیست که جز از طریق

شارع قابل شناخت نباشد (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۹:

۱/ ۲۲). در مباحث بعدی این دیدگاه را به عنوان

دیدگاهی نوین در راستای پیشگیری از ازدواج‌های

زودهنگام، به طور مفصل، تشریح خواهیم کرد.

علمای فقه در مسائل مربوط به امور مالی، علاوه بر بلوغ، رشد را هم برای پایان

کودکی لازم دانسته و در سایر مسائل و ابواب فقهی، اشاره‌ای به آن نکرده‌اند. مستند

این حکم، آیه‌ی ۶ سوره‌ی نساء است که از اعطای مال به شخص غیر رشید یا سفیه،

نهی کرده است. رشد، خلاف سفاقت و به معنای عقل معاش است؛ یعنی بدین معنا

که ملکه‌ای نفسانی بر فرد حاکم باشد که مانع اتلاف و افساد مال گردد و وی بتواند

اموال و دارایی‌های خود را به طور متعارف و عقلانی اداره نماید (حلی، ۱۴۱۴: ۱۴

/ ۲۰۲؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۱۶/ ۴۰).

رشد نیز از موضوعات شرعی اعم از تعبّدی یا مستنبط نمی‌باشد و از مفاهیم عرفی

به شمار می‌رود اختصاصی به گروه و یا دسته‌ی خاصی نداشته، بلکه از امور تشکیکی محسوب می‌شود مرجع تعیین آن، عرف است (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۱/ ۱۳۷). البته برخی از اختصاص شرط رشد نسبت به امور مالی، انتقاد نموده و قائل‌اند مسأله‌ی رشد در امور مالی، به تبع مسأله‌ی سغه مطرح می‌گردد، نه این‌که مختص امور مالی باشد. (پیوندی، ۱۳۹۰: ۶۰)

فقها در ازدواج، از آنجایی که دارای برخی آثار مالی همچون مهر و نفقه است، رشد را شرط دانسته و به سغیه اجازه نداده‌اند تا مستقلاً اقدام به ازدواج نماید، بلکه بایستی از سوی ولی یا قیم مأذون باشد. (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۲/ ۸۶۳؛ موسوی الخمینی، بی‌تا: ۲/ ۲۵۴)

۲ - ۲. تزویج توسط ولی و ازدواج اجباری

ازدواج توسط ولی، با بحث ازدواج اجباری مرتبط است و بایستی با واکاوی نظرات فقهی، رویکرد فقهای امامیه نسبت به این موضوع، مورد مطالعه قرار گیرد؛ تا علاوه بر روشن شدن گستره‌ی این حق، جنبه‌های حمایتی فقه اسلامی از کودکان نیز تبیین شود.

۲ - ۲ - ۱. قبل از بلوغ

در آثار فقهی، ولی که به معنای ولیّ قهری است شامل پدر و جد پدری می‌شود. در این‌که ولی می‌تواند قبل از بلوغ برای کودک خود اعم از پسر صغیر یا دختر صغیر، نکاح کند، بین فقها هیچ اختلافی وجود ندارد (طوسی، ۱۴۰۰: ۴۶۴؛ یزدی طباطبایی، ۱۴۰۹: ۲/ ۸۶۴) علاوه بر اجماع، روایات متعددی، مستند این حکم می‌باشند (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰/ ۷۵۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/ ۲۷۶). باید توجه داشت در فرض مذکور، ولیّ به عنوان طرف عقد، مولی‌علیه را تزویج می‌نماید و برای اجرای صیغه باید بگوید: «دخترم را به نکاح درآوردم» و یا «برای پسر نکاح را قبول کردم» در واقع ایجاب و قبول را به خود نسبت بدهد (محقق داماد، ۱۳۷۲: ۴۸). البته فقها، ولی را ملزم به رعایت غبطه و مصلحت کودک نموده و در صورت عدم رعایت مصلحت، ضمانت اجراهایی پیش‌بینی کرده‌اند. البته باید توجه داشت مصلحت در زمان اقدام توسط ولیّ و نه پس از بلوغ ملاک است. (محقق داماد، ۱۳۷۲: ۴۹)

۲ - ۲ - ۱ - ۱. رعایت مصلحت

هر چند ادله‌ی ثبوت ولایت ولی بر نکاح صغیر، اطلاق دارد، لیکن، فقها اعمال

ولایت را به رعایت مصلحت مقید ساخته‌اند. در اینکه وجه ایجابی مصلحت، به معنای جلب منفعت، مدّ نظر است یا وجه سلبی آن، به معنای فقدان مفسده، مشهور فقها، معنای سلبی را معتبر شمرده‌اند؛ هر چند رعایت مصلحت در معنای ایجابی را موافق احتیاط دانسته‌اند. (یزدی طباطبایی، ۱۴۰۹: ۲/ ۸۶۶)

در صورت رعایت مصلحت کودک از سوی ولیّ، عقد نکاح لازم می‌گردد و بر اساس اصل لزوم و استصحاب، کودک، پس از بلوغ حق خیار ندارد. این مسأله در مورد دختر صغیره بدون اختلاف است و حتی برخی، در خصوص آن، مدعی اجماع شده‌اند (عاملی، ۱۴۱۳: ۷/ ۱۱۸). اما در مورد پسر صغیر، برخی از فقها، بر خلاف نظر مشهور قائل به عدم خیار بوده و معتقدند وی، پس از بلوغ حق خیار دارد (نجفی، ۱۳۶۷: ۲۹/ ۱۷۴).

این نظر با انتقاد مواجه شده است؛ زیرا اگرچه ممکن است رسیدن پسر به سن بلوغ و اثبات مهر و نفقه بر ذمه او، به تضرّر وی بینجامد، اما باید این نکته را نیز ملحوظ نظر قرار داد که اولاً، فرض مسأله، رعایت مصلحت مولیّ علیه است و معیار آن، زمان اقدام است نه پس از بلوغ و ثانیاً، از آنجایی که ادامه‌ی همسری بدون رغبت هم می‌تواند نوعی ضرر وارد بر دختر باشد، از این جهت تفاوتی بین پسر و دختر قابل تصور نخواهد بود. (محقق داماد، ۱۳۷۲: ۵۰)

بر اساس این دیدگاه، نشانه‌های
جعل شده از طرف شارع، برای
تشخیص یک امر عرفی است
بر حسب مناطق گوناگون
جغرافیایی و افراد مختلف،
تفاوت پیدا می‌کند (فاضل
لنکرانی، ۱۴۲۵: ۲۸۸) و بلوغ
امری شرعی نیست تنها از بیان
شارع فهمیده شود

۲ - ۲ - ۱ - ۲. عدم رعایت مصلحت

چنانچه ولیّ، مصلحت کودک را در ازدواج وی رعایت نکرده باشد، طبق نظر برخی از فقها عقد نکاح به کلی باطل است (عاملی، ۱۴۱۰: ۵/ ۱۴۲). زیرا ولیّ به دلیل عدم رعایت غبطه و مصلحت طفل، در هنگام انعقاد عقد، جایزالتصرف نبوده است. البته قول به بطلان چندان مطلوب نیست؛ زیرا از آنجایی که معیار مصلحت زمان اقدام می‌باشد، چه بسا ازدواجی در زمان اقدام ولیّ به مصلحت صغیر نبوده است و پس از بلوغ، چنین ازدواجی و استمرار آن مطابق مصلحت وی باشد. بنابراین قول به بطلان در این فرض به ضرر کودک است. دو راه دیگر، پیش روی این مسأله وجود دارد؛ یکی، اعطای حق خیار به کودک و دیگری، عدم نفوذ عقد نکاح. هر چند این دو راه حل در نتیجه تفاوتی ندارند، اما راه حل اول با اصل لزوم قراردادها که در عقد نکاح دو چندان اهمیت دارد، سازگاری بیشتری دارد.

قول مشهور فقیهان، قول به عدم نفوذ نکاح بر خلاف مصلحت مولی علیه است؛ زیرا معتقدند چنین عقدی به طور فضولی واقع گردیده و صحت آن، موقوف بر این است پس از بلوغ کودک، مورد اجازه یا رد قرار بگیرد. (موسوی الخمینی، بی تا: ۲/ ۲۵۵)

۲ - ۲ - ۲. بعد از بلوغ

با فرا رسیدن سنّ بلوغ، ولایت ولی قهری بر فرزند پسر ساقط شده و در واقع سن بلوغ، پایان کودکی و صغر وی است.

همچنین، دختر غیرباکره‌ای که به سن بلوغ می‌رسد، تحت ولایت ولی قهری نمی‌باشد؛ اما در خصوص دختر باکره‌ی بالغه اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقها فرض اخیر را نیز، همانند دو فرض سابق دانسته و معتقدند که ولایت علی‌الاطلاق از حین بلوغ ساقط می‌گردد و دختر مستقلاً می‌تواند اقدام به ازدواج نماید (مفید، ۱۴۱۳: ۹/ ۳۶). دسته‌ای از فقها، قائل به استمرار ولایت ولی قهری بر دختر بالغه‌ی باکره هستند (طوسی، ۱۴۰۰: ۴۶۴). سومین نظر که از سوی فقها در خصوص مسأله‌ی مذکور عنوان شده است تشریک در ولایت است؛ به این معنا که هیچ‌کدام از دختر و ولی نمی‌توانند مستقلاً اقدام به انعقاد نکاح نمایند و بایستی با موافقت یکدیگر تصمیم بگیرند. (مفید، ۱۴۱۳: ۱۴/ ۵۱۰؛ موسوی الخمینی، بی تا: ۲/ ۲۵۴)

از بین نظرات ارائه شده ممکن است نظر سقوط ولایت ولی و استقلال دختر، با حق تعیین سرنوشت و حق بر ازدواج آزادانه هماهنگی بیشتری داشته‌باشد، اما نظر تشریک بین ولی و دختر، با واقعیت‌های جامعه‌ی امروز تطبیق بیشتری دارد و در راستای حمایت از کودکان دختر است.

۳. سازوکارهای حمایتی

فقهای امامیه با ضروری دانستن برخی شروط، به لزوم حمایت از کودکان در امر ازدواج توجه نموده‌اند و برای عدم رعایت آن ضمانت اجراهایی در نظر گرفته‌اند.

۳ - ۱. حمایت از کودکان در ازدواج‌های زودهنگام

اگرچه مشهور فقها، سنّ نه سال در دختران و پانزده سال در پسران را به عنوان علامت تشریعی بلوغ، در کنار سایر علائم طبیعی، مقرر نموده‌اند، اما با ضروری دانستن عنصر دیگری به نام «رشد» مانع بسیاری از ازدواج‌های زودهنگام شده‌اند. در واقع نگرانی از ازدواج در سنّ بلوغ، ناظر بر این است کودک در آن سنّ، قدرت تشخیص

کافی برای تعیین سرنوشت خود در مقوله‌ی ازدواج را ندارد. فقیهان امامیه بر همین پایه و در راستای رفع این نگرانی، رشد به معنای کفایت و آمادگی عقلی را در کنار تناسب جسمی ضروری دانسته‌اند. شرط رشید بودن زوج و زوجه، سن ازدواج را از سن بلوغ متمایز می‌کند و آن را به سن بالاتری ارتقاء می‌دهد؛ البته در اشخاص متعدد متفاوت خواهد بود؛ همان‌طور در سن بلوغ این‌گونه است.

رویکرد انتقادی برخی فقیهان معاصر به سن بلوغ نیز بیانگر توجه به مقتضیات زمان و مکان و رویکرد این دسته از فقها در حمایت از کودکان و پیشگیری از ازدواج‌های زودهنگام است. این نظریه علاوه بر امعان نظر به عنصر زمان، مکان و مصلحت، به مبانی فقهی مسأله هم توجه داشته و با تحلیل آیات و روایات مستند حکم مشهور، به مخالفت با آن پرداخته‌است. مطابق این دیدگاه، سن مورد اشاره‌ی روایات موضوعیت ندارد و یک سن خاص نمی‌تواند نمایان‌گر بلوغ برای همه‌ی افراد در همه‌ی امکان و ازمنه باشد. بنابراین بلوغ به عنوان امری طبیعی و عرفی از موضوعات شرعی به شمار نمی‌رود که جز از طریق شارع قابل شناخت نباشد (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۹: ۱/ ۲۲). بر اساس این دیدگاه، نشانه‌های جعل‌شده از طرف شارع، برای تشخیص یک امر عرفی است بر حسب مناطق گوناگون جغرافیایی و افراد مختلف، تفاوت پیدا می‌کند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵: ۲۸۸) و بلوغ امری شرعی نیست که تنها از بیان شارع فهمیده شود (نجفی، ۱۳۶۷: ۲۶/ ۴). برخی، حتی سن را اماره‌ی بلوغ هم ندانسته‌اند؛ زیرا اماره وقتی می‌تواند اماره به شمار آید که دائمی و یا حداقل غالبی باشد (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۹: ۱/ ۱۴). با توجه به این توضیحات، روشن می‌گردد تعیین سن خاصی به عنوان سن بلوغ که یک امر طبیعی و موضوع خارجی است، صحیح نبوده و در خیلی از مناطق جغرافیایی، چنین حکمی با واقعیات موجود ناسازگار است. روح اسلام که به عنوان دینی جامع و کامل برای تمام ازمنه و امکانه قابل اجراست با چنین حکمی هم‌سویی ندارد. بنابراین نظر اخیر، نظر صواب و صحیحی است و جا دارد قانون‌گذار ایرانی با تبعیت از این دیدگاه که با مقررات بین‌المللی و واقعیت‌های دنیای امروز سازگار است، به اصلاح قوانین موجود بپردازد.

این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که تعیین عددی سن ازدواج، حتی در نظر مشهور، به معنای وجوب ازدواج در آن سن نیست؛ بلکه بیان‌گر جواز ازدواج است. به علاوه اینکه مشهور فقها نیز با قرار دادن عنصر «رشد» و یا لزوم اذن ولی در ازدواج

دختر، سعی در تعدیل مشکلات ناشی از ازدواج‌های زودهنگام و پیشگیری از آنها داشته‌اند.

۳ - ۲. حمایت از کودکان در ازدواج‌های اجباری

فقه امامیه به ولی کودک اجازه داده تا برای وی، عمل حقوقی ازدواج را اصالتاً انجام دهد. رویکرد فقها برای پیشگیری از مشکلات ناشی از ازدواج اجباری روشن است؛ ایشان با ضروری دانستن عنصر «مصلحت» در تزویج کودک قبل از سن بلوغ، مانع تصمیمات خودکامه و بی منطق اولیای کودکان شده‌اند. شرط رعایت مصلحت، بدون ضمانت اجرا رها نشده‌است؛ بطلان و یا عدم نفوذ عقد نکاح، می‌تواند به منزله‌ی ضمانت اجراهایی در راستای حمایت از کودکان قلمداد شوند. (عاملی، ۱۴۱۰: ۵/ ۱۴۲؛ موسوی الخمینی، بی‌تا: ۲/ ۲۵۵) پس از سن بلوغ نیز، برخی فقها، با ضروری دانستن اذن ولی برای ازدواج دختر باکره، به طور خاص، دختران را مورد حمایت ویژه قرار داده‌اند. (طوسی، ۱۴۰۰: ۴۶۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۴/ ۵۱۰؛ موسوی الخمینی، بی‌تا: ۲/ ۲۵۴)

یکی از مباحث مورد اهتمام فقها در جهت حمایت از کودکان دختر، اشاره به ضمانت اجرای سنگینی است که برای «افضاء» تعیین شده‌است. افضاء در قول مشهور، یکی کردن مجرای بول و حیض (روحانی، ۱۴۱۲: ۲۱/ ۳۱۲) در پی آمیزش جنسی است. باید توجه داشت فرض مسأله در جایی است که عقد با رعایت مصلحت مولی‌علیه منعقد شده، اما به دلیل خشونت زوج و یا ناتوانی جسمی زوجه، مسلک بول و حیض وی متحد شده‌است. در صورت افضای دختر نابالغ، سه ضمانت اجرا در فقه شیعی تعیین شده‌است؛ الف) ثبوت دیه کامل بر شوهر حتی - به قول مشهور - حتی اگر قصد طلاق زن را هم نداشته باشد؛ ب) وجوب پرداخت نفقه به زوجه تا زمانی شوهر زنده است حتی - به نظر مشهور - در صورت طلاق و ازدواج زن با مرد دیگر؛ ج) حرمت ابدی آمیزش با زن مذکور برای شوهر. (نجفی، ۱۳۶۷: ۲۹/ ۴۱۶ - ۴۲۲ و همچنین ۴۳/ ۲۷۵؛ یزدی طباطبایی، ۱۴۰۹: ۲/ ۸۱۱ - ۸۱۲؛ روحانی، ۱۴۱۲: ۲۱/ ۳۰۹)

نتیجه‌گیری

۱. در اسلام سن مشخص و معینی برای ازدواج تعیین نشده‌است؛ هر چند

ترغیب در ازدواج به عنوان امری ممدوح و پسندیده در برخی روایات مأثوره مورد تأکید واقع شده و سیره‌ی برخی از ائمه (علیهم‌السلام) نیز بیان‌گر اهمیت و مطلوبیت این موضوع است.

۲. ازدواج به عنوان یکی از طبیعی‌ترین حقوق مشروع انسانی باید در زمان مناسب و از روی رضایت و آزادی کامل صورت گیرد؛ فقدان هریک از دو شرط موجب می‌شود ازدواج زود هنگام یا اجباری به وقوع بپیوندد.

۳. ازدواج اجباری، تحمیل وضعیت تأهل بر یک و یا هر دو طرف ازدواج است؛ به گونه‌ای که طرف یا طرفین مجبور بدون رضایت وارد رابطه می‌شوند و ازدواج زود هنگام ازدواجی است که یک طرف یا طرفین آن از لحاظ جسمی، عقلی، روانی، سنی، جنسی به سطح لازم برای ازدواج نرسیده‌است. رابطه‌ی ازدواج اجباری و ازدواج زود هنگام رابطه‌ی عموم و خصوص من وجه است.

۴. مبحث ازدواج زود هنگام در ادبیات فقهی، ناظر به مقوله‌ی سن ازدواج بوده و مطالعه‌ی فقهی موضوع ازدواج اجباری، به جواز تزویج کودک از سوی ولی برمی‌گردد.

۵. فقیهان برای پایان کودکی و آغاز بزرگسالی و در واقع آمادگی برای ازدواج، دو اصطلاح «بلوغ» و «رشد» را مطرح کرده‌اند. فقها برای بلوغ، دو دسته علائم طبیعی و تشریحی را معتبر دانسته‌اند؛ علائم طبیعی، شامل احتلام در پسران، حیض در دختران و انبات در هر دو است و تنها علامت تشریحی، سن بلوغ است در که تعیین آن، وحدت نظر وجود ندارد.

۶. باید توجه داشت تعیین سن بلوغ به معنای جواز ازدواج در آن سن است و به هیچ وجه، نمی‌توان از آن، وجوب ازدواج را استنباط کرد. اما باز هم تعیین سن خاصی به عنوان سن بلوغ، مورد انتقاد برخی فقهای معاصر قرار گرفته‌است؛ با این توضیح که سن مورد اشاره‌ی روایات موضوعیت ندارد و یک سن خاص نمی‌تواند نشان‌گر بلوغ برای همه‌ی افراد در تمام نقاط جغرافیایی باشد؛ بلوغ امری طبیعی و عرفی به شمار می‌رود و از موضوعات شرعی نیست که جز از طریق شارع قابل شناخت نباشد. روح اسلام، به عنوان دینی جامع و کامل برای تمام ازمنه و امکانه، نیز با چنین حکمی هم‌سویی ندارد. از اینرو ضروری است تا قانون‌گذار ایرانی به تبعیت از این دیدگاه که با مقررات بین‌المللی و واقعیت‌های دنیای امروز نیز سازگاری دارد، به اصلاح قوانین موجود بپردازد.

۷. فقها، با اجازه دادن به ولی، برای به ازدواج درآوردن کودک صغیر خود، او را مکلف به رعایت مصلحت کودک دانسته و در صورت عدم رعایت مصلحت، عده‌ای، چنین ازدواجی را اساساً باطل، و دسته‌ای نیز، آن را فضولی قلمداد کرده و موقوف بر اجازه یا ردّ کودک نموده‌اند.

۸. فقه امامیه، در صورت ازدواج دختر قبل از سن بلوغ و بروز افضاء، تنبیه و ضمانت اجرای سنگینی قرار داده است؛ ثبوت دیه کامل بر شوهر، وجوب پرداخت نفقه به زوجه تا زمانی شوهر زنده است و حرمت ابدی آمیزش با زن بر شوهر.

۹. بعد از سن بلوغ، ولایت پدر بر پسر ساقط می‌شود ولی در خصوص ولایت پدر بر دختر بالغه‌ی باکره، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد؛ که عبارتند از: ۱. استمرار ولایت برای پدر و جد پدری ۲. استقلال باکره‌ی بالغه رشیده در امر ازدواج ۳. استمرار ولایت پدر و جد پدری تا پس از بلوغ و رشد، در ازدواج دائم بر خلاف موقت در صورتی که منجر به وطی شود. ۴. استمرار ولایت ولی در ازدواج موقت نه دائم، ۵. تشریک در ولایت، یعنی نکاح با دختر باکره‌ی بالغه رشیده منوط به اجازه وی همراه با اجازه‌ی پدر یا جدپدری است.

منابع

فارسی

۱. پیشوایی، مهدی. سیمای پیشوایان در آینه تاریخ: نگرشی بر زندگانی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامان معصوم علیهم السلام. قم: دارالعلم، ۱۳۷۵.
۲. عبدوس، محمدتقی و محمد محمدی اشتهدادی. فرازهای برجسته از سیره امامان شیعه علیهم السلام. ج ۲. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۳. دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه دهخدا. ج ۴۰. تهران: سیروس، ۱۳۵۱.
۴. عمید، حسن. فرهنگ فارسی. تهران: راه رشد، ۱۳۸۹.
۵. کار، مهرانگیز. پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۹.
۶. محقق‌اماد، سیدمصطفی. بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۲.
۷. محمدخانی، پروانه، هدیه آزادمهر و شکوفه متقی. «رابطه خشونت جنسی و نگرش‌های زناشویی و همراهی انواع خشونت در روابط زناشویی». نشریه روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران ۳، (۱۳۸۹).
۸. مرعشی شوشتری، سیدمحمدحسن. دیدگاه‌های نودر حقوق. ج ۱. تهران: نشر میزان، ۱۴۲۷.
۹. مظاهری، علی، منصوره‌السادات صادقی، امیلی نصرآبادی و فاطمه انصاری‌نژاد. «رابطه سبک‌های همسرگزینی با کیفیت و پایداری ازدواج». نشریه راهبرد فرهنگ ۵، (۱۳۸۸).
۱۰. معین، محمد. فرهنگ فارسی. ج ۳. تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۵۷.
۱۱. مکارمشیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. ج ۳. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۱۲. موسوی بجنوردی، سید محمد. «بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره برداری از حقوق مربوطه». پژوهشنامه متین ۲۱، (۱۳۸۲).

۱۳. نقیبی، سیدابوالقاسم. «استقلال دختر در ازدواج و آراء مربوط به آن». دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده(ندای صادق) ۴۹، (۱۳۸۷).

منابع عربی

۱. ابن‌اثیرجزری، مبارک بن محمد. النهاية فی غریب الحدیث و الأثر. المجلد الثالث. قم: اسماعیلیان، بی‌تا.
۲. ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، محمدبنعلی. من لایحضره الفقیه و المجلد الرابع. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرّسین بقم المشرفه، ۱۴۱۳.
۳. ابن حمزه، محمد بن علی. الوسیله إلى نیل الفضیله. قم: منشورات مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۸.
۴. ابن منظور، جمال‌الدین. لسان العرب. المجلد الحادی عشر. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴.
۵. اردبیلی (محقق)، احمد بن محمد. مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. المجلد الثامن. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرّسین، ۱۴۰۳.
۶. بحرانی، یوسف بن احمد. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. المجلد الثالث عشر. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرّسین، ۱۴۰۵.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد. الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة. المجلد الخامس. بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰.
۸. حرّ عاملی، شیخ محمد بن حسن. وسایل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. المجلدان الأول و العشرون. قم: مؤسسه آل‌البيت، ۱۴۰۹.
۹. حسینی عاملی، سید جواد بن محمد. مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه. المجلد السادس عشر. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرّسین، ۱۴۱۹.
۱۰. حلّی (علامه)، حسن بن یوسف. تذکره الفقهاء. المجلد الرابع عشر. قم: مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴.
۱۱. حلّی (علامه)، حسن بن یوسف. تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة. المجلد الأول. قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۰.
۱۲. راوندی، قطب‌الدین. فقه القرآن. المجلد الثاني. قم: منشورات مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۵.
۱۳. روحانی، سید محمدصادق. فقه الصادق علیه السلام، المجلد الحادی و العشرون. قم: دارالکتاب، ۱۴۱۲.
۱۴. سبزواری (محقق)، محمدباقر. کفایة الأحكام. المجلد الأول. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرّسین، ۱۴۲۳.
۱۵. سبزواری، سید عبدالأعلی. مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام. المجلد الحادی و العشرون. قم: مؤسسه المنار، ۱۴۱۳.
۱۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین. المیزان فی تفسیرالقرآن. المجلد الحادی عشر. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرّسین بقم المشرفه، ۱۴۱۷.
۱۷. طریحی، فخرالدین. مجمع البحرین. المجلد الخامس. تهران: المکتبه المرتضوی، ۱۴۱۶.
۱۸. طوسی، شیخ محمد بن حسن. المبسوط فی فقه الإمامیة. المجلدان الأول و الثاني. تهران: المکتبه المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷.
۱۹. طوسی، شیخ محمد بن حسن. الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار. تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰.
۲۰. طوسی، شیخ محمد بن حسن. النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی و المجلد الأول. بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۰.
۲۱. طوسی، شیخ محمدبن حسن. تهذیب الأحكام. المجلد السادس. تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷.
۲۲. عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی. الروضة البهیة فیشرح للمعه الدمشقیة، المحشی کلانتر. المجلدات الأول، الثاني و الخامس. قم: المکتبه الداوری، ۱۴۱۰.
۲۳. عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی. مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. المجلدان الرابع و السابع. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳.
۲۴. فاضل لنکرانی، محمد. تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیله: المضاربة، الشركة، المزارعة، المساقاة، الدين و القرض، الرهن، الحجر، الضمان، الحوالة و الكفالة، الوكالة، الإقرار، الهبة. قم: مركز فقه الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، ۱۴۲۵.
۲۵. فیض کاشانی، محمد محسن. مفاتیح الشرائع. المجلد الأول. قم: منشورات مکتبه آیه الله المرعشی

- النجفی، بی تا.
 ۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. المجلدان السابع و العاشر. قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹.
 ۲۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان. مصنفات الشيخ المفید: أحكام النساء. المجلد التاسع. قم: المؤتمر العالمی لذكری الفقیه الشيخ المفید رحمه الله علیه، ۱۴۱۳.
 ۲۸. مفید، محمد بن محمد بن نعمان. مصنفات الشيخ المفید. المجلدان التاسع (أحكام النساء) و الرابع عشر (المقتعة). قم: المؤتمر العالمی لذكری الفقیه الشيخ المفید رحمه الله علیه، ۱۴۱۳.
 ۲۹. موسوی الخمينی (امام)، سيد روح الله. تحرير الوسيله. المجلد الثاني. قم: مؤسسه دار العلم للمطبوعات، بی تا.
 ۳۰. نجفی، شیخ محمدحسن (صاحب جواهر). جواهر الكلام فی شرح شرائع الاسلام. المجلدات السادس و العشرون، التاسع و الثلاث و الأربعون. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
 ۳۱. یزدی طباطبای، سید محمد کاظم. العروه الوثقی. المجلد الثاني. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹.

جرم ازدواج با کودک در نظام حقوقی ایران

دکتر فائزه عظیم زاده اردبیلی

چکیده

یکی از جرایمی که علیه کودکان ارتکاب می‌یابد و در مواردی منجر به آسیب جسمی، جنسی و روانی آنان می‌شود، ازدواج کودکان می‌باشد. مطابق نظر فقهای امامیه، ولی قهری می‌تواند برای دختر صغیره و یا پسر صغیر خود نکاح نماید اما نزدیکی با چنین دختری را تا پیش از رسیدن به سن بلوغ ممنوع دانسته اند اما به منظور حمایت حقوقی از کودکان، ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌دارد: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح». در جهت ضمانت اجرای کیفری و ممانعت از ازدواج کودکان، ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مقرر می‌دارد: «هرگاه مردی بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۰ قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. هرگاه ازدواج مذکور به واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود» و به علاوه مطابق تبصره ماده فوق، «هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت زوجه در ارتکاب جرم موضوع ماده تاثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است.» لذا عدم مسئولیت ولی در تزویج دختر زیر سن نکاح در قانون حمایت خانواده اصلاح گردیده است اما رفع ابهام و تعیین مصداق واژه مصلحت و به علاوه تعیین ضمانت اجرای کیفری در مورد ازدواج پسر قبل از سن بلوغ پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی:

ازدواج، کودک، ولی قهری، ضمانت اجرای کیفری

طرح مساله

ازدواج یک ضرورت اجتماعی محسوب می‌شود اما در مواردی از نظر اجتماعی، به سوء استفاده جنسی و استثمار کودک منتهی می‌شود. ازدواج کودک یک خشونت پنهان در برابر سلامتی و حقوق کودکان محسوب می‌گردد؛ زیرا صرف نظر از لزوم آمادگی جسمانی که از مقدمات بدیهی هر ازدواج می‌باشد، رشد کافی، درک شرایط، بلوغ فکری و آمادگی روحی و روانی مقتضای آن است که از تزویج کودکان در سنین پایین اجتناب شود.

معنای کودک در حقوق

به منظور آشنایی با مفهوم کودک در حقوق، معیار تشخیص کودک در قانون مدنی، مقررات کیفری و کنوانسیون حقوق کودک مورد بررسی خواهد گرفت.

۱- معنای کودک در قانون مدنی

بررسی مفهوم کودک در حقوق مستلزم مطالعه قانون مدنی ایران می‌باشد. ماده ۹۵۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اهلیت برای دارا بودن حقوق، با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود». اما نبایستی فراموش کرد که کودک قبل از آنکه متولد شود، یعنی در حالی که جنین است هم دارای حیات می‌باشد و بدین جهت شایسته است که مورد حمایت مقنن قرار گیرد تا حقی از کودکی که در آینده هم متولد خواهد شد تضییع نگردد و بدین اعتبار شاید بتوان ادعا کرد که شروع زندگی در واقع از تاریخ انعقاد نطفه می‌باشد زیرا از این زمان است که کودک به عنوان موجودی زنده و مستقل از پدر و مادر مورد توجه مقنن قرار گرفته و برای او حقوق و تکالیفی مقرر می‌گردد.

ماده ۹۵۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر این که زنده متولد شود». لذا طبق مقررات قانونی مدنی، حمل یعنی کودکی که هنوز متولد نشده است، از تاریخ انعقاد نطفه عیناً مانند کودکی که به دنیا آمده است از کلیه حقوق مدنی برخوردار می‌گردد، مشروط بر آن که زنده متولد شود، اگرچه پس از تولد هم فوراً بمیرد.

قانون مدنی در تبصره یک ماده ۱۲۱۰ اعلام داشته است: «سن بلوغ در پسر ۱۵

سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است». به نظر می‌رسد که پایان کودک سن بلوغ است زیرا نخست صغر کودک در مقابل بلوغ شرعی قرار دارد و از نظر عرفی به کسی که به سن بلوغ رسیده، صغیر نمی‌گویند. دوم در تبصره ۱ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی در تعریف طفل آمده است: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد». بنابراین ملاک پایان کودکی را بلوغ قرار داده اند نه رشد و بلوغ نیز گاهی به سن و گاهی به ظهور علایم آن می‌باشد که در زن، حیض، حمل، احتلام، انبات و روییدن مو در شرمگاه و بزرگ شدن پستان ها و در مرد نیز با علایمی همچون احتلام، توانایی باردار کردن، خروج اسپرم و منی، بم شدن صدای

فرد و ... همراه است که ظهور این نشانه‌ها با توجه به محیط طبیعی، جغرافیایی، مذهبی و سنین مختلف اتفاق می‌افتد که برای تفصیل باید به کتب پزشکی و فقهی مراجعه کرد. سوم طبق نص ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی رسیدن به سن بلوغ به معنای خروج از محجوریت است و با توجه به این که طبق بند ۱ ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، صغار محجور شناخته شده‌اند از تقابل ماده ۱۲۱۰ و بند ۱ ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی معلوم می‌گردد که در واقع صغیر محجور در مقابل بالغ غیر محجور است و بنابراین غیر از آن است. پس با توجه به موارد فوق، در قانون مدنی ایران، پایان کودکی همان زمان بلوغ است و رشد در آن تاثیر ندارد. (موسوی بجنوردی، اندیشه های حقوقی، صص ۲۲۸ - ۲۲۹).

طبق نص ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی

رسیدن به سن بلوغ به معنای

خرج از محجوریت است و با توجه

به این که طبق بند ۱ ماده ۱۲۰۷

قانون مدنی، صغار محجور شناخته

شده‌اند از تقابل ماده ۱۲۱۰ و بند

۱ ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی معلوم

می‌گردد که در واقع صغیر محجور

در مقابل بالغ غیر محجور است و

بنابراین غیر از آن است

۲- کودک از نظر مقررات کیفری

در قوانین کیفری کودک را از دو جنبه بزهکار و بزه‌دیده می‌توان مورد بررسی قرار داد که در این مقاله بزه‌دیدگی کودک مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

قانونگذار در سال ۱۳۸۱ به مفهوم کودک از جنبه بزه‌دیدگی توجه نمود و در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ کلیه اشخاصی را که به سن ۱۸ سال تمام هجری شمسی نرسیده‌اند از حمایت قانونی مذکور در این قانون بهره‌مند نمود و مرحله کودکی و نوجوانی را تا سن هجده سال تمام هجری شمسی پایان یافته تلقی نموده

است، اما مرزی میان کودک و نوجوان قایل نشده و بدون تفکیک میان قلت یا شدت حمایت‌ها از این دو قشر، کودکان و نوجوانان را به طور مساوی مشمول حمایت‌های خویش قرار داده است.

با توجه به تحولات قانونگذاری صورت گرفته نسبت به مفهوم کودک استنتاج می‌شود که توجه قانونگذار ایران به مفهوم کودک بیشتر از دیدگاه بزه کاری و مسئولیت کیفری است و توجه مقنن در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱ به جنبه بزه‌دیدگی مفهوم کودک نیازمند اصلاح است. بدین صورت که مفهوم کودک بزه‌دیده و تحت حمایت باید با مفهوم کودک واجد مسئولیت کیفری تطبیق داده شود. نکته مهم آنکه شاخصه‌های شناخت مفهوم کودک بزهکار و بزه‌دیده متفاوت می‌باشد اما بررسی و شناخت شاخصه‌های مفهوم کودک از جهت تعیین مسئولیت کیفری و بزهکاری خارج از محدوده این مقاله است و لذا در اینجا تنها ضوابط تشخیص کودک از منظر بزه‌دیدگی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

به دلیل آنکه در مطالعه کودک از منظر بزه‌دیدگی هدف از تعیین مرز کودکی، حمایت از کودک بزه‌دیده می‌باشد، باید به دو مساله تاثیر جرم بر روند رشد و مرز سنی که تکامل شخصیتی انسان متوقف می‌گردد، توجه نمود. در خصوص تاثیر جرم بر رشد انسان باید به این نکته اشاره نمود که ارتکاب جرم بر روی افراد، سلامت جسمی و روانی کودک را خدشه دار می‌کند. در زمینه تعیین مرز سنی تکامل شخصیتی انسان نیز باید متذکر شد که روان‌شناسان دوران بلوغ جسمی و روانی را تا ۱۸ سالگی می‌دانند (شریعتمداری، روان‌شناسی تربیتی، ص ۱۱۵) و مهمترین دوره برای رشد و تکامل بدنی، عاطفی و اجتماعی را سنین ۱۲ تا ۱۸ سال عنوان نموده‌اند. علامه طباطبایی بلوغ بدنی را در سن هجده سالگی دانسته است؛ از آن جهت که فرد چهره کودکانه خود را از دست می‌دهد و اندام‌های بدن وی به اوج رشد خود می‌رسند (طباطبایی، تفسیر المیزان جلد ۱۱، ص ۱۵۸).

نتیجه آنکه در مساله تعیین مفهوم کودک از جنبه بزه‌دیدگی باید وضعیت جسمی و روانی کودک را مورد توجه قرار داد و حمایت از کودک تا دوران فروکش نمودن هیجان‌های بلوغ و آثار ناشی از آن ضروری به نظر می‌رسد و باید تا زمانی که کودک به ثبات شخصیتی و جسمی می‌رسد، این حمایت‌ها ادامه داشته باشد، همچنان که علامه طباطبایی می‌فرماید سن هجده سال سنی است که با ویژگی‌های فوق‌الذکر

۳- تعریف کودک از دیدگاه کنوانسیون حقوق کودک

با توجه به اینکه طبق اصول اعلام شده در منشور سازمان ملل متحد، شالوده آزادی، عدالت و صلح جهانی همانا به رسمیت شناختن منزلت ذاتی و حقوق مساوی و غیر قابل انکار همه اعضای خانواده بشری است و با توجه به اینکه کودک باید برای زندگی فردی در اجتماع آمادگی کامل پیدا کند و در سایه آرمان های اعلام شده در منشور سازمان ملل متحد و به ویژه صلح، عزت، مدارا، آزادی، برابری و همبستگی بزرگ شود و با اذعان به اهمیت همکاری های بین المللی برای بهبود شرایط زندگی کودکان در همه کشورها به ویژه در کشورهای در حال رشد، کلیه کشورهای عضو در کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ میلادی به توافقاتی نایل و مکلف به اجرای قوانین مندرج در کنوانسیون فوق گردیدند. این کنوانسیون با وضع ماده ۱ کودک را چنین تعریف کرده است: «از نظر کنوانسیون منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.»

با توجه به ماده فوق الذکر نکات زیر قابل تامل است:

الف) تنها کسانی مشمول مقررات کنوانسیون می باشند که به سن ۱۸ سالگی نرسیده باشند.

ب) سن بلوغ ارایه شده در این ماده یک سن مطلق نیست، بلکه بر حسب قانون ملی، تعریف از کودک متغیر است، زیرا طول مدت بلوغ و نوجوانی در جوامع گوناگون یکسان نیست. به طور کلی با در نظر گرفتن دوران «پیش از بلوغ جنسی» که طی آن رشد فرد سرعت بیشتری می یابد و دوره پیش از کمال عقلی که رسیدن به سن بزرگسالی است، می توان گفت دوره نوجوانی از ۱۲ تا تقریباً ۱۸ الی ۲۱ سالگی به درازا می کشد که با تغییرات درونی و بیرونی همراه است.

مطلب دیگر آنکه سن هجده سالگی ارایه شده در کنوانسیون هم سن بلوغ است و هم سن رشد. یعنی به نظر واضعین این قانون با رسیدن کودک به سن ۱۸ سالگی، اهلیت اجرای مستقیم تمامی حقوق خود را داشته و به طور کلی از تحت ولایت خارج می گردد، زیرا اگر غیر از این بود، با توجه به اختلاف قوانین کشورها در این مورد باید

به تفاوت سن بلوغ و رشد اشاره می‌کردند. در کنوانسیون حقوق کودک، پایان کودکی مشخص شده اما نسبت به زمان شروع کودکی سن خاصی در نظر گرفته نشده است بلکه این مطلب کاملاً به سکوت برگزار شده است. شاید دلیل این امر اختلاف قوانین کشورها در شروع کودکی است. اگرچه تخصیص مقرر در ماده ۱ کنوانسیون به دولت‌ها اختیار تعیین سن کمتر برای تعریف کودک را می‌دهد اما در مواردی که امکان دارد تامین و حمایت مصادیقی از حقوق کودک را به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم تحت الشعاع سن تعیین شده قرار دهد، به طور صریح یا ضمنی بر رعایت سن مورد نظر کنوانسیون تاکید شده است. به ویژه در مواردی که ملازمه رشد و بلوغ انکارناپذیر است از جمله در سن مسئولیت کیفری و ممنوعیت اعمال مجازات‌های سنگین، اعدام و حبس ابد برای افراد کمتر از ۱۸ سال و نیز حداقل سن ازدواج که عدم توجه به این حداقل بر بهداشت و سلامت جسمی و روانی، آموزش و سایر حقوق فردی و اجتماعی کودک تاثیر منفی دارد. بنابراین در

در کنوانسیون استثنائاتی که ممکن است وجود داشته باشد

مجموع کنوانسیون:

- ۱- کودک را فرد کمتر از ۱۸ سال می‌داند.
 - ۲- کودک اعم از دختر و پسر بدون تفکیک جنسیتی
 - ۳- اصل بر تعیین اختیار دولت‌ها بر تعیین سن بلوغ است مگر در مواردی که مصلحت کودک در حفظ بالاترین منفعت وی ایجاب نماید که در این حالت سن مورد نظر کنوانسیون اعمال خواهد شد.
- مورد حکم نمی‌باشد مانند کودک مجنون یا افرادی که در سنین پایین از هجده سالگی به مرحله بزرگسالی می‌رسند**

۴- در کنوانسیون استثنائاتی که ممکن است وجود داشته باشد مورد حکم نمی‌باشد مانند کودک مجنون یا افرادی که در سنین پایین از هجده سالگی به مرحله بزرگسالی می‌رسند (مصفا، کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌برداری از آن در حقوق داخلی ایران، صص ۱۲۰-۱۲۱).

اگرچه با توجه به ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، تعارضی میان این ماده و قوانین جمهوری اسلامی ایران دیده نمی‌شود اما نکته مهم آن است که در قوانین ایران سن واحدی برای تشخیص کودک وجود ندارد زیرا در قوانین متعددی از جمله قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، قانون امور

حسبی و... سن متفاوتی را برای کودکی در نظر گرفته‌اند. از سوی دیگر در مواردی اصطلاح طفل به کار رفته است که مقنن در تبصره ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، طفل را کسی دانسته که به حد بلوغ شرعی نرسیده است و لذا چندگانگی در استفاده از واژه‌های کودک و نوجوان و طفل به چشم می‌خورد (امیدی هاشجین، کنوانسیون حقوق کودک و حق شرط ایران، ص ۱۲۹).

حکم صحت و اعتبار تزویج کودکان

بر اساس نظر فقهای امامیه ولی قهری می‌تواند برای دختر صغیره و یا پسر صغیر خود نکاح نماید و تفاوتی نمی‌کند که دختر صغیره باکره باشد و یا آنکه به علت بیماری، جنایت و ... از او ازاله بکارت شده باشد. زیرا علت اصلی ولایت در بکارت، صغیر بودن مولی علیه است (علامه حلی، تحریر الاحکام الشریعه علی مذهب الامامیه، ج ۲، صص ۶ و ۵؛ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام ج ۲۹، صص ۱۷۲ و ۱۷۳) و این حکم را مستند به روایات متعددی می‌دانند که در این خصوص مطرح شده است و همچنین برخی جواز چنین تزویجی را مستند به اجماع فقها نموده‌اند (محقق داماد، بررسی فقهی خانواده، نکاح و انحلال آن، ص ۴۸) هرچند که با وجود روایات مزبور اجماع مستند به این روایات مدرکی بوده و فاقد حجیت است. (ولایی، فرهنگی تشریحی اصطلاحات اصول، ص ۴۹).

فقهای امامیه معتقدند که این عقد نکاح از طرف دختر صغیره لازم بوده (علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۲، ص ۸۵۶) و دختر بعد از بلوغ حق فسخ و بر هم زدن آن را ندارد. گرچه در مقابل برخی از فقهای متأخر معتقدند که اگر مصحلت صغیره رعایت نشود ازدواج مزبور از اصل باطل است (نوری همدانی، هزار و یک مسأله فقهی، مجموعه استفتائات، ج ۲، ص ۱۸۶؛ مکارم شیرازی، مجموعه استفتائات جدید، ص ۲، صص ۳۱۹) فقهای امامیه به رغم جایز دانستن تزویج کودک از سوی ولی قهری، نزدیکی با چنین دختری را تا پیش از رسیدن به سن بلوغ ممنوع دانسته‌اند (طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ج ۲، ص ۸۱۱) بعضی نقض آن را موجب مسئولیت مدنی تلقی کرده و بروز هرگونه عیب را موجب حرمت ابدی می‌دانند (طباطبایی حکیم، مستمسک العروه الوثقی ج ۱۴، ص ۸۰).

فقهای امامیه علاوه بر روایات و اجماع به اصل لزوم و استصحاب استدلال کرده‌اند

(نجفی، پیشین، ج ۲۹، صص ۱۷۳-۱۷۴) اما در این که آیا پسر صغیر بعد از بلوغ می‌تواند عقد نکاح را فسخ نماید یا نه میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. اما مشهور فقهای امامیه معتقدند که پسر صغیر همانند دختر صغیره بعد از بلوغ حق ابطال نکاح را ندارد (جبعی عاملی، مسالک الافهام ج ۷، ص ۱۱۸).

دلایل این گروه برای نفی اختیار پسر پس از رسیدن به بلوغ به شرح زیر است:
الف) اصل اولیه در عقود، لزوم است و حق فسخ در هر عقد، خلاف اصل و قاعده می‌باشد و فرض بر آن است که عقد صحیح منعقد شده است و لازم است که به آن عمل شود. اما به نظر می‌رسد که این استدلال خالی از اشکال نیست زیرا تمسک به اصالت اللزوم در عقود میسر است که تمام شرایط عمومی عقد رعایت گردیده است و نه در عقدی که اصلی‌ترین عنصر تحقق آن یعنی اراده در آن لحاظ نشده است.
ب) ادله ای که ولایت پدر و جد پدری بر کودک صغیر را بیان کرده است مطلق بوده و اختصاص به امور مالی ندارد (صفایی، حقوق خانواده، ج ۲، ص ۱۹۹).

ج) اصلی‌ترین و مهم‌ترین دلیل بر این حکم خلاف قاعده و اصل روایاتی است که برخی فقیها گمان کرده‌اند بر این مدعا دلالت دارد. در روایتی آمده است: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم پسر بچه ای ده ساله را پدرش در ده سالگی تزویج می‌کند، آیا در همان ده سالگی طلاقش جایز است؟ فرمود: تزویج صحیح است اما نسبت به طلاقش سزاوار است همسرش را برای او نگه دارند تا این که به سن بلوغ برسد» (مرورید، سلسله الینابیع الفقیهه، ج ۱۸، ص ۱۰۵). رایت فوق از نظر سندی پر اشکال و صحیحه است اما از نظر دلایل تعبیر حضرت به صحیح بودن این تزویج، دلالتی بر سلب اختیار کودک پس از رسیدن به سن بلوغ ندارد و موضوع این اختیار صحت عقد سابق است (موسوی خویی، المستند فی شرح العروه الطریقه، ج ۲، ص ۲۸۰).

از جمله روایاتی که مورد استناد موافقان این دیدگاه قرار گرفته، صحیح محمد بن مسلم است. «محمد بن مسلم نقل می‌کند: درباره پسر نابالغی که دختر نابالغی را به همسری در می‌آورند از امام باقر (ع) سوال شد که آیا آن دو از یکدیگر ارث می‌برند؟ حضرت فرمودند: اگر پدرانشان آنها را به همسری یکدیگر در آورده اند بلی». (حر عاملی، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۰۷-۲۱۰).

روایت فوق از نظر سندی بی اشکال و صحیحه است و اما از نظر دلالت ممکن است

از این روایت چنین استفاده شود که توارث آن دو به معنای تحقق نکاح صحیح، کامل و لازم الوفاء است. بر این استدلال نیز اشکالی شبیه اشکال قبل وارد است چه توارث از تبعات نکاح صحیح است و فرض این است که نکاح ولایی نیز ازدواجی صحیح است. اما این حکم به معنای نفی اختیار کودک نابالغ، پس از رسیدن به سن بلوغ نمی‌باشد. بنابراین به نظر می‌رسد دلیل محکمی که بتوان به استناد آن این حکم خلاف قاعده، یعنی سلب اختیار صغیر پس از رسیدن به سن بلوغ را ثابت کرد وجود ندارد. به همین جهت فقیهانی همچون شیخ طوسی، ابن براج، ابن حمزه و ابن ادریس قایل به اختیار

فسخ و یا امضاء برای پسر صغیر پس از رسیدن به سن

بلوغ شده‌اند. اگرچه عده‌ای از فقها معتقدند که پسر

صغیر پس از بلوغ حق خیار دارد و می‌تواند عقد نکاح را

امضا و یا رد نماید و به دو دلیل ذیل استناد نموده‌اند:

الف) ورود ضرر مزدوج در صورتی که بعد از بلوغ

برای زوج حق خیار نباشد ضرر بر او وارد می‌شود زیرا

اثبات مهر و نفقه با فرا رسیدن بلوغ بر وی ضرر است

در حالی که بر زوجه (دختر صغیره) چنین ضرری وارد

نمی‌شود لذا از جهت دفع ضرر اگر بخواهد می‌تواند

عقد را ابطال نماید (طوسی، النهایه فی مجرد الفقه و

الفتاوی، ص ۴۶۷).

در پاسخ به دلیل فوق، بیان گردیده است که در

نکاح صغیره فرض بر آن است که مصلحت وی توسط

ولی او رعایت می‌شود لذا جایی برای این دلیل باقی

نمی‌ماند (نجفی، پیشین ج ۲۹، ص ۱۷۴). از سوی

دیگر اگر ضرر را بر پسر از جهت مهر و نفقه مورد قبول واقع شود در مورد دختر

صغیره نیز ادامه همسری بدون تمایل و رغبت فعلی می‌تواند ضرر تلقی گردد و تنها

ضرر مالی مورد نظر نمی‌باشد.

ب) روایتی از امام باقر علیه السلام که فرمودند: «هرگاه پدر برای پسر در حال عدم

بلوغ زن بگیرد پسر پس از رسیدن به سن بلوغ حق خیار دارد» (حر عاملی، پیشین

ج ۱۴، ص ۲۰۹).

اما مشهور فقها بر این نظر می‌باشند که روایت فوق دارای ضعف سند می‌باشد و به علاوه امکان دارد فرض حدیث در جایی باشد که پسر اختیار در طلاق را در جایی که عیبی در دختر وجود دارد داشته باشد (نجفی پیشین ج ۲۹، ص ۱۷۴).

توجه بدین نکته ضروری است که مطابق نظر فقها اقدام ولی نسبت به نکاح باید در جهت غبطه و رعایت صلاح آنها بوده و یا این که مستلزم مفسده ای بر آنان نباشد. در غیر این صورت یعنی اگر ازدواج به مصلحت صغیر نباشد و یا مفسده ای بر او داشته باشد مشهور فقها معتقدند که این عقد به صورت فضولی واقع و موقوف بر آن است که صغیر یا صغیره پس از بلوغ اجازه دهد یا رد نماید که در صورت اجازه عقد صحیح و در غیر اینصورت در نکاح باطل خواهد بود (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۵۵).

گروه دیگری از فقها معتقدند که عقد به کلی باطل است و اجازه صغیر یا صغیره

پس از بلوغ نیز موجب صحت آن نمی‌شود. (طباطبایی حکیم، پیشین ج ۱۴، ص ۴۵۶)

اگر ولی، صغیره را به کمتر از مهر المثل یا صغیر را به بیشتر از آن تزویج نماید، اگر مصلحتی باشد که اقتضای آن را می‌کند، عقد و مهر صحیح و لازم است و اگر مصلحت در خود تزویج باشد و نه در مهر، عقد نکاح صحیح و لازم و مهر غیر نافذ است و متوقف بر اجازه صغیر

یا صغیره پس از بلوغ می‌باشد که اگر اجازه دهد مهر مستقر می‌شود وگرنه به مهر

المثل تبدیل می‌شود (موسوی خمینی، پیشین، ج ۲، ص ۲۵۵).

در اصطلاح حقوق مدنی، ولایت

قدرت و اختیاری است که برابر قانون

به یک شخص ذیصلاح برای اداره

امور محجور واگذار شده است که

دارای اقسامی می‌باشد

اولیاء عقد نکاح

یکی از آثار نسب مشروع، ولایت قهری است. در اصطلاح حقوق مدنی، ولایت

قدرت و اختیاری است که برابر قانون به یک شخص ذیصلاح برای اداره امور محجور

واگذار شده است که دارای اقسامی می‌باشد. ولایتی که به حکم مستقیم قانونگذار

واگذار شده باشد ولایت قهری نامیده می‌شود که در مواد ۱۱۸۰ و ۱۱۹۴ قانون مدنی

مورد بررسی قرار گرفته است (صفایی، پیشین ج ۲، ص ۱۹۰-۱۹۱). ولایت در ازدواج

تسلطی شرعی بر مولی علیه است که شارع آن را برای فرد کامل قرار داده است و

جعل این ولایت به دلیل نقصی است که در مولی علیه وجود دارد و هم چنین به دلیل رعایت مصلحت وی می‌باشد (موسوی بجنوردی، پیشین ص ۷۰).

پدر بر عقد نکاح پسر صغیر یا دختر صغیره خود ولایت دارد و این حکم مورد اجماع فقهای امامیه است (موسوی خمینی، پیشین ج ۲، ص ۲۵۴). جد پدری در حال حیات پدر در ولای بر نکاح با او شریک است یعنی هر یک به طور مستقل دارای ولایت بر نکاح صغیره یا صغیر می‌باشند و اگر یکی از آنها فوت نماید ولایت اختصاص به دیگری پیدا می‌کند (نجفی پیشین ص ۲۷۱؛ موسوی خمینی پیشین ص ۲۵۴-۲۵۵). در مورد مادر، اکثریت قریب به اتفاق فقهای امامیه حکم به عدم ولایت مادر و جد مادری داده اند (محقق کرکی، جامع المقاصد ج ۱۲، ص ۹۲) و دلیل آنها بر این حکم اصل عدم ولایت است که مطابق آن هیچ کس بر دیگری ولایت ندارد مگر آن که دلیلی بر خلاف آن اقامه شود و دلیلی بر ولایت مادر و جد مادری وجود ندارد (علامه حلی، پیشین، ج ۲ ص ۵۸۶). به علاوه به روایاتی (حر عاملی پیشین، ج ۱۴، ص ۲۲۰) استناد نموده‌اند که بر اساس آن تزویج صغیر و صغیره منحصراً در اختیار پدر و جدپدری است و لذا این به معنی نفی ولایت از مادر و جد ماری و اشخاص دیگر است (موسوی گلپایگانی، مجمع المسایل، ج ۲، ص ۲۱۳).

در مورد عدم ولایت برادر هیچ نظری میان فقهای امامیه وجود ندارد (محقق کرکی، پیشین ج ۱۲، ص ۹۳) و دلیل آن روایاتی است که ولایت صغار را در نکاح منحصر به پدر و جد پدری نموده است و هم چنین روایاتی به این مضمون که اگر برادر برای صغیر یا صغیره نکاح نماید آنان پس از بلوغ حق فسخ عقد را دارند (حر عاملی، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۰۷).

در مورد عدم ولایت سایر بستگان نیز اختلاف نظری میان فقهای امامیه وجود ندارد زیرا در این زمینه روایاتی وارد شده است که بر اساس آنها اگر عمو یا دایی و اولادشان اقدام به نکاح صغیر یا صغیره کرده باشند آنان پس از رسیدن به سن بلوغ در صورت عدم رضایت حق فسخ آن را داشته و می‌توانند آن را ابطال نمایند (نجفی، پیشین، ج ۲۹، ص ۱۷۰).

در مورد این که آیا حاکم اجازه تزویج صغیر و صغیره را دارد در میان فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد. مشهور فقهای امامیه معتقدند که حاکم بر نکاح صغیر و صغیره ولایت ندارد (نجفی، پیشین، ج ۲۸ ص ۱۹۰؛ طباطبایی حکیم، پیشین ج ۱۴،

ص ۴۷۳) دلایل این گروه عبارتند از:

- ۱- اصل اولی عدم ولایت است و هیچ کس بر دیگری ولایت ندارد مگر دلیل بر خلاف آن اقامه شود و در این جا چنین دلیلی موجود نمی‌باشد.
- ۲- مفهوم روایاتی است که اختیار تزویج صغیر و صغیره را در انحصار پدر و جد پدری قرار می‌دهد.
- ۳- ولایت حاکم از باب حسب است و در حالی که دختر و پسر نابالغ هستند و نکاح برای آنها ضروری نیست و نیازی به نکاح ندارند و حسب قابل فرض نمی‌باشد (بحرانی، الحادیق الناظره فی احکام العتره الطاهره، ج ۲۳ ص ۲۷۳).

مع ذلک در مواردی که بررسی جرم شناختی ازدواج با کودک

مصلحتی اقتضا کند استثنائاً در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد، به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است، معافیت از شرط سن اعطا شود

برای نخستین بار در نظام حقوقی ایران، در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ آمده بود: «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. مع ذلک در مواردی که مصلحتی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه، ممکن است استثناء معافیت از شرط سن اعطا شود. ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند». تعیین حداقل سن قانونی برای ازدواج و پیش بینی امکان عدول از آن در عمل موجبات افزایش ازدواج های در سنین کمتر از حداقل سن قانونی را فراهم آورد، تبعات و آثار سوء ناشی از این قانون از جمله افزایش آمار طلاق در میان چنین زوجینی، موجب شد قانونگذار در مقام چاره جویی برآید. نتیجه این امر تصویب ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ بود. به موجب این ماده «ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام ممنوع است. مع ذلک در مواردی که مصلحتی اقتضا کند استثنائاً در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد، به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است، معافیت از شرط سن اعطا شود. زن یا مردی که

بر خلاف مقررات این ماده با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است مزاجت کند حسب مورد به مجازاتهای مقرر در ماده ۳ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم می‌شود». در ماده ۳ اصلاحی مصوب ۱۳۱۶ نیز آمده بود: «هر کس بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی به کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است مزاجت کند به شش ماه تا دو سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد. در صورتی که دختر به سن ۱۳ سال تمام نرسیده باشد لااقل به دو تا سه سال حبس تادیبی محکوم می‌شود و در هر مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس به جزای نقدی از دو هزار ریال تا بیست هزار ریال محکوم گردد و اگر در اثر ازدواج بر خلاف مقررات وفق واقعه منتهی به نقص یکی از اعضا یا مرض دایم زن گردد، مجازات زوج از پنج تا ده سال حبس با اعمال شاقه است و اگر منتهی به فوت زن شود مجازات زوج حبس دایم با اعمال شاقه است. عاقد و خواستگار و سایر اشخاص و سایر اشخاص که شرکت در جرم داشته اند نیز به همان مجازات یا مجازاتی که برای معاون مقرر است محکوم می‌شوند...».

در حقیقت ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده با وجود آن که در رفع تبعات ناشی از ازدواج‌های زود هنگام موثر بود اما این ایراد اساسی را داشت که برای مهار نیازهای جنسی و روانی دختران و پسران جوانی که در فاصله میان سن بلوغ و سن ازدواج بودند تدبیری اندیشیده نشده بود (شکری، بررسی حقوقی سن ازدواج و رشد دختران صص ۱۴۰-۱۴۴).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی انتقادهای بسیاری بر مغایرت ماده ۱۰۴۱ با موازین شرعی مطرح شد و در سال ۱۳۶۱ به موجب پیش نویس لایحه راجع به اصلاح بعضی از مواد قانون مدنی پیشنهاد اصلاح ماده یاد شده تقدیم مجلس گردید و ماده مزبور بدین شرح اصلاح شد: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است، تبصره: عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است به شرط رعایت مصلحت مولی علیه» و با اصلاح نگارشی تبصره آن در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۷۰ بدین شرح تغییر یافت: «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می‌باشد.»

طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ در سال ۱۳۸۱ تقدیم مجلس شد در مقدمه طرح ارایه شده چنین آمده بود: «... این ماده باعث بروز ناهنجاری‌هایی در امر ازدواج دختران و پسران مخصوصاً از جنبه های سلامت جسمی و متلاشی شدن کانون خانوادگی بعد از

رسیدن به سن بلوغ گردیده است و اثرات نامطلوبی در تشکیل زندگی خانوادگی باقی گذارده است. این قانون نه تنها در محافل بین‌المللی موجب ایجاد مشکلات عدیده برای نظام جمهوری اسلامی شده بلکه موجب سوءاستفاده افراد غیر صالح گشته و در واقع اصل اختیار را که در عقد نکاح از شروط اساسی است مخدوش می‌نماید و خارج از اختیار و اراده دختران و پسران جوان آثار زوجیت را بر آنان تحمیل می‌نماید که اثرات سوء آن پس از رشد بر جسم و روان آنان باقی می‌ماند...» (نائینی، مشروح مذاکرات قانون مدنی، صص ۱۰۷۵-۱۰۷۴).

در طرح مزبور سن پیشنهادی برای نکاح چهارده سال تمام شمسی برای دختر و هفده سال تمام برای پسر تعیین شده و ازدواج کمتر از این سن منوط به تحصیل اجازه از دادگاه شده بود. در نهایت پس از بررسی طرح مزبور، سن ازدواج برای دختر ۱۵ سال و برای پسر ۱۸ سال تمام شمسی تعیین شد و به تصویب رسید. شورای نگهبان این مصوبه را خلاف شرع تشخیص داد و سرانجام با طرح موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام این مجمع ماده را به این صورت تصویب نمود: «ماده واحده ماده ۱۰۴۱ قانون اصلاح مواردی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ و تبصره آن به شرح ذیل اصلاح می‌گردد: عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح». نکته مهم آنکه اقدام ولی نسبت به نکاح صغیر یا صغیره باید در جهت رعایت غبطه و صلاح آنان باشد در غیر این صورت برخی فقها عقیده دارند که عقد نکاح بصورت فضولی واقع شده و موقوف بر آن است که صغیر و صغیره پس از بلوغ آن عقد را اجازه یا رد نماید که در صورت اول عقد صحیح و در صورت رد عقد باطل است (محقق داماد پیشین ص ۵۰). گروه دیگری از فقها بر این نظرند که در صورت وقوع عقد بر خلاف مصلحت صغار عقد باطل است و اجازه بعدی صغیر یا صغیره موجب صحت آن نمی‌شود (یزدی، العروه الوثقی نقل در محقق داماد ص ۵۰). چنانچه از ظاهر ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی استفاده می‌شود قانونگذار در بیان این حکم از نظریه اخیر پیروی نموده است زیرا صحت عقد را مشروط به رعایت مصلحت مولی علیه نموده است.

برخی از حقوقدانان (کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده ص ۶۸) بر این باورند که نفوذ نکاح صغیر مشروط بر این است که اقدام ولی به مصلحت کودک باشد

و تنها به بار نیامدن مفسدت کافی نیست و واضح است که مصلحت مفهومی نسبی است. از سوی دیگر فرض ضرر برای کودک در نکاح وجود دارد زیرا او را از حق انتخاب همسر محروم می‌سازد بنابراین ولی قهری باید ضرورت اقدام خود را پیش از نکاح در دادگاه اثبات کند. با توجه به منابع معتبر فقهی می‌توان چنین استدلال نمود که فقها در زمینه ازدواج با کودک در دو مطلب اتفاق نظر دارند:

الف) انعقاد عقد نکاح توسط ولی قبل از این که کودک به سن بلوغ برسد صحیح و دارای آثار خود می‌باشد و چه بسا کودک پس از سن بلوغ نیز حق فسخ و سرپیچی از آن را هم نداشته باشد (موسی خمینی، پیشین ج ۲، ص ۲۲۷-۲۲۸)

ب) موافقه با صغیره حرام و در صورتی که منجر به افشاء شود زن بر شوهر حرام موبد شده و دیه کامل بر عهده زوج و نفقه ثابت می‌باشد (موسوی خمینی، پیشین ج ۲، ص ۲۱۶ و ۴۳۶).

در جهت ضمانت اجرای کیفری و ممانعت از ازدواج عنصر مادی این جرم فعل مثبت کودکان ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی متذکر می‌شود: «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است چنان که مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد».

در تفسیر ماده فوق نظر بر آن است که منظور از ازدواج عقد ازدواج می‌باشد و شامل ازدواج موقت نیز می‌شود (زراعت، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، این ماده نخواهد بود.

ص ۴۸۷) با تصویب ماده ۶۴۶ مصوب ۱۳۷۵ ماده ۳ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶ که پیشتر بدان پرداخته شد نسخ گردید. نکته قابل توجه آن که ازدواج دختر در فاصله میان سن بلوغ یعنی نه سالگی تا سن سیزده سالگی فاقد ضمانت اجرای کیفری بود اگرچه رعایت ضمانت اجرای حقوقی مقرر در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی الزامی می‌باشد.

با تصویب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ تا حدودی اشکالات مربوط به ضمانت اجرای کیفری ازدواج با کودکان مرتفع گردید. چنانچه ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مقرر می‌دارد: «هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج

کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. هرگاه ازدواج مذکور با واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دایم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌گردد» و به علاوه مطابق تبصره ماده فوق «هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تاثیر مستقیم داشته باشد به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است».

ارکان اختصاصی جرم ازدواج با کودک عبارتند از:

الف) عنصر مادی جرم ازدواج با کودک

عنصر مادی این جرم فعل مثبت ازدواج با دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی است. قانونگذار صرفاً مردانی را که مبادرت به ازدواج با دختران نابالغ می‌نمایند قابل تعقیب و مجازات دانسته است. بنابراین اگر زنی با پسر نابالغی ازدواج کند مشمول مجازات مقرر در این ماده نخواهد بود.

نکته دیگر در تحقق عنصر مادی جرم مزبور آن است که ازدواج باید بر خلاف ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی صورت گرفته باشد. بنابراین مرتکب زمانی مسئولیت کیفری خواهد داشت که ازدواج وی بدون اجازه ولی و عدم رعایت مصلحت مولی علیه باشد در غیر این صورت چنانچه اجازه ی ولی موجود باشد اما رعایت مصلحت مولی علیه نشده باشد و یا بالعکس یعنی در مصلحت مولی علیه در ازدواج شده باشد اما اجازه ولی وجود نداشته باشد مسئولیت کیفری شخص مرتکب همچنان باقی است.

ب) عنصر معنوی جرم ازدواج با کودک

رکن معنوی جرم ازدواج با کودک سوء نیت عام یعنی قصد و اراده و خواستن فعل مجرمانه می‌باشد و سوء نیت خاص در این جرم وجود ندارد.

ج) عنصر قانونی جرم ازدواج با کودک

مطابق ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، «هرگاه مردی بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند هرگاه ازدواج مذکور به واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دایم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم

می‌شود» و به علاوه مطابق تبصره ماده فوق «هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است.»

لذا با توجه به ماده فوق مشخص است که بر خلاف ماده ۶۴۶ که صرفاً برای ازدواج با دختر زیر سن بلوغ، تعیین مجازات کرده و نسبت به ازدواج با دختر ۹ سال تمام قمری تا ۱۳ سال تمام شمسی فاقد ضمانت اجرای کیفری بود این اشکال در قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ مرتفع گردیده است و به علاوه آن که مطابق ماده ۵۸ این قانون از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ نسخ گردید.

نکته مهم آن که عدم مسئولیت ولی در تزویج دختر زیر سن نکاح در قانون حمایت خانواده اصلاح گردیده است زیرا مطابق ماده ۶۴۶ هرگاه ولی بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ دختر خود را به عقد ازدواج درگیری درآورد فاقد مسئولیت کیفری و نیز حقوقی است، زیرا از یک سو مجازات موضوع ماده ۶۴۶ صرفاً برای زوج مقرر شده بود و از سوی دیگر باب سوم کتاب هشتم از جلد دوم قانون مدنی در موضوع ولایت قهری صرفاً برای سوءعمل و تدبیر ولی نسبت به اموال مولی علیه، ضمانت اجرا قرار داده است؛ بنابراین در مواردی که سوءرفتار ولی موجب ورود ضرر غیرمالی بر مولی علیه شود ضمانت اجرایی بر وی متصور نبوده که این مسأله در قانون حمایت خانواده لحاظ گردیده است و علاوه بر زوج، برای ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه (در صورتی که در وقوع جرم تأثیر مستقیم داشته باشند) و عاقد حبس تعزیری درجه شش مقرر نموده است.

از سوی دیگر برای رفع دشواری‌های اجرای قوانین در زمینه ازدواج کودک قبل از سن ازدواج پیشنهاد می‌گردد:

الف) مراد از مصلحت در نکاح پسر و دختر قبل از سن ازدواج مشخص گردد.
ب) در صورتی که دختر و یا پسر پس از سن بلوغ راضی به این امر ازدواج نباشند، امکان فسخ عقد وجود داشته باشد. زیرا اگر در زندگی مشترک میل و رغبت وجود نداشته باشد مرد وظیفه انفاق و پرداخت مهریه را به درستی انجام نخواهد داد و از سوی دیگر زن به تمکین مبادرت نمی‌نماید.

ج) اعمال دقت و حساسیت بسیار از سوی محاکم در احراز مصلحت تزویج کودک و در صورت احراز، صدور مجوز چنین نکاحی به نحو موردی؛ بدین معنی که اذن دادگاه نه به طور کلی بلکه برای ازدواج با شخص خاص و با شرایط معین تعلق گیرد و شرایط نکاح و نوع آن توسط دادگاه مشخص شود. در حال حاضر این شیوه در اجرای ماده ۱۰۴۳ ق.م و به هنگام مخالفت بدون علت موجه ولی قهری با ازدواج دختر باکره و صدور مجوز از سوی دادگاه نسبت به ازدواج با شخصی معین و با شرایط مشخص حاکم است.

ازدواج زودهنگام و اجباری از منظر دین یهود

دکتر همایون سامه یح نجف آبادی

دکتر فرزین فرنوشی، عضو کمیته فرهنگی و پژوهشگر دینی انجمن کلیمیان ایران

در دین یهود استاندارد دی که برای ازدواج معرفی شده، اصطلاحاً موقعی است که دختر به سن بلوغ کامل رسیده باشد و با موافقت خود دختر این ازدواج صورت گرفته باشد. در دین یهود حداقل سن ازدواج ۱۲ سال تمام است و توصیه شده پدر حتماً نظر دختر را جویا شود. به سبب فرهنگ‌مان شاید در نسل‌های قبلی ازدواج‌ها در سنین پایین‌تری صورت می‌گرفته و در فرهنگ ایران وجود داشته و در حال حاضر در بعضی از استان‌ها شاید شاهد چنین امری باشیم و به صورت کاملاً معمولی رخ می‌دهد. باید دو صورت این قضیه را مورد بحث قرار دهیم. یک بحث پیشگیری است که فقر مادی و فقر فرهنگی دو دلیل عمده آن محسوب می‌شود. در فقر مادی استیصال پدر و مادر یا والدین متأسفانه ممکن است باعث رخ دادن چنین واقعه‌ای شود. دیگری فقر فرهنگی است که شامل رسم و رسوم خاصی در بعضی از قبایل و سنت‌ها است، پیشگیری از این قضیه می‌تواند از طریق آموزش و اقتصاد کلان قابل انجام باشد.

در دین یهود پدر در مورد ازدواج فرزند در سنین پایین از یک سری اختیارات برخوردار است. البته تأکید می‌کنم در مورد قسمت غیراستانداردش در اثر استیصال یا مواردی غیر از آن خیراندیشی منع شده است. ولی در صورت وجود شخص دیگری غیر از پدر ولو فامیل درجه یک، در صورت امتناع دختر، حقوقی برای وی در نظر گرفته شده تا بتواند از وقوع آن جلوگیری کند. در مورد سن ازدواج لازم به ذکر است، در دین یهود کودکی به دو مرحله تقسیم می‌شود. صحبت از ۵ یا ۶ سال است که علاوه بر عدم آمادگی جسمی، از لحاظ روانی و روحی آمادگی چنین اتفاقی را ندارد. در برخی مواقع ازدواج می‌تواند ناشی از قول و قراری باشد که در طی چند سال آینده صورت بگیرد. دختر می‌تواند در بازه سنی ۱۰ یا ۱۱ سال و نیمه بالغ باشد، و باز با توجه به شرایطی قابل انجام است. از لحاظ شرعی مهمترین مسئله‌ای که با آن مواجه هستیم،

قطعاً در شرع اسلام و سایر ادیان هم همینطور است، پس از ازدواج با یک زن شوهردار مواجه هستیم، نه یک کودکی که مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. در یهودیت مثالی وجود دارد می‌گویند همانطور که ممکن است شخصی در بیابان مورد سرقت یا قتل قرار بگیرد به همان صورت ممکن است نسبت به دختری رفتار شود. به عبارت دیگر به صورت یک جرم مطرح می‌شود. اگر دختری ازدواج کند نسبت به بقیه حرام است یا باید طلاق بگیرد. چنین دختری اگر مطلقه یا بیوه شود، آن موقع یک دختر زیر ده سال در مورد استقلال شخصیتی با چه شرایطی مواجه است؟ این شخص بالغ باید در نظر گرفته می‌شود یا کماکان باید یک کودک است؟ اگر قصد ازدواج مجدد داشته باشد لزوماً نیازمند اجازه پدر است یا اینکه با وجود خردسال بودن شخصاً می‌تواند تصمیم بگیرد؟ در یک حالت دیگر ممکن است یک سری قول و قراری بین پدر دختر یا شخص دیگری گذاشته شود ولی این منجر به تعیین زمان ازدواج یا قطعی شدن قضیه نشده‌باشد، بعد دختر بدون اجازه پدر چنین کاری

می‌کند؛ این مسئله در شرع یهود بررسی شده‌است. در موردی دیگر دو نفر همزمان ادعا می‌کنند شوهر یک دخترخانم ۹ ساله هستند، هیچ شرایط دیگری برای ارزیابی صحت و سقم قضیه در دسترس نیست. فقهای یهود می‌گویند نظر به اینکه این دختر یک زن شوهردار محسوب می‌شود، لزوماً باید هر دو نفر طلاق‌نامه به ایشان بدهند، بعداً ایشان اگر خواست با کس دیگری ازدواج کند ولو اینکه با یکی از آن دو نفر مجدد

ازدواج بکند. به خاطر اینکه اگر چنین مسئله‌ای را مشخص نکنیم، این زن شوهردار ممکن است به ازدواج اشتباه شخص دیگری درآید، به عبارت دیگر در بعضی از موارد چون یکی از گناهان کبیره در اسلام نیز، زناى محصنه است، از این جهت این باید کاملاً مشخص شود این خانم در این سن با چه موقعیتی مواجه است. موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که باید شفاف سازی شود. در سنین پایین متأسفانه وقتی یک دختر هنوز به سن بلوغ نرسیده و آمادگی مادر شدن را ندارد بیشتر شبیه یک برده‌فروشی تعبیر می‌شود. وقتی امکان داشتن زندگی استاندارد برای دختر حداقل باشد، به نوعی برده‌داری محسوب می‌شود. درمورد حدود اختیارات پدر، سرپرستی دختر مطلقه یا بیوه مواردی باید به صورت جزء به جزء مطرح شود چراکه هم از بعد

**در سنین پایین متأسفانه
وقتی یک دختر هنوز به سن
بلوغ نرسیده و آمادگی مادر
شدن را ندارد بیشتر شبیه یک
برده‌فروشی تعبیر می‌شود**

شرعی و هم اجتماعی قابل تامل است. همانطور که اشاره شد با بلوغ زودرس مواجه هستیم ولی با توجه به بلوغ زودرس سن ازدواج به نسبت گذشته به طور قابل توجهی افزایش یافته است.

دکتر روشن: ضمن تشکر از استاد ارجمند جناب آقای فرنوشی، این سوال مطرح است که آیا در دین یهود مثل نظر بعضی از فقهای مسلمان ازدواج با دختر صغیره مجاز است؟

دکتر فرنوشی: دختری که والدش فوت کرده باشد، اگر برادر یا مادر آن دختر را به عقد فردی درآورند در صورت مخالفت دختر، کلمه‌ی میعون استفاده می‌شود، می‌تواند امتناع کند و در این صورت ازدواج جاری نشده است.

دکتر روشن: سؤال از ولی قهری است. ما در اسلام سایر اقربا به استثنای پدر و جد پدری ولایت ندارند. مشخصاً اگر ولی طفل همان پدر باشد تصمیم به ازدواج دختر صغیره گرفت ولو مصلحت آید در دین یهود این پذیرفته شده یا خیر؟
دکتر فرنوشی: بله، توصیه نشده ولی پذیرفته شده.

ازدواج زودهنگام و اجباری از منظر دین زرتشت

دکتر مهربان پولادی، انجمن موبدان زرتشتی ایران

ازدواج از نظر دین زرتشت باید حتماً از روی خشنودی کامل باشد و طرفین باید کاملاً رضایت داشته باشند؛ چه پسر و چه دختر و پدر یا مادر نمی‌توانند با استفاده از زور آنها را وادار به ازدواج کند و دلیل اصلی هم این است در آیین زرتشت در زمان ازدواج، مسأله جنسی اصلاً مطرح نیست. مهمترین مسئله بحث میثوی روان است که مطرح می‌شود و بعد از آن تأیید می‌شود و بعد آن بحث همسری مطرح می‌شود. سن بلوغ فکری داریم که در آیین زرتشت بلوغ جنسی قبل از بلوغ فکری مطرح می‌شود، مهمترین شکل، جشن بلوغ فکری است. در دین زرتشت بعد از آزمون و تأیید آن نوگل‌ها، پسر و یا دختری که به سن بلوغ فکری رسید مراسم خاصی برگزار می‌شود که در آن مراسم پیراهن سفیدی را برتن می‌کند و کمربندی که ۷۲ رشته نازک دارد بر دور کمر می‌بندد. هنگام ازدواج، به آیین‌نامه‌ی احوال شخصی زرتشتیان ایران رجوع می‌شود، خوشبختانه جمهوری اسلامی احوال شخصی را قبول دارد و آیین‌نامه‌ی خود زرتشتیان اجرا می‌شود. طبق ماده ۱۲ احوال شخصی زرتشتیان سن ازدواج زیر ۱۸ سال ممنوع هست. یعنی هیچ‌کسی زیر ۱۸ سال نمی‌تواند ازدواج کند. البته این سن برای دختران ۱۶ سال بود ولی با نظر انجمن موبدان و انجمن زرتشتیان به سن ۱۸ ارتقاء پیدا می‌کند. بهترین حالت سن ۲۱ هست. درست طبق ماده ۱۵ احوال شخصی زرتشتیان می‌گوید سن ازدواج اگر بین ۱۸ تا ۲۱ باشد باید شرایط خاص فراهم شود. اینکه حضور پدر و مادر دختر و پسر، مخصوصاً مادر و بعد پدر، این یک تفاوت است بیشتر بحث پدر می‌شود. مادر و پدر حتماً باید در آن انجمن حاضر بشوند و رضایت کتبی بدهند و سپس از پسر و دختر بصورت جداگانه در مورد علت، چرایی ازدواج سوال می‌شود بعد از اینکه این کانال‌ها را رد کردند، می‌توانند ازدواج بکنند. طبق ماده ۱۴ قانون ازدواج زرتشتیان مراسم عقد یا گواه‌گیری توسط موبد انجام می‌شود و حتماً باید ۷ نفر از اعضای انجمن، خانواده، دوستان و آشنایان متاهل بالای ۲۵ سال اجباری

نبودن ازدواج را تأیید کنند. پیش از آن دختر و پسر باید وفق ماده ۱۳ گواهی پزشکی بیماری‌های جسمی و روانی، بیماری آمیزشی، واگیردار، عدم اعتیاد، مواد مخدر و ژنتیکی و.. ارائه کنند. بعد از وقوع ازدواج این دونفر طی مراسم خاصی ازدواج کرده و به خانه خود می‌روند. وفق ماده ۲۱ در آیین زرتشتی مهریه وجود ندارد. در دین زرتشت طلاق خیلی سخت اتفاق می‌افتد و مهریه هم نیست. مهریه بدین نحو هست، اگر طلاقى بخواهد صورت بگیرد، انجمن روحانیان، موبدان، زرتشتیان، شورای حل اختلاف تصمیم می‌گیرند، پسر و دختر را احضار می‌کنند، دفتر ازدواج زرتشتیان دلیل جدایی را جویا می‌شود و تعیین می‌شود چه بخشی از مهریه داده شود. دادگاه هم خوشبختانه هر موقعی مشکلی مطرح می‌شود سریعاً به انجمن موبدان ارجاع می‌دهد و حکم طبق احوال شخصیه صادر می‌شود. در دین زرتشت، صیغه و تعدد ازدواج به هیچ وجه وجود ندارد. به غیر از اینکه طلاق بگیرد و یک سال از طلاق بگذرد، بتواند ازدواج دائمی را طی مراسم خاصی دوباره برای آن صورت بگیرد. وظیفه‌ی جامعه‌ی زرتشتیان آموزش بلوغ جنسی به جوانان است. تغییرات جسمی دختران و پسران در مدارس و آموزشگاه‌های زرتشتیان داده می‌شود و مسائل جنسی هم ویژه دختران و هم پسران کاملاً توضیحاتی داده می‌شود. استادان روانپزشک، روانشناس، استادان روانکاو مسئولیت ارائه آموزش‌ها را برعهده دارند.

ازدواج زودهنگام و اجباری از منظر دین مسیحیت

کشیش گریگوریس نرسیسیان، مسئول خلیفه‌گری ارامنه تهران

ازدواج در کلیسای ارتودوکس رسولی ارمنی و دیگر شاخه‌های مسیحیت به عنوان یکی از ۷ آیین یا ۷ راز کلیسا است که خداوند از طریق این ۷ آیین و این ۷ راز تبرک خود را به انسان‌ها می‌دهد و زمانیکه خطبه عقد ازدواج در کلیسا خوانده می‌شود کشیش می‌گوید همانا این است استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم، از این سبب او زن نامیده می‌شود زیرا از شوهرش گرفته خواهد شد. از این سبب مرد پدر و مادر خود را ترک کرده با زن خویش خواهد پیوست و یک تن خواهد بود. پس وقتی

ازدواج انجام می‌گیرد با نزول روح‌القدس هر دو تن یعنی زن

ازدواج اولین قانون طبیعی است

و شوهر کلیسا را تشکیل می‌دهند و از نظر روحانی یک تن

خداوند در نهاد انسان سرشت

می‌شوند. ازدواج اولین قانون طبیعی است که خداوند در نهاد

تا برای جلال نام او بارور و کثیر

انسان سرشت تا برای جلال نام او بارور و کثیر شوند و جهان

شوند و جهان را پر سازند

را پر سازند طبق آیه کتاب مقدس. این قانون بر اساس اصل

محبت بنا شده، این قانون دست خداوند در طبیعت است تا

نسل بشری را تداوم می‌بخشد. خداوند برای این امر اولین زوج انسانی آدم و حوا را

خلق کرد تا آنها نسل بشری را خلق کنند. عیسی می‌فرماید هرگاه زوجین در نام

عیسی مسیح با هم متحد می‌شوند، در یک مکان جمع می‌شوند در آن مکان خداوند

حضور دارد پس آن خانه کلیسا است و در این خانه که نمونه کوچکی از ملکوت

خداوند است باید لغزش وجود نداشته باشد و همچنین استوار باشد این کلیسایی است

که با نام عیسی مسیح بنا شده است. کشیش از خداوند می‌خواهد زوجین را برکت

بدهد و آنها را وارث ملکوت خداوند بگرداند. بنا به قوانین کلیسا در مورد ازدواج، اگر

فردی با فامیل خود تا پشت پنجم ازدواج کند باید آنها را از هم جدا کرد و فریضه توبه

را بر آنها واجب دانست؛ از سوی دیگر ازدواج کودکان ممنوع می‌باشد. البته هنگامی

که کشور مورد حمله دشمنان قرار گرفته و خطر به یغما رفتن دختران جامعه بوجود

آمده، رهبر کلیسا دستور ازدواج دختران بالای هفت سال را صادر نموده ولی آنها در خانه پدری می‌ماندند تا به سن قانونی و شرعی برسند بعد به خانه بخت می‌رفتند. همچنین کلیسا ازدواج کسانی را که یکدیگر را قبلاً ندیده‌اند منع می‌کند زیرا در آینده ممکن است منجر به صدمات روحی و روانی شود. طبق ماده ۲۵ از فصل دوم احوال شخصی یک کلیسای ارتودوکس رسولی ارمنی ازدواج بین کسانی که هنوز جازز به ازدواج نیستند، و به سن جازز برای ازدواج نرسیده‌اند ممنوع است. ماده ۲۶ ازدواج چنین می‌گوید: «ازدواج باید بدون تقلب و تهدید و عنف با ابراز اراده مستقل و آزاد و با آگاهی و سلامت عقلانی کامل به عمل آید.» عیسی مسیح نیز می‌فرماید «وای به حال کسی که باعث لغزش یکی از کوچکان که ایمان دارند بشوند، برای او بهتر می‌بود سنگ آسیابی به گردنش آویخته شود و در اعماق دریا غرق گردد» (متا باب ۱۸، آیه ۶). همچنین در شوراها کلیسایی که در کشور ارمنستان منعقد شده‌اند این قانون وجود داشته اگر کشیش کودکی را در زیر سن قانونی به عقد فردی در آورد و اگر این ازدواج اجباری بوده کشیش خلع شده و مراسم ازدواج ملغی می‌شود. امروز می‌بینیم سن و الگوی ازدواج تغییر کرده و به بالای ۲۰ سال رسیده است. با توجه به اینکه سن قانونی برای وارد شدن به سلک روحانیت ۳۰ سال می‌باشد و با در نظر گرفتن اینکه باید قبل از دست‌گذاری باید دارای دو فرزند باشند پس سن ازدواج بعد از بلوغ فکری و عاطفی می‌باشد. سنی که فرد می‌تواند در آن مسئولیت رهبری خانواده را داشته باشد. روحانی هر خانواده در ابتدا اولیاء فرزندان آن خانواده هستند، پس باید برای رهبری فرزندان خود به رشد عقلی، فکری و عاطفی رسیده باشند. در کتاب مقدس سن ازدواج مردان خدا بین سن‌های ۳۰ الی ۴۰ سال بوده است و ازدواجی با اراده، آزاد و پرسش از زوجه صورت گرفته است. همچنین مطابق کتب تفاسیر خلقت آدم و حوا در ۳۰ سالگی بوده است. لذا باید تمام این قوانین که سن ازدواج ۱۵ سال اعلام می‌کنند، مورد بازنگری قرار گیرند چرا که کودک در این سن هنوز به رشد فکری و عاطفی نرسیده‌اند و باید به سن ۲۳ سال برای دختران و ۲۵ سال برای پسران ارتقاء داده شود.

نقش ادیان و عالمان دینی در پیشگیری از خشونت علیه کودکان*

دکتر ماهر و غدیری، مشاور دبیر علمی

مقدمه

ازدواج، یک سنت اسلامی، مستحب مؤکد، مایه آرامش جان و روان آدمی و هموار کننده راه رشد و کمال معنوی وی است. رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «ازدواج سنت من است و هر کس از آن روی گردان شود، از من نیست.»

ارضای غرایز جنسی در چارچوب ازدواج علاوه بر این که نیازهای جسمانی، عاطفی و روانی انسان را برآورده می کند، با جلوگیری از افراط یا تفریط در ارضای این غریزه و توجه صرف به جنبه مادی و جسمانی، تعادل روانی را در فرد حفظ می کند. آیه ۲۱ سوره روم نیز مؤید این است که ازدواج، تنها به منظور ارضای نیازهای جنسی نیست و روابط زن و شوهر از مرحله کام جویی و لذت جنسی فراتر است و عاملی برای تسکین خاطر، دوستی، صمیمیت، مهر و محبت و در مجموع، وسیله ای برای آرامش، آسایش و تکامل انسان است.

یکی از موضوعات مهم در مقوله ازدواج، سن ازدواج است که قابلیت مطالعات جمعیت‌شناختی، روان‌شناختی، فیزیولوژیکی، اقتصادی، حقوقی و فقهی دارد. ازدواج زود هنگام و اجباری، یکی از مسایلی که امروزه کودکان و نوجوانان در برخی از کشورهای جهان و از جمله کشور ایران با آن روبرو هستند، ازدواج آنان در سنینی است که گاه حتی آمادگی جسمی برای آن ندارند و یا در صورت بلوغ جسمی و جنسی به دلیل فقدان بلوغ روانی و اجتماعی مطابق با شرایط جامعه‌ای که در آن زندگی می کنند علاوه بر تردید در آگاهانه بودن رضایت آنان به ازدواج و رعایت مصلحت آنان در تصمیم‌گیری بزرگسالان برای ازدواجشان، نگرانی نسبت به ورود آسیب‌های جسمی، روحی و روانی و اجتماعی نسبت به آنان وجود دارد که با توجه به سن آنان تأثیرات بسیار نامطلوبی نسبت به بزرگسالان - در وضعیت مشابه ایشان - خواهد داشت.

* این متن، گزارشی اجمالی و جمع بندی از کلیه مقالاتی است که در این نشست ارائه شده است.

ازدواج کودکان، ازدواج رسمی یا غیر رسمی است که یک طرف کمتر از ۱۸ سال داشته باشد. البته در برخی از کشورها، ازدواج فرد در زیر سن قانونی برای ازدواج، ازدواج کودک محسوب می‌شود. این سن هم‌اکنون در ایران ۱۳ سال برای دختر و ۱۵ سال برای پسر می‌باشد که طبق قانون با شرایطی قابل عدول است.

ازدواج اجباری، ازدواجی است که بدون رضایت آزاد و معتبر یک یا دو طرف شکل می‌گیرد و متضمن اجبار جسمی و روانی می‌باشد. به عبارت دیگر تحمیل وضعیت تأهل بر یک و یا هر دو طرف ازدواج است؛ به گونه‌ای که طرف یا طرفین مجبور، بدون رضایت وارد رابطه می‌شوند. ازدواج زودهنگام، ازدواجی است که یک طرف یا طرفین آن از لحاظ جسمی، عقلی، روانی، سنی یا جنسی، به سطح لازم برای ازدواج

نرسیده‌اند. در واقع ازدواج قبل از بلوغ - در معنای کلی اعم از بلوغ جنسی، فکری و اجتماعی - ازدواج زودهنگام به شمار می‌آید. ازدواج زودهنگام با ازدواج اجباری مرتبط است زیرا کودکان توانایی ابراز رضایت آگاهانه را ندارند. آنان به دلیل کم سن‌وسالی عملاً درک درستی از ازدواج نداشته و رضایت آنان نمی‌تواند معتبر باشد. رابطه‌ی ازدواج اجباری و ازدواج زودهنگام رابطه‌ی عموم و خصوص من‌وجه است؛ یعنی ازدواج اجباری هم در سنین بالا و هم در سنین کم امکان‌پذیر است که در فرض اخیر، یعنی ازدواج در سنین پایین، با ازدواج زودهنگام هم‌پوشانی دارد. از سوی دیگر نیز، امکان دارد ازدواج زودهنگام با رضایت کامل و آزادانه و یا از

آیه ۲۱ سوره روم نیز مؤید این است که ازدواج، تنها به منظور ارضای نیازهای جنسی نیست و روابط زن و شوهر از مرحله کام جویی و لذت جنسی فراتر است و عاملی برای تسکین خاطر، دوستی، صمیمیت، مهر و محبت و در مجموع، وسیله‌ای برای آرامش، آسایش و تکامل انسان است.

روی اجبار صورت پذیرد که در فرض اخیر با ازدواج اجباری هم‌پوشانی دارد. ازدواج اجباری با ازدواجی که توسط والدین ترتیب داده می‌شود متفاوت است. در این ازدواج اگرچه والدین نقش اساسی را در ترتیبات این ازدواج ایفا می‌کنند اما تصمیم نهایی برای ازدواج با طرفین عقد ازدواج است.

البته باید توجه داشت که اجبار الزاماً به مفهوم اجبار مستقیم نیست، برای مثال تحت فشار قرار گرفتن دختر با بیان این‌که امتناع او از ازدواج با خواستگارش به خانواده آسیب می‌زند نیز متضمن نوعی اجبار غیرمستقیم است و می‌تواند از مصادیق اکراه و در مواردی اضطرار باشد. هر چند که ازدواج زودهنگام شامل هر دو جنس پسر

و دختر است، ولی دختران بیشترین قربانیان این پدیده به شمار می‌روند.

برخی علل شایع ازدواج زودهنگام و اجباری شامل عرف، عادت و رسوم محلی (حفظ شرافت خانوادگی، ازدواج خویشاوندی، ترس از دست‌دادن فرصت ازدواج در سنین بالاتر...)، انگیزه‌های مذهبی (مصون ماندن از گناه...)، فقر فرهنگی و اقتصادی (رهایی از هزینه خوراک، پوشاک و تحصیل کودک...)، اعتیاد (معامله دختر در قبال دریافت پول از داماد)، بی‌سوادی، اختلالات روانی پدر/مادر کودک، تک‌والد بودن کودک، کودک با والد ناتنی می‌باشد.

از جمله آثار و تأثیرات منفی این گونه ازدواج‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
- محروم شدن از تحصیل (افت تحصیلی و سپس ترک تحصیل) و اثرات منفی این بی‌سواد و کم‌سواد در تمام زندگی (در سنین بزرگسالی هم مادران بی‌سواد و کم‌سواد و کودکان آنان بیشتر در معرض خطرات بارداری و زایمان هستند و مردان بی‌سواد و کم‌سواد نیز با مشکلاتی به‌ویژه در امر معیشت مواجه هستند)؛

- جدایی از خانواده و دوستان، از دست دادن آزادی تعامل با همسالان و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و کاهش فرصت‌های آموزشی،
- مسئولیت‌های زندگی مشترک بدون آموزش‌های اولیه که کودک یا نوجوان به دلیل عدم بلوغ روانی درک درستی از آن ندارد؛

- در معرض انواع خشونت‌ها از جمله خشونت‌های جسمی، روحی، جنسی و همچنین بیماری‌های مقاربتی هستند بویژه اگر فاصله سنی آنان با همسرشان زیاد باشد؛

- مداخلات آسیب‌زننده خانواده‌های زوجین؛

- بارداری زودهنگام و مکرر و خطرات آن برای سلامتی مادر و کودک؛
- احتمال بیشتر نارس بودن نوزادشان یا مرگ نوزاد آنان در یک ماه اول تولد و همین‌طور مرگ کودک در ۵ سال اول زندگی به دلیل تحصیلات، قدرت تصمیم‌گیری و مهارت‌های اجتماعی کمتر نسبت به بزرگسالان؛

- مسئولیت‌های همسری، پدری یا مادری در سنی که خود نیاز به حمایت دارند؛

- بزرگسال تلقی شدن و عدم حمایت به عنوان یک کودک یا نوجوان؛

- ناتوانی در استیفای حقوق مالی؛

- نداشتن منبع درآمد مستقل برای خود و در نتیجه وابستگی بیش از پیش این

زنان به شوهران یا مردان دیگر؛

- پایین بودن سطح سازگاری زناشویی، سستی بنیان‌های خانواده، در مواردی طلاق و محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی حاصل از انگ بیوه‌گی (تبعات طلاق کودکان با بزرگسالان قابل قیاس نیست)؛

- رشد نابهنجاری‌های روانی و اخلاقی در جامعه، تحکیم و شیوع فقر و زنانه شدن بیشتر آن، افزایش آمار طلاق، افزایش جرایم و کجروی‌ها؛

- عدم توانایی در خروج مناسب از یک رابطه مبتنی بر سوءرفتار: (افسردگی، خودکشی، فرار از خانه، روسپیگری، اعتیاد و...)

- وقوع تجربه‌های بسیار تلخ و احساس قربانی شدن، بی پناهی و بی کسی؛

- تربیت نسل آینده به دست این افراد که به دلیل ازدواج در سنین پایین با مشکلات متعدد مواجه هستند؛

- محروم کردن آنان از حق تعیین سرنوشت.

به لحاظ جامعه‌شناختی، ازدواج زود هنگام در مرحله گذار جامعه - از جامعه کشاورزی سنتی به مرحله صنعتی مدرن، ضمن اینکه می‌تواند هنوز یک «پدیده طبیعی» تلقی شود، در عین حال و همزمان هم می‌تواند «پدیده‌ای غیرمتعارف» «نامطلوب»، «غیرطبیعی» یا حتی پدیده‌ای «غیرانسانی» تصور می‌شود.

در ساختار سازمانی جامعه کشاورزی، «ازدواج» در هر خاندان، در هر طایفه، در هر قوم یا حتی در میان قوم‌های گوناگون، بیش و پیش از آنکه یک پیوند زناشویی میان زن و مرد، سروسامان گرفتن نسل جوان و تولید نسل بوده باشد، سازوکاری برای کاهش تنش‌ها و کشمکش‌ها، از یک سو و ایجاد و تحکیم پیوندها از سوی دیگر، بوده است. از این رو در این نوع ازدواج «مصلحت» خاندان یا طایفه یا قوم، از «انتخاب» زن یا مرد اهمیت بیشتری داشت و مردان و زنان این «مصلحت» را برخواست و امیال شخصی خود ارجح می‌دانستند و (اغلب) از آن - بی‌چون و چرا - پیروی می‌کردند.

رشد شهرنشینی، تحرک جغرافیایی، توسعه فن‌آوری‌ها و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، اشتغال زنان، جنبش حقوق زنان و تنوع‌پذیری نهادهای اجتماعی از عواملی است که باعث کاهش نفوذ گروه‌های خویشاوندی، انتخاب آزادانه‌تر همسر، به رسمیت شناخته شدن حقوق زنان و خانواده، کاهش ازدواج‌های فامیلی، آزادی جنسی و توجه به حقوق کودکان بوده و از جمله تغییرات عمده‌ای است که در خانواده اتفاق افتاده

است.

در جوامع امروزی، ازدواج و طلاق به حیطة زندگى خصوصى افراد – به ویژه به حیطة زندگى خصوصى دو شهروند (معمولا دو شهروند زن و مرد) تعلق دارد و از این رو در حاشیه مناسبات اجتماعى، اقتصادى، سیاسى و فرهنگى جامعه رخ مى‌دهد. بنابراین هنگامى که زن و مرد اراده مى‌کنند که رابطه زناشویى خود را در چهارچوب قوانین جارى جامعه‌اى که در آن زندگى مى‌کنند، رسمیت ببخشند، با یکدیگر ازدواج مى‌کنند و این ازدواج را نیز به ثبت مى‌رسانند.

طبق آمارهاى رسمى اعلام شده سازمان ثبت احوال کشور، مجموع ازدواج و طلاق دختران و پسران زیر ۲۰ سال در سال‌هاى ۹۰، ۹۱ و ۹۲ در ایران به شرح زیر بوده است:

اگرچه آمارها از افزایش میانگین سن ازدواج دختران حکایت مى‌کنند، این رخداد بیشتر مربوط به دختران خانواده‌هاى طبقه اقتصادى و اجتماعى بالاتر و مناطق شهری بوده و وضعیت فقرا، طبقات پایین دست و روستاها در ازدواج تفاوت چندانى نیافته است.

– ازدواج دختران کمتر از ۲۰ سال: ۹۰۳/۷۶۱، ازدواج پسران کمتر از ۲۰ سال: ۱۲۸/۵۱۷

– طلاق دختران کمتر از ۲۰ سال: ۵۶/۳۳۹، طلاق پسران کمتر از ۲۰ سال: ۴/۷۰۷

برپایه همین آمارها، ازدواج‌هاى زیر ۱۸ سال در مناطق روستایى استان‌هاى چون اصفهان، خراسان، خوزستان، آذربایجان شرقى و غربى و نیز حتى در برخى از نقاط شهری استان‌هاى چون خوزستان و به ویژه استان سیستان و بلوچستان و... بیشتر از جاهای دیگر مشاهده مى‌شود.

فقدان گواهی تولد که حاکی از سن واقعی کودک است،

عدم ثبت ازدواج در برخى مناطق و ازدواج موقت در سنین کودکی از مواردی است که حاکی از بیشتر بودن این ارقام در کشور ما است.

اگرچه آمارها از افزایش میانگین سن ازدواج دختران حکایت مى‌کنند، این رخداد بیشتر مربوط به دختران خانواده‌هاى طبقه اقتصادى و اجتماعى بالاتر و مناطق شهری بوده و وضعیت فقرا، طبقات پایین دست و روستاها در ازدواج تفاوت چندانى نیافته است.

دین اسلام به عنوان دینى جامع و پاسخگو به کلیه‌ی نیازهای بشرى در تمام امکانه و ازمنه، مسأله‌ی ازدواج را مورد تأکید فراوان قرار داده‌است و به موضوع سن ازدواج

هم توجه نموده‌است. البته در اسلام، سنّ ازدواج به عنوان یک واجب موقت و زمان‌دار مورد حکم قرار نگرفته و سن مشخص و معینی برای ازدواج تعیین نشده‌است؛ هر چند ترغیب به ازدواج و عدم تأخیر در آن همواره به عنوان امری ممدوح و پسندیده در برخی روایات مأثوره مورد تأکید واقع شده و سیره‌ی برخی از ائمه نیز بیانگر اهمیت و مطلوبیت این موضوع است.

رویکرد انتقادی برخی از فقیهان معاصر نسبت به تعیین عددی سنّ بلوغ و مخدوش دانستن مبانی نظریه‌ی مشهور نیز نشانگر دغدغه آن‌ها نسبت به حقوق کودکان است که اتخاذ نظر نسبت به آن بر مسأله‌ی ازدواج صغار هم موثر است. فقه امامیه، در کنار اجازه به ولی برای تزویج کودک صغیر خود اعم از پسر یا دختر، وی را مکلف به رعایت مصلحت و غبطه‌ی کودک نموده‌است. فقها در ضمانت اجرای عدم رعایت مصلحت کودک اختلاف نظر دارند؛ عده‌ای چنین ازدواجی را اساساً باطل دانسته‌اند و حتی اجازه‌ی بعدی کودک را موجب صحت آن نمی‌دانند و دسته‌ای نیز ازدواج برخلاف مصلحت را فضولی دانسته و صحت و بطلان آن را موقوف بر اجازه یا ردّ کودک پس از بلوغ نموده‌اند. هم‌چنین فقه شیعی، در صورت ازدواج دختر قبل از سن بلوغ و بروز افضاء ضمانت اجرای سنگینی قرار داده‌است. بعد از سن بلوغ، ولایت پدر بر پسر ساقط می‌شود ولی در خصوص ولایت پدر بر دختر بالغه‌ی باکره اختلاف نظر شدیدی بین فقها وجود دارد. برخی از فقها قائل به سقوط ولایت ولی پس از بلوغ و استقلال دختر در تصمیم برای ازدواج است؛ دسته‌ای از فقیهان قول استمرار ولایت ولی را اتخاذ نموده و اجازه‌ی دختر بالغه‌ی باکره برای ازدواج را منحصرأ در ید ولی قرار داده‌اند؛ نظر فقهی برخی از علمای شیعه نیز بر تشریک ولی و دختر در امر ازدواج است بدین‌صورت که اجازه‌ی هر کدام به تنهایی برای ازدواج کفایت نمی‌کند و جمع اجازه‌ی ولی و دختر مجتمعاً مجوّز صحت عقد نکاح است. واکاوی این دیدگاه‌ها و مبانی آن‌ها می‌تواند رویکردهای حمایت‌گرانه و پیش‌گیرانه‌ی فقیهان شیعی نسبت به ازدواج‌های اجباری و زودهنگام را ترسیم نماید.

در رابطه با پایان دوره‌ی کودکی و طفولیت، در قرآن سه اصطلاح بلوغ حُلُم، بلوغ نکاح و بلوغ اشد به کار رفته است. بلوغ حُلُم که در آیه‌ی ۵۹ سوره‌ی نور مورد اشاره قرار گرفته، به معنای محتلم شدن طفل و خروج منی از وی است که در واقع به معنای شروع فعالیت قوای جنسی می‌باشد. بلوغ نکاح در آیه‌ی ۶ سوره‌ی نساء،

به معنای رسیدن به حدّ ازدواج است که طبق نظر مفسرین، علاوه بر بلوغ جسمی، توانایی حفظ مال را هم در بر می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/ ۲۷۲) که از آن به «رشد» تعبیر می‌شود. در مورد بلوغ اشد که در آیه‌ی ۶۷ سوره‌ی غافر بیان شده، نظرات مختلفی مطرح گردیده‌است؛ برخی آن را همان بلوغ جنسی پنداشته‌اند (راوندی، ۱۴۰۵: ۲/ ۷۳) و بعضی، آن را به معنای اجتماع عقل و کمال خلق و نیرو و تمییز تفسیر نموده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳/ ۲۳۵). طبق نظر برخی از مفسران، بلوغ اشد وقتی محقق می‌شود که قوای جسمی طفل،

اشتداد پیدا کند و کودکی از بین برود و این واقعه، غالباً، در سن هجده سالگی اتفاق می‌افتد که انسان در این سن، غالباً، به اعتدال و استقرار می‌رسد و از کودکی خارج می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/ ۱۴). آنچه از مجموع آیات مذکور به دست می‌آید، این است که اولاً، قرآن سنّ خاصی را به عنوان سنّ بلوغ معین نکرده‌است و فقط با ارائه ملاک‌های حُلْم، حدّ نکاح و اشتداد، بلوغ را به عنوان یک امر واقعی و غیر تعبّدی معرفی نموده‌است. ثانیاً، آیات قرآن، سنّ بلوغ دختران و پسران را تفکیک نکرده و ملاک‌های مذکور را برای هر دو، جاری دانسته‌اند. (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷: ۱/ ۱۶)

پایان کودکی در آثار فقهی با دو اصطلاح «بلوغ» و «رشد» مورد توجه قرار گرفته‌است. زیرا در برخی احکام، صرف بلوغ جسمانی کفایت نمی‌کند و برای انقضای ایام طفولیت، علاوه بر بلوغ، به رشد هم نیاز است.

علمای فقه در مسائل مربوط به امور مالی، علاوه بر بلوغ، رشد را هم برای پایان کودکی لازم دانسته و در سایر مسائل و ابواب فقهی، اشاره‌ای به آن نکرده‌اند. مستند این حکم، آیه‌ی ۶ سوره‌ی نساء است که از اعطای مال به شخص غیر رشید یا سفیه، نهی کرده است.

فقهها در ازدواج، از آنجایی که دارای برخی آثار مالی همچون مهر و نفقه است، رشد را شرط دانسته و به سفیه اجازه نداده‌اند تا مستقلاً اقدام به ازدواج نماید، بلکه بایستی از سوی ولی یا قیم مأذون باشد. (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۲/ ۸۶۳؛ موسوی الخمینی، بی تا: ۲/ ۲۵۴)

اگرچه مشهور فقها، سنّ نه سال در دختران و پانزده سال در پسران را به عنوان علامت تشریعی بلوغ، در کنار سایر علائم طبیعی، مقرر نموده‌اند، اما با ضروری دانستن عنصر دیگری به نام «رشد» مانع بسیاری از ازدواج‌های زودهنگام شده‌اند.

در واقع نگرانی از ازدواج در سنّ بلوغ، ناظر بر این است که کودک در آن سنّ، قدرت تشخیص کافی برای تعیین سرنوشت خود در مقوله‌ی ازدواج را ندارد که

فقیهان امامیه بر همین پایه و در راستای رفع این

قول مشهور فقیهان، قول به عدم نفوذ نکاح بر خلاف مصلحت مولی علیه است؛ زیرا معتقدند چنین عقدی به طور فضولی واقع گردیده و صحت آن، موقوف بر این است که پس از بلوغ کودک، مورد اجازه یا رد قرار بگیرد. (موسوی الخمینی، بی تا: ۲/ ۲۵۵)

هر چند که ادله‌ی ثبوت ولایت ولی بر نکاح

صغیر، اطلاق دارد، لیکن، فقها اعمال ولایت را به

رعایت مصلحت مقید ساخته‌اند. در اینکه وجه اجباری

مصلحت، به معنای جلب منفعت، مدّ نظر است یا وجه

سلبی آن، به معنای فقدان مفسده، مشهور فقها، معنای سلبی مصلحت را معتبر شمرده‌اند؛ هر چند که رعایت مصلحت در معنای اجباری را موافق احتیاط دانسته‌اند.

چنانچه ولی مصلحت کودک را در ازدواج وی رعایت نکرده باشد، طبق نظر برخی

از فقها عقد نکاح به کلی باطل است (عاملی، ۱۴۱۰: ۵/ ۱۴۲). زیرا ولیّ به دلیل عدم

رعایت غبطه و مصلحت طفل، در هنگام انعقاد عقد، جایزالتصرف نبوده است. البته قول

به بطلان چندان مطلوب نیست؛

قول مشهور فقیهان، قول به عدم نفوذ نکاح بر خلاف مصلحت مولی علیه است؛ زیرا

معتقدند چنین عقدی به طور فضولی واقع گردیده و صحت آن، موقوف بر این است که پس از بلوغ کودک، مورد اجازه یا رد قرار بگیرد. (موسوی الخمینی، بی تا: ۲/ ۲۵۵) رویکرد انتقادی برخی فقیهان معاصر به سنّ بلوغ نیز بیانگر توجه به مقتضیات زمان و مکان و رویکرد این دسته از فقها در حمایت از کودکان و پیشگیری از ازدواج‌های زود هنگام است.

برخی، حتی سن را اماره‌ی بلوغ هم ندانسته‌اند؛ زیرا اماره وقتی می‌تواند اماره به شمار آید که دائمی و یا حداقل غالبی باشد (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۹: ۱/ ۱۴). با توجه به این توضیحات، روشن می‌گردد که تعیین سن خاصی به عنوان سن بلوغ که یک امر طبیعی و موضوع خارجی است، صحیح نبوده و در خیلی از مناطق جغرافیایی، چنین حکمی با واقعیات موجود ناسازگار است. روح اسلام به عنوان دینی جامع و کامل که برای تمام ازمه و امکنه قابل اجراست با چنین حکمی هم‌سویی ندارد. بنابراین نظر اخیر، نظر صواب و صحیحی است و جا دارد که قانون‌گذار ایرانی با تبعیت از این دیدگاه که با مقررات بین‌المللی و واقعیتهای دنیای امروز سازگار است، به اصلاح قوانین موجود بپردازد.

این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که تعیین عددی سنّ ازدواج، حتی در نظر مشهور، به معنای وجوب ازدواج در آن سن نیست؛ بلکه بیان‌گر جواز ازدواج است. به علاوه اینکه مشهور فقها نیز با قرار دادن عنصر «رشد» و یا لزوم اذن ولی در ازدواج دختر، سعی در تعدیل مشکلات ناشی از ازدواج‌های زود هنگام و پیشگیری از آنها داشته‌اند.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت:

۱. در اسلام سن مشخص و معینی برای ازدواج تعیین نشده‌است؛ هر چند ترغیب در ازدواج به عنوان امری ممدوح و پسندیده در برخی روایات مأثوره مورد تأکید واقع شده و سیره‌ی برخی از ائمه (علیهم‌السلام) نیز بیان‌گر اهمیت و مطلوبیت این موضوع است.

۲. ازدواج به عنوان یکی از طبیعی‌ترین حقوق مشروع انسانی باید در زمان مناسب و از روی رضایت و آزادی کامل صورت گیرد؛ که فقدان هر یک از دو شرط موجب می‌شود که ازدواج زود هنگام یا اجباری به وقوع بپیوندد.

۳. فقیهان برای پایان کودکی و آغاز بزرگسالی و در واقع آمادگی برای ازدواج، دو

اصطلاح «بلوغ» و «رشد» را مطرح کرده‌اند. فقها برای بلوغ، دو دسته علائم طبیعی و تشریحی را معتبر دانسته‌اند؛ که علائم طبیعی، شامل احتلام در پسران، حیض در دختران و انبات در هر دو است و تنها علامت تشریحی، سنّ بلوغ است که در تعیین آن، وحدت نظر وجود ندارد.

۴. باید توجه داشت که تعیین سن بلوغ به معنای جواز ازدواج در آن سن است و به هیچ وجه، نمی‌توان از آن، وجوب ازدواج را استنباط کرد. اما باز هم تعیین سن خاصی به عنوان سن بلوغ، مورد انتقاد برخی فقهای معاصر قرار گرفته‌است؛ با این توضیح که سنّ مورد اشاره‌ی روایات موضوعیت ندارد و یک سنّ خاص نمی‌تواند نشان‌گر بلوغ برای همه‌ی افراد در تمام نقاط جغرافیایی باشد؛ بلوغ امری طبیعی و عرفی به شمار می‌رود و از موضوعات شرعی نیست که جز از طریق شارع قابل شناخت نباشد. روح اسلام، به عنوان دینی جامع و کامل برای تمام ازمنه و امکانه، نیز با چنین حکمی هم‌سویی ندارد. از این رو ضروری است تا قانون‌گذار ایرانی به تبعیت از این دیدگاه که با مقررات بین‌المللی و واقعیت‌های دنیای امروز نیز سازگاری دارد، به اصلاح قوانین موجود بپردازد.

۵. فقها، با اجازه دادن به ولی، برای به ازدواج درآوردن کودک صغیر خود، او را مکلف به رعایت مصلحت کودک دانسته و در صورت عدم رعایت مصلحت، عده‌ای، چنین ازدواجی را اساساً باطل، و دسته‌ای نیز، آن را فضولی قلمداد کرده و موقوف بر اجازه یا ردّ کودک نموده‌اند.

۶. فقه امامیه، در صورت ازدواج دختر قبل از سن بلوغ و بروز افضاء، تنبیه و ضمانت اجرای سنگینی قرار داده است؛ ثبوت دیه کامل بر شوهر، وجوب پرداخت نفقه به زوجه تا زمانی که شوهر زنده است و حرمت ابدی آمیزش با زن بر شوهر.

۷. بعد از سن بلوغ، ولایت پدر بر پسر ساقط می‌شود ولی در خصوص ولایت پدر بر دختر بالغه‌ی باکره، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد؛ که عبارتند از:

۱. استمرار ولایت برای پدر و جدپدری^۲. استقلال باکره‌ی بالغه رشیده در امر ازدواج،^۳ استمرار ولایت پدر و جدپدری تا پس از بلوغ و رشد، در ازدواج دائم به خلاف موقت در صورتی که منجر به وطی نشود،^۴ استمرار ولایت ولی در ازدواج موقت نه دائم،^۵ تشریک در ولایت، یعنی نکاح با دختر باکره‌ی بالغه رشیده منوط به اجازه وی همراه با اجازه‌ی پدر یا جد پدری است.

حمایت از کودک در برابر ازدواج زودهنگام یا اجباری در نظام حقوقی ایران ۸۰ سال پیش، در سال ۱۳۱۳ یعنی ۲۷ سال قبل از این که جامعه بین‌المللی کنوانسیون مربوط به رضایت به ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج (مصوب ۱۹۶۲ (۱۳۴۰ شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد) را به تصویب برساند، قانونگذار ایران ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی را تدوین و تصویب نمود که به موجب آن حداقل سن ازدواج دختران را ۱۵ سال و پسران را ۱۸ سال تعیین کرده بود. اما در شرایط خاص با ارائه گواهی دادگاه این سن می‌توانست برای دختران به ۱۳ سالگی و پسران به ۱۵ سالگی کاهش یابد.

در ماده ۳ اصلاحی قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶ نیز آمده بود: «هر کس

بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ ق.م. با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است، مزاجت کند به شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد. در صورتی که دختر به سن ۱۳ سال تمام نرسیده باشد، لاقبل به دو تا سه سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود و در هر مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس به جزای نقدی از دوهزار ریال تا بیست هزار ریال محکوم گردد و اگر در اثر ازدواج برخلاف مقررات فوق واقعه منتهی به نقص یکی از اعضاء یا مرض دایم زن گردد، مجازات زوج از پنج تا ده سال حبس با اعمال شاقه است و اگر منتهی

به فوت زن شود، مجازات زوج حبس دایم با اعمال شاقه است. عاقد و خواستگار و سایر اشخاص که شرکت در جرم داشته‌اند نیز به همان مجازات یا مجازاتی که برای معاون جرم مقرر است، محکوم می‌شوند...»

ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ سن ازدواج را برای دختران به ۱۸ سال و برای پسران به ۲۰ سال افزایش داد و با گواهی دادگاه در صورت وجود مصلحت فقط برای دختران به ۱۵ سال کاهش می‌یافت. در ادامه همان ماده آمده است «... زن یا مردی که برخلاف مقررات این ماده، با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است، مزاجت کند، حسب مورد به مجازات‌های مقرر در ماده ۳ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم خواهد شد.»

بر اساس مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۱ تیر ۱۳۸۱ این ماده به این شکل تغییر یافت: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح

در اصلاحات سال ۶۱ قانون مدنی ماده ۱۰۴۱ که ممنوعیت ازدواج کودکان را اعلام می‌کرد مغایر شرع تشخیص داده‌شد و نکاح قبل از بلوغ به شرط رعایت مصلحت توسط ولی طفل جایز شناخته شد. در قانون جدید به اجازه از دادگاه نیازی نبود. ماده ۳ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶ نیز با تصویب ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نسخ گردید. به موجب این ماده: «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است. چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید، به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد و برای عاقد و خواستگار و موارد نقص عضو یا فوت ناشی از تزویج برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشد. طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ ق.م.د در سال ۱۳۸۱ تقدیم مجلس شد. و نهایتاً بر اساس

مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۱ تیر ۱۳۸۱ این ماده به این شکل تغییر یافت: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.»

در ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ که مجدداً برای نقص عضو و فوت ناشی از واقعه، ضمانت اجرا پیش‌بینی شد و همینطور برای ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسؤول

نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه و عاقد نیز مجازات مقرر شد. به موجب این ماده: «هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. هرگاه ازدواج مذکور به واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود.

تبصره: هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسؤول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است.»

ماده ۵۶ هر سردفتر رسمی که بدون اخذگواهی... یا برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی به ثبت ازدواج اقدام کند به محرومیت درجه چهارموضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به سردفتری محکوم می‌شود.

ماده ۵۶ هر سردفتر رسمی که بدون اخذگواهی... یا برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی به ثبت ازدواج اقدام کند به محرومیت درجه چهارموضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به سردفتری محکوم می‌شود.

درمقدمه طرح ارایه شده چنین آمده بود: «... این ماده باعث بروز ناهنجاری‌هایی در امر ازدواج دختران و پسران خصوصاً از جنبه‌های سلامت جسمی و متلاشی شدن کانون خانوادگی بعد از رسیدن به سن بلوغ گردیده است و اثرات نامطلوبی در تشکیل زندگی خانوادگی باقی گذارده است. این قانون نه تنها در محافل بین‌المللی موجب ایجاد مشکلات عدیده برای نظام جمهوری اسلامی شده، بلکه موجب سوءاستفاده افراد غیرصالح گشته و در واقع اصل اختیار را که در عقد نکاح از شروط اساسی است، مخدوش می‌نماید و خارج از اختیار و اراده دختران و پسران جوان، آثار زوجیت را بر آنان تحمیل می‌نماید که اثرات سوء آن پس از رشد بر جسم و روان آنان باقی می‌ماند...» (نائینی، مشروح مذاکرات قانون مدنی، صص ۱۰۷۵ - ۱۰۷۴)

در طرح مزبور، سن پیشنهادی برای نکاح چهارده سال تمام شمسی برای دختر و هفده سال برای پسر تعیین شده و ازدواج، کم‌تر از این سن منوط به تحصیل اجازه از دادگاه شده بود. در نهایت پس از بررسی طرح مزبور، سن ازدواج برای دختر، ۱۵ سال و برای پسر، ۱۸ سال تمام شمسی تعیین شد و به تصویب رسید. شورای نگهبان، این مصوبه را خلاف شرع تشخیص داد و سرانجام با طرح موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام، این مجمع، ماده را بدین صورت تصویب نمود: «ماده واحده - ماده ۱۰۴۱ قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ و تبصره آن به شرح ذیل اصلاح می‌گردد: عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولیّ به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح».

مصلحت مفهومی متغیر و امر موضوعی است و با قراردادن فرد متعارف در شرایط ویژه صغیر ارزیابی صورت می‌گیرد و معیار ارزیابی جنبه شخصی و نوعی دارد. از آیات قرآن استفاده می‌شود که هدف ازدواج کسب آرامش روحی و مودت و محبت است و هدف اصلی نکاح، سود و منفعت مادی نیست. بنابراین مصلحت در نکاح صغیر باید در راستای تحقق اهداف ازدواج باشد. به نظر می‌رسد در نکاح اطفال، به دلیل عدم بلوغ جسمی و فکری غالباً این اهداف محقق نمی‌شود.

برخی از حقوقدانان (کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص ۶۸) بر این باورند که نفوذ نکاح صغیر مشروط بر این است که اقدام ولی به مصلحت کودک باشد و تنها به بار نیامدن مفسدت کافی نمی‌باشد و واضح است که مصلحت مفهومی نسبی است. از سوی دیگر فرض ضرر برای کودک در نکاح وجود دارد زیرا او را از حق انتخاب همسر محروم می‌سازد بنابراین ولی قهری باید ضرورت اقدام خود را پیش از نکاح در دادگاه اثبات کند و بایستی زناشویی به مصلحت کودک نیز باشد.

متأسفانه حکم مقرر در ماده ۱۰۴۱ ق.م. همواره ممکن است، مواردی از ازدواج در سنین پایین را به وجود آورد که زوجین یا یکی از آنها، رشید محسوب نشده و اهلیت استیفای حقوق مالی خود اعم از جهیزیه، نفقه، مهریه، اجرت المثل و... را نداشته باشند؛ در چنین مواردی مطالبه این حقوق و طرح این دعاوی باید توسط ولی یا قیم شخص - به تناسب مورد - و چه بسا بدون رعایت مصلحت و غبطه وی صورت گیرد یا اینکه شخص را در ابتدای نکاح ناگزیر به طرح دعاوی رشدن ماید.

در حال حاضر، با وجود عدم دسترسی به آمار محاکم، برای گریز از تبعات ناشی از عدم احراز رشد زوجینی که براساس ماده ۱۰۴۱ ق.م. به عقد نکاح یکدیگر درآمده‌اند، بسیاری از دادرسان، حکم مقرر در این ماده را به صدور حکم رشد تفسیر و در مقام چنین تشخیصی، حکم رشد شخص را نیز صادر می‌کنند؛ بسیاری از دفاتر رسمی ازدواج و طلاق کشور نیز برای ثبت چنین ازدواج‌هایی، ارائه حکم یادشده را مطالبه می‌نمایند؛ بنابراین در نظام حقوقی ایران، مشکلات ناشی از رشید نبودن اشخاص دارای سن کمتر از حداقل سن قانونی برای ازدواج، به سهولت مرتفع شده و چنین افرادی - زوجین آینده - در استیفای اموال و حقوق مالی خود و انجام این تعهدات، رشید فرض می‌شوند؛ حال آنکه توسل به چنین رویه‌ای در بسیاری موارد نه تنها مفید علم به رشد شخص نیست؛ بلکه ممکن است آثار و تبعات سوء مالی را نیز برای آنان در آینده به همراه داشته باشد.

البته در حال حاضر برخی دیگر از محاکم دادگستری، قید مندرج در ماده ۱۰۴۱ ق.م. را مستلزم صدور حکم رشد شخص، ندانسته و فقط به صدور اجازه نامه چنین ازدواج‌هایی اکتفا می‌کنند؛ این اقدام دادگاه، هرچند با فلسفه تقنین ماده یادشده سازگار است، اما در خصوص رفع مشکلات ناشی از عدم رشد چنین اشخاصی در استیفای اموال و حقوق مالی‌شان، ناتواناست.

تعیین حداقل سن ازدواج و تأکید بر رضایت به ازدواج و ارتباط مستقیم این دو اگر چه مورد تأکید اسناد بین‌المللی حقوق بشر است که دولت‌های عضو را مکلف به قانونگذاری و جرم‌انگاری آن می‌کند ولی پرواضح است که صرف قانونگذاری این مسأله را مهار نخواهد کرد.

زمانیکه یک کودک در جامعه کوچکی زندگی می‌کند که امکان ادامه تحصیل به دلیل فقر یا هر دلیل دیگری برایش مهیا نیست و یا اگر هست برای او و خانواده‌اش اهمیت چندانی ندارد بدان جهت که مهارت‌های زندگی را در حد مطلوب خود و جامعه‌اش در درون خانواده آموخته است و از نظر آنان سن بلوغ جسمانی با بلوغ فکری

و اجتماعی او - به حد کافی برای زندگی در اجتماع خودش - مطابقت دارد؛ وقتی که اعتیاد یا اختلالات روانی یکی از والدین یا هر دو و فقر و بی‌سوادی آنان سایه شوم خود را بر زندگی یک کودک انداخته است؛ زمانیکه سیل مهاجرت مردان به شهرها برای کار یا تحصیل، برای والدین دغدغه بی‌همسر ماندن دخترانشان را در پی دارد و یا ترس از آلوده شدن به گناه، آنان را به سمت ازدواج کودکانشان سوق می‌دهد و در مجموع تا زمانیکه به این ریشه‌ها پرداخته نشود و صرفاً به ممنوعیت و جرم‌انگاری اکتفا شود حداقل اثر آن بالا رفتن میزان ازدواج‌های ثبت نشده، چندهمسری

ایران به عنوان عضو میثاق حقوق مدنی و سیاسی، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و عهدنامه حقوق کودک موظف به رعایت تعهدات خود به موجب این قواعد لازم‌الاجراست و قطعنامه‌های مرتبط و تفاسیر عمومی نهادهای مبتنی بر معاهده به عنوان عنصری تفسیری، راهنمای کشورها در این زمینه است

یا موج جدیدی از تجردهای ناخواسته می‌باشد که تبعات منفی آن کمتر از ازدواج‌های زودهنگام و اجباری نخواهد بود. چراکه قانون با واقعیت فاصله دارد و جامعه راه خودش را می‌رود. بدین جهت نهادهای حقوق بشری و قطعنامه‌ها و توصیه‌های آنها نیز تأکید ویژه‌ای بر پرداختن به علل و عوامل این - گونه ازدواج‌ها در کنار قانونگذاری دارند. ایران به عنوان عضو میثاق حقوق مدنی و سیاسی، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و عهدنامه حقوق کودک موظف به رعایت تعهدات خود به موجب این قواعد لازم‌الاجراست و قطعنامه‌های مرتبط و تفاسیر عمومی نهادهای مبتنی بر معاهده به عنوان عنصری تفسیری، راهنمای کشورها در این زمینه است. صرف‌نظر از

تعیین حداقل سن ازدواج در قانون ایران و تطابق یا عدم تطابق با واقعیات موجود جامعه ما و همینطور تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی، احراز مصلحت کودک زیر سن حداقلی برای ازدواج توسط دادگاه نیز جای بحث دارد؛ به ویژه زمانی که ۷۰ مورد ثبت ازدواج زیر سن ۱۰ سال در یک سال در کلان شهر تهران اتفاق می‌افتد و طبق آمارهای ثبت احوال ازدواج دختران با سنین پایین با مردانی با بیش از دو برابر سن خود با مجوز دادگاه ثبت می‌شود، تردیدهای اساسی را نسبت به حمایت از کودکان در مرحله اجرای این قانون ایجاد می‌کند که جای تأمل و اقدام فوری دارد.

راهکارهای پیشنهادی برای پیشگیری

- نظر به علل متنوع وقوع ازدواج‌های زودهنگام و اجباری و اهمیت پیشگیری از وقوع آن، برنامه‌ها و اقدامات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت لازم است و هرگونه حرکت تک‌بعدی می‌تواند مسائل و مشکلات دیگری را ایجاد کند که عواقب آن بر سرنوشت شخص، کمتر از ازدواج زودهنگام و اجباری نیست برای مثال صرف ممنوعیت قانونی ازدواج کودکان بدون توجه و پرداختن به ریشه‌های اینگونه ازدواج‌ها و اقدام برای رفع آنها می‌تواند منجر به ازدواج موقت کودکان، عدم ثبت ازدواج آنان، و حتی تجردهای ناخواسته در سنین بالاتر شود؛

- زیرساخت‌های فکری و نگاه‌های علمی برای تدوین قوانین و مقررات یا ساماندهی بهتر سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی ضروری است؛

- تا وقتی آمار دقیقی از این ازدواج‌ها در دست نباشد تصمیمات مناسبی نمی‌توان اتخاذ کرد؛

- فقر یکی از دلایل مهم پدیده ازدواج در سنین کودکی است. لذا دولت باید با اتخاذ تدابیر لازم فقر را کاهش دهد؛

- افزایش تحصیلات دختران یا به عبارت دیگر، سیاست نگهداشتن دختران و حتی پسران در مدرسه است که به توانمندسازی بیشتر آنان می‌انجامد. در دسترس بودن مدارس، فراهم کردن سرویس رفت و آمد، تأسیس مدارس شبانه‌روزی، فراهم نمودن حداقل یک وعده تغذیه در مدرسه، کمک‌های مالی به خانواده‌های دارای فرزند محصل می‌توانداز هزینه‌های خانواده‌های فقیر بکاهد. بنابراین بودجه خاصی باید به این موضوع اختصاص یابد؛

- حرفه‌آموزی به دختران و ایجاد فرصت‌های شغلی برای آنان باشد که به تقویت قدرت آنان در زمینه اقتصادی و کاهش فقر می‌انجامد می‌تواند کمکی برای خارج نشدن آنان از سیستم آموزشی به بهانه مشکلات اقتصادی باشد؛

- مراد از مصلحت در نکاح پسر و دختر قبل از سن ازدواج مشخص گردد و از آنجاکه فرض ضرر برای کودک در نکاح وجود دارد اعمال دقت و حساسیت بسیار از سوی محاکم، در احراز مصلحت تزویج کودک و در صورت احراز، صدور مجوز چنین نکاحی به نحو موردی لازم است؛ بدین معنی که اذن دادگاه نه به طور کلی، بلکه بر ازدواج با شخص خاص و با شرایط معین تعلق گیرد و شرایط نکاح و نوع آن توسط دادگاه مشخص شود. در حال حاضر این شیوه در اجرای ماده ۱۰۴۳ ق.م. و به هنگام مخالفت بدون علت موجه ولی قهری با ازدواج دختر باکره و صدور مجوز از سوی دادگاه نسبت به ازدواج با شخصی معین و با شرایط مشخص، حاکم است. بدین منظور در تعیین مصلحت کودک باید به مواردی از قبیل احراز بلوغ، رشد، احراز رضایت واقعی کودک، سن طرفین، انگیزه اولیا و سرپرستان قانونی طفل از ازدواج کودک بویژه وقتی کودک بدسرپرست یا بی‌سرپرست است، انگیزه شخصی که با کودک ازدواج می‌کند، اثبات جنبه حمایتی این ازدواج برای کودک بطوریکه اثبات شود نه تنها مفسده‌ای برای کودک ندارد بلکه به منفعت وی نیز می‌باشد، عدم ممانعت از تحصیل کودک و میزان مهریه توجه جدی داشت.

- گذراندن دوره‌های آموزش سبک زندگی، شامل اطلاعات مربوط به ازدواج، زایمان، باروری و پیشگیری و اطلاعات ضروری دیگر، جهت پیشگیری از آسیب‌های احتمالی و بهره‌مندی فرد از کلیه حقوق حمایتی در دوران ازدواج از ضروریات دیگر است.

- سیاست‌های پیشگیری بر آگاه‌سازی تکیه دارند: این سیاست‌ها شامل آگاه‌سازی والدین و خانواده‌ها در زمینه مشکلات مربوط به ازدواج زود هنگام و تغییر نگرش‌های ایشان، آگاه‌سازی معتمدین و افراد صاحب نفوذ، آگاه‌سازی در زمینه مضرات ازدواج زودهنگام و از آن مهمتر بارداری قبل از ۱۸ سالگی و آموزش‌های لازم در زمینه تنظیم خانواده و نیز جلوگیری از ایدز می‌شود. در این میان رهبران دینی با تقویت مبانی دینی و تئوریک برای اصلاح قوانین موجود از یک‌سو و آگاه‌سازی مردم از عواقبی که ازدواج زودهنگام می‌تواند بر سرنوشت آنان داشته باشد بویژه در مناطقی

که این گونه ازدواج‌ها شیوع دارد و آثار و عواقب منفی مشخص، ملموس و قابل درکی بر جای می‌گذارد، نقش بی‌بدیلی را می‌توانند ایفا کنند.

- آموزش والدین، فرهنگ سازی و هدایت افکار عمومی جهت جلوگیری از ازدواج‌های غیر رسمی ضروری است.

- پرداختن به علل و ریشه‌های اینگونه ازدواج‌ها و بویژه علل خاص آن در یک منطقه می‌تواند در هدفمند کردن فعالیت‌ها و تأثیر آنها در امحای ازدواج‌های زودهنگام و اجباری مؤثر باشد.

- سازمان‌های مردم نهاد و جوامع محلی می‌توانند نقش ویژه‌ای داشته باشند.

بخش سوم.....

نقد و بررسی مقالات و سخنرانی‌ها

خانم احمدی / آقای سیدمقتدا حسینی / خانم مظفریان / خانم گودرزی /
آقای دکتر ویسی / خانم پناغی / خانم روح افزا / خانم خالوندی / خانم فرهمندپور / خانم
داوودی / خانم معارف وند / خانم خاکی / خانم جعفری / خانم غدیری / خانم صالح مجتهد
/ خانم دولت آبادی / خانم قاسم زاده / خانم خادم / خانم کاظمی / آقای دکتر روشن /
خانم دکتر محمدی / خانم عین الیقین / آقای مقاره عابد / خانم کیانی فرد / آقای دکتر
نجف آبادی / نماینده بهزیستی / خانم مبلغی / خانم حامد / خانم عظیم زاده

خانم احمدی / مشاور ثبت احوال

در مورد آمار دکتر غدیری باید گفت، بحثی به نام فاصله ثبت ازدواج تا وقوع آن وجود دارد. متأسفانه در آمار ارائه شده این مسئله اصلاً لحاظ نشده است. در مقابل تعداد آمار ازدواج کل، موارد ازدواج زیر ۱۸ سال یا زیر ۱۵ سال، از نظر آماری عدد چندان بالایی نیست. در مورد ازدواج ۱۵ سال، باید گفت ۳۸۰۴۹ مورد ازدواج دختر ۱۵ ساله در سال ۹۰ رخ داد. از این ۳۶۵۷۹ مورد فاصله ثبت تا وقوع ازدواج بیش از ۵ سال گذشته است، اگر این آمار را بررسی کنیم دیگر فاجعه رخ نخواهد داد. در خصوص ۱۰ سال ۴۳۴ مورد از ازدواج درصد بسیار پایینی از ازدواج‌های کل کشور را دربر می‌گیرد، در ۳۴۰ مورد بیش از ۵ سال از عقد تا ازدواج طول کشیده، یعنی در زمان ازدواج کودک از ۱۵ سال بزرگتر شده است. فقط ۹۴ مورد وجود دارد که بیشتر در سیستان و بلوچستان یا بعضی از شهرهای خراسان است. لزوماً هر عقدی ثبت شود بلافاصله منجر به ازدواج نمی‌شود. به هر حال شرایط فرهنگی هر منطقه هم خاص خود هست، ضمن اینکه در ماده‌ی اصلاحیه‌ی قانون مدنی سن ازدواج را به ۱۳ سال برای دختر و به ۱۵ سال برای پسر کاهش دادند. اما اگر زیر این سن دختری قصد ازدواج داشته باشد، قطعاً باید از دادگاه رأی رشد بگیرد و کار غیرقانونی انجام نشده است. آمار می‌گوید ازدواج‌های زیر ۱۵ سال درصد بسیار ناچیزی است و آن هم در مناطق خاصی از کشور، و عمومیت ندارد. این را به عنوان یک حق، البته ضایع شدن حق یک نفر هم مهم است و باید پیگیر باشیم، ولی نباید آن را بزرگ کنیم و خودمان هم باورمان شود. البته اطلاع دقیقی از سازوکار ندارم، اما بین عقد و ازدواج یعنی در زمان واقعه‌ی ازدواج و بعد تحولاتی در شناسنامه‌ی افراد صورت می‌گیرد، این را ثبت احوال در جریان قرار می‌گیرد. مثلاً بچه دار می‌شوند. اگر زوجی بیش از ۵ سال از زمان ازدواج تا بچه دار شدن گذشته باشد، سازمان موظف به تحقیق است، چراکه این شک وجود دارد که بچه متعلق به آنها است یا خیر.

آقای سید مقتدا حسینی / سردفتر ازدواج و طلاق

در تکمیل صحبت خانم احمدی لازم به ذکر است برخی از عقده‌های شرعی که مطابق با فرهنگ منطقه‌ای واقع می‌شوند، ثبت نمی‌شود. بعد گاهی با اختلاف مواجه می‌شود، و برای ثبت آن به محکمه مراجعه می‌کنند و محکمه اجازه‌ی ازدواج می‌دهد،

از زمانی که عقد خوانده شده و بعد از مراجعه به محکمه و فاصله‌ی عقد تا محکمه حکم برای ثبتش صادر کند، این فاصله را می‌تواند ایجاد کند و آمار خانم احمدی اینگونه قابل تشخیص است.

خانم مظفریان

در سفرنامه‌های متعدد منجمله سفرنامه‌ی پولاک، در تاریخ محمدی، در خاطرات اعتمادالسلطنه، در وقایع‌اتفاقیه و در تاریخ‌نگاری‌های بیشماری در مورد ازدواج، چه پسرها چه دخترها در سنین کودکی داریم. ثبت احوال در هر سال آماری را تحت عنوان سالنامه‌ی آماری کشوری ارائه می‌دهد. گاهاً مواردی ثبت نمی‌شود و بعدها در محضرها به صورت رسمی ثبت می‌شود. اما در مواردی عقد ثبت می‌شود ولی مشخص نیست آیا ازدواجی صورت گرفته یا نه، و فرض بر ازدواج می‌گذاریم. همانطور ثبت احوال هم در بالای جداول می‌نویسد، تعداد ازدواج‌های ثبت شده یا طلاق‌های ثبت شده در مورد دختران در سال ۹۰ کمتر از ۱۰ سال ۲۲۰ مورد ازدواج داشتیم. بین ۱۰ تا ۱۴ سال ۳۹۶۰۹ مورد؛ بین ۱۵ تا ۱۹ سال ۴۸۱۷۰۴۷ مورد که این مربوط به دختران در سال ۹۰ بوده است. در سال ۹۱، ۱۸۷ مورد ازدواج کمتر از ۱۰ سال ثبت شده است. ۱۰ تا ۱۴ سال ۴۰۴۶۴ مورد، ۱۵ الی ۱۹ سال ۲۰۰۰۶۵۱ مورد و در مورد پسرها ثبت احوال به کمتر از ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۹ سال تقسیم‌بندی کرده، در سال ۹۱، ۳۵۹ مورد کمتر از ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۹ سال ۴۳۵۴۹ مورد ازدواج و در سال ۹۰ هم ۷۴۲ مورد کمتر از ۱۵ سال و ۴۰۷۴۳ مورد ۱۵ تا ۱۹ سال که این آمار رسمی ثبت احوال هست. این نوع ازدواج چرخه‌ای ایجاد می‌کند که ازدواج ابتدای آن است و برای کودکان در سنین کودکی ممکن است به کودک بیوه‌گی، کودک سرپرستی، کودک والد و بعد به کودکان مطلقه ختم شود. بر اساس گزارشهای سازمان آمار در سال ۹۰، در مجموع ۲۲۷۲۳ مورد ازدواج دخترهای ۱۰ تا ۱۴ سال ثبت شده است. در سرشماری ۷۸۹ مورد به دلیل فوت همسر، بی‌همسر شده بودند و ۶۹۳ مورد دختران مطلقه سال ۹۰ هستند. همچنین در مورد پسرهای ۱۰ تا ۱۴ سال نزدیک به ۸۱۱۳ مورد ازدواج صورت گرفته و به دلیل فوت همسر ۳۶۸ مورد بدون همسر شدند و ۴۶۰ مورد هم طلاق در مورد پسران گزارش شده است. باز در آمار دیگری از ثبت احوال تعداد طلاق‌های ثبت شده بر حسب سن زوجه، در سال ۹۰ کمتر از ۱۰ سال فقط یک

مورد در استان همدان بوده‌است. ۱۰ تا ۱۴ سال در سال ۹۱، ۱۰۷۷ مورد و ۱۷۷۲۰ مورد ۱۵ تا ۱۹ سال دختران مطلقه شدند. همچنین در سال ۹۱ تعداد مطلقین پسر کمتر از ۱۵ سال ۱۵ مورد و تعداد مطلقین پسر ۱۹ تا ۱۵ سال چند مورد؟ در مسائل اجتماعی میزان شیوع خیلی مهم است. بیشتر این آمار در مورد دختران کمتر از ۱۰ سال در سال ۹۱ در برخی استان‌هایی منجمه سیستان و بلوچستان ۳۶ مورد، خوزستان ۳۵ مورد، زنجان ۱۵ مورد، فارس ۱۲ مورد. ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ سال، خراسان رضوی ۷۳۵۰ مورد، آذربایجان شرقی ۳۹۲۰ مورد، خوزستان ۲۲۴۳ مورد، فارس، همدان، تهران، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان به ترتیب بیشترین مورد را داشتند. ازدواج پسران کمتر از ۱۵ سال، سیستان و بلوچستان ۵۵ مورد، خوزستان ۴۱ مورد، آذربایجان غربی ۳۱ مورد. در مورد طلاق هم در مورد دختران ۱۰ تا ۱۴ سال خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، تهران، مازندران، خوزستان، فارس، همدان، اردبیل و در مورد پسران کمتر از ۱۵ سال، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، مازندران، آذربایجان شرقی، تهران و خراسان با موارد خیلی محدود، حداکثر ۵ مورد جزو بیشترین استان‌هایی بودند که طلاق پسران در آن‌ها صورت گرفته و وقتی این استان‌ها را بررسی می‌کنیم و به مقوله‌ی بارداری مادران هم می‌رسیم، در استان‌هایی که بیشترین ازدواج کودکان در آن‌ها صورت می‌گیرد، بیشترین بارداری مادران و بیشترین مرگ‌ومیر مادران را شاهد هستیم.

خانم گودرزی

دفتر تخصصی برنامه‌ریزی ازدواج تعالی خانواده وزارت ورزش

در کشورمان از نظر سنی، برای کودک، نوجوان و جوان تعریف واحدی نداریم. در همین نشست چند عدد سنی منجمه ۱۳ سال، ۱۵ سال و ۱۸ سال برای سن پایین ذکر شد. در وزارت ورزش و جوانان تعریف ۱۵ تا ۲۹ سال برای جوانان داریم، یعنی ۱۵ الی ۱۹ را نوجوان می‌دانیم و ۱۹ تا ۲۹ سال را جوان می‌گوییم، ولی در قانون ۱۳ سال را برای سن ازدواج ثبت کردیم. به نظرم مراجع قانونی در این زمینه بهتر است به یک تعریف واحد برسند، چراکه در برنامه‌ریزی‌های کشوری اثرگذار است و برنامه‌های فرهنگی اجتماعی بر خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد و خانواده‌ها این جریان را شکل می‌دهند، نه دولت و تصمیمات قانونی. نکته‌ی دیگر این که به این موضوع باید

نگاه روانشناسانه و هم جامعه‌شناسانه داشته باشیم. نگاه روان‌شناسانه، فرد را مدنظر دارد و اینکه این فرد چقدر آسیب دیده است. نگاه جامعه‌شناسانه می‌تواند این باشد چه بخشی از جامعه‌ی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در کدام استان‌ها برنامه‌ریزی کنیم. به عنوان مثال استان سیستان و بلوچستان با تهران خیلی تفاوت دارند، چراکه قشر جمعیتی و مذهبی‌شان متفاوت هست. این نگاه‌های متفاوت مذهبی بر روند ازدواج تأثیرگذار است و شاید هم آسیب‌های آن‌ها کمتر باشد یا حتی شکل ژنتیکی‌شان هم احتمالاً متفاوت باشد. نکته سوم اینکه ازدواج زود هنگام از قدیم در ایران وجود داشته و حتی ممکن است امروز کمتر شده باشد. بهتر است پژوهش‌های موردی دو گروه آسیب دیده و کسانی که زندگی معمولی داشتند انجام شود تا نکات مثبت و نکات منفی را استخراج کنیم تا بتوانیم به یک نتیجه‌ی واحد برسیم. چند نکته‌ی آماری هم از سایت ثبت احوال جالب بود و ما در آمار با آنها کار می‌کنیم، بعنوان مثال بیشترین ترکیب ازدواج ثبت شده در سال‌های ۹۰، ۹۱، ۹۲ بین گروه سنی مردان ۲۰ تا ۲۴ ساله و زنان ۱۵ تا ۱۹ ساله بوده، که این ترکیب خیلی قابل تامل هست، چرا که بیشترین تعداد ترکیب سنی ازدواج به این شکل بوده است. موضوع دیگر براساس آمار ثبت احوال، بیشترین ازدواج ثبت شده بر حساب اختلاف سن زوج به زوجه صفر بوده است یا به عبارتی اختلاف سنی نداشتند. در نگاه‌های ما به ازدواج کودکان می‌تواند مؤثر باشد. یکی اینکه فرد ۱۵ تا ۱۹ ساله و ۲۰ تا ۲۴ ساله بیشترین ازدواج را داشتند، اختلاف سنی زیادی ندارند. پس آن آسیب‌هایی ناشی از اختلاف سنی تعداد کمتری را در مورد موضوع شامل می‌شود.

آقای دکتر ویسی

بیشتر نگاه به این قضیه کمیتی است. نگاه کمیتی لازم است اما کافی نیست و نگاه کیفیتی هم باید باشد. یک خلطی در رابطه با عنوان انتخاب شده وجود دارد. بحث ازدواج اجباری از یک سو و ازدواج زود هنگام، آیا قابل جمع هستند؟ اصولاً ازدواج اجباری بار منفی دارد ولی آیا همان بار منفی را می‌توانیم برای ازدواج زود هنگام لحاظ کنیم؟ نگاه و رویکرد را می‌خواهم کیفیتی کنم و در آن سمت و سو این مطلب را ارائه کنم. ریسک ازدواج‌های زود هنگام و منجر به طلاق بسیار پایین‌تر از ازدواج‌های دیرهنگامی است در حال حاضر شاهد هستیم. استان کردستان رتبه سومین استان از

لحاظ آمار طلاق را دارد و این فاجعه است. در میان کردها چیزی به نام طلاق اصلاً وجود نداشته، و می‌گفتند دختر با لباس سفید می‌رود با لباس سفید هم باید بیرون برود. این سال‌ها را رصد کردیم، اما طلاق‌هایی امروزی عموماً در رابطه با ازدواج‌هایی دیرهنگام است. خانم ۲۸ سال، آقا ۳۰ سال، تفاوت سنی هم هست، این بیشتر منجر به طلاق‌های زودهنگام می‌شود. موازی با بحث ازدواج زودهنگام، در حال حاضر طلاق زودهنگام هم داریم. طلاق‌های زودهنگام ناشی از چیست؟ عموماً پیامدهای منفی را نگاه می‌کنیم، آیا ازدواج‌های زودهنگام واقعاً پیامد مثبت ندارد؟ باید بررسی شود آیا فقط ازدواج‌ها را از لحاظ پیامدهای منفی مورد بررسی قرار می‌دهیم. نکته‌ی دیگر بحث بلوغ عقلی و بلوغ جسمی است. عموماً این سن‌هایی که برای بلوغ گفتند متفاوت است. در مناطق گرمسیر از لحاظ جسمی بلوغ خیلی زود اتفاق می‌افتد. در مناطق سردسیر بلوغ جسمی دیر اتفاق می‌افتد و لذا خود را ملزم به سن واحد نکنیم. یک واقع‌گرایی ضرورت دارد یک بلوغ. یک بلوغ عقلی نسبی اتفاق بیافتد برای شروع لازم است، اگرچه کافی نیست، بقیه‌ی این بلوغ در طول زندگی مشترک اتفاق می‌افتد. این کمال‌گرایی به نظر آفتی شده و باید بر کمال‌گرایی غالب شویم. باید واقع‌گرا باشیم تا بتوانیم یک راه‌کارهایی در این راستا داشته باشیم.

دکتر پناغی

در مورد آمار باید گفت، اگرچه بررسی دقیق و تحلیل وضعیت هر پدیده‌ای مستلزم آمار صحیح است. حتی اگر این در جامعه‌ی ما پدیده شیوع یا فراوانی کمی داشته باشد، به دو دلیل مهم است، اول اینکه این پدیده می‌تواند عوارض زیادی داشته باشد. دوم به دلیل اینکه باید هوشیار باشیم. برای مثال اگر سیاست ما افزایش جمعیت است، اینگونه تعریف نشود که افراد در ۱۵ سالگی ازدواج کنند و بچه‌دار شوند یا تشویقی برای بچه‌های زیر ۱۸ سال برای حاملگی نباشد وگرنه همان بحث حاملگی پرخطر برای افراد بالای ۳۵ سال هم هست، یعنی می‌توانید اشاره کنید سن حاملگی از این سن تا این سن است. باید مسئله را در سطح جامعه ببینیم. اگر حاملگی زیر ۱۸ سال پرخطر است دیگر در هیچ جای دنیا در مورد آن بحثی نمی‌شود، و امری مبرهن است. شاید شیوع این مسئله مسئله داغ روز نباشد ولی باید وقتی یک سیاستی در جامعه تأکید می‌شود دقت کنیم.

خانم روح افزا

شورای عالی انقلاب فرهنگی

بنده تحصیلاتم را در کشور انگلستان کردم. سؤال همیشه مطرح بود چرا به کودکان ۹ تا ۱۱ سال به اجبار در مدارس مباحث جنسی تدریس شود. یکی از دلایل آن جلوگیری از بیماری ایدز و پیامدهای آن بود. با دانشگاه وارویک انگلستان وارد بحث شدم و این بحث را تبدیل به مقاله علمی شد. این سؤال طرح شد که آیا علت فقط جهت پیشگیری است؟ پاسخ اینگونه بود که وقتی بلوغ جنسی شکل می‌گیرد، اگر به هنگام پاسخ این بلوغ را ندید مثل این است که فرزند در سن چهارده سالگی به کلسیم نیاز دارد، و در هجده سالگی کلسیم بدهیم، دیگر نتایج مطلوب را ندارد. از عواقب سوء عدم پاسخ به بلوغ جنسی، عدم اعتماد به نفس، پایین آوردن بحث سطح خلاقیت افراد، پایین آوردن بحث هویت فردی است و بحث‌های روانشناسی بسیار زیادی دارد. بحث ازدواج نیست بلکه ارتباط است. اگر قصد داریم مانع ازدواج شویم، باید بررسی شود که پیامدهای آن مطلوب است یا خیر. بر اثر وقوع بلوغ، پسر در ۱۳ سالگی پدر شد. اگر دختر باشد منجر به سقط می‌شود. آمار سقط زیر ۱۸ سال در کشورهای اروپایی آمریکایی بالاست، ۸۰۰ برابر سرطان‌های زنانگی افزایش پیدا می‌کند. اما از این طرف چه تعریفی برای سن ازدواج داریم چرا ۱۸ سال را عنوان می‌کنیم. واقعاً با انجام یک کار آماری در کشور بررسی شود در کشور آیا سن ازدواج ۱۸ است، مناطق را در نظر بگیریم. در فضای وایبر، وی‌چت و سایر برنامه‌های ارتباطی کودکان دسترسی راحت‌تری به برخی صحنه‌ها و اطلاعات دارند و دچار بحران جنسی می‌شوند. بنا داریم بر روی این نوع ارتباطات و نحوه دریافت اطلاعات اقدامات علمی انجام بدهیم. کار علمی فقط به معنای تمرکز بر یک قسمت نیست. بالا رفتن سن ازدواج نیز بحران محسوب می‌شود. بر اساس آمار سازمان ملل سال ۲۰۰۷، اکثریت ۷۰ درصدی مردم آمریکا عمده‌ی عمر خود را ازدواج نکرده‌اند، برای اینکه این افراد قبل از سن ازدواج وارد مسائل جنسی می‌شوند، همه بچه دارند. آمار سازمان ملل، ۲۰ میلیون فرزند در دنیا هستند که پدران خود را در فیس‌بوک، در توئیتر شناسایی می‌کنند. این مسائل روز دنیا است، چرا بر روی اتفاقات روز دنیا کار علمی نمی‌کنیم؟ در یکی از آنها در ایالت تگزاس ۱۸ نفر را کشت، وی شب قبل از واقعه در فضای مجازی اعلام کرده بود فردا از جامعه‌ای که پدر را به من نمی‌شناساند انتقام می‌گیرم، ۵ نفر

را کشته بود و نهایتاً خودکشی کرده بود. ۵۰ نفر دیگر به علت عدم اطلاع از هویت خانوادگی در اینترنت به صورت آنلاین خودکشی کردند. دختری در سن ۱۳ سالگی با فردی که نمی‌شناخت ارتباط برقرار کرد و باردار شد و نمی‌خواست فرزندش را از دست بدهد. نیاز جنسی جوانان را در نظر داریم، در شرایط سنی هستیم که اینگونه نیازها را به شدت جوانان نداریم، آن وقت برای این افراد در جامعه تصمیم می‌گیریم. در جامعه امروز برای ازدواج باید علاوه بر طی مدارج عالیه تحصیلی، از لحاظ اقتصادی نیز شرایط قابل قبولی را فراهم کرد، جوانان با سرخوردگی سراغ ازدواج می‌رود. برای ارائه تعریف جامع و مانع باید همه جانبه نگری داشته باشیم. ممکن است یک دختر ۱۵ ساله از لحاظ جسمی کامل نشده و در صورت زایمان دچار مشکل شود، یک آمار صحیح بین‌المللی است که باید بپذیریم و برای آن قانون تهیه کنیم. ولی نباید بدون تحقیق و بررسی مانع شویم و پیامدهای دیگری بر جامعه مترتب شویم.

خانم خالوندی

وزارت امور خارجه

خانم دکتر غدیری به اسنادی اشاره کردند که حق دستیابی به ازدواج در آن ذکر شده است، می‌توانیم سند میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و کنوانسیون تکمیلی در خصوص منع برده‌داری را هم اضافه کنیم. علاوه بر آن در دسامبر ۲۰۱۳ قطعنامه‌ای در موضوع ازدواج زودهنگام از سوی مجمع عمومی تصویب شد و اخیراً پیشنویس قطعنامه از سوی تعدادی از کشورها با همین عنوان پیشنهاد شده و وزارت امور خارجه نظرات خود را در مورد این قطعنامه اعلام کرد. علاوه بر آن نشست بیست و ششم شورای حقوق بشر یک روز کامل را به برگزاری پنل در این موضوع اختصاص داد.

همچنین گزارش اخیر احمد شهید گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل در دو بند به موضوع ازدواج اجباری و ازدواج زودهنگام پرداخته است. در خصوص ازدواج کودکان در گزارش‌های واصله به بکارگیری رهبران مذهبی به عنوان یک استراتژی به منظور جلوگیری و حذف پدیده‌ی ازدواج کودکان، ازدواج زودهنگام و ازدواج اجباری اشاره شده و برگزاری این نشست از نظر بین‌المللی یک پدیده‌ی قابل توجهی است و شایستگی انتشار دارد.

خانم فرهمندپور

وزارت کشور

به عنوان مشاور وزیر کشور در زمینه زنان و امور خانواده به خاطر توجهی که به زنان و دختران به ویژه در مناطقی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند، تشکر می‌کنم. نکته‌ی اول این است خانم دکتر غدیری در گزارشی تأکید کردند آمار خیلی زیاد نیست و وقتی گفته می‌شود این تعداد، لطفاً نسبت این تعداد را با حجم کلی ازدواج‌ها و طلاق‌ها بسنجیم. چراکه وقتی عدد اعلام کنیم به ویژه کسانی که با آمار و اطلاعات دقیق مرتبط نیستند فکر می‌کنند خیلی زیاد است. البته خانم دکتر تأکید کردند آمار زیاد نیست اما به دو دلیل محل تأکید است. دلیل اول به عوارض و پیامدهایی این ازدواج‌ها اشاره کردند اما داده‌ها اساساً مرتبط با واقعیت جامعه‌ی ما نبود. اینکه مثلاً نرخ ابتلا به ایدز در دختران آفریقایی که ازدواج زودهنگام دارند بالاست، بنده را به عنوان متولی حوزه زنان در وزارت کشور جمهوری اسلامی قانع نمی‌کند. به عنوان یک محقق و پژوهشگر حوزه زنان، گمان می‌کنم قبل از برگزاری این جلسه باید پژوهش‌ها را در فضای عینی جامعه خود انجام بدهیم، آیا در اینجا هم وجود دارد؟ نه ابراز رضایت مادر بزرگوار دکتر ویسی می‌تواند قابل تمسک باشد نه فوت سر زایمان خاله خانم دکتر، بالاخره یک جمع علمی هستیم. ما نمی‌توانیم آمار را از آفریقا بگوییم و اینجا برای له یا علیه آن به مورد شخصی خانواده استناد کنیم. به نظر یک مرکز علمی، حقوقی و قضائی باید متولی پژوهش در این موضوعات در جامعه شود. آیا این موارد که عموماً به سایر کشورها استناد شد در جامعه ما هم اینطور است؟ آیا واقعاً مسئله جای نگرانی دارد؟ هیچ کدام را تأیید نمی‌کنم صحبت از احتمالات است. اگر قرار است نگران شویم باید علمی نگران شویم و اگر هم بخواهیم نگران نشویم باید علمی نگران نشویم. جمع کردن ما اینجا و نگران شدنمان براساس پژوهش‌هایی مرتبط با یک فضای جمعیتی، انسانی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی دیگر، قابل پذیرش نیست. خانم دکتر در مورد بحث دیگری هم ابراز دغدغه کردند بحث سیاست‌های جمعیتی است، در این موضوع اطمینان می‌دهم جای نگرانی نیست. علت این است آنقدر متوسط سن باروری زنان در جامعه ما بالاست، هرچقدر هم برای افزایش جمعیت و پایین آمدن سن باروری تبلیغ بکنیم این متوسط سن به زودی پایین نمی‌آید. نکته‌ی دیگر نسبت به چه چیزی نگران هستیم؟ نسبت به ازدواج‌های

سن پایین یا نسبت به پیامدهای آن. به نظرم باید نسبت به پیامدها نگران باشیم. نفس ازدواج در سن ۱۵ سالگی یا سنین پایین‌تر به خودی خود بد نیست. اشاره فرمودند خانم دکتر روح افزا بالاخره یک طبیعتی وجود دارد، یک بلوغ جنسی وجود دارد باید پاسخی به آن داده شود.

ما نسبت به ازدواج زودهنگام نگران نیستیم، نسبت به پیامدهای آن نگرانیم. انتظار می‌رود پژوهشی این پیامدها را نشان بدهد مثل فقدان آگاهی در تربیت فرزند، فقدان قابلیت تغذیه مناسب، پایین بودن بهداشت، به خطر افتادن سلامت جنسی مادر و مواردی از این قبیل بررسی شود. فراوانی این پیامدها آیا در ازدواج‌های زودهنگام در همان منطقه‌ی سیستان و بلوچستان یا کردستان، یا خراسان شمالی است؟ در این جمع شاید به خاطر نوع کار از مسائل استان‌های محروم بیش از همه اطلاعات دارم، بررسی شود آیا مسئله‌ی آن پیامدها مثل بهداشت، مرگ و میر و غیره، آیدر همان مناطق محروم این پیامدها فراوانی در ازدواج‌های زیر ۱۵ سال با بالای ۱۵ سال تفاوت معناداری دارد یا ندارد؟ آنچه مادر زیر ۱۵ سال را دچار بیماری می‌کند زیر ۱۵ سال بودن است یا ناآگاهی وی؟ ناآگاهی در آن مناطق احتمالاً در مادر ۳۰ ساله هم وجود دارد. یا عدم امکانات مالی برای مادر بالای ۴۰ سال هم می‌تواند وجود داشته باشد. مشکل فقر، تغذیه، فقر غذایی، فقر عناصر ضروری برای سلامت یک زن زیر ۱۵ سال فراوان‌تر است یا بالای ۳۰ سال؟ احتمال می‌دهم خیلی تفاوت معناداری ندارد. بنابراین طی جلسه در مورد پیامدها صحبت کنیم و رفع آن پیامدها و مواجهه با آن پیامدها. ضمن تأکید نکته‌ی آقای دکتر ویسی، ازدواج اجباری را با ازدواج زودهنگام ولو اینکه تبیین شده منوجه هستند آن را در نظر بگیریم اهمیت طرح کدام یک ضروری‌تر است. ازدواج تحمیلی حتی برای یک خانم ۵۰ ساله، برای یک بیوه‌ی ۴۰ ساله، برای یک مطلقه‌ی ۴۵ ساله هم اهمیت دارد. می‌خواستم به نکات خانم دکتر روح‌افزا اشاره بکنم، در همان کشورها هم آن نکته وجود دارد. و نکته آخر یک جمله، احساس بنده این است دوستانی اینجا نشسته‌اند که موضوع در سیستان و بلوچستان را با تعریف در تهران تحلیل می‌کنند. ما نمیتوانیم جای، دختر عشایری نظر بدهیم، از نزدیک چند نفر از دوستان دختر عشایری و بلوغ دختر ۱۴ ساله‌ی عشایری را دیدند. چند نفر از ما واقعاً بلوغ دختران خراسانی و خوزستانی را دیدیم. خواهشمندم به جای تحریک عواطف واقعاً کار علمی انجام بدهیم. به نظر داده‌های علمی ارائه شده در این

جلسه برای نتیجه گیری و تحلیل بسیار محدودیت دارد.

دکتر پناغی

اتفاقاً هدف ارائه داده‌های علمی است و تمام موارد مذکور، همه مدارک و شواهد دارد. در ایران متأسفانه در این مورد خیلی کم تحقیقات داریم ولی بعضی از مسائل چیزهایی هستند در دنیا ثابت شده‌اند. در هند انجام شده، در کانادا انجام شده، در کنیا انجام شده، در زامبیا انجام شده است. وقتی خانم‌ها قبل از سن ۱۸ سالگی، باردار می‌شوند دچار عوارض زیاد می‌شوند. ممکن است این ازدواج نوجوانان باشد، امروزه مشکل اساسی کشورهای غربی است یعنی بحث مادرانی که خودشان کودک محسوب می‌شوند. اگر مادری قبل از سن ۱۸ سال باردار شود چه اتفاقی ممکن است بیافتد؟ شواهد علمی را بررسی می‌کنیم، به گونه‌ای نیست که بگوییم در ایران اینطور نیست بخصوص در مورد عوارض بارداری. در مورد ایدز یا سرطان گردن رحم میزان شیوع در ایران هنوز پایین است ولی جزو عوارض است که باید در موردش صحبت شود. نکته‌ی بعدی در مورد سیاست‌های جمعیتی است، علت هم دارد چرا متوسط سن باروری به این راحتی پایین نخواهد آمد؟ علت این است که بحث فقط بحث تنظیم خانواده نبوده بلکه تغییر در ساختارهای اجتماعی اقتصادی منجر به کاهش جمعیت شده‌است. صحبت این است که تبلیغات با دقت انجام شود و نباید مادر ۱۶ ساله را تبلیغ کنیم.

خانم داوودی

معاونت اداره کل دادگستری استان تهران

نکته سرکار خانم احمدی از ثبت احوال را باید تصحیح کنیم که هم زمان قبل از انقلاب و هم در حال حاضر ازدواج‌های زیر سن قانونی را ثبت می‌کنیم و به خاطر همان شرایط خانوادگی یا قومی یا تفکراتی که خانواده‌ها دارند، برای دخترها صیغه‌ی عقد جاری می‌کنند و چون منع قانونی برای ثبت داشتند چند سال طول می‌کشد و سپس ثبت می‌کنند. آمار ثبت احوال مربوط به موقع ثبت است. این را می‌شود گفت چند سال طول کشیده ولی معلوم نیست از آن زمانی که صیغه عقد جاری شده تا آن موقعی که ثبت شده زناشویی واقعی هم اتفاق نیفتاده باشد. بعد از ثبت دیگر تحقیقی صورت نمی‌گیرد. زمانی که ثبت کردند زناشویی هم واقع شد، ممکن است خانواده‌ها

یا زن و شوهر نخواند بلافاصله بچه‌دار بشوند. سن بچه‌ها و تولد بچه‌ها و شناسنامه بچه‌ها هم تأثیری ندارد. در حال حاضر در روند فعلی جامعه ما، وضعیت جامعه، نگرش خانواده‌ها تغییر کرده، ازدواج‌های زودهنگام خیلی کم است. فرض کنیم، از آنجایی که قانون مشکل ازدواج را حل کرده، و سن ازدواج دختر و پسر و راه‌کار هم برای آن گذاشته، در مواقعی هم ضرورت دارد و فکر می‌کنیم حاکم یا دادگاه تشخیص می‌دهد به مصلحت است با بررسی‌ها و اینکه آن فرد به بلوغ جسمی و رشد فکری رسیده اجازه ازدواج می‌دهد. دختر خانمی زیر سن ۱۸ سال ازدواج می‌کند ولی اهلیت استیفا ندارد. نمیتواند دادخواست برای حقوق مالی بدهد چرا که زیر سن ۱۸ سال هست. قانون مدنی می‌گوید هر کسی فقط با اهلیت قانونی می‌تواند دادخواست بدهد. قانون رشد متعاملین هم همین را می‌گوید. بنابراین این یک مشکل و یک بن‌بست است. قانون حمایت خانواده جدید اشعار دارد کودکان زیر ۱۵ سال نباید به دادگاه خانواده مراجعه کنند. حالا دختر ۱۴ سال ازدواج کرده باید به دادگاه خانواده مراجعه کند. راهکار این را پیدا بکنیم، یعنی این مشکلات قانونی را حل بکنیم. جایی دخترخانمی دیگر از ازدواج به ستوه آمده و مهریه‌اش را می‌بخشد و طلاق می‌گیرد، پدرش شیر بها گرفته و دیگر حاضر نیست مهر را ببخشد، می‌گوید باید زندگی کنی، از مهرت نباید بگذری. این مشکلات را باید حل بکنیم. دخترخانمی زیر ۱۵ سال و صاحب بچه شده نمی‌تواند دادخواست نفقه برای طفلش بدهد. از این جهت هم خواهش می‌کنم بررسی بفرمایید.

خانم دکتر معارف‌وند

پژوهشگر

خانم دکتر پناغی چندبار فرمودند ما در ایران پژوهش نداریم. پژوهش به طور اختصاصی در مورد ازدواج زودهنگام و اجباری نداریم. اما اگر زوایای دیگر را جستجو بکنیم موارد دیگری را پیدا می‌کنیم، مثلاً دو مورد پژوهش ملی در مورد خشونت علیه زنان داریم و هر دو پژوهش تأکید می‌کنند که زوجهایی که در سنین پایین ازدواج کردند بیشتر خشونت می‌بینند. این یک واقعیت است به هر حال بارها و بارها هم در پژوهش‌های استانی و هم ملی تأکید شده است. نکته‌ی دیگر اینکه زنانی که سواد کمی دارند بیشتر خشونت می‌بینند. همچنین پژوهش‌های متعددی در مورد مخاطرات بارداری داریم. در مورد مرگ زنان باردار مثلاً در هرمزگان، سیستان و

بلوچستان در آذربایجان گزارش شده زانی که کم سواد هستند بیشتر احتمال دارد مشکلات ناشی از بارداری باعث مرگشان شود. خواهشم این است یک مسئله‌ای که جنبه‌های اجتماعی دارد مثل یک معادله ریاضی نبینیم. یک پدیده‌ی اجتماعی فقط یک دلیل ساده در پس آن نیست، چندین دلیل دارند و بعضی وقت‌ها زنجیره‌ای بر این وضعیت تأثیر می‌گذارد. به هر حال یک سری واقعیت‌هایی هم وجود دارد. یک نکته‌ی دیگر در مورد اینکه ازدواج زود هنگام حتی ثبت شده، عقد ثبت شده، ازدواج مثلاً ۱۰ سال بعد اتفاق افتاده‌است، می‌دانیم زوج از زوجه انتظار جنسی دارد و در همین فاصله، چه طوری می‌توانیم اثبات کنیم این انتظار جنسی وجود ندارد؟ به همین خاطر فکر می‌کنم اینها موارد مهمی هستند که نباید ناچیز بشمریم. حتی اگر ۱۰ مورد در ایران باشد باید به آن توجه کرد. حتی اگر شیوع پایین باشد. اینکه شیوع اش بالاست یا نه، حق یک انسان تضييع می‌شود. یک نکته‌ی دیگر در وهله‌ی اول در مورد حق انسان‌ها با هم دیگر حرف می‌زنیم، حق کودکان، کودکی زود هنگام و اجباری ازدواج می‌کند. یک حقی ضایع می‌شود، چرا در مورد این مسئله صحبتی نشد؟ اینکه اتفاق افتاد و بارداری هم به سلامت عبور می‌کند، این حق حائز اهمیت است. یک نکته‌ی دیگر، یک ازدواجی ظاهراً بین اهل سنت رواج پیدا کرده و مورد استقبال اهل سنت است، ازدواج مسیاری خیلی شرایط را دشوار می‌کند. در این ازدواج زن ادعا می‌کند نفقه نمی‌خواهم، یعنی ازدواج شامل این شروط است که به زن نفقه داده نمی‌شود، بعد رابطه‌ی جنسی را هم نمی‌تواند مطالبه کند. در قبال آن تنها چیزی که به زن داده می‌شود این است که مرد حق مدیریت بر خانواده را ندارد. به این نکته اشاره کنم یک سری دغدغه‌هایی را در خرده فرهنگ‌ها، اقلیت‌های مذهبی داریم که در واقع مذهب شیعه باعث می‌شود یک مقدار ازدواج زود هنگام مخاطره آمیزتر شود. در واقع این ازدواج را نه تأیید می‌کنم نه رد می‌کنم. صرفاً قصد اشاره به یک سری دغدغه‌های موجود است.

دکتر ویسی

بنده مقاله‌ای در رابطه با ازدواج مسیاری نگاشته‌ام که از نگاه اهل سنت قضیه‌ی مسیاری را تبیین کردم. اینگونه نیست که خانم از حقوق خود صرف‌نظر کند، و بگوید انتظار جنسی ندارم.

تماماً با ادله‌ی متقن بوده و در میان اهل سنت شایع هم نیست بلکه به صورت

موردی تجویز شده است برای کسانی که سفرهای ترانزیت دارند، گاه‌آممکن است ۳ ماه، تا ۶ ماه آنجا بمانند، آیا دچار فساد جنسی بشوند بهتر است یا یک ازدواج شرعی اتفاق بیفتد؟ دقت کنید توافقی بین زن و مرد صورت می‌گیرد. این زن می‌خواهد سایه یک مرد روی سرش باشد و به صورت توافقی و تراضی از یک سری حقوق خود چشم‌پوشی می‌کند.

نیاز مادی ندارد و این خانم حقوق دارد و در عین حال پرداخت نفقه او واجب است و بر ذمه‌ی مرد است که باید به زن پرداخت کند و زن با رضایت کامل از این می‌گذرد. در عین حال این ازدواج به نیت طلاق نیست، چراکه اگر نکاح به نیت طلاق باشد، در فقه اهل سنت باطل است و نمی‌توان با نیت طلاق، ازدواج کرد. بسیار یک ازدواج است که تمام شرایط عقد دائم را دارد، اگر قرار است کار علمی انجام شود بر مبنای اطلاعات صحیح و درست صورت بگیرد.

ازدواج بسیار یک ازدواج کامل با شرایط عقد دائم است منتهی خانم از یک سری حقوق خود می‌گذرد و این مورد تراضی طرفین است. تعبیر بسیار یک صیغه مبالغه است بر وزن مفعال یعنی کسی که کثیر السفر است و زیاد مسافرت می‌کند نمی‌توانیم نیاز جنسی وی را منع کنیم.

اولاً تشویقی به این نکاح نیست و از باب اضطرار است و برای کسانی که این وضعیت خاص را دارند و کثیرالسفر هستند به نقاط مختلف دنیا از باب ترانزیت و تجارت تجویز شده و در عین حال آن شرایط ضمن عقد اختیاری است و اجباری نیست. بعضاً شرایط خانم در یک برگه از دفترچه عقد تحت عنوان شرایط ضمن عقد درج می‌شود و مادامی که شرایط غیرشرعی نباشد قابل ثبت است.

خانم خاکی

فردی که اهلیت استیفا در ازدواج ندارد، دچار مخاطراتی می‌شود. ازدواج تکالیفی است که بر زوج یا زوجه بار می‌شود. به لحاظ تجربه‌ی کوچکی که در کانون اصلاح و تربیت دارم در این هفت هشت سالی که با اطفال در ارتباط بودم، دختران متعددی به اتهام زنا‌ی محصنه به کانون ارجاع شدند، پسران متعددی به لحاظ عجز در پرداخت مهریه در کانون هستند و متأسفانه یک مورد در تهران سال‌ها به دلیل قتل همسرش در کانون بود.

خانم جعفری

معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

مطالب ارائه شده ارتباط وثیقی با موضوع نشست نداشت. به عبارت دیگر انتظار می‌رفت تبیین شود ازدواج کودک یا یک فرد زیر ۱۸ سال الزاماً خشونت محسوب می‌شود یا خیر؟ یا بستری است که فرد را نسبت به اعمال خشونت در موقعیت آسیب‌پذیر قرار می‌دهد. بحث بعد، در تکمیل اسناد بین‌المللی لازم به ذکر است علاوه بر موارد ذکر شده، فکت‌شیت شماره ۲۳ دفتر کمیسر عالی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۳ تحت عنوان آیین‌های سنتی مضر که ازدواج زودهنگام و اجباری و پیامدهای آن را بطور مبسوط توضیح داده و همچنین نظریه تفسیری شماره ۱۸ کمیته حقوق کودک که در عین حال ملاحظات کلی شماره ۳۱ کمیته منع تبعیض علیه زنان هم محسوب می‌شود.

این نظریه تفسیری به خصوص در بند ۶ و ۲ به مقوله‌ی ازدواج زودهنگام و اجباری پرداخته و وجوه افتراق و اشتراک و همچنین یک سری راه‌کارهای عملیاتی ارائه داده که به نظر می‌تواند مفید باشد. علاوه بر مباحثی مطروحه یکی از نکات مهمی در این نظریه تفسیری به آن پرداخته شده، بحث بر این است ازدواج اجباری صرفاً در موقع انعقاد نکاح نیست، بلکه باید این موضوع را در استمرار زوجیت هم لحاظ بکنیم یعنی قوانینی که بعضاً حق انحلال نکاح را به زن نمی‌دهند، استمرار زوجیت صبغه‌ی اجباری پیدا می‌کند. نکته‌ی سومی اینکه طرق اثبات مصلحت کودک توسط دادگاه به چه صورتی هست؟

دکتر غدیری

در حال حاضر تمرکز ما بر روی اسناد بین‌المللی لازم‌الاجراست. صرفاً در اوایل بر اعلامیه جهانی حقوق بشر متمرکز شدیم چراکه سندی بنیادین در زمینه حقوق بشر محسوب می‌شود، اگرچه الزام آور نیست اما مفاد آن در اسناد دیگر تکرار شده است. کشورهای غربی نیز در مورد کودکانی که وارد رابطه جنسی می‌شوند با معضلات زیادی مواجه هستند.

سن ابتلا معمولاً ۱۶ سالگی است، پس از ۱۶ سالگی بدون هیچ مانعی می‌توانند تصمیم بگیرند. اینکه صرفاً تشکیل خانواده را موضوعی برای پاسخگویی به غریزه‌ی

جنسی بدانیم، این تفکر درستی نیست. بگوییم برای ارضاء غریزه‌ی جنسی، با یک حجم بسیار زیادی از مسئولیت تشکیل خانواده بدهید. ضمن اینکه تأیید نمی‌کنیم در سنین پایین به صورت آزاد روابط جنسی داشته باشند. و یک نکته‌ی دیگر، در کشورهای غربی ارتباط جنسی زیر ۱۰ سال داشته باشیم، در حالی که ۷۵ مورد ازدواج زیر ۱۰ سال در سال ۹۱ در ایران ثبت می‌شود.

خانم مظفریان

چگونه می‌شود اثبات کرد دختر موافق با آن ازدواج بوده یا خیر؟ دوم اینکه روال تشخیص دادگاه صالح برای حکم ازدواج دختر چگونه است؟ آیا برای تمام ۴۱۰۰۰ موردی که در هر سال تقریباً دختران زیر ۱۴ سال که ازدواج آنها ثبت می‌شود، کلیه مراحل قانونی از نظر دادگاهی یعنی از نظر پزشکی قانونی و تشخیص بلوغ و رشد طی می‌شود؟ سوم آیا راه‌کاری برای ازدواج‌های ثبت نشده وجود دارد؟ چراکه در استان‌هایی نظیر سیستان و بلوچستان، هرمزگان و خوزستان ازدواج‌های متعددی در سنین کودکی انجام می‌گیرد که ثبت نمی‌شود و ثبت آن را به سنین بعد از ۱۳ سال موکول می‌کنند.

با توجه به اینکه این نشست در مورد رهبران دینی است نظر اهل تسنن در این زمینه چیست؟ از ادیان مختلف و فقه شیعه هم داریم ولی اهل تسنن سخنرانی نداشتیم، مخصوصاً اینکه علمای اهل تسنن در استان‌های درگیر مثل هرمزگان و بندرعباس و خوزستان بسیار نفوذ دارند. یک مبحث دیگر نظام جدید آموزش و پرورش است که به دو بخش تقسیم شده است یعنی دبستان و دبیرستان. در گذشته دختران ۲ سال بیشتر می‌توانستند در مدرسه بمانند به دلیل اینکه راهنمایی را طی می‌کردند تا ۱۴ سالگی و بعد در مورد ازدواجشان تصمیم‌گیری می‌شد. امروز در ۱۱ سالگی در منزل می‌مانند و نمی‌توانند دوره‌ی راهنمایی را طی کنند چون عملاً دسترسی وجود ندارد، در روستاها مدارس راهنمایی وجود ندارد. آیا این نظام دوبخشی تأثیری در افزایش ازدواج در دخترچه‌ها دارد یا خیر. آمارهای سازمان ثبت احوال و مرکز آمار، مواردی است که ازدواج اول را صرفاً ثبت کردند. هنوز نمی‌دانیم دخترها یا پسرهایی ازدواج کردند چندمین ازدواجشان بوده در سنین مختلف در همان سنین کودکی، آیا بار دوم با مردی ازدواج کردند.

خانم رحیمی

جمعیت امام علی علیه السلام

در مورد آمارهای موجود ما افراد زیر ۱۰ سال، در تهران حداقل در منطقه‌ی خاکسفيد در منطقه‌ی فرحزاد بیشتر کودکان فاقد شناسنامه هستند. کودکانی حاصل ازدواج موقت که در اکثر مواقع هیچ اطلاعاتی از پدر و مادر آنها در دسترس نیست. اکثراً این کودکان در برخی از مناطق به کار اجباری مجبور می‌شوند. مرکزی دایر شده، بچه‌ها در آن درس می‌خوانند معمولاً دختران یکی دو سال بیشتر درس نمی‌خوانند و زمانی که علت آن را جویا می‌شویم، می‌گویند شیرینی خوردیم با فلان پسری مثلاً ۳ سال بزرگتر؛ این مسئله خیلی رایج است و هم در خانواده‌های افغان و خانواده‌های مهاجر از مناطق مختلف ایران شاهد این قضیه هستیم. در آمارها نمی‌آید و چرا این اتفاق می‌افتد؟ به عنوان مثال کودکان کار در خیابان تا ۱۳، ۱۲ سالگی، بعد از ۱۳ سالگی ازدواج می‌کند چراکه از لحاظ اقتصادی نمی‌تواند نان‌آور خانواده باشد و چاره را جدایی از خانواده به واسطه ازدواج می‌داند. سپس یا بچه‌دار می‌شود و آن را می‌فروشد یا همراه فرزندش وارد چرخه‌ی کار می‌شود. زمانی که در ۱۲ سالگی ازدواج می‌کند فرصت دارد تا ۱۰ تا ۱۲ فرزند به دنیا آورد تا اینکه در ۲۶ سالگی ازدواج کند. آمارهای موجود ثبت احوال خیلی دقیق نیست چراکه در طی یکی دو سال در حدود صد شناسنامه از دادگستری برای کودکان فاقد شناسنامه تهیه شد، به عبارت دیگر تعداد بیشماری کودکان فاقد شناسنامه هستند که تولد آنها ثبت نشده و تولد فرزند آنها هم ثبت نمی‌شود.

خانم دکتر صالح مجتهد

دانشگاه شهید بهشتی

زمانیکه کودکی قصد ازدواج دارد به جای اینکه با عدد بیان کنیم بهتر است درصد آن را مشخص کنیم، به عبارت دیگر درصد افرادی که ازدواج می‌کنند، حالا این درصد از افراد زیر سن قانونی و زودهنگام ازدواج می‌کنند و این عدد خیلی بزرگ نیست. به عنوان یک روانشناس از نظر ما یک نفر هم زیاد است، نه اینکه بگوییم یک تعدادی، بعد خیلی راحت از کنار آن بگذریم، اگر دغدغه انسانی داشته باشیم یک نفر قربانی می‌تواند خیلی معنادار باشد. نکته‌ی دیگر در مورد مفهوم خانواده است، به نظر مفهوم

و تعریف خانواده گم شده یعنی در یک شرایط بحران قرار گرفته‌ایم، نه خانواده تعریف دارد، چند دهه قبل هم در جامعه ایرانی و هم در جامعه بشری این تعریف وجود داشت، و نه اینکه یک الگو و تعریف خاصی که الان داریم. در حال حاضر در بحران و در مرحله گذر و سردرگمی و بلاتکلیفی در تعریف خانواده هستیم. آیا معنای خانواده این است که دختر و پسر به بلوغ فکری رسیدند؟ آیا در ادیان مختلف در کنار بلوغ جسمانی، بلوغ فکری داریم؟ درباره‌ی بلوغ فکری و اجتماعی و بلوغ عقلانی صحبت کنیم و این نکته‌ی بسیار مهم است باید به آن بپردازیم.

خانم دولت‌آبادی

انجمن روانشناسان

در سیستم قضائی بحث اجازه ازدواج زودهنگام چگونه رعایت می‌شود؟ از آنجایی که ما هم با فرزندان حاصل از ازدواج‌های ثبت نشده و مسائل پیچیده آنان مواجه هستیم. در یک جمع‌بندی نقطه نظرهای ارائه شده نشان‌دهنده‌ی تنوع و فاصله‌ی نگاه‌هایی است در جامعه‌مان به همه‌ی مسائل اجتماعی داریم. ضرورت دارد نگاهی به دگرگونی‌های اجتماعی که در بستر آن‌ها اتفاق‌ها می‌افتد داشته باشیم. عوامل ازدواج دیرهنگام دختران بررسی شود، چراکه به قول یکی از اساتید طلاق نشانه‌ی بلوغ است برای اینکه دختران یا مردان، نشان می‌دهند از آنچه به عنوان یک پیوند دائمی وارد شدند رضایت ندارند و خوشحال نیستند و نمیتوانند در آن بارور باشند. بنابراین دگرگونی‌های اجتماعی، رشد و توسعه ذهنی زنان و فرزندانی که تربیت می‌کنند و این سبب می‌شود انتظارشان از ازدواج فراتر از تعاریف برخوردار باشد. جنسی حتی مطلوب باشد.

خانم دکتر قاسم زاده

شبکه یاری کودکان کار

این سؤال مطرح است که بین اذن ولی و مصلحت کودک چطور هماهنگی ایجاد می‌کنیم؟ کودکانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند به هر حال یک بخشی به دلایل فقر مالی و فرهنگی هست. پدری که اجازه می‌دهد دخترش در سنین پایین ازدواج کند، تا چه حد به نیازهای کودک و به وضعیت آن کودک آگاهی دارد؟ چون مصلحت

کودک نیازمند این است که کودک را بشناسیم و از نیازهای وی مطلع باشیم و بدانیم مصلحت در چیست. بعید می‌دانم این دو از یک جنس باشند. بنابراین سؤال این است چگونه بین این دو هماهنگی ایجاد می‌کنیم؟ چگونه می‌توانیم مصلحت کودک را با اجازه ولی با هم هماهنگ بکنیم؟ مورد دیگر این است. اگر دلایل را بخواهیم طبقه‌بندی کنیم یک علت فقر است، فقر فرهنگی است. در حال حاضر در کتاب‌های آموزش و پرورش هیچ آگاهی‌هایی در مورد ازدواج و مسائل مربوط به آن، راهنمای نوجوانان و معضلات در جامعه نداریم. یا مثلاً اشاره به آداب و رسوم می‌کنیم، آداب و رسوم یک امری ازلی و ابدی نیست. اگر زیان‌بار باشد باید برای کاهش آداب و رسوم زیان‌بار برنامه ریزی کنیم. آداب و رسوم مقدس مطلق نیست و اینگونه نیست که نتوان هیچ ارتقاء آگاهی در این زمینه بدهیم. خیلی از مواردی مطرح شده می‌گویند هنجارهای جامعه است، مثلاً استان سیستان و بلوچستان و خراسان یا مثلاً آداب و رسوم است. نباید منفعلانه آداب و رسوم را بپذیریم، باید برای کاهش آداب و رسوم زیان‌بار به صورت فرهنگی برنامه‌ریزی بکنیم. در آخر لازم به ذکر است ارتقاء آگاهی مردم در نقش قانون‌چندان مورد اهمیت قرار نمی‌گیرد. قانون باید چند قدم از مردم بالاتر باشد و به مردم آگاهی بدهد. فکر می‌کنم اگر از پدر و مادرها بی‌رسیم اگر مشکلی واقعاً نداشته باشند تصور نمی‌شود طفل ۱۳ ساله می‌تواند مادری کند، چراکه ازدواج اثراتی از قبیل مادر شدن را هم در پی دارد. وقتی قانون بر سن ۱۳ سال توقف می‌کند، مردم فکر می‌کنند پس این درست است. فکر می‌کنم نقش قانون، یکی از نقش‌های قانون ارتقاء دهنده سطح آگاهی است. اینکه آگاهی مردم را بالا ببرد نه اینکه پایین‌تر از آگاهی مردم بماند.

خانم خادم

قاضی قانون اصلاح و تربیت

در مورد تبصره ۵۰ قانون حمایت از خانواده، اینکه اشاره شده اگر ولی قهری، سرپرست قانونی یا هر کسی در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه ۶ محکوم می‌شوند. سؤال این است اگر زوج متهم این موضوع باشد و پرونده‌اش به دادسرای اطفال ارجاع شود، برخورد همکاران در این دادسراها چگونه است؟ آیا قرار تأمینی صادره سنگین خواهد بود؟ قرار نهایی چگونه

است؟ آیا در این خصوص قرار مجرمیت صادر می‌شود یا بعداً در دادگاه رسیدگی می‌کنند؟ آیا حکم بر حبس حتماً صادر می‌کنند؟ چون در مواردی اغلب متأسفانه تعلیق می‌شود. سؤال دیگر از دادگاه خانواده این است که در ماده‌ی ۱۰۴۱ قانون مدنی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح اشاره کرده و آقای دکتر فرمودند مصلحت دو نوع هست، ایجابی و سلبی، واقعاً چه شرایط و معیارهایی در نظر گرفته می‌شود، آیا مثلاً به بلوغ فکری توجه می‌شود؟

دکتر کاظمی

در خصوص تبصره ماده ۵۰ چند نکته باید مطرح شود. از زمانی که از سال ۱۳۱۶ سابقه برخورد کیفری و ضمانت اجرایی کیفری در خصوص ازدواج زودهنگام در قوانین مطرح شد، قانون مربوط به سن ازدواج، یک سیاست جنایی بر این مسئله حاکم است همچنان در ماده ۵۰ ادامه پیدا کرده و صحبت از امکان مجازات زوج است. در یک حالتی ممکن است زوجه چنین اقدامی کرده باشد، در مورد زوجه چنین رویکردی نداریم که مجازات شود. زوج هم خودش کودک هست. یکی از نکاتی که در تفاسیر عمومی مطرح شده این است که ازدواج زودهنگام نسبت زیادی با ازدواج اجباری دارد چون در مورد کودکان آن اراده‌ی کامل و آزاد معمولاً احراز نمی‌شود. یعنی در مورد کودکان فرض بر این است که اراده‌ی آزاد و کامل وجود ندارد. وقتی وجود نداشته باشد ازدواج کودک هم ازدواج تحمیلی محسوب می‌شود، لذا اینکه بگوییم لزوماً آن زوجی هم که مرتکب این ازدواج شده است خود مقصر است و مجرم، به نظر صحیح نیست، شاید به همین خاطر است که همکاران قضائی در دادگاه اطفال این را در نظر می‌گیرند، غالباً یا شرایط اجتماعی یا الزام‌های خانوادگی این زوج را به سمت ازدواج سوق داده‌است. بنابراین در مورد این زوجی که خود خردسال است بهتر است با رأفت برخورد شود. مسائل مربوط به امور کیفری هم تابع ماده ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات می‌شود و طبق آن باید تصمیم‌گیری شود و همینطور شرایط مربوط به دادرسی هم تابع مواد ۲۱۹ تا ۲۳۹ قانون آئین دادرسی کیفری است. به نظر می‌رسد بیشتر توجه ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده به زوج بزرگسالی است که با یک کودک ازدواج می‌کند و تشدید مجازات را در این زمینه دادگاه کیفری باید در نظر داشته باشد. در حوزه رابطه نامشروع یکی از نگرانی‌هایی همیشه مطرح می‌شود سوق دادن متجاوز به

ازدواج با آن فرد ممکن است باعث کاهش سن ازدواج شود و اسناد بین‌المللی شدیداً نهی می‌کنند. در کشور این رویه‌ی قضائی بیشتر قبل از انقلاب وجود داشت و الان کمتر وجود دارد. در خصوص مصلحت رویه‌های متعددی وجود دارد. هم در مورد اینکه چه کسی مصلحت را احراز کند، به چه شیوه‌ای احراز کند، چه اشکالی دارد از مددکار اجتماعی برای احراز مصلحت استفاده بکنیم به جای اینکه خود آن مصلحت را تشخیص بدهیم. و دوم اینکه در مورد مصلحت ایجابی یا سلبی، آقای دکتر فرمودند، واقعاً رویه‌ی دادگاه‌ها متشدد است و نمی‌شود دقیقاً مشخص کرد رویه‌ی دادگاه‌ها به کدام سمت بیشتر تمایل دارد. بستگی به نوع نگرش قاضی دارد و نوع برخوردی که نسبت به این قضیه دارد. با ازدواج زود هنگام مخالف باشد، مصلحت را ایجابی می‌کند. با ازدواج زود هنگام موافق باشد آن مصلحت را سلبی می‌بیند و مفسده‌ای نبیند سریعاً حکم را در این خصوص خواهد داد.

خانم دکتر فرهمندپور

وزارت کشور

در مورد نکته‌ای که همکار روانشناس‌مان اشاره فرمودند، عرض بنده ناظر به این نکته بود که وقتی تعداد ازدواج‌های کم سن را نسبت به کل ازدواج در نظر می‌گیریم ضریب کوچکی است. ضریب کوچک بودن به معنای کم اهمیت بودن نیست، نکته این است اگر یک دغدغه‌ی بزرگتری داشته باشیم این حجم در آن دغدغه‌ی بزرگتر تعریف شود منطقاً باید آن حجم بزرگتر را که دغدغه‌ی بیشتری را پوشش می‌دهد در اولویت رسیدگی قرار بدهیم. و عرض بنده این بود اگر ازدواج کودکان یا دختران کم سن و سال مثلاً به مخاطره افتادن سلامت منجر می‌شود ناشی از فقدان آموزش‌های لازم یا فقر فرهنگی است، در همان مناطق مادران در ۲۰ سال و ۳۰ سالگی هم همین موقعیت را دارند. محور نگرانی و دغدغه را بر مبنایی قرار ندهیم که به خودی خود تمام توجه را به خودش معطوف کند. پیامدهای ازدواج‌ها در سن پایین را پژوهش کنیم این پیامدها در سنین بالاتر در همان مناطق چه اختلاف معناداری دارد، اگر واقعاً معنادار است خود سن مسئله است. ولی پیش‌بینی بنده، فقط پیش‌بینی چون این هم پژوهش نشده، این است که ما مسئله‌مان در مناطق کمتر توسعه یافته در کشور مسئله‌ی ازدواج در سن پایین نیست. اگر ازدواج تحمیلی است دختر ۱۸

ساله‌اش هم آنجا به ازدواج وادار می‌شود. زن مطلقه و زن بیوه هم به اجبار به ازدواج با برادر شوهرش ازدواج می‌کند یا با پسرعموی شوهرش. مسئله‌مان غیر از سن است. نه اینکه چون کم هست اصلاً رها کنیم، چنین موضعی طبعاً ندارم. نکته دیگر اینکه از تعبیر بحران استفاده شد. بحران یک واژه‌ای است بار محتوایی خاص خود را دارد. به لحاظ علمی این موقعیت در سطح بحران قرار دارد. یک مقدار علمی صحبت کنیم و نگرانی را تبدیل به بحران نکنیم، برخی ماهواره را بحران می‌دانند، دیگری خانواده را، و شاید فردی روابط نامشروع را بحران اعلام کند، بحران تعریف دارد و نیازمند پشتیبانی علمی است. ادعا کردن به بحران در یک موضوعی باید مورد توجه قرار گیرد. نکته دیگر باز به آن تأکید بکنم اشاره فرمودند به افزایش ۱۰۰ هزار نفری از سال فلان تا سال فلان. باز هم به نکته قبل تأکید می‌کنم و آن نکته این است که این افزایش ۱۰۰ هزار نفری را حتماً باید به نسبت آمار جمعیت و آمار ازدواج سنجید. ممکن است اگر این نسبت را برقرار کنیم مشخص شود مثلاً ۱ درصد کاهش پیدا کرده، ۲ درصد کاهش پیدا کرده یا نه با همین ضریب هم ۳ درصد افزایش پیدا کرده است. به نظرم حتماً این افزایش ۱۰۰ هزار نفر باید متناسب با افزایش جمعیت و آمار ازدواج دیده شود. نکته‌ی دیگر چندین بار به بحث قوانین اشاره شد، حتی قوانین الهی هم متکفل پوشش دادن به ۱۰۰ درصد موارد نیستند. حتماً هر قانونی حتی قوانین الهی مواردی را دارند که مصلحت آن قانون مشمول آنها نمی‌شود. مثلاً اگر اذن پدر را برای ازدواج دختر لازم اعلام کنید، این قانون است، قطعاً حکمت و فلسفه این قانون همه موارد را شامل نمی‌شود. چون یک پدر بدی ممکن است خلاف مصلحت دخترش با یک ازدواج خوب مخالفت کند. نمی‌توان گفت چون یک پدر بد ممکن است این کار را بکند اذن پدر را از شرط ازدواج بردارید و ۹۹ دختر دیگر بخاطر آن بدون اذن پدر ازدواج کنند. احتمالاً پیامدهای رفع این قانون مفسده‌ی بیشتری ایجاد می‌کند تا وجودش برای یک نفر. در کنار قانون و در کنار پوشش‌های قضائی و جزائی و غیره باید پوشش مددکاری داشته باشیم و در کشور در این حوزه ضعف داریم. مثلاً وقتی گفته می‌شود زن و شوهر به دادگاه مراجعه می‌کنند فرض کنید زن حق دارد مهریه‌اش را بگیرد و سپس می‌بخشد. بیرون از دادگاه مرد وی را تهدید کرده‌است. در صورتی که هیچ پوشش مددکاری وجود ندارد، قانون بر اساس اینکه زن مهریه خود را بخشیده یا این طفل این موقعیت را دارد حکم می‌کند. پوشش مددکاری باید دغدغه‌ی بین نظام قضائی

و واقعیت اجتماعی را جبران کند. بقدری پوشش‌های مددکاری در جامعه‌ی ضعیف است که، فقط هر کس به قانون مراجعه کرد آن خلاء را حس می‌کند. ولی خود شخص قاضی و هیأت قضات برای اجرای درست و بدون خطا قانون در جامعه آن تصمیم را اتخاذ می‌کنند. اگر واقعاً پدری خلاف مصلحت طفل عمل کند چه کسی باید به داد طفل برسد؟ موضوع همین است. موضوع اینکه این چتر مددکاری به عنوان کامل کننده لازم است در کشور ما این ضعیف هست.

دکتر روشن

قبلاً هم با چنین تعارض‌هایی در تقنین مواجه بودیم. یعنی تا قبل از سال ۱۳۸۱ کودک‌آزاری فقط از طریق اولیا قابل گزارش بود و گاهی اوقات وقتی ولی خود کودک آزار بود راه به جایی نمی‌بردیم اما به حمدالله با همین هم‌اندیشی‌ها و ایجاد ظرفیت‌های فقهی و حقوقی باعث شد افراد ثالث هم می‌توانند به دادستان اعلام جرم کنند.

خانم احمدی

وزارت آموزش و پرورش

تفاوت دیدگاه‌ها در این جلسه نشان دهنده‌ی ضرورت وجود این جلسات است و انشاءالله ادامه پیدا بکند. در رابطه با سؤال حذف دوره‌ی راهنمایی و دوره‌ای که دانش‌آموزان احتیاج به مشاور و راهنما داشتند، لازم به ذکر است در حال حاضر، آموزش و پرورش چهارتا سه سال دارد ابتدایی ۶ سال است و ۲ سه سال باید باشد از نظر حضور بچه‌ها در مدرسه و ۲ سه سال در دوره‌ی متوسطه که میشود ۱۲ سال. منتهی چون مضرب ساخت مدارس ۵، ۳، ۴ بوده در حال حاضر مدارس ابتدایی ۶ ساله هست. متوسطه‌ها دوگانه هستند، یا ۳ ساله هستند یا ۶ ساله. جاهایی امکان این نبوده ما ۲ سه سال را از هم جدا کنیم در سطح متوسطه، بچه‌های ۶ سال در کنار هم هستند. از سال اول دبیرستان تا پایان دوره متوسطه. اما قرار بر این است دوره متوسطه اول همان راهنمایی قدیم هست، همه‌ی آن نیازها و آن فرایندهایی باید طی شود برای نیاز آن‌ها لحاظ شود و الان هم مد نظر قرار می‌گیرد به لحاظ وجود مشاور، راهنما و کسانی باید اطلاعات لازم را در اختیار دانش‌آموزان قرار بدهند. در رابطه با

کتاب درسی هم سرکارخانم اشاره فرمودند در حال حاضر رویکرد جدید تألیف کتاب درسی، رویکرد آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان است. در بسیاری از مباحث در کتاب‌های درسی به همین بحث مهارت‌های اساسی اشاره دارد. آشنایی با حقوق، آشنایی با تکالیف لحاظ شده، قبلاً کمتر دیده می‌شد و این روند رو به رشد است. بندهای متعددی از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد تأیید و تصویب مقام معظم رهبری و مصادر قانونی قرار گرفته است. رویکرد آموزش سبک زندگی ایرانی اسلامی به دانش‌آموزان است و ۱۶۰ ماده از این سند تحول در این راستا قرار است تبدیل به دستورالعمل، برنامه، قانون، تألیف کتاب‌های درسی و برنامه‌های قابل اجرا در سیستم آموزش و پرورش شود. اگر مجلس و دولت نگاه خیلی ویژه به آموزش و پرورش داشته باشند به خوبی اجرا می‌شود. در حال حاضر دولت و مجلس برای آموزش و پرورش اعتباراتی لحاظ می‌کنند، ۹۹ درصد این اعتبارات صرف حقوق می‌شود و آموزش و پرورش عریض و طویل با ۱۲۷۰۰۰۰۰۰ دانش آموز و حدود ۱ میلیون پرسنل با ۱ درصد باقی مانده چگونه باید اداره شود؟!؛

آقای دکتر محمدی

وزارت آموزش و پرورش

از اساتید حاضر برای برنامه‌ریزی کارگاه‌های علمی برای خانواده‌ها و دانش‌آموزان دعوت می‌کنیم تا از وجودشان استفاده کنیم. نکته دوم علت ازدواج‌هایی دیرهنگام چیست، فرض شود وزارت بهداشت در مورد بیماری جدید همایش یا جلسه‌ای برگزار می‌کند، نمی‌توان گفت به علت پایین بودن درصد این بیماری نباید برگزار کنند، تخصص وزارت بهداشت همین است. بعداً به این جمع‌بندی رسیدیم که مرجع ملی کودک برگزاری همایش ازدواج زودهنگام و اجباری را پیگیری می‌کند، چرا که حوزه تخصصی این است و باید پاسخگو باشند. موضوع بعدی این است که آموزش و پرورش در حال برنامه‌ریزی است تا برای دوره ابتدایی هم مشاوره در مدرسه داشته باشد، مقدمات آن فراهم شده و از سال بعد اجرایی خواهد شد. موضوع این است، آن یکسال آخر اگر در مدرسه بماند یا در منزل چه تأثیری در ازدواج دارد. در این سن به این نقطه رسیدند که در هفت سال اول تقریباً ۷۰ درصد شخصیت کودک شکل گرفته، در پیش دبستانی الان با این معضل مواجه شدیم، هرچه مربی و اولیا می‌گویند تقریباً همان را

بازتاب می‌دهد. وارد دوره ابتدایی که می‌شود همان چیزی که قبلاً یاد گرفته را یک مقدار گسترش می‌دهد. به خاطر همین بنای آموزش و پرورش بر این است که دوره پیش دبستانی بیشتر مورد تاکید قرار بگیرد. امسال در انتخاب مربی پیش دبستانی در تأیید صلاحیت‌ها چه به لحاظ اخلاقی و چه به لحاظ علمی کاملاً با دقت انتخاب می‌کنیم. نکته آخر تحقیقی است که در این بازدهی‌ها انجام دادیم. تقریباً ۹۰ درصد والدین اطفال خود را باهوش قلمداد می‌کنند. وقتی سوال می‌شود چطور به این نتیجه رسیدید استناد می‌کنند به اینکه فلان زبان را راحت یاد گرفت، فلان شکل را سریع یاد گرفت، عدد و حروف را یاد گرفت. صدا و سیما نرم افزارهایی را تبلیغ می‌کند که به این بچه‌ها جلوتر از سنشان آموزش‌هایی داده می‌شود، خطر اینجاست، پیش دبستانی عدد و حروف را یاد می‌گیرد به محض اینکه داخل کلاس اول ابتدایی می‌شود چون خودش را بالاتر از بچه‌های دیگر می‌بیند ناسازگاری می‌کند و اکثراً دچار اختلال رفتار می‌شوند. بعد همان پدر و مادر به کلینیک‌های روانشناسی و مدرسه رجوع می‌کنند غافل از اینکه خودشان مقصر هستند.

خانم عین‌الیقین

یونیسیف

جلسه خیلی پویایی بود. به عنوان نماینده یونیسیف سؤال ندارم. از خانم دکتر فرهمند به عنوان یک مددکار اجتماعی که در این حوزه تقریباً ۱۰ سال کار کردم، سوال این است که مددکار اجتماعی چه خدماتی می‌تواند ارائه بدهد؟ خیلی خوشحال هستم آقای دکتر کاظمی به درستی گفتند مددکارها در دادگاه‌ها می‌توانند باشند و فعالیت کنند و در حال حاضر مددکارهایی در دادگاه‌های اطفال داریم. در باب میزان اثرگذاری نقش آنها پژوهشی صورت نگرفته است، پس چگونه می‌تواند مؤثرتر باشد؟ ولی وقتی بر مبنای قانون اجازه انجام کار نداریم، به نظر شما چه نقشی می‌توانیم ایفا کنیم؟

دکتر فرهمندپور

وقتی فردی به عنوان شاکی یا متشاکی به دادگاه مراجعه می‌کند، قاضی صرفاً می‌تواند برای رسیدگی به مسئله از راهکارهای قانون بهره بگیرد. علی‌القاعده همه‌ی

آنچه بایستی برای فهم موضوع دیده شود در دادگاه قابل دیدن و رؤیت نیست. مثل همان نکته‌ای که اشاره شد یا مواردی که به دادگاه عملاً کشیده نمی‌شود. در مورد نسبت میان مصلحت طفل و ولایت ولی قهری باید گفت به طور طبیعی نمی‌توانیم ولایت ولی قهری را نادیده بگیریم، قانون باید آن را داشته باشد. اما آیا همه‌ی اولیای اطفال واقعاً مصلحت طفل را در نظر می‌گیرند؟ قطعاً این اتفاق نمی‌افتد و نشانه‌های آن را شاهد هستیم. همه‌ی مواردی هم این سوءاتفاق وجود دارد، امکان رسیدگی در دادگاه وجود ندارد. برای پرکردن خلاء میان مصلحت و قانون چه راهکاری باید اندیشید. هیچ قانونی نمی‌تواند همه موارد را پوشش بدهد. شما صرفاً از مددکاری صحبت می‌کنید، چراکه در حال حاضر پوشش مددکاری بسیار کم و محدود است. این امر ناشی از کوچک دیدن سهم مددکاران بلکه کم بودن و فقدان منبع کافی در حوزه مددکاری است. در بهزیستی بحثی تحت عنوان اورژانس اجتماعی وجود دارد، باید بررسی شود قدرت پوشش همه‌ی موارد اورژانس‌های اجتماعی به چه میزان است. کفایت یا عدم کفایت قانون بحث دیگری است، حتی برخی موارد قانون به اندازه کافی قابل اتکاست، اما در اجرا فاصله‌ها و نقطه ضعف‌هایی داریم که مانع پوشش حداکثری می‌شود.

خانم دکتر غدیری

نظرات به گونه‌ای مطرح شده که انگار بحث ازدواج‌های زودهنگام را بزرگ‌نمایی می‌کنیم، هدف اصلی حساس‌سازی نسبت به این موضوع است. در کشور مشکلی در خیلی از زمینه‌ها وجود دارد که حتماً باید همه معضلات به حد بحران برسد و بعد تصمیمات آنی و فوری و بدون توجه به عواقب اتخاذ کنیم و انتظار داریم همه مسائل به خوبی حل شود. بر اساس آمارهای سیستان و بلوچستان، خوزستان، آذربایجان شرقی، و به ویژه خراسان رضوی، ازدواج افاغنه ارائه شده، دختران در سنین پایین به خاطر فقر و اعتیاد خانواده به افاغنه فروخته می‌شوند. وزارت کشور پروژه‌های تحقیقاتی را با همکاری استانداری‌ها انجام می‌دهند. چقدر تمرکز شد تا آمار جامع و نه یک آمار کیفی نه کمی، ارائه کنند، شرایط کودکان و خانواده‌هاشان، علل و ریشه‌ها، و رابطه علت معلولی را بررسی و مشخص کنند. حداقل می‌تواند سرآغاز اقداماتی باشد نباید این مسائل به حد بحران برسد. بحث دوم همانطور گفتند خداوند در قرآن

می‌گوید «و لقد کَرَمنا بنی آدم»، کرامت انسانی را خداوند عطا کرده است یعنی کرامت ذاتی به سن و سال و موقعیت بستگی ندارد. همانطور که گفتند اگر واقعاً یک مورد هم باشد باید مورد توجه قرار بگیرد. پایین بودن آمار طلاق در اطفال به دلیل عدم توانایی ورود به پروسه‌های قضائی است. برخی دیگر نمی‌توانند شرایط نامساعد خود را اثبات کنند، برخی اصلاً به این موقع نمی‌رسند و به قدری مورد سوء رفتار قرار می‌گیرند که دیگر چاره‌ای پیش رو نمی‌بینند. در این پیامدها عدم توانایی در خروج مناسب از یک رابطه‌ی مبتنی بر سوء رفتار منجر به افسردگی، خودکشی، فرار از خانه و بعد از فرار از خانه، اعتیاد و روسپی‌گری و مسائل این چنینی می‌شود. یک آماری مربوط به سال ۸۱ اورژانس خشونت‌های اجتماعی تهران اعلام کرده ۸۵ درصد از موارد فرار زنان نه دختر بچه‌ها، از خانه زنان ۱۱ تا ۱۷ ساله در تهران بودند. یعنی اینجا هم می‌بینند این امکانات می‌تواند برای آنها فراهم شود تا فرار کنند. ولی در شهرستان پیش بینی می‌کند که خیلی سریع پیدا می‌شود و دوباره باید در همان رابطه خشونت بار برگردد. بحث دیگر اینکه همیشه مشکلاتمان را از آمارهای جهانی جدا می‌دانیم، در حالی که یک پدیده‌ای مرتب در کشورهای مختلف اتفاق می‌افتد و سازمان‌های بین‌المللی بر روی این پدیده تمرکز می‌کنند و به دنبال راهکار هستند، نباید تصور کنیم از این روند جدا هستیم و این اتفاقات در کشور ما رخ نمی‌دهد. نکته‌ی دیگر لزوم صراحت در طرح مسائل است چرا که به حل مسئله کمک می‌کند. یک سری مسائل را بپذیریم، یک مشکلاتی است چگونه باید برای حل آن اقدام کنیم.

یک بحث دیگر در مورد کودکان، اگر یک دختر ۲۰ ساله یا ۳۰ ساله ازدواج می‌کند و طلاق می‌گیرد، آن دختر با اختیار کامل، خودش وارد این ارتباط شده، حالا ممکن است این اختیار خیلی هم کامل نباشد. ولی چه کسی آن طفل را در این شرایط قرار می‌دهد؟ مادر، پدر، قاضی بدون توجه به مصالح وی را وارد رابطه می‌کند، همه در قبال این فرد مسئولیم. چون این طفل رضایتی در این موضوع دارد ولی درک درستی ندارد. حالا اگر در سیستان و بلوچستان، این مسئله را بررسی کردید و مشخص شد دختران کم سن، هم به لحاظ بلوغ جسمی هم به لحاظ بلوغ اجتماعی واقعاً در حدی هستند که مسئولیت‌های زندگی مشترک را می‌پذیرند. اشکالی ندارد، اجازه ازدواج صادر کنید، پیامدهای را کنترل کنید. ولی باید تحقیق کرد. نکته‌ی آخر و مهم‌تر این است وقتی شما با مسئله‌ای مثل ازدواج زود هنگام و اجباری برخورد دارید، تمرکز را

بر روی زودهنگام، اجباری می‌گذاریم. وقتی بحث خشونت مطرح می‌شود این تصور در اذهان ایجاد می‌شود که خشونت صرفاً فیزیکی باشد، کسی فکر نمی‌کند غفلت هم از مصادیق خشونت علیه کودکان هست، یعنی ترک فعل نسبت به یک کودک انجام می‌دهید مرتکب خشونت می‌شوید. وقتی صحبت از ازدواج زودهنگام و اجباری می‌شود تصور این است که اجبار مدنظر لزوماً اجبار مستقیم است. توضیح دادم زمانی که زور بالا سر کودک باشد، کودک درک درستی از وضعیت ندارد و ممکن است تحت یک سری از فشارها، مثلاً در یک خانواده فقیری است و فکر می‌کند ازدواج راه‌گیزی است، ازدواج آزادانه محسوب نمی‌شود. در این مسائل برخوردها باید از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار بگیرد. اول اینکه آمار جامع مخصوصاً به لحاظ کیفی تهیه شود و علل، ریشه‌ها و روابط علی معلولی را مشخص کنیم، پس از آن اقدام به تصویب قوانین و مقررات مربوطه کنیم. بحث‌های مهمتر بازنگری در قوانینی موجود با رویکردهای حمایتی و در نظر گرفتن مصالح عالی کودک است. فراموش نکنیم مصالح عالی کودک در ادبیات بین‌المللی به معنای آن است که تصمیم اتخاذی برای طفل، نه تنها مفسده‌ای نداشته باشد بلکه با توجه به حداقل شرایط، وی را در بهترین شرایط قرار دهد. بحث بعدی اختصاص منابع لازم برای انجام کار و هماهنگی بخش‌های مختلف با هم است. اگر در یک منطقه‌ای فقری منجر به ازدواج زودهنگام می‌شود، کمیته امداد می‌تواند در این حوزه فعال کنید. اگر در یک بخشی بخاطر اعتیاد والدین است و اگر کودکان بد سرپرست هستند بهزیستی باید وارد عمل می‌شوند. متأسفانه به دلیل جزیره‌ای عمل کردن، نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود. در بحث فرهنگ‌سازی آموزش و پرورش، رهبران دینی و سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در آن مناطق فعال شده و در بحث‌های آموزشی، برخورد مسئولانه قوه قضائیه و آموزش ویژه به قضاتی که با این مسائل برخورد دارند، وزارت بهداشت و حتی خود نیروی انتظامی می‌تواند تاثیرگذار باشد. به عبارتی نیازمند اقدام کاملاً هماهنگ نهادها هستیم. براساس آمارها وزارت کشور می‌تواند با توجه به پتانسیلی که در قسمت‌های مختلف کشور دارد، آمارهای کیفی را ارائه کند تا بتوانیم این مسئله را حل کنیم.

خانم معارف‌وند

بعنوان مددکار اجتماعی با اینکه بار چنین موضوعی فقط به عهده مددکارهای

اجتماعی گذاشته شود، مخالفت داریم. با نظر خانم غدیری موافقم که حل مسئله مستلزم کار تیمی است و باید کلیه دست اندرکاران فعال بشوند. حتی اگر تعداد مددکاران زیاد باشد و سایر بخش‌ها به درستی کار خود را انجام ندهند، مفید به فایده نخواهد بود. بهتر است تبیین شود در ادیان من جمله در دین یهود چه اقدامی برای کاهش آسیب‌های ناشی از چنین ازدواج‌هایی معمول می‌دارند و یا پیشنهادات جهت ارتقاء وضعیت بهتر چیست؟ البته در ایران مذهب بر قانون تأثیرگذار است ولی معتقدم روحانی در یک مسجد در روستا موعظه می‌کند اگر آن فرد هم آگاه شود قطعاً تغییراتی حاصل می‌شود. ولی نحوه برقراری تعامل با رهبران مذهبی نیز باید بررسی شود. به هر حال حتماً به ما برای اینکه بتوانیم از این پتانسیل در کشور استفاده کنیم کمک خواهد کرد. نکته‌ی دیگر اینکه ما صبر کنیم کودکان ازدواج کنند بعد برای حفاظت از آنها در برابر آسیب‌ها چاره‌اندیشی کنیم. فکر می‌کنم وضعیت دشواری ایجاد می‌کند.

دکتر مقارعه‌ابد

هدف از برگزاری این نشست‌ها به نوعی موضوع‌سازی در مورد برخی مسائل کشور محسوب می‌شود، البته نه به معنای اینکه به فراموشی سپرده شده، شاید آن حساسیت‌های خاص وجود ندارد. همانطور که در عنوان موضوع است راجع به ازدواج زود هنگام یا اجباری صحبت می‌کنیم، اصلاً قرار نبود در مورد سن ازدواج صحبت شود. اینکه ازدواج‌های زود هنگام را بحران اعلام کنیم یا به آن بپردازیم، اصلاً چنین هدفی نداریم و بحث این بود که آن را کالبد شکافی کنیم و ببینیم چه نظراتی وجود دارد. قرار است بعد از آثار این نشست‌ها یک گروه پیگیری درست کنیم و یک کمیته‌ای به نام کمیته پیگیری شکل گیرد تا این مسائل را به رهبران مذهبی اطلاع بدهیم و به نوعی آن‌ها را با موضوع درگیر کنیم. می‌تواند نشست با رهبران دینی، ستاد اقامه نماز جمعه، ائمه جماعات، مبلغان مذهبی باشد. در جلسات قبل گفتند تعداد بسیاری به سراسر کشور اعزام می‌شوند و راه‌کارهای متعدد ارائه شد. باید با تشکیل گروه پیگیری بررسی شود چه اقداماتی برای اثر گذاری مفاهیم و دست‌آوردهای این نشست لازم است. بحث جلسه قبل غفلت و بی‌توجهی بود، آقای دکتر اجتهادی مقاله‌ای راجع به این موضوع ارائه کردند و اذعان داشتند در حال گذار معتقد هستیم،

نمی‌توانیم بر اساس این نظام سنتی با ایده‌های جدید در دنیای امروز زندگی کنیم و یک نگاه کاملاً سنتی به عقب داشته باشیم، مگر اینکه اقداماتی در این راستا صورت دهیم. نمی‌شود بگوییم بستر رودخانه‌ای گچی باشد و آبی که آن طرف رودخانه است کاملاً آغشته نشده باشد. همانطور خانم داوودی فرمودند در تعارض قوانین می‌خواهیم منافع عالی حقوق کودک از اذن پدر بگوییم، از سوی دیگر افراد زیر ۱۸ سال قادر به طرح دادخواست در دادگاه نیستند ولی می‌توانند ازدواج کنند. از یک طرف از غول اطلاع‌رسانی راجع به ازدواج راجع به دانش‌آموزان و سنین پایین هراس داریم، از آن طرف از گفتگو راجع به مسئله رفتارهای پرخطر با بچه‌ها هراس داریم. باید یک سمت و جهت زنجیروار را بپذیریم و یک ساختاری درست کنیم تا همه بتوانند برنامه‌ها را ادامه دهند و بتوانیم پازل را تکمیل کنیم. دانش هر جامعه‌ای مطالبات آن جامعه را تغییر می‌دهد، از این راه دانش جامعه را بالا می‌بریم، مثلاً می‌گوییم دانش جامعه بالا است اما مطالبات همانند سابق باشد. هنوز بایستی سایه‌ی مرد بر سر زن باشد. اگر سایه مرد بر سر زن نباشد چه می‌شود. اگر قرار است مطالبات بر اساس دانش باشد طبعاً تغییر می‌کند. نمی‌توانیم جمع این موارد را داشته باشیم، تعارض در قوانین پیدا می‌کنیم. مسئله دیگر تعامل‌های بین بخشی است، در مرجع فرض بر این است که تعامل‌ها می‌تواند خیلی سازنده باشد به شرطی که واقعاً تعامل باشد سهم هر کسی مشخص باشد و هر بخش واقعاً سهم خود را به شکل مؤثر اجرا کند.

دکتر روشن

وفق ماده ۴۶ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱، حضور کودکان زیر ۱۵ سال در جلسات رسیدگی به دعاوی خانوادگی جز در موارد ضروری که دادگاه تجویز می‌کند، ممنوع است که تناقض آشکار بین دو ماده قانونی است. البته دو رأی وحدت رویه و ماده واحده داریم.

خانم کیانی فرد

مشاوران کلینیک حقوقی خانواده دانشگاه شهید بهشتی

بنده بر موضوع خشونت کار کردم و پایان‌نامه‌ام در موضوع همسرآزاری و همسرکشی است. در زندان با یک دخترخانم ۱۹ ساله برای پذیرفتن وکالت ایشان مواجه شدم. در

طی مصاحبه اولیه وکالت ایشان را برعهده گرفتم، این خانم ۳ فرزند از ازدواج زودرس داشت. با همکاری شخص ثالث همسرش را به قتل رساند، چرا که در کودکی با پسر عموی خود قرار گذاشته به شهر مهاجرت کنند و تشکیل زندگی بدهند. حال به جرم معاونت در قتل در زندان به سر می‌برد، سه فرزندش مدعی بودند در صورت آزادی، وی را خواهند کشت. تعداد زیادی از زندانیان زنانی بودند که همسران خود را به قتل رسانده بودند و هیچ کدام اظهار پشیمانی نمی‌کردند. ضمن اینکه نباید جرم‌انگاری تشدید شود ولی مسئله ازدواج زودرس و تحمیلی به عنوان یکی از ابعاد خشونت، مورد بررسی قرار بگیرد. البته به طور کلی در حوزه خشونت با خلاء قانونی مواجه هستیم. قانون تنبیه به نوعی جواز تنبیه فرزندان توسط والدین است. این قانون خود نوعی خشونت و بازتولید خشونت محسوب می‌شود. تمکین خاص و بالاجبار کودکانی که ازدواج تحمیلی و زودرسی داشتند مخصوصاً دختران قابل تامل است. در قانون یک حق و تکلیف بر فرزندان و والدین است و اینکه دختر یا پسری وارد خانواده می‌شوند هنوز کودک محسوب می‌شوند. البته چند نمونه موفق هم وجود دارد اما مسائل بسیار زیاد است. دختر و پسری ازدواج می‌کنند، بعد والد یا والده می‌شوند. سپس فرزندان خود را تربیت و تنبیه می‌کنند. در قانون تداخل سن‌های مختلف داریم، سن بلوغ، سن رشد، سن اخذ گذرنامه، مسائل سن مالی مسائل قیم، ولی قهری. والدین که خود کودک محسوب می‌شوند در مسائل مالی نمی‌توانند دادخواست بدهند، اگر دچار خشونت شوند به آن زن دیه تعلق نمی‌گیرد. مصلحت طفل در چه صورت رعایت می‌شود، ولی صالح کیست؟ در خیلی از موارد به عدم صلاحیت والدین اشاره می‌کنیم. قوانین در امر صالح بودن والدین و مصلحت طفل دچار تعارض هستند. نکته دیگر مسئله‌ی کیفی است، افراد در پروسه چرخه‌ی خشونت قرار می‌گیرند به نوعی ممکن است دست به خودآزاری، خودکشی، دگرآزاری یا دگرکشی بزنند. آمار همسرکشی و خودسوزی در استان ایلام بسیار زیاد است. یکی از معضلات این منطقه دختران فراری، روسپی و کودکان مطلقه است که بحث جدی را می‌طلبد.

دکتر نجف‌آبادی

این جلساتی کما بیش به صورت ناقص و کامل شرکت کردیم. این سوال مطرح است که از هر اقلیت مذهبی یک رهبر مذهبی یا یک نماینده‌ای به عنوان نماینده

مذهبی آن در جلسه حاضر است به جز یک رهبر یا روحانی مسلمان. مسئله دوم این است حضرت امام (ره) مسئله‌ای را تحت عنوان آشتی بین حوزه و دانشگاه مطرح کردند. اگر این مسئله به واقعیت بپیوندد بسیاری از مسائل حل می‌شود. دیدگاه و رویکرد حوزه علوم انسانی و حوزه علوم دینی در برخی موارد تفاوت دارد. ضروری است اساتید حوزه و دانشگاه در مورد مسائل اجتماعی جامعه ایرانی به یک تفاهمی برسند. سوماً در خیلی از جوامع شاهد نقض حقوق زنان هستیم حتی اگر در نوشته‌ها باشد اما در عمل نیست. در قوانین، موارد متعددی است که در عالم واقع رخ نمی‌دهد و حقوق زنان آنگونه که باید و شاید نیست.

شاید به علل مذهبی فرهنگی اجتماعی است که باید به آن توجه شود. در جامعه یهودی ایران، مسئله‌ی اول یعنی مسئله ازدواج زودهنگام در سن خردسالی حتی در قبل از ۱۸ سالی به خودی خود رفع شده. مسئله‌ی مهم‌تر این است که به عقیده روانشناسان فرد مناسب ازدواج نیست حتی اگر ۳۰ ساله باشد. ممکن است فرد از لحاظ تحصیلات و ظاهر مشکلی نداشته باشد اما با توجه به نظر کارشناسی روانشناس، مناسب برای ازدواج نباشند. یک مثال ساده اختلالات شخصیتی و روانی است. در جامعه افراد همجنسگرا داریم، کسانی اصلاً تمایلی به ازدواج ندارد ولی بخاطر فشارهای خانواده، اطراف مجبور می‌شوند به ازدواج تن بدهند. در انجمن کلیمیان پیشنهاد کردیم، هر فردی مکلف است برای عقد و ازدواج مجوز لازم را کسب کند و باید توسط روانپزشک معاینه شود و در مورد مسائل مختلف تحقیق شود. در صورتی که شخص به صورت فردی مناسب ازدواج بود و در مرحله بعدی اگر دو طرف از لحاظ اخلاقی به هم می‌خوردند مجوز ازدواج صادر خواهد شد.

در جوامعی تعداد مردها یک پنجم تعداد خانم‌ها هستند که اجازه ازدواج، چند همسری داده می‌شود. حال در جوامعی برعکس همچین موردی می‌شود به نظر شما همچین امری میسر است؟ موضوع بعدی در مورد آموزش و پرورش است، بنده عنایت خاصی به دکتر فانی دارم بخاطر مرحمت‌ها و لطف‌هایی که به جامعه بنده و مدارس ما داشتند. فقط پیشنهاد این است از اول رودربایسی‌ها را در مورد مسائل تربیت جنسی به کودکان برداریم. در کتب تحصیلی حتماً باید مبحثی در این مورد اختصاص داده شود چراکه در آینده به نفع جامعه هست.

به دلیل فناوری‌های اطلاعات، کودکان از خیلی مسائل مطلع هستند که ما

بی‌خبریم. بهتر است بصورت علمی، کنترل شده به فرزندانمان این مسائل را آموزش بدهیم. در زمان ریاست آقای دکتر قالیباف در نیروی انتظامی شماره ۱۹۷ جهت اعلام شکایات تخصیص داده شد. ایشان به مردم اعلام کردند اگر نیروی انتظامی خلافی داشت، از طریق این شماره اعلام شود. اخیراً صداوسیما در مورد شماره ۱۶۲۰ جهت گزارش تخلفات جامعه پزشکی، داروخانه، آزمایشگاه اطلاع رسانی کرد. بهزیستی هم یک شماره اعلام کند افراد تماس بگیرند و وقوع ازدواج اجباری و زودهنگام را گزارش کنند. در امریکا کودکان با شماره ۹۱۱، تماس می‌گیرند و سوء رفتار والدین را گزارش می‌دهند. ما باید یک شماره‌ای هم برای حمایت از اشخاص آسیب پذیر من جمله کودکان و افراد مسن اعلام کنیم.

نماینده بهزیستی

تماس با شماره ۱۲۳ برای کودکان ساده است و چندین سال است تحت اورژانس اجتماعی اعلام شد. اورژانس اجتماعی فقط به کودکان خدمات ارائه نمی‌کند، اگرچه ۱۲۳ به خط کودک‌آزاری معروف است ولی به زنان خشونت دیده نیز خدمات ارائه می‌کند و انواع خشونت‌ها را پوشش می‌دهد.

توجه داشته باشد ۱۲۳ شکل گرفت ولی همچنان پشتوانه قانونی در خیلی از زمینه‌ها وجود ندارد. یعنی اگر به عنوان یک مددکار در منزلی که پدر و مادر قصد دارند فرزندشان را مجبور به ازدواج با فردی می‌کنند، نمی‌توانم مداخله کنیم و باید یک روند خاصی طی شود، ولی به هر حال این امکان ایجاد شده تمام استان‌ها، مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ پایگاه‌های ثابت داریم و در شهرهای کوچک پایگاه سیار.

خانم مبلغی

نماینده دادسرای اطفال در کانون اصلاح و تربیت

البته خط ۱۲۳ وجود دارد ولی اصلاً اطلاع رسانی صورت نمی‌گیرد. مدتی پیش پایان‌نامه‌ای در موضوع فرار دختران داشتیم. با ۲۸ دختر فراری مصاحبه کردیم ۲۱ نفر اصلاً از ۱۲۳ و خدمات آن اطلاعی نداشتند. این افراد مورد خشونت قرار می‌گیرد و فرار می‌کردند. افراد مددجو در داخل مراکز مداخله در بحران بودند، اما اطلاع نداشتند اینجا مرکز مداخله در بحران هست و تصور بر این بود که در قرنطینه هستند. ابزار

حمایت اجتماعی ۱۲۳ تعبیه شده، پشتوانه قانونی هم دارند یک تدابیری برای آن اندیشیده می‌شود ولی مسئله اینجاست که اطلاع رسانی نمی‌شود.

خانم جعفری

معاونت امور زنان و ریاست جمهوری

بحث تشخیص مصلحت تبیین نشد، ماده ۱۰۴۱ ق.م.شرطی در نظر گرفته که اساساً مشخص نشد سازوکار عینی به چه صورت است. به عبارت دیگر حکم صادره از دادگاه بر اساس چه شاخص‌ها و چه مؤلفه‌هایی هست. بحث بعد اینکه پیشنهاد شد شاخص‌هایی را برای تشخیص مصلحت در نظر بگیریم، منتهی باید در تشخیص شاخص توجه داشت مصلحت یک مفهوم کیفی است و نمی‌توانیم آن را مقید به شاخص‌ها کنیم. شاید اگر بخواهیم فقط براساس شاخص‌ها تصمیم بگیریم، خیلی از موارد به دلیل مفهوم نسبی مصلحت مغفول بماند. چراکه مصلحت بعضاً از یک فرد به فرد دیگر متفاوت هست.

بحث بعدی که در مورد مصلحت مطرح است عدم کفایت تقویت نظام مشاوره‌ای در محاکمی است که این حکم را صادر می‌کنند. به دلیل اینکه اولاً شاهد هستیم به دلایل حجم پرونده‌هایی موجود در محاکم، کمبود نیروی انسانی، اساساً قاضی از ورود تخصصی در خیلی از پرونده‌ها باز می‌ماند و اساساً به این موضوع باید در یک دادگاه تخصصی اطفال پرداخته شود. به عبارتی قاضی باید با اقتضائات و شرایط خاص کودک آشنا باشد. به عبارتی کودک محور یا دوستدار کودک باشد نه اینکه ما به شعب عمومی این پرونده‌ها را ارجاع بدهیم. نکته‌ی بعد راه‌کاری است که ارائه شد در خصوص اینکه اگر افرادی زیر سن بلوغ ازدواج کردند، بعد از بلوغ امکان فسخ داشته باشند. این به دلیل آن خلط‌مبختی است که همچنان در قوانین وجود دارد و بحث بین بطلان و ممنوعیت هست.

ازدواج قبل از بلوغ در ماده ۱۰۴۱ ممنوع اعلام شده و با ۲ شرط تجویز می‌کنیم، اما مشخص نمی‌کنیم اگر دو شرط مزبور رعایت نشد، برای حمایت از فرد چه ساز و کاری اندیشیدیم. به عبارت دیگر عقد باطل است؟ سؤال اساسی این که ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده صرفاً یک مجازات تعزیری در نظر گرفته است، آن هم از باب اینکه شروط قانون‌گذار رعایت نشده نه از باب اینکه مصلحت طفل رعایت نشده است.

نکته دیگر بحث نظریه تفسیری ۱۸ کمیته حقوق کودک مصوب نوامبر ۲۰۱۵ است که مطالعه آن را توصیه می‌کنم زیرا این نظریه تفسیری مربوط به اقدامات مضر است و به ازدواج‌های اجباری پرداخته و شاخص‌های آیین‌های سنتی مضر را معرفی کرده و راهکار ارائه داده است. اسناد کنوانسیون‌های حقوق بشری صرفاً حقی را مشخص می‌کنند اما این نظریه تفسیری است که آن را شرح و بسط می‌دهد. ملاک سنجش عمل دولت‌ها نسبت به یک حق مفاهیم یا شاخص‌هایی مندرج در نظریه تفسیری است. بحث رضایت طفل یا اساساً ازدواج اجباری در انعقاد نکاح از حیث اجباری بررسی شده و هم در استمرار زوجیت بحث اجباری را تبیین کردند و اینکه منظور از رضایت به موجب این نظریه تفسیری و به خصوص بند ۶ - ۲ بحث این است که رضایت باید آزاد کامل و آزادانه باشد و این مفاهیم کامل تبیین شده است.

خانم حامد

قوه قضائیه

در مورد مقاله خانم دکتر عظیم زاده پیشنهاد می‌شود در صورت امکان راجع به جنبه‌های کیفری بیشتر ورود پیدا کنند و یا به رویه قضائی استناد شود. پیشنهاد دیگر اینکه در این سه نشست نقش رهبران دینی تبیین نشد، به عبارت دیگر مشخص نشد رهبران دینی چه اقداماتی را می‌توانند انجام دهند. اطلاع از احکام ادیان مختلف و احکام فقه شیعی و اهل تسنن فی النفسه مفید است لیکن واقعاً ازدواج‌های زود هنگام و اجباری در مرزهای شرقی، استان‌های شرقی، استان‌های جنوبی و یا در بعضی استان‌های دیگر شایع است و ضروری است تدابیری اندیشیده شود، زیرا که واقعاً معضل اصلی فرهنگ است.

تجربه‌ی چندین سال کار شخصی در مناطق مرزی گواه آن است که فقر مسئله‌ی اصلی نیست. مسئله اصلی فرهنگ و بی‌ارزش دانستن جنس مؤنث و به حساب نیاموردن دختر است. فرزند دختر به راحتی فروخته می‌شود. ازدواج اجباری زن پس بعد از فوت شوهرش با برادرشوهرش یک سنت در اهل تسنن بسیار شایع و معمول است. اکثر این اتفاقات بین اهل تسنن در استان‌های مرزی می‌افتد. رهبران دینی می‌توانند در تغییر فرهنگ بسیار مؤثر باشند چراکه بیشتر از هر فرد دیگری از سوی خانواده‌ها مورد پذیرش قرار می‌گیرند.

نه تنها در دین اسلام بلکه در دین یهود و سایر ادیان توحیدی زنان به دلیل نقش محوری در جلوگیری از اختلاط انساب و محور پرورش نسل و تربیت نسل، نمی‌توانند بطور همزمان با بیش از یک مرد ازدواج کنند. در کشور چین پس از تصویب قانون تک فرزندی، یکباره با ۳۰ میلیون پسر مواجه شدند که تعداد کافی دختر برای ازدواج وجود نداشت. با وجود اینکه اکثریت مردمان چینی سکولار هستند و به هیچ یک از ادیان توحیدی معتقد نیستند، طرح ازدواج همزمان یک دختر با بیش از یک مرد را نپذیرفتند و لذا مجبور به ترویج پدیده‌ی مهاجرت در چین شدند. در حال حاضر بیشتر مهاجرین کشور کانادا و برخی کشورهای دیگر از اتباع چین هستند. نکته‌ی دوم اینکه قانون دومین فرزند را منوط به شرایط خاص کردند. طبیعی است این مسئله صورت نمی‌گیرد چراکه اصل در قوانین دینی تک همسری است اما در صورت وجود شرایط و مصلحت. از سوی دیگر عناصر سه گانه جرم بررسی شده، قوانینی موجود است، حبس تعزیری درجه ۶ و درجه ۴ در موارد مختلف بررسی شده اما حتی اگر این حبس‌ها با درجه‌های مختلف باشد، نمی‌تواند برای مقابله صرفاً کارآمد باشد زیرا که میزانی از بازدارندگی را دارد اما جنبه‌ی پیشگیری آن مقوله‌ی مصلحت است و مقوله‌ی مصلحت هم اینطور نیست که بتوانیم یک نسخه‌ی واحد بپیچیم. پدر یا مادر یا سرپرست قانونی نباید از حریم اختیارات خودش تخطی بکند و سوءاستفاده بکند. رهبران دینی بایستی بتوانند بر اساس مقتضیات زمان قلمرو مصلحت را در جامعه تعریف کنند. مطالعه کتاب مقاصدالشریعه شاطبی که مشتمل بر بیش از ۲۰۰ صفحه بر قلمرو، تعریف و جایگاه و مصادیق مصلحت است را به حضار توصیه می‌کنم. قانون کشورما بر اساس رأی شاز فقها است انشاء شده است و نه مشهور فقها. حضرت امام (ره) در تحریرالوسیله صریحاً می‌فرمایند دختر عاقله‌ی بالغه‌ی رشیده مستحب است اذن پدر را برای ازدواج داشته باشد، اما قانون می‌گوید ضروری و لازم است. دلیل این است قول مشهور فقها استحباب اذن پدر را دارد، قول شاز فقها الزام دارد و دقیقاً قانون‌گذار اینجا بر مبنای قول شاز عمل کرده است. برخی از فقها هم گفتند اگر رشیده باشند اذن نمی‌خواهد اگر رشیده نباشد اذن را حتی اگر بالغه باشد می‌خواهد. اگر دختری به سن تکلیف هم رسیده، عاقله و بالغه و رشیده باشد، ولی امکان ازدواج ندارد چاره چیست؟ و مسئولیت همه دست‌اندرکاران سنگین است چراکه شاید بحران عدم ازدواج دختر

و پسرها است و نه ازدواج الزامی زودرس. هرچند آن هم در قاعده خود قابل بررسی است و به نظر می‌رسد دولتمردان باید در تسهیل ازدواج ساده تمهیداتی معمول دارند تا جامعه با بحران ارضای نیازها مواجه نشود.

